

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح پژوهشی
**بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی در پایان‌نامه‌ها
و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران**

مجری

بهروز رسولی

همکاران

حمیدرضا مختاری اسکی، مجید نبوی، مرتضی نبی‌مبیدی، مریم
نظری، سیروس علیدوستی

پاییز ۱۳۹۴

حق نشر

حقوق: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح «بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران» پیرو قراردادی میان پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (کارفرما) و بهروز رسولی (مجری) اجرا شده است. گزارش حاضر از مستندات این طرح است.

این گزارش و تمامی حقوق مادی آن بر اساس «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است و هر گونه استفاده از تمامی یا پاره‌ای از آن، شامل: نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل و مانند آنها به صورت چاپی، الکترونیکی یا وسایل دیگر فقط با اجازه کتبی پژوهشگاه امکان‌پذیر است. نقل قول در حد هزار واژه در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله با درج اطلاعات کامل کتابشناختی، نیازی به مجوز پژوهشگاه ندارد.

صحت مندرجات گزارش برعهده مجری طرح است.

شماره: ۳۳۱۳۲۳۸
تاریخ: ۱۳۹۴ / ۱۲ / ۳
پیوست:

بسم خدا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
ایرانداک



پژوهش، مدیریت دانش، آموزش

گواهی

انجام طرح پژوهشی:

- ◇ عنوان: بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران
- ◇ مجری: بهروز رسولی
- ◇ همکار(ان): حمیدرضا مختاری اسکی، مجید نبوی، مرتضی نبی‌میدی، مریم نظری، سیروس علیدوستی
- ◇ شماره قرارداد: -
- ◇ تاریخ قرارداد: -
- ◇ تاریخ پایان: ۱۳۹۴/۹/۱۸

در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و گزارش نهایی آن بر پایه داوری و تصویب شورای پژوهشی پژوهشگاه (نشست ۱۸۸ مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۸) تأیید می‌شود. لازم می‌داند مراتب قدردانی خود را به مجری و همکاران این طرح تقدیم دارد.

بهراد دوران
معاون پژوهش

بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران

مدیر طرح پژوهشی: بهروز رسولی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

نشانی: تهران - خیابان انقلاب - تقاطع فلسطین - شماره ۱۰۹۰.

صندوق پستی: ۱۳۱۸۵ - ۱۳۷۱

وبگاه: <http://irandoc.ac.ir>

رایانامه: rasouli@students.irandoc.ac.ir

همکاران اصلی: حمیدرضا مختاری اسکی، مجید نبوی، مرتضی نبی‌میدی، مریم نظری، سیروس علیدوستی

چکیده

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی، به عنوان یک نوشتار علمی و دانشگاهی، را می‌توان مهم‌ترین اثر دانشجو در طول یک دوره تحصیلی به شمار آورد. به واسطه این آثار به دانشجویان مدرک تحصیلی خاصی ارائه می‌شود و ممکن است بر ارزیابی عملکرد آموزشی، پژوهشی، و حرفه‌ای آنان اثرگذار باشند. بنابراین، نگارش این آثار توسط خود دانشجویان دارای اهمیت بسیاری است. با این حال، برخی دانشجویان افراد دیگری را برای نگارش پایان‌نامه‌شان به استخدام می‌گیرند و نامی از پدیدآور اصلی در اثر نمی‌آورند؛ این پدیده، که سایه‌نویسی دانشگاهی نام دارد، نوعی بدرفتاری علمی/دانشگاهی است و در شمار کج‌روی‌های اجتماعی دسته‌بندی می‌شود. واکاوی چستی، چگونگی، و چرایی این پدیده، هدفی است که در پژوهش حاضر پیگیری شده است. این پژوهش اولین بخش از مجموعه مطالعه‌های مرتبط با سایه‌نویسی دانشگاهی در بافت علمی و فرهنگی ایران است. به منظور دستیابی به این هدف، پژوهشگران در چارچوب رویکرد کیفی، با مهم‌ترین کنش‌گران این پدیده، یعنی دانشجویان سفارش‌دهنده پایان‌نامه و سایه‌نویس‌ها، مصاحبه کرده‌اند. به این ترتیب، داده حاصل از مصاحبه با شش مشتری و ۱۰ سایه‌نویس کدگذاری، الگویابی، و دسته‌بندی شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، چستی سایه‌نویسی در هفت محور (عناوین شغلی، دامنه سایه‌نویسی، سایه‌نویس کیست، کانال آشنایی با سایه‌نویسی، اقتصاد سایه‌نویسی، مشتری کیست، و نگرش در مورد سایه‌نویسی)، چگونگی سایه‌نویسی در هفت محور (بازاریابی، اعتماد، فرایند نگارش سایه‌نویسی، ارتباط مشتری و سایه‌نویس، تحویل اثر، ارتباط با استاد، و دفاع از اثر)، و چرایی سایه‌نویسی در پنج محور (انگیزه سایه‌نویس، انگیزه مشتری، نقش نظام آموزشی، نقش دانشگاه، و نقش اساتید) قابل بررسی است. با وجود آنکه تاکنون نظریه‌ای به شکل مستقیم به موضوع سایه‌نویسی و بدرفتاری علمی/دانشگاهی نپرداخته، می‌توان از نظریه‌های کج‌روی اجتماعی (مانند: نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه فعالیت‌های روزمره، نظریه فشار اجتماعی، و آشفتگی اجتماعی یا آنومی) برای تبیین این پدیده کمک گرفت. یافته‌های پژوهش می‌تواند آگاهی بیشتری پیرامون پدیده سایه‌نویسی در اختیار سیاست‌گذاران آموزش و پژوهش در کشور قرار دهد، تا بتوانند تصمیم‌های دقیق‌تر و سنجیده‌تری درباره شیوه برخورد با آن در محیط‌های آموزشی و پژوهشی گوناگون بگیرند.

کلیدواژه‌ها: سایه‌نویسی؛ بدرفتاری دانشگاهی؛ پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی؛ تحصیلات تکمیلی؛ خرید و فروش پایان‌نامه؛ ایران؛ انحراف اجتماعی.

فهرست نوشته‌ها

عنوان	شماره صفحه
حق نشر	ب
چکیده	ج
فهرست نوشته‌ها	ح
فهرست نمودارها	ر
سپاس‌گزاری	س
پیشگفتار	۱
۱. فصل نخست: کلیات پژوهش	۵
۱-۱. مقدمه	۵
۱-۲. بیان مسئله	۸
۱-۳. اهداف پژوهش	۹
۱-۴. پرسش‌های پژوهش	۱۰
۱-۵. اهمیت و ضرورت پژوهش	۱۰
۱-۶. روش‌شناسی پژوهش	۱۰
۱-۷. تعریف مفاهیم	۱۱
۲. فصل دوم: مبانی نظری پژوهش و بررسی نوشته‌ها	۱۵
۲-۱. مقدمه	۱۶
۲-۲. بخش اول: بدرفتاری دانشگاهی	۱۶
۲-۲-۱. مفهوم و تاریخچه بدرفتاری دانشگاهی	۱۷

۲۰	۲-۲-۲. مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی
۲۳	۲-۲-۳. سایه‌نویسی
۲۶	۲-۲-۴. انواع سایه‌نویسی
۳۱	۲-۲-۵. ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی سایه‌نویسی
۳۵	۲-۲-۶. قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به سایه‌نویسی
۴۱	۲-۲-۷. پدیده سایه‌نویسی در جهان و ایران
۴۶	۲-۳. بخش دوم: نگارش علمی
۴۶	۲-۳-۱. اهمیت نگارش علمی
۴۷	۲-۳-۲. انواع نگارش علمی
۴۹	۲-۳-۳. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی
۵۰	۲-۴. مرور نوشته‌ها
۵۷	۳. فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش
۵۷	۳-۱. مقدمه
۵۹	۳-۲. رویکرد پژوهش
۶۰	۳-۳. روش پژوهش
۶۳	۳-۴. جامعه و نمونه پژوهش
۶۶	۳-۵. بارش فکری
۶۹	۳-۶. ابزار گردآوری اطلاعات: مصاحبه
۷۳	۳-۷. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش
۷۴	۳-۸. تجزیه و تحلیل اطلاعات
۷۷	۳-۹. روایی و پایایی
۷۸	۳-۱۰. مسائل اخلاقی
۸۲	۴. فصل چهارم: یافته‌های پژوهش
۸۲	۴-۱. مقدمه
۸۳	۴-۲. نگاهی کوتاه به یافته‌ها
۸۸	۴-۳. بخش نخست: چستی سایه‌نویسی
۸۸	۴-۳-۱. عناوین شغلی
۹۱	۴-۳-۲. دامنه سایه‌نویسی

۹۴	۴-۳-۳. سایه‌نویس کیست؟
۹۷	۴-۳-۴. کانال آشنایی با سایه‌نویسی
۱۰۰	۴-۳-۵. اقتصاد سایه‌نویسی
۱۰۳	۴-۳-۶. مشتری کیست؟
۱۰۵	۴-۳-۷. نگرش در مورد سایه‌نویسی
۱۱۲	۴-۴. بخش دوم: چگونگی سایه‌نویسی
۱۱۲	۴-۴-۱. بازاریابی
۱۱۶	۴-۴-۲. اعتماد
۱۱۹	۴-۴-۳. فرایند نگارش سایه‌نویسی
۱۲۳	۴-۴-۴. ارتباط مشتری و سایه‌نویس
۱۲۴	۴-۴-۵. تحویل اثر
۱۲۷	۴-۴-۶. ارتباط با استاد
۱۲۹	۴-۴-۷. دفاع از اثر
۱۳۴	۴-۵. بخش سوم: چرایی سایه‌نویسی
۱۳۴	۴-۵-۱. انگیزه سایه‌نویس
۱۳۷	۴-۵-۲. انگیزه مشتری
۱۴۳	۴-۵-۳. نقش نظام آموزشی
۱۴۶	۴-۵-۴. نقش دانشگاه
۱۴۹	۴-۵-۵. نقش اساتید
۱۵۶	۵. فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۱۵۶	۵-۱. خلاصه پژوهش
۱۵۸	۵-۲. بررسی پرسش‌های پژوهش
۱۵۱	۵-۲-۱. پرسش نخست
۱۵۹	۵-۲-۲. پرسش دوم
۱۵۹	۵-۲-۳. پرسش سوم
۱۶۰	۵-۲-۴. پرسش چهارم
۱۶۱	۵-۲-۵. پرسش پنجم
۱۶۲	۵-۳. بحث

۱۶۴	۱-۳-۵. نظریه یادگیری اجتماعی
۱۶۸	۲-۳-۵. نظریه فعالیت های روزمره
۱۷۱	۳-۳-۵. نظریه فشار اجتماعی
۱۷۲	۴-۳-۵. آنومی
۱۷۵	۴-۵. جمع بندی
۱۷۸	۶. فهرست منابع

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۲. چارچوبی کلی برای توصیف رفتار علمی/پژوهشی (STENECK 2006).....	۱۷
نمودار ۲-۲. رشد پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد در پنج سال اخیر	۴۲
نمودار ۳-۲. رشد پذیرش دانشجویان دکتری در پنج سال اخیر	۴۳
نمودار ۱-۳. نقشه ترسیم شده در جلسه بارش فکری (مقاله).....	۶۷
نمودار ۲-۳. نقشه ترسیم شده در جلسه بارش فکری (پارس).....	۶۸
نمودار ۱-۴. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چیستی، چگونگی، و چرایی سایه‌نویسی.....	۸۴
نمودار ۲-۴. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چیستی.....	۸۵
نمودار ۳-۴. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چگونگی.....	۸۶
نمودار ۴-۴. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چرایی	۸۷
نمودار ۵-۴. چیستی سایه‌نویسی	۸۸
نمودار ۶-۴. عناوین شغلی.....	۹۰
نمودار ۷-۴. دامنه سایه‌نویسی.....	۹۱
نمودار ۸-۴. سایه‌نویس کیست؟	۹۴
نمودار ۹-۴. کانال آشنایی سایه‌نویس با سایه‌نویسی	۹۸
نمودار ۱۰-۴. کانال آشنایی مشتری با سایه‌نویسی	۹۸
نمودار ۱۱-۴. اقتصاد سایه‌نویسی	۱۰۰
نمودار ۱۲-۴. مشتری کیست؟	۱۰۳
نمودار ۱۳-۴. نگرش در مورد سایه‌نویسی.....	۱۰۶

- نمودار ۴-۱۴. چگونگی پیشبرد فرایند سایه‌نویسی ۱۱۲
- نمودار ۴-۱۵. شیوه‌های بازاریابی در سایه‌نویسی ۱۱۳
- نمودار ۴-۱۶. اعتماد و ساز و کارهای اعتمادسازی در سایه‌نویسی ۱۱۶
- نمودار ۴-۱۷. فرایند نگارش سایه‌نویسی ۱۱۹
- نمودار ۴-۱۸. چگونگی ارتباط مشتری و سایه‌نویس ۱۲۳
- نمودار ۴-۱۹. چگونگی تحویل اثر در فرایند سایه‌نویسی ۱۲۵
- نمودار ۴-۲۰. چگونگی ارتباط با استاد در فرایند سایه‌نویسی ۱۲۷
- نمودار ۴-۲۱. چگونگی دفاع از اثر در فرایند سایه‌نویسی ۱۲۹
- نمودار ۴-۲۲. جرایب انجام سایه‌نویسی ۱۳۴
- نمودار ۴-۲۳. انگیزه‌های سایه‌نویس‌ها برای انجام سایه‌نویسی ۱۳۵
- نمودار ۴-۲۴. انگیزه‌های دانشجویان برای مراجعه به سایه‌نویس ۱۳۸
- نمودار ۴-۲۵. نقش نظام آموزشی در پدید آمدن پدیده سایه‌نویسی ۱۴۳
- نمودار ۴-۲۶. نقش دانشگاه در پدید آمدن پدیده سایه‌نویسی ۱۴۷
- نمودار ۴-۲۷. نقش اساتید در پدید آمدن پدیده سایه‌نویسی ۱۴۹

سپاس‌گزاری

تکمیل این طرح پژوهشی مرهون مشارکت و رهنمودهای افرادی است که بدون کمک آنها انتشار اثر حاضر ممکن نبود؛ از این رو، بر خود وظیفه می‌دانیم از همه آنها قدردانی کنیم. از آنجا که موضوع بررسی این پژوهش دارای مایه‌ای اجتماعی بود، بدون کمک‌های بی‌دریغ دکتر «بهزاد دوران»، استاد و پژوهشگر این حوزه، درک مسائل اجتماعی مرتبط با بدرفتاری‌های دانشگاهی آسان نبود. از ایشان، برای مشارکت‌شان در این طرح سپاس‌گزاریم. همچنین، گردآوری داده در این پژوهش که با موضوعی حساس سروکار داشت، آسان نبود؛ اما با همکاری افرادی که با آنها مصاحبه شد، رنج این فرایند به فراموشی سپرده شد. بنابراین، همکاری و مشارکت تک‌تک این افراد قابل ستایش است، و این گونه از همه آنها سپاس‌گزاری می‌کنیم. مشارکت در چنین پژوهش‌های حساسی، به طور معمول، ساده نیست و ترس از افشای اطلاعات افراد را از این کار باز می‌دارد. با این حال، این افراد - چه سایه‌نویسان و چه مشتریان - با قبول این خطر، به ما کمک کردند تا پدیده سایه‌نویسی را بیشتر و بهتر بررسی و درک کنیم. همچنین، از عزیزانی که در پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به تیم پژوهش کمک و این زحمت را قبول کردند، نهایت قدردانی را داریم. در پایان، از تمامی افراد دیگری که به نوعی در انجام این پژوهش ما را یاری کردند، و در این جا نامی از ایشان آورده نشد، سپاس‌گزاری می‌کنیم. امید که یافته‌ها و نتایج این پژوهش بتواند مورد استفاده جامعه علمی و دانشگاهی قرار گیرد.

پیشگفتار

آنچه به عنوان بدرفتاری علمی شناخته می‌شود، مصداق‌های بسیاری دارد که یکی از آنها با نام سایه‌نویسی^۱ شناخته می‌شود. سایه‌نویسی به این معناست که کسی یک اثر علمی را برای شخص دیگری بنویسد، بدون اینکه این شخص در نگارش آن مشارکتی درخور داشته باشد. به این ترتیب، اگر همه یا بخش بزرگی از پایان‌نامه یا رساله دانشجویی را دیگری برای او بنویسد، چه در برابر آن پول دریافت کند یا نه، سایه‌نویسی به عنوان یک بدرفتاری علمی روی داده است.

سایه‌نویسی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها از آن رو که در محیط دانشگاه روی می‌دهد، پیامدهای زیان‌باری دارد. استادان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، ده‌ها سال است که به عنوان یکی از گروه‌های مرجع و معتمد جامعه شناخته می‌شوند. اگر سایه‌نویسی به عنوان یک بدرفتاری علمی و یک تخلف آشکار در میان این گروه‌ها گسترش یابد، نباید انتظار داشت که جامعه اعتماد خود را به این گروه حفظ کند. به این ترتیب، نقش استادان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در بهبود جامعه رو به کاستی خواهد رفت.

در سازمان‌های دولتی و برخی از سازمان‌های غیردولتی کشور، معیار شایستگی نیروی انسانی برای استخدام و ارتقا، مدرک تحصیلی ایشان است. اگر یک دانش‌آموخته کارشناسی ارشد یا دکترا، شایستگی کافی را با انجام پژوهش در قالب پایان‌نامه یا رساله نیابد، چیزی نخواهد گذشت که ظرفیت کارشناسی و تخصصی کشور رنگ ببازد و کارکرد خود را از دست بدهد.

^۱ ghost writing

انجام پایان‌نامه و رساله بخشی از آموزش و یادگیری در تحصیلات تکمیلی است. اگر کسی این بخش از آموزش را نگذراند، یاد نمی‌گیرد که چگونه با مسائل سازمانی و اجتماعی روبه‌رو شود و آنها را حل کند. به این ترتیب، دانش‌آموخته این چنینی نخواهد توانست در صحنه عمل، نقشی را که از او انتظار می‌رود به انجام برساند و اعتماد ذی‌نفعان به ایشان از میان خواهد رفت.

اگر دانش‌آموخته‌ای انجام پایان‌نامه یا رساله خود را به دیگری واگذارد و مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا دریافت کند، چگونه می‌توان از وی انتظار داشت که در کاری که به او سپرده می‌شود، درست کار و امانت‌دار باشد. اگر درست کاری و امانت‌داری دانش‌آموختگان کم‌رنگ شود، چگونه می‌توان پست‌های کلیدی را به ایشان سپرد. در این صورت، نظام آموزش عالی چگونه می‌تواند خود را به عنوان یکی از نهادهای کلیدی جامعه نگه دارد.

اگر دانشجویان ببینند که می‌توان بدون زحمت انجام یک پژوهش، مدرک تحصیلات تکمیلی دریافت داشت و از مزایای آن نیز بهره‌مند شد و حساب و کتابی هم در میان نیست، اندک اندک، شور و اشتیاق انجام پژوهش‌های اصیل و معتبر کاهش می‌یابد و آنگاه گسستی جبران‌ناپذیر در جامعه دانشگاهی کشور پدید خواهد آمد که در میان‌مدت پیامدهای ناگواری برای کشور خواهد داشت.

با سایه‌نویسی، سرمایه اجتماعی در درون زیرسیستم آموزش عالی و همچنین در میان این زیر سیستم و سیستم بالاتر آن کاهش خواهد یافت. کاهش سرمایه اجتماعی، هزینه‌هایی مانند نظارت و کنترل را بالا خواهد برد. اگر استادی به دانشجوی خود اعتماد نکند، باید زمان بسیاری را برای بررسی اصالت کار او صرف کند و این به معنای آن است که یکی از گران‌ترین منابع ملی که استادان باشند، باید صرف کارهایی شود که می‌توانستند برای پیشرفت بیش از پیش کشور انجام شوند. از سوی دیگر، اگر سازمان‌ها نتوانند به شایستگی دانش‌آموختگان بر پایه مدرک تحصیلی آنان اعتماد کنند، باید نظام ارزشیابی خود را بسازند و شاید هم به‌سوی تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود بروند که هر دوی اینها برای کشور هزینه‌های گزافی را در پی خواهد داشت.

این مسئله بسیار پیچیده است و باید برای آن راه‌حل‌های پیچیده و چند بعدی و بلندمدت اندیشید. به گفته دیگر، نمی‌توان با یک راه‌حل بسیط و ساده و در کوتاه‌مدت با آن رویاروی شد. در این میان پیش‌گیری نخستین کاری است که باید انجام داد. نباید کار به جایی برسد که برخی از پایان‌نامه‌ها یا رساله‌ها سایه‌نویسی شوند و زمانی کوتاه یا بلند پس از دفاع و دانش‌آموختگی دانشجو،

بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی □ ۳

اندکی از آنها، آن هم به صورت تصادفی یافت شوند. در این زمینه، نهادهای گوناگون باید وارد کار گردند و هر یک نقش خود را به‌درستی و به‌هنگام انجام دهند تا دستاورد آن، درستی و اخلاق پژوهش و تدوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های اصیل باشد. دستاورد پژوهشی که در این زمینه انجام شده است، می‌تواند راه‌گشای سیاست‌گذاران و استادان برای رویارویی با این پدیده باشد.

در این میان، ایرانداک می‌تواند بخشی از این راه‌حل را ارائه کند. از آنجایی که کار سایه‌نویسان به‌طور معمول با کپی‌برداری انجام می‌شود، نخست باید پوشش اطلاعات پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در «پایگاه اطلاعات گنج»^۱ با همکاری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، کامل و دسترسی به آنها آزاد شود. به این ترتیب، همگان از استادان گرفته تا دانشجویان و داوران خواهند توانست به آسانی از کارهای پیشین آگاهی یابند و اگر سایه‌نویسی انجام شده باشد، به آن پی ببرند. دوم اینکه دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها پیش از تصویب پیشنهادیه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها از اصالت آنها با جست‌وجو در پایگاه اطلاعات گنج یا پرسش از «سامانه پیشینه پژوهش»^۲ اطمینان یابند. سوم، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در جریان نگارش پایان‌نامه و رساله، اصالت نوشتارها را در «سامانه همانندجو»^۳ بررسی کنند. این سه راه‌کار می‌تواند پیرامون نقش ایرانداک با همکاری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها شکل گیرند و بخشی از این مسئله را حل کنند.

یاری از اوست

سیروس علیدوستی

رئیس پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

پاییز ۱۳۹۴

^۱ [http:// ganj.irandoc.ac.ir](http://ganj.irandoc.ac.ir)

^۲ <http:// pishineh.irandoc.ac.ir>

^۳ <http:// tik.irandoc.ac.ir>

فصل نخست

کلیات پژوهش

۱. فصل نخست: کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

نگارش علمی و ادبی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر برای انتشار افکار و ایده‌های نو در طول سالیان گذشته و به‌ویژه در چند سده اخیر بوده است. با رشد فزاینده فناوری‌های گوناگون برای نگارش، توزیع، و انتشار آثار علمی و ادبی، سرعت رشد نوشته‌های علمی سیری افزایشی پیدا کرده و روز به روز نیز در حال بیشتر شدن است. بخش بزرگ این نوشته‌های علمی فرآورده دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌هایی است که در خط مقدم آموزش و پژوهش قرار دارند. اگرچه در بخش‌های دیگری خارج از این مؤسسه‌ها نیز شاهد رشد نوشته‌های علمی و ادبی هستیم، اما نقش حیاتی آنها در تولید و توزیع آثار انکارناپذیر است. با توجه به نهادینه شدن نوشته‌های علمی جهت ارزشیابی افراد و نویسندگان آثار دهه‌های اخیر، انگیزه‌های نگارش علمی و ادبی نیز دچار دگرگونی اساسی شده است. با وجود اینکه انتشار افکار تازه و ایده‌های بدیع و کمک به پیشبرد پژوهش‌های علمی، از مهمترین انگیزه‌های نگارش علمی به شمار می‌آید، ارتقای شغلی و تحصیلی، مدرک‌گرایی، و ... نیز به عنوان انگیزه‌های نگارش علمی در دوران جدید مطرح شده‌اند.

«بدرفتاری دانشگاهی»^۱ یکی از نتایج انگیزه‌های منفی پژوهش در عصر حاضر است. این پدیده در دنیای امروز می‌تواند در هر زمینه علمی و هر گونه رسانه‌ای اتفاق بیفتد و می‌توان آن را در دسته

¹ academic misconduct /dishonesty

انحراف‌های دانشگاهی، و در سطحی بالاتر انحراف‌های اجتماعی، به شمار آورد. در مقابل بدرفتاری دانشگاهی، صداقت پژوهشی قرار دارد که اساس اعتماد عمومی به نظام پژوهش دانشگاهی را شکل می‌دهد. به اعتقاد صاحب‌نظران (Anderson et al. 2013, 2017)، صداقت پژوهشی پایه سرمایه‌گذاری مداوم در پژوهش و اتکا به یافته‌های پژوهشی در تصمیم‌گیری است.

«اسدی» (۱۳۹۳) معتقد است، بدرفتاری دانشگاهی مجموعه‌ای از اقدامات ناپذیرفتنی است که از سوی یک پژوهشگر برای پیشبرد اهداف پژوهش و یا افزایش وجهت حرفه‌ای خود صورت می‌گیرد. دامنه بدرفتاری دانشگاهی بسیار گسترده بوده و مصداق‌های گوناگونی دارد. داده‌سازی^۱، دستکاری^۲، سرقت علمی^۳، و سایه‌نویسی علمی از مصداق‌های بارز و رایج بدرفتاری دانشگاهی به شمار می‌آیند (اسدی ۱۳۹۳). اگرچه تمامی مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی ناپسند قلمداد می‌شود، می‌توان سایه‌نویسی علمی را ناپسندترین سطح بدرفتاری دانشگاهی قلمداد کرد. با این حال، برخی از صاحب‌نظران این پدیده را از مصداق‌های سرقت علمی می‌دانند؛ چنانچه جمالی در سخنرانی خود (اینا ۱۳۹۱) درباره سرقت علمی مصداق‌های آن را این گونه بر می‌شمارد:

«استناد نکردن»، «استناد اشتباه»، «نیاوردن منبع در متن»، «بیرون کشیدن اطلاعات از بافتش و به معنای دیگر به کار بردن آن»، «چیزی را به غلط به کسی نسبت دادن»، «جعل منبع یا استناد به منبعی ساختگی» و «سپردن انجام کار کلاسی به فرد دیگر» مواردی هستند که می‌توان آن‌ها را از مصداق‌های سرقت علمی دانست.

نویسنده ناپیدا یا سایه‌نویس^۴ کسی است که بیشتر فرایند مربوط به پژوهش و نگارش یک اثر علمی را انجام می‌دهد، اما نامی از وی در اثر دیده نمی‌شود. در دنیای امروز، این فعالیت به کسب و کاری تبدیل شده که جامعه علمی و در بالای آن دانشگاه‌ها را هدف قرار داده است. این پدیده در محیط دانشگاهی برابر با سپردن فرایند تهیه کارهای پژوهشی و کلاسی به دیگران است، که به طور معمول در ازای پرداخت هزینه صورت می‌گیرد (اسدی ۱۳۹۳). سایه‌نویسی در مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها/

¹ fabrication or data-making

² falsification

³ plagiarism

⁴ ghost writer

رساله‌های دانشگاهی (پارس)^۱ به معنای سپردن کل یا بخش‌هایی از اثر به افراد دیگر برای نگارش است.

بدرفتاری دانشگاهی پدیده‌ای جهان‌شمول بوده و هر سال گزارش‌هایی در این باره در کشورهای گوناگون منتشر می‌شود. در کشور ایران نیز هر از گاهی گزارش‌هایی مبنی بر بدرفتاری دانشگاهی منتشر و مشاهده می‌شود. اما به تازگی سایه‌نویسی علمی به یکی از جدی‌ترین آسیب‌های آموزش عالی در کشور بدل شده که به تدریج رواج بیشتری نیز پیدا کرده است. طی چند سال گذشته در کشور شاهد گسترش تحصیلات تکمیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا بوده‌ایم و بسیاری از دانشگاه‌ها در بیشتر رشته‌ها در جهت افزایش تعداد دانشجویان مقاطع ارشد و دکترای خود کوشیده‌اند. با اینکه این موضوع مزایایی را نیز برای کشور به همراه داشته است، ولی همان‌طور که اشاره شد مشکلات و ناهنجاری‌هایی نیز بروز کرده است که برخی از کارشناسان همین گسترش بی‌رویه تحصیلات تکمیلی را یکی از علت‌های مهم آن می‌دانند. «منصوریان» (۱۳۹۳) نیز گسترش پدیده‌هایی همچون مدرک‌گرایی را از عوامل مهم بدرفتاری‌های علمی قلمداد می‌کند.

این روزها با گشت و گذار در خیابان انقلاب تهران و به‌ویژه میدان انقلاب، که همواره به علت قرار گرفتن دانشگاه تهران و کتابفروشی‌ها و انتشاراتی‌های گوناگون به عنوان قلب تپنده علم و فرهنگ شناخته می‌شود، شاهد صحنه‌هایی هستیم که می‌تواند به خدشه‌دار شدن وجهه علمی کشور منجر شود؛ تبلیغ‌های رنگارنگ فروش پایان‌نامه و مقاله امروزه چیزی است که بر روی در و دیوار این خیابان خودنمایی می‌کند (الف ۱۳۹۲). این پدیده نوظهور حتی در محیط اینترنت هم گسترش قابل توجهی پیدا کرده است. به گونه‌ای که با وارد کردن کلیدواژه‌های انجام پایان‌نامه در موتور جستجوی گوگل با تعداد زیادی از وبگاه‌ها و وبلاگ‌ها برخورد می‌کنیم، که هر کدام در ازای دریافت مبالغ مشخص به نوشتن پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دکترا، و مقالات پژوهشی می‌پردازند.

گسترش پدیده‌هایی همچون سایه‌نویسی و سایر مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی می‌تواند در طولانی‌مدت اعتماد و اتکا به پژوهش و یافته‌های پژوهشی را در کشور با چالش مواجه کند. از این

^۱ در گزارش از اصطلاح «پارس» به جای پایان‌نامه و رساله‌های دانشگاهی استفاده خواهد شد.

رو، مطالعه ابعاد گوناگون این پدیده، عوامل، و انگیزه‌های شکل‌گیری آن در بافت علمی و فرهنگی ایران موضوعی است که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱. بیان مسئله

ایجاد تفکر و خلاقیت پژوهشی یکی از مهم‌ترین کارکردهای پایان‌نامه‌نویسی برای دانشجویان است. پایان‌نامه‌های دانشجویی برای ورود دانشجویان به عرصه پژوهش انگیزه ایجاد کرده و موجب می‌شود تا دانشجویان در این وادی به صورت فردی و یا گروهی بیش از پیش به موفقیت دست یابند (رضازاده ۱۳۹۰). نگارش و دفاع از پایان‌نامه یکی از ملزومات دریافت مدرک در دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است، به گونه‌ای که هر دانشجو در پایان مدت تحصیل خود باید پایان‌نامه‌ای را تحت نظارت اساتید راهنما و مشاور خود تدوین و در حضور داوران از آن دفاع نماید. از این رو، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی از مهم‌ترین برآوردهای پژوهشی فارغ‌التحصیل‌های این دوره‌ها است. یکی از چالش‌هایی که در این زمینه با آن روبرو هستیم، مسئله سایه‌نویسی در اثرهای علمی (مانند پایان‌نامه/رساله‌ها و مقالات علمی) است، که حتی مراجع عظام تقلید بر این عقیده‌اند که این امر جایز نیست (رضازاده ۱۳۹۰). با این وجود گسترش مراکز و افرادی که نوشتن پایان‌نامه‌های دانشجویان متقاضی مدرک را پیشه خود ساخته‌اند نشان از طرح شدن این کار به عنوان یک شغل برای دانشجویان مقاطع بالاتر - به ویژه دکترا - دارد.

سایه‌نویسی علمی می‌تواند به شکل‌های گوناگون انجام شود. ممکن است مرکزی که این خدمت را ارائه می‌دهد خود از ابتدا به نوشتن پایان‌نامه/رساله یا مقاله‌ای جدید اقدام نماید و یا اینکه اثر یا بخشی از اثری که پیش‌تر در دانشگاه دیگر ارائه و دفاع شده را با تغییر عنوان در اختیار فرد متقاضی (مشتری) قرار دهد. به هر حال، عوامل بسیاری بر شکل‌گیری این پدیده در فضای آموزش عالی نقش دارند؛ از عدم آموزش صحیح صداقت پژوهشی گرفته تا مدرک‌گرایی و پیش‌گیری از رکود علمی افراد. با این حال، بررسی کدهای اخلاقی، آیین‌نامه‌های پژوهشی، و مقررات انجام پژوهش در کشور نشان می‌دهد که قوانین و آیین‌نامه‌ها همگام با گسترش انواع بدرفتاری‌های دانشگاهی در کشور بروز رسانی نشده‌اند.

کم‌توجهی سیاست‌گذاران علمی و پژوهشی به این امر، باعث رواج آن شده و می‌تواند دامنه آن را روز به روز گسترده‌تر و قدرتمندتر سازد. بدون شک، تداوم این مسئله، و گسترش و ترویج

سایه‌نویسی علمی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر بدنه علمی دانشگاه‌ها و فضای پژوهشی در کشور وارد سازد؛ عدم اعتماد و اتکا به یافته‌های پژوهشی، عدم سرمایه‌گذاری کارآمد در حوزه‌های پژوهشی، افزوده شدن پژوهشگران بی‌تجربه به فضای علمی کشور، عدم رشد ایده‌ها و آثار مبتکرانه در بافت‌های علمی، و غیره، تنها تعداد کمی از پیامدهای ترویج سایه‌نویسی هستند. در زمینه مسائل اجتماعی نیز، همانند بیماری‌های پزشکی، پیشگیری مقدم بر درمان است. بنابراین، پیش از هر گونه اقدام درمانی در جهت برخورد با مراکز و افرادی که به کار سایه‌نویسی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های دانشگاهی می‌پردازند، باید انگیزه‌های آنان را از انجام چنین کارهایی شناسایی و سپس در گام‌های بعد اقدامات لازم را متناسب با آن انجام داد. از این رو، این پژوهش مطالعه‌ای آغازین در راستای شناسایی ابعاد گوناگون این پدیده و عوامل و انگیزه‌های شکل‌گیری آن در بافت علمی و فرهنگی ایران است.

اگرچه تاکنون پژوهش‌هایی راجع به علل و انگیزه‌های شکل‌گیری پدیده یادشده انجام شده (که تعداد آنها نیز بسیار اندک است)، اما هیچ‌کدام از آنها به طور مستقیم کنشگران این مسئله را مطالعه نکرده، و در نتیجه نتوانسته‌اند درک جامعی از چارچوب مسئله ارائه دهند. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی در صدد است، چارچوب سایه‌نویسی علمی را مشخص کند و به بررسی علل و انگیزه‌های این بدرفتاری دانشگاهی بپردازد.

۳-۱. اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی نوشتارهای دانشگاهی است. در راستای نیل به این هدف، به اهداف جزئی زیر پرداخته خواهد شد:

- درک چیستی فضای سایه‌نویسی در ایران؛
- شناسایی فرایند و چگونگی انجام پدیده سایه‌نویسی در کشور؛
- شناسایی انواع و شیوه‌های بازاریابی پدیده سایه‌نویسی علمی؛
- شناسایی عوامل و انگیزه‌های مؤثر بر سفارش پارس‌ها؛
- شناسایی عوامل و انگیزه‌های مؤثر بر تمایل افراد به سایه‌نویسی نگارش نوشتارهای دانشگاهی.

۴-۱. پرسش‌های پژوهش

چیستی پدیده سایه‌نویسی، چگونگی انجام آن، و چرایی گسترش آن، پرسش‌های اصلی این پژوهش را شکل می‌دهند. در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، پرسش‌های جزئی زیر بررسی خواهند شد:

- پدیده سایه‌نویسی علمی در بافت ایران چیست و چه ابعاد و دامنه‌ای دارد؟
- فرایند و چگونگی انجام پدیده سایه‌نویسی علمی در کشور به چه شکل است؟
- انواع و شیوه‌های بازاریابی پدیده سایه‌نویسی علمی در کشور کدام است؟
- چه عوامل و انگیزه‌هایی بر سفارش پارس‌ها در کشور موثر هستند؟
- چه عوامل و انگیزه‌هایی بر تمایل افراد به سایه‌نویسی نگارش نوشتارهای دانشگاهی مؤثر هستند؟

۵-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

برخورد با مراکز و افرادی که اقدام به تهیه پایان‌نامه/رساله و مقاله برای دیگران می‌کنند همواره پاسخ‌گو نیست. چرا که این افراد و مراکز به راحتی می‌توانند به صورت زیرزمینی و دور از چشم قانون به فعالیت‌های خود ادامه دهند. بنابراین شناسایی علل و انگیزه‌های افرادی که اقدام به تأسیس این مراکز کرده و یا خود به صورت انفرادی به انجام این کار می‌پردازند، و پاسخ‌گویی به این انگیزه‌ها گامی مهم در برخورد و برچیدن این ناهنجاری اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر این انگیزه‌ها شناسایی نشده و افراد به کار خود ادامه دهند، افراد دیگر نیز به این کار به عنوان یک شغل نگاه می‌کنند و این پدیده ناهنجار به عنوان یک شغل در جامعه نهادینه خواهد شد. از این رو انجام پژوهش‌هایی مانند پژوهش حاضر که در جهت بررسی بنیادین پدیده‌هایی از این دست هستند، اهمیت یافته و ضرورت پیدا می‌کنند.

۶-۱. روش‌شناسی پژوهش

فلسفه و جهان‌بینی اصلی این پژوهش تفسیرگرایی است، که در صدد استخراج واقعیت پدیده سایه‌نویسی از بافت اجتماعی و ذهن کنش‌گران محوری این پدیده (سایه‌نویس‌ها و مشتریان) است. در این راستا، از منطق استقرایی و رویکرد کیفی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار و دسته‌بندی آنها استفاده می‌کند. البته، جهان‌بینی پژوهش به طور کامل به فلسفه تفسیرگرایی پای‌بند نیست، چرا که باور اصلی پژوهش بر این استوار است که تمام واقعیت پدیده سایه‌نویسی تنها در ذهن کنش‌گران محوری نیست،

بلکه بخشی از آن نیز در جهان واقع وجود دارد. بنابراین، این پژوهش تا اندازه‌ای هم از فلسفه عمل‌گرایی تبعیت می‌کند.

رویکرد این مطالعه نیز کیفی است، چون «کرسول»^۱ پژوهش‌هایی را شایسته بررسی توسط رویکرد کیفی می‌داند که به دنبال شناخت و فهم یک مفهوم یا یک پدیده هستند؛ به دلیل آن که پژوهش انجام شده در آن حوزه قابل توجه نیست. روش پژوهش کیفی اکتشافی است و زمانی که پژوهشگر متغیرهای مهم را برای بررسی نمی‌شناسد سودمند است. این نوع رویکرد، بخاطر جدید بودن موضوع یا این که به موضوع پیش‌تر با نمونه یا گروهی خاص از افراد پرداخته نشده و یا نظریه‌های موجود در زمینه نمونه‌ای خاص یا گروه مورد بررسی کاربرد ندارد، به کار می‌رود (Creswell 2003).

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از ابزار مصاحبه استفاده شده، و جامعه پژوهش حاضر، هم شامل سایه‌نویسان علمی می‌شود و هم افرادی را در بر می‌گیرد که پایان‌نامه/رساله خود را به سایه‌نویس‌ها سفارش می‌دهند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه، از روش‌های کدگذاری و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است. در نهایت، این کدها وارد فرایند الگویابی شده، تا بتوان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد.

۷-۱. تعریف مفاهیم

مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاح‌هایی که در دامنه این پژوهش مطرح شده و توضیح پژوهشگران از کاربرد آنها ضروری به نظر می‌رسد، در زیر آمده‌اند:

سایه‌نویسی علمی: سایه‌نویسی علمی پدیده‌ای است که در آن یک اثر علمی توسط فردی نگارش شده و فرد دیگری آن را با نام خود در یک محیط دانشگاهی ارائه می‌دهد. بنابراین، در اثر نهایی نامی از پدیدآور اصلی نخواهد آمد. این نگارش می‌تواند در قبال دریافت دستمزد باشد یا رایگان انجام شود. اگرچه ممکن است سایه‌نویسی در بافت‌های دیگر (مانند زندگی‌نامه‌نویسی) پذیرفته شود، اما این عمل در بافت‌های دانشگاهی و علمی - پژوهشی قابل قبول نیست. به طور خاص، منظور از سایه‌نویسی در این پژوهش نگارش پایان‌نامه یا رساله توسط فرد دیگری غیر از دانشجو است.

¹ Cresswell

بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی □ ۱۲

سایه‌نویس: فردی است که با یا بدون دریافت هزینه، به سفارش یک مشتری، پایان‌نامه یا رساله او را می‌نویسد، در حالی که در اثر پایانی نامی از او برده نمی‌شود. این نگارش بخش قابل توجهی از اثر پایانی را پوشش می‌دهد.

مشتری: فردی است که خود - به دلایل گوناگون - توانایی نگارش پایان‌نامه یا رساله خود را ندارد، و برای تکمیل کار خود از فرد دیگری (سایه‌نویس) کمک می‌گیرد. کمک سایه‌نویسی می‌تواند با یا بدون هزینه انجام شود، و در تکمیل اثر پایانی تأثیر قابل توجهی دارد.

نوشتارهای دانشگاهی: منظور از نوشتارهای دانشگاهی در این پژوهش، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی است؛ در ادامه این دو اثر تعریف شده‌اند:

□ پایان‌نامه کارشناسی ارشد: آیین‌نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته (مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۵ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی)، در بند پنج از ماده ۲ پایان‌نامه را این گونه تعریف کرده است: «فعالیت پژوهشی - تحقیقاتی است که در یک زمینه رشته تحصیلی مربوط و تحت راهنمایی استاد راهنما انجام می‌شود». در هر صورت، مراد از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در این پژوهش، یک اثر علمی - پژوهشی است که دانشجوی کارشناسی ارشد باید آن را تحت نظارت بازرینی و حمایت استاد راهنما (و مشاور) و دانشگاه یا مؤسسه عالی مربوطه طرح و تکمیل کند؛ همچنین این اثر به عنوان یکی از ملزومات فارغ‌التحصیلی او از مؤسسه مربوطه است.

□ رساله دکتری: آیین‌نامه دوره دکتری (مصوب ۱۳۸۹/۸/۸ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی)، تعریفی از رساله (تز) دوره دکتری ارائه نشده، بلکه فقط در ماده شش آن تصریح شده است: «دانشجو موظف است در شیوه آموزشی - پژوهشی تا پایان نیمسال اول و در شیوه پژوهشی، از طرح‌های پژوهشی تقاضا محور هم‌زمان با پذیرش، موضوع رساله خود را با هماهنگی استاد راهنما تعیین و پس از تصویب شورا فعالیت پژوهشی خود را آغاز کند». در هر صورت، بر اساس تعریفی که برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارائه شد، می‌توان گفت مراد از رساله دکتری در این پژوهش، یک اثر علمی - پژوهشی است که دانشجوی دکتری باید آن را تحت نظارت و حمایت استاد (های) راهنما (و مشاوران) و دانشگاه یا مؤسسه عالی مربوطه طرح و تکمیل کند، و این اثر به عنوان یکی از ملزومات فارغ‌التحصیلی او از مؤسسه مربوطه است.

بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه نویسی □ ۱۳

فصل دوم

مبانی نظری پژوهش و بررسی نوشته‌ها

۲. فصل دوم: مبانی نظری پژوهش و بررسی نوشته‌ها

«ببی»^۱ (۲۰۱۳, ۴۹۹-۴۹۸) معتقد است، در بسیاری از موارد بررسی نوشته‌ها^۲ پیرامون مفاهیم کلیدی پژوهش شکل می‌گیرد. بنابراین در فصلی که به بررسی نوشته‌ها پرداخته می‌شود، شناسایی مجموعه‌ای از مفاهیم و اصطلاحاتی که جهت‌گیری اصلی پژوهش را نشان می‌دهد، ضروری به نظر می‌رسد. از دید «برایمن» و «بل»^۳ (۲۰۰۷) نیز بررسی نوشته‌ها درک ژرف‌تری راجع به اهمیت پرسش‌های پژوهش به ما خواهد داد، و از این طریق می‌توان به توضیح مفاهیمی پرداخت که در طی تحلیل‌ها از آنها استفاده می‌کنیم.

از این رو، به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش، که در فصل نخست به آن اشاره شد، پرسش‌های اصلی پژوهش (که در همان فصل بیان شد) باید مورد واکاوی قرار گیرد. پرسش‌های اصلی پژوهش شامل مفاهیمی است که در این فصل تلاش می‌شود به آنها پرداخته و توضیح‌های بیشتری درباره آنها ارائه شود. بدرفتاری دانشگاهی، سایه‌نویسی، و انواع نوشتارهای دانشگاهی، مهم‌ترین مفاهیمی هستند که به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

¹ Babbie

² literature Review

³ Bryman and Bell

۲-۱. مقدمه

درستکاری و صداقت علمی^۱ ارزشی کلیدی در علم، یادگیری علم، و آموزش علم قلمداد می‌شود. با رواج آموزش علمی در دانشگاه‌ها، و افزایش انگیزه‌های فراگیری علم و تحصیل در دانشگاه، پدیده بدرفتاری دانشگاهی^۲ نیز در مقابل درستکاری علمی رواج پیدا کرده و در نتیجه امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزش عالی است. اگرچه، نباید از یاد برد که گرایش دانشجویان به این سمت تنها به دلیل عدم صداقت آنها نیست، بلکه نداشتن مهارت‌های لازم برای پژوهش نیز یکی از دلایل مهم آن به شمار می‌آید.

۲-۲. بخش اول: بدرفتاری دانشگاهی

«بدرفتاری دانشگاهی» یکی از پیامدهای تعدد انگیزه‌های نگارش در عصر حاضر است. بدرفتاری دانشگاهی پدیده‌ای است که در دنیای امروز می‌تواند در هر حوزه علمی و هر نوع رسانه‌ای اتفاق بیفتد. از دید «اسدی» (۱۳۹۳)، بدرفتاری دانشگاهی مجموعه‌ای از اقدامات ناپذیرفتنی‌ای است که پژوهشگر برای پیشبرد اهداف پژوهش و یا افزایش وجهت حرفه‌ای خود انجام می‌دهد. بدرفتاری دانشگاهی را به طور معمول در مقابل اصطلاح «صداقت علمی» به کار می‌گیرند.

«تیم نیوبرن»^۳ (۲۰۰۷) در کتاب «جرم‌شناسی» به دسته‌ای از انحرافات با عنوان «فریب کاری دانشگاهی»^۴ اشاره می‌کند، که در سال‌های اخیر شمار آنها بیشتر شده است. فریب کاری دانشگاهی، خود به دو دسته بدرفتاری دانشگاهی و بدرفتاری پژوهشی تقسیم می‌شود. «نیوبرن» تأکید می‌کند، این نوع فریب کاری در گروه تخلف‌های «یقه سفیدها»^۵ دسته‌بندی می‌شود. بنابراین، هر نوع فریب و تقلبی که به قصد برخورداری از یک امتیاز یا کسب هر نوع منفعتی انجام شود، در این زمینه مطرح می‌شود. با این حال، در بیشتر نوشته‌های مرتبط با موضوع فریب کاری دانشگاهی، بدرفتاری دانشگاهی و بدرفتاری پژوهشی جدا از هم تعریف نمی‌شوند، و این دو اصطلاح مترادف هم - و گاهی به جای هم - به کار می‌روند.

¹ academic integrity/ responsible conduct Of research

² academic dishonesty/misconduct /misbehavior

³ Tim Newburn

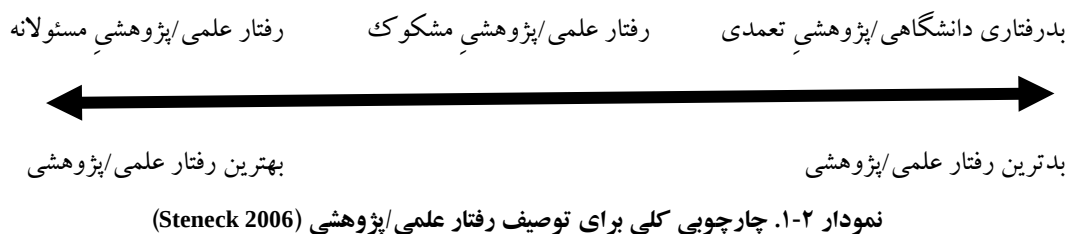
⁴ academic fraud

⁵ white-collar

در بخش نخست مبانی نظری این پژوهش، به تفصیل، به پدیدهٔ بدرفتاری دانشگاهی پرداخته می‌شود. مفهوم این پدیده، تاریخچه‌ای مختصر از آن، مصداق‌های بدرفتاری، و غیره، مسائل مهمی هستند که در ابتدا به آنها پرداخته می‌شود. این بخش با بحث پیرامون یکی از مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی، یعنی پدیدهٔ سایه‌نویسی، ادامه می‌یابد. پس از تعریف سایه‌نویسی و دامنهٔ آن، انگیزه‌های انجام آن و قوانین و مقررات خاصی که برای جلوگیری از رواج سایه‌نویسی در سطوح گوناگون تدوین و تهیه شده است، مورد کنکاش قرار خواهد گرفت. این بخش با توصیف پدیدهٔ سایه‌نویسی در سطح بین‌المللی و ایران خاتمه پیدا خواهد کرد.

۱-۲-۲. مفهوم و تاریخچهٔ بدرفتاری دانشگاهی

اتفاق‌های گوناگون - و گاهی عجیب - که در دو دههٔ اخیر در حوزهٔ پژوهش و نگارش علمی رخ داده، باعث شده است که کارشناسان رفتارهای علمی را به سه دستهٔ گسترده تقسیم کنند: بدرفتاری دانشگاهی/پژوهشیِ تعمّدی، رفتار علمی/پژوهشیِ مشکوک، و رفتار علمی/پژوهشیِ مسئولانه^۱ (Steneck 2006). اگر بخواهیم این سه رفتار را در یک طیف قرار دهیم، نمودار آن به شکل زیر در خواهد آمد:



بر اساس نمودار ۱-۲، بهترین رفتار علمی/پژوهشی که سطح بالای استانداردهای موجود را در بر می‌گیرد، دستهٔ سوم از طبقه‌بندی رفتار علمی/پژوهشی است. از طرف دیگر، بدرفتاری دانشگاهی/پژوهشیِ تعمّدی، رفتاری است که همه معتقدند که باید از آن دوری گزید، و این بدترین رفتاری است که یک پژوهشگر می‌تواند در پژوهش خود مرتکب شود. رفتار علمی/پژوهشیِ مشکوک نیز در میانهٔ این دو طیف قرار دارد (Steneck 2006).

¹ Deliberate Misconduct, Questionable Research Practices, Responsible Conduct Of Research

«کمیسیون صداقت پژوهشی»^۱ (Ryan 1995) بدرفتاری در پژوهش را این گونه تعریف کرده است: «بدرفتاری پژوهشی عمل قابل توجه و مهمی است که مالکیت فکری را نقض می‌کند و به طور عمدی مانع پیشرفت پژوهش می‌شود، یا در روند پژوهش خللی ایجاد می‌کند و در تضاد با صداقت علمی و پژوهشی است. این گونه رفتارها در ارائه پیشنهادها، پژوهشی، انجام پژوهش، و گزارش نتایج پژوهش یا در داوری یک پیشنهادیه یا گزارش نتیجه‌های پژوهشی و مدارک دیگر، کاری ناپسند، غیراخلاقی، و غیرقابل قبول قلمداد می‌شود».

«ستنک» (۲۰۰۶) برای تعریف بدرفتاری دانشگاهی، این اصطلاح را در مقابل رفتار پژوهشی مسئولانه قرار داده و رفتار پژوهشی مسئولانه را تعریف می‌کند: «انجام یک پژوهش به شیوه‌ای که با مسئولیت‌های حرفه‌ای پژوهشگر - که توسط سازمان‌های حرفه‌ای تعریف شده، سازمان‌هایی که پژوهشگر برای آن کار می‌کند، یا بخش دولتی - تناقض نداشته باشد».

آیین‌نامه آموزشی دانشگاه «وایومینگ»^۲ (۲۰۱۰) بدرفتاری دانشگاهی را به طور خلاصه به این شکل تعریف می‌کند: «عملی که - قصد انجام آن وجود داشته باشد یا آنکه انجام شده باشد - به اشتباه همکاری کسی [دانشجویی] را در یک وظیفه علمی به هر نحوی نشان دهد، یا آنکه [آن فرد] به دانشجوی دیگری اجازه دهد که از کار او به عنوان یک وظیفه علمی استفاده کند».

اما سابقه بدرفتاری دانشگاهی / پژوهشی را شاید بتوان در تاریخچه سرقت ادبی جستجو کرد. «گاساوی»^۳ (۲۰۱۰) معتقد است، سابقه رونوشت‌برداری افراد سودجو از آثار بکر و منحصر به فرد دیگران و انتساب این آثار به خود، به اندازه سابقه تولید و نشر هنر، ادبیات، و موسیقی است. به احتمال زیاد این کار تنها برای کسب تحسین و احترامی بوده که مردم برای یک هنرمند یا شاعر قائل بوده‌اند، یا آنکه شاید انتساب نبوغ دیگران به خود انگیزه این افراد بوده است. از دید «گاساوی» (۲۰۱۰)، حدود قرن ۱۵ میلادی بود که نخستین شکایت موقت سرقت ادبی در قانون انگلستان به ثبت رسید. در سال‌های بعد، پیشرفت‌های بشر در زمینه فناوری‌های گوناگون - از ماشین چاپ گرفته تا وب - باعث

² The Commission on Research Integrity

¹ University of Wyoming

² Gasaway

رواج بیشتر این گونه رفتارها در عرصه پژوهش و دانشگاه شد. از آن زمان تا کنون، نظام‌های قانونی و پیشگیرانه نیز به موازات این بدرفتاری‌ها پیشرفت کرده است.

بدرفتاری دانشگاهی/پژوهشی، به عنوان یک مسئله عمومی، برای نخستین بار در ایالات متحده در سال ۱۹۸۱ مطرح شد. در آن زمان گزارش‌هایی راجع به این پدیده به گوش «کمیته فناوری و علوم مجلس»^۱ رسید و این گزارش‌ها در گفتمان‌های عمومی منتشر و به یک مسئله جدی تبدیل شد. بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۱ تعداد ۱۲ گزارش بدرفتاری دانشگاهی در این کمیته بررسی شد. به همین طریق، گزارش‌های زیادی از بدرفتاری‌های دانشگاهی پژوهشگران توسط دانشگاه‌ها، مؤسسه ملی بهداشت، و دیگر مؤسسه‌های پژوهشی در دهه ۱۹۸۰ به کنگره رسید. بنابراین، کنگره در سال ۱۹۸۵ مجبور به گذراندن قانونی^۲ در این زمینه شد، و بعدها دفتری برای رسیدگی به این موضوع دایر کرد. در سال ۱۹۹۳ نیز کمیسیون صداقت پژوهشی برای نخستین بار شکل گرفت (Office of Research Integrity 2011).

بدرفتاری‌های دانشگاهی از جمله پدیده‌های مخربی است که هرکدام از کشورهای جهان به نوعی درگیر آن هستند. گزارش مجله «ساینس»^۳ در اواخر سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که کمتر کشوری در جهان وجود دارد که پژوهشگران آن در نوشتارهای خود از سرقت ادبی - به عنوان یکی از مصادیق بدرفتاری‌های دانشگاهی - مبرا باشند (Bohannon 2014). طبق نتایج این پژوهش، بیش از ۱۵ درصد پژوهشگران ایرانی در نگارش مقاله‌هایی که به زبان انگلیسی منتشر کرده‌اند، مرتکب سرقت ادبی شده‌اند (Bohannon 2014).

امروزه، رواج پدیده بدرفتاری دانشگاهی به اندازه‌ای است که کمتر کشور و نظام آموزشی را می‌توان یافت که با این مسئله درگیر نباشد. از این رو است که بیشتر کشورها در تلاش هستند تا به روشی بتوانند با این مسئله مقابله و از گسترش آن جلوگیری کنند. به نظر می‌رسد، رواج این مسئله از دید جنسیتی میان مردان بیشتر از زنان است. نتایج پژوهش اخیر «فنگ»، «بنت»، و «کاسادوال»^۴ (۲۰۱۳) گویای این واقعیت است که در محیط‌های دانشگاهی مردان بیشتر از زنان دست به بدرفتاری

¹ House Science and Technology Committee

² Health Research Extension Act

³ sciencemag

⁴ Fang, Bennett, Casadevall

دانشگاهی می‌زنند. آنها در تبیین این مسئله، به بالا بودن میزان ریسک‌پذیری در مردان نسبت به زنان و همچنین خصوصیت رقابتی در مردان اشاره می‌کنند.

۲-۲-۲. مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی

دامنه بدرفتاری دانشگاهی بسیار گسترده بوده و مصادیق گوناگونی دارد. «اسدی» (۱۳۹۳) مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی را شامل داده‌سازی، دستکاری، سرقت ادبی، و سایه‌نویسی علمی^۱ می‌داند. اگرچه این دسته‌بندی در نگاه اول کامل و جامع به نظر می‌رسد، اما در واقع این مصداق‌ها محدود به فعالیت‌های پژوهشی می‌شوند، و بدرفتاری‌های دانشگاهی آموزشی را در بر نمی‌گیرند. در واقع بدرفتاری دانشگاهی گستره بیشتری از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد؛ نویسندگی افتخاری^۲، تقلب در امتحانات و آزمون‌های آموزشی، و تقلب در نگارش تکالیف کلاسی را نیز می‌توان به این فهرست افزود. اما، از آنجایی که مسئله اصلی این پژوهش فعالیت‌های پژوهشی است، تمرکز بر بدرفتاری‌های دانشگاهی پژوهشی خواهد بود.

طبق [آیین‌نامه بدرفتاری دانشگاهی دانشگاه «وایومینگ» \(۲۰۱۰\)](#) در ایالات متحده، اعمالی که

از نظر این دانشگاه در زمره بدرفتاری‌های دانشگاهی قرار می‌گیرد، عبارتند از:

□ ارائه کار شخص دیگری - به صورت رونوشت‌برداری یا امانت گرفتن - از هر منبعی که توسط شخص دیگری نوشته شده - عمومی یا خصوصی - بدون استناد به آن منبع، به عنوان کار علمی خود؛

□ استخدام یک سایه‌نویس، در قبال هزینه یا به هر شکل دیگری، برای نگارش هر نوع تکلیف دانشگاهی؛

□ ارائه تکلیفی مشابه - با تغییراتی جزئی، به صورتی که این تغییرات قابل توجه نباشند - به چند کلاس، بدون اجازه صریح از اساتید مربوطه؛

□ انجام تکلیف کلاسی برای افراد دیگر یا اجازه دادن رونوشت‌برداری از تکلیف خود؛

□ استفاده از صحبت‌ها و اطلاعات ارائه شده توسط اساتید در یک آزمون/امتحان، بدون اجازه خود آنها؛

¹ academic ghostwriting

² honorary authorship

□ شرکت در جلسه آزمون به جای شخصی دیگر یا استخدام شخصی به جای خود سر جلسه آزمون؛

□ تقلب از روی دست کسی دیگر یا کمک کردن به شخص دیگری سر جلسه آزمون؛

□ سرقت یا هر تلاش دیگری برای به دست آوردن پرسش‌های آزمون پیش یا بعد از اجرای آزمون؛

□ ارائه تکلیفی مشابه - با تغییراتی جزئی، به گونه‌ای که این تغییرات قابل توجه نباشند - به عنوان فردی دیگر، بدون اجازه اساتید مربوطه.

این آیین‌نامه خاطرنشان می‌کند که تنها بیان منابع مورد استفاده در انتهای آثار با عنوان «فهرست منابع و مآخذ» برای رعایت امانت‌داری علمی کافی نبوده، و دانشجویان موظف هستند شیوه‌ها و نکات مربوط به استناد دادن به منابع را بیاموزند. همچنین، یادآوری می‌کند اگر دانشجویی به دانشجوی دیگری در یک تقلب کمک کند، هر دوی آنها گناهکار شناخته شده و مطابق مقررات موجود مجازات خواهند شد. بر طبق آیین‌نامه این دانشگاه، هم سایه‌نویسی و هم کسی که کار خود را به یک سایه‌نویس واگذار می‌کند گناهکار بوده و هر دوی آنها مجازات خواهند شد (University of Wyoming 2010).

بیشتر دانشگاه‌هایی که از عواقب پدیده بدرفتاری‌های دانشگاهی آگاه هستند، در آیین‌نامه‌های آموزشی و پژوهشی خود به این مسئله اهمیت بسیار زیادی داده، و برای دانشجویان و پژوهشگرانی که مرتکب این گونه بدرفتاری‌های دانشگاهی می‌شوند مجازات سختی در نظر گرفته‌اند. در هر صورت، با وجود رفتارهای اشتباهی که ما آنها را به عنوان بدرفتاری‌های دانشگاهی می‌شناسیم، چند مورد از این بدرفتاری‌ها بسیار رایج بوده و به طور روزمره با آنها سروکار داریم. در ادامه به توضیح چند مورد رایج از این گونه بدرفتاری‌ها خواهیم پرداخت.

• سرقت ادبی

شاید رایج‌ترین نوع بدرفتاری دانشگاهی را بتوان سرقت ادبی دانست. اگرچه سرقت ادبی خود در ۱۰ طبقه دسته‌بندی می‌شود؛ که دامنه‌ای از سرقت ادبی را از خفیف تا بسیار شدید در بر می‌گیرد. در هر صورت، سرقت ادبی به معنی رعایت نکردن حقوق مالکیت فکری و رونوشت‌برداری - عمده یا جزئی - از کار شخص دیگری، بدون اشاره به نام او، در پژوهش خود است. برخی‌ها نویسندگی

افتخاری را نیز از زمره سرقت ادبی برمی‌شمارند، و معتقدند که بالاترین سطح سرقت ادبی نویسندگی افتخاری است.

• سایه‌نویسی

نوع دیگری از بدرفتاری‌های دانشگاهی است که در یکی دو دهه اخیر رواج چشمگیری داشته و جامعه علمی به شدت آن را نکوهیده است. رواج این پدیده در دانشگاه‌ها، می‌تواند آینده علمی دانشجویان و حتی یک کشور را به شدت تهدید کند. سایه‌نویسی به پدیده‌ای گفته می‌شود که در آن فردی نوشته‌ای را به نگارش درمی‌آورد در حالی که هیچ اسمی از او در این نوشته برده نمی‌شود و او به عنوان یک سایه یا شبیح پشت پرده باقی می‌ماند. «رجب‌زاده عصارها» (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود از سایه‌نویسی با عنوان نادرستی در درج نام نویسندگان نام برده است. سایه‌نویسی می‌تواند به صورت‌های زیر اتفاق افتد:

- تغییر عنوان، چکیده، و یا بخش‌های بسیار اندکی از یک مقاله یا پایان‌نامه موجود و درج نام خود به عنوان پدیدآورنده اثر؛
- ترجمه پایان‌نامه یا مقاله‌ای از یک زبان دیگر و نسبت دادن آن به خود؛
- استخدام نویسنده یا پژوهشگری دیگر برای نگارش پایان‌نامه یا مقاله و عدم درج نام وی به عنوان نویسنده.

• نویسندگی افتخاری

در حالی که سایه‌نویس یک سوی پدیده سایه‌نویسی را تشکیل می‌دهد، نویسنده افتخاری در سوی دیگر این پدیده قرار دارد. نویسندگی افتخاری به این معنی است که فردی که در نگارش یک نوشته مشارکت - قابل توجه که باعث بیان نام او در نوشته شود - نداشته، در حالی که در نوشته نهایی نام او درج خواهد شد. این آفت در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بیشتر به چشم می‌خورد.

• داده‌سازی

یکی دیگر از انواع بدرفتاری‌های دانشگاهی، داده‌سازی^۱ است. داده‌سازی به معنی ارائه اطلاعات ساختگی - که در واقع هیچ اقدامی برای گردآوری آنها نشده - است. داده‌سازی می‌تواند در

¹ fabrication

گام نتیجه‌گیری و گزارش نتایج نیز اتفاق بیفتد. شیوع این نوع بدرفتاری دانشگاهی را می‌توان بیشتر در پیمایش‌ها مشاهده کرد. بنابراین، فرد پژوهشگر که قرار است به صورت پیمایشی نگرش‌ها و نظرات گروهی از افراد را گردآوری کند، با ارائه اطلاعات ساختگی هم در وقت خود صرفه‌جویی می‌کند و هم هزینه‌های پژوهش او کاهش می‌یابد.

• دستکاری

دستکاری^۱ که بسیار مشابه داده‌سازی است، به معنی دست بردن نادرست در مواد پژوهش، تجهیزات، فرایندها، و ابزارهای پژوهش، یا تغییر و حذف اطلاعات گردآوری شده یا نتایج به منظور دست یافتن به هدفی است که پژوهشگر دنبال می‌کند. به عنوان مثال در مواردی که اطلاعات گردآوری شده از فرضیه پژوهش پشتیبانی نمی‌کنند، پژوهشگر برای تأیید فرضیه خود دست به دستکاری اطلاعات می‌زند و با این کار می‌تواند یافته‌های پژوهش خود را تغییر داده، نتایج را دستکاری کند، و در پایان فرضیه پژوهش خود را تأیید شده نشان دهد.

اگر چه تمامی مصادیق بدرفتاری دانشگاهی ناپسند قلمداد می‌شود، اما می‌توان سایه‌نویسی علمی را ناپسندترین سطح بدرفتاری دانشگاهی قلمداد کرد.

۳-۲-۲. سایه‌نویسی

سایه‌نویسی، سایه‌نگاری، ناپیدا نویسی، شبح‌نویسی، یا پنهان‌نویسی^۲ همه اصطلاحاتی هستند که برای توصیف پدیده سایه‌نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرند که در آن یک فرد نوشته‌ای را به رشته نگارش در می‌آورد و اسم او در آن نوشته بیان نمی‌شود. انجمن جهانی ناشران پزشکی پدیده سایه‌نویسی را این گونه تعریف می‌کند: «سایه‌نویسی زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد نقش قابل توجهی در نگارش یک نوشته ایفا می‌کند، در حالی که نقش او در آن نوشته بیان نشده و نامی از او برده نمی‌شود» (World Association of Medical Editors Editorial Policy Committee, 2005). این انجمن پدیده سایه‌نویسی را عملی ناپسند و ناپذیرفتنی قلمداد می‌کند. سایه‌نویس‌ها به طور معمول به استخدام شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی در می‌آیند که به این کار مشغول هستند و تنها قصد و نیت آنها از این کار تجاری است.

¹ falsification

² ghostwriting, ghost authorship, invisible authorship, shadow writing, hidden writing

نویسنده ناپیدا یا سایه‌نویس کسی است که بیشتر فرایند مربوط به پژوهش و نگارش یک اثر علمی را انجام می‌دهد، اما نامی از وی در اثر دیده نمی‌شود. در دنیای امروز، این فعالیت به کسب و کاری تبدیل شده که جامعه علمی و در رأس آن دانشگاه‌ها را هدف قرار داده است. این پدیده در محیط دانشگاهی برابر با سپردن فرایند تهیه کارهای پژوهشی و کلاسی به دیگران است که بیشتر در ازای پرداخت هزینه صورت می‌گیرد (اسدی ۱۳۹۳). سایه‌نویسی در مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها/رساله‌های دانشگاهی (پارس) به معنی سفارش کل یا بخش‌هایی از اثر است. اگرچه در سایه‌نویسی مقالات می‌تواند در قالب نویسنده افتخاری نیز ظاهر شود.

در مقابل سایه‌نویس، نویسنده افتخاری^۱ (یا نویسنده مهمان، یا نویسنده تشریفاتی^۲) قرار می‌گیرد. نویسنده مهمان کسی است که نقش آن در نگارش مقاله/کتاب بسیار کم و کمرنگ است، به طوری که طبق معیارهای رایج نام آن نباید جزو نویسندگان قرار گیرد، اما به دلایلی نام او به عنوان نویسنده مقاله/کتاب درج می‌شود (Ross et al. 2008).

اگرچه، دیدگاه دیگری نیز در مورد پدیده سایه‌نویسی وجود دارد؛ رویکرد مطرح در این دیدگاه به اندازه دیدگاه مخالف منفی نیست و آن را کار زشت و ناپسندی نمی‌داند. در این دیدگاه، سایه‌نویس در کنار نویسنده همکار قرار می‌گیرد. برای مثال، «آلن»^۳ تبدیل شدن به یک سایه‌نویس را هنری می‌داند که می‌تواند در پیشرفت علم و فناوری مؤثر باشد (Allen 2011). اگرچه نباید فراموش کرد که در این موارد سایه‌نویس‌ها به طور معمول برای انجام بخشی از کار استخدام می‌شوند - در مواردی که نویسنده وقت کافی برای نگارش ندارد - نه برای انجام کل طرح. برای مثال، [شرکت انتشارات آردیث](#)^۴ - که یک شرکت کانادایی فعال در حوزه نشر است - افزون بر خدمات انتشارات، سایه‌نویسی را نیز به عنوان یک خدمت ارائه می‌دهد. این شرکت در توضیح این خدمت اعلام می‌کند که «در صورتی که مؤلفان خود زمان کافی برای نگارش آثار ندارند، سایه‌نویسان می‌توانند کل یا بخشی از کار را در قبال دریافت هزینه انجام دهند. بنابراین، از این دیدگاه سایه‌نویسی به عنوان یک شغل - متعارف اجتماعی - پذیرفته شده و باید برای سایه‌نویس شدن مهارت‌هایی را کسب کرد.

¹ honorary author

² guest author, gift author

³ Allen

⁴ Ardith Publishing

بنگاه‌هایی نیز دوره‌هایی را برای آموزش سایه‌نویسی طراحی و پیشنهاد کرده‌اند. برای مثال، مؤسسه دانشگاه نویسندگان^۱ یک دوره آموزشی شش جلسه‌ای به قیمت ۲۷۰ دلار ایالات متحده برای آموزش مهارت‌های سایه‌نویسی طراحی کرده است. ملزومات موفقیت در سایه‌نویسی، شناسایی مشتریان بالقوه که برای شما مناسب هستند، بازاریابی کسب و کار سایه‌نویسی، ساختار هزینه و قیمت‌گذاری‌های گوناگون، تنظیم قرارداد، و کار کردن با افرادی که پتانسیل درگیر شدن در این امر را دارند، از جمله سرفصل‌ها و موضوعاتی است که در این دوره آموزش داده خواهند شد (Writer's Digest University 2015). هرچند، این گونه سایه‌نویسی، بیشتر موضوعاتی غیر از سایه‌نویسی پایان‌نامه‌ها/رساله‌ها و مقالات دانشگاهی را در بر می‌گیرد.

سردبیران و ویراستاران نشریات علمی بیشتر از پذیرش مقالاتی که با ترفند سایه‌نویسی نگارش شده‌اند امتناع می‌کنند، اما واقعیت آن است که تشخیص این مدارک کاری بسیار دشوار است. به طور معمول مجلاتی که با چنین پدیده‌ای آشنایی دارند، در آیین‌نامه‌های خود اعلام می‌کنند که از پذیرش مقالات سایه‌نویسی شده معذور هستند. اگرچه، مسئولیت این گونه مقالات متوجه خود نویسنده (گان) است.

سخت می‌توان گفت که سایه‌نویسی تا چه اندازه گسترده شده و رواج پیدا کرده است. طبق تجزیه و تحلیل‌های یک گزارش، که در سپتامبر ۲۰۰۵ در یکی از کنفرانس‌های پزشکی ارائه شد، مشخص شده که تنها ۱۰ درصد از مقالاتی که توسط شرکت‌های داروسازی حمایت می‌شود از سایه‌نویس‌ها استفاده نکرده‌اند. طبق نظرسنجی رسمی دیگری از ۷۱ نویسنده حوزه پزشکی، که توسط انجمن مؤلفان پزشکی آمریکا انجام شد، ۸۰ درصد از نویسندگان اقرار کرده بودند که در طول زندگی حرفه‌ای خود حداقل یک مدرک نوشته‌اند که اسمی از آنها در مدرک برده نشده است (Mathews 2005).

در سال‌های اخیر، پدیده سایه‌نویسی - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - رشد کرده است. در کشورهای آسیایی، دانشجویان، و اعضای هیئت علمی تازه کار برای این که بتوانند نظر اساتید خود، مدیران گروه‌های آموزشی، رؤسای دانشکده‌ها، و افراد دیگر را جلب کنند و آنها را راضی نگه

⁵ Writer's Digest University

دارند، بیشتر نام آنها را به عنوان نویسنده افتخاری بر مقاله خود درج می‌کنند و این امر گستره سایه نویسی را پهناورتر می‌کند (Wiwanitkit 2012).

۴-۲-۲. انواع سایه‌نویسی

همان‌طور که گفته شد، سایه‌نویسی تنها محدود به حوزه‌های علمی و دانشگاه نشده است و از سایه‌نویسان برای نگارش سایر نوشته‌های علمی استفاده می‌شود (Wikipedia contributors 2015). در هر حوزه، هدف و قصدی که افراد از استخدام یک سایه‌نویس دارند متفاوت است. از این رو، ممکن است خود عمل سایه‌نویسی تنها دارای جنبه منفی و شرم‌آور نباشد (Garfield 1985)؛ بنابراین، رفتار با این پدیده در حوزه‌های گوناگون نیز مشابه نیست. برای مثال، پدیده سایه‌نویسی که در بافت زندگی‌نامه‌نویسی انجام می‌شود بسیار متفاوت است از آنچه که درباره حوزه داروسازی اتفاق می‌افتد (Haviland and Mullin 2009, 70). در ادامه، به انواع نگارش‌هایی خواهیم پرداخت که یک سایه‌نویس در آن درگیر می‌شود. در هر کدام از این نگارش‌ها هدف و نیت از استخدام سایه‌نویس‌ها نیز تشریح خواهد شد.

• سایه‌نویسی در بافت علمی/دانشگاهی

برخی از دانشجویان دانشگاه‌ها سایه‌نویسان شاغل در مراکز سایه‌نویسی را به خدمت می‌گیرند تا مقالات ترم، پایان‌نامه‌های ارشد یا دکتری آنان را بنویسند (Wikipedia contributors 2015). در این حالت فردی که مداخله قابل توجهی در نگارش کتاب، مقاله، گزارش، سخنرانی، یا سایر منابع داشته است اما به دلایل گوناگون هیچ‌گاه از وی به عنوان نویسنده در این منابع یاد نمی‌شود، سایه‌نویس نام دارد. امروزه تعداد مراکز سایه‌نویسی افزایش یافته به طوری که با انجام جستجوی ساده در اینترنت می‌توان به تعداد زیادی از این مراکز دست یافت (Hu and Wu 2013).

• سایه‌نویسی در بافت پزشکی

بالغ بر ۱۵ سال است که جامعه دانشگاهی پزشکی حضور سایه‌نویسان را در ادبیات پزشکی تحمل کرده است (Leo, Lacasse, and Cimino 2011). در سایه‌نویسی پزشکی، شرکت‌های داروسازی به نویسندگان حرفه‌ای و سایر دانشمندان یا پزشکان پولی را می‌پردازند تا مقاله برایشان بنویسند یا قبل از انتشار مقاله نام آن‌ها را به مقالاتشان بیفزایند (Wikipedia contributors 2015).

تعداد مقالاتی که شرکت‌های داروسازی تولید می‌کنند زیاد است و تعداد مقالات منتشر شده در مورد داروهای خاص همبستگی زیادی با میزان فروش این داروها دارد (Bosch and Ross 2012).

• سایه‌نویسی در بافت مذهبی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در پدیده سایه‌نویسی سخن یا نوشته‌ای را به کسی نسبت می‌دهند، در صورتی که وی نقشی در ایجاد آن نداشته است. از این دید، بارزترین نمود سایه‌نویسی در بافت دینی، مسئله جعل حدیث است. مسئله جعل حدیث، یکی از حوادث مهم تاریخ اسلام است که منابع به تفصیل در مورد آن سخن گفته‌اند. پیشینه این رویداد به دوره پس از رحلت رسول خدا (ص) تا پایان غیبت صغرا مربوط می‌شود. در این دوره عده‌ای از مسلمانان با انگیزه‌ها و دلایل گوناگون و در حوزه‌های گوناگون سخنانی را به دروغ به پیامبر (ص) نسبت داده‌اند که از آن‌ها به احادیث جعلی یاد می‌شود. برخی از این انگیزه‌ها عبارتند از: موجه ساختن دستگاه حاکمه، حفظ قدرت و موقعیت‌های اجتماعی، جبران کمبودهای علمی و فرهنگی، و غیره. به طور کلی می‌توان دوری از اهل بیت عصمت و طهارت و رسیدن به قدرت و حفظ آن را عمده‌ترین علل جعل احادیث و افترا به رسول خدا دانست و بقیه موارد بیان شده را به نوعی به آن‌ها ارجاع داد (عزیزی ۱۳۹۱).

• سایه‌نویسی در بافت سیاست

سیاستمداران بیشتر انسان‌هایی با مشغله فراوان هستند؛ از این رو زمان کمتری برای تهیه متن سخنرانی یا کتاب‌های خود دارند. ممکن است بیانیه‌های تبلیغاتی یک سیاستمدار در رقابت کاندیداتوری ریاست جمهوری را یک سایه‌نویس یا فرد دیگری غیر از خود وی نوشته باشد (May 1953). از این رو، شعارها و همچنین سخنان موجود در این تبلیغات، از آنجایی که از زبان خود وی نیست، ممکن پشتوانه اجرایی کمتری داشته و در حد یک ادعای توخالی باشد. از طرف دیگر مقامات رسمی و سیاستمداران افرادی را به عنوان مسئول مکاتبه استخدام می‌کنند تا پاسخ‌گوی حجم وسیعی از مکاتبات دریافتی آنان باشند. میزان دخالت این مقامات در نگارش پاسخ نامه‌ها متفاوت است و به ماهیت نامه، محتوا، و اهمیت ارسال‌کننده نامه و اولویت شخصی بستگی دارد. در عالی‌ترین سطح، مقامات رسمی مانند استانداران و فرمانداران، اغلب افرادی را دارند که محتوای مکاتبات روزمره را مشخص کرده و به صورت خودکار امضای مقام رسمی مربوطه را پای آن می‌گذارند (Wikipedia contributors 2015).

• سایه‌نویسی در بافت تاریخ

تاریخ از روی مدارک به دست آمده از شاهدین دست‌اول ماجرا - از روی نوشته‌های آنان، نامه‌ها، سخنرانی‌ها، زندگینامه‌های خودنوشت نوشته می‌شود. حقایق تاریخی نمی‌تواند وابسته به تفسیر دست دوم باشد هم‌چنان که عدالت نمی‌تواند بر پایه شنیده‌ها باشد. یک دفتر یادداشت، نامه، سخنرانی، یا زندگی‌نامه خودنوشت سایه‌نویسی شده به مدرک دست دوم است که حاوی تفسیر سایه‌نویس از آنچه کارفرمای او گفته و یا افکار وی است (May 1953). از این رو است که تاریخ‌نگاران باید دقت کافی را در تشخیص مدارک دست اول از دست دوم به خرج دهند.

• سایه‌نویسی در بافت حقوقی

مفهوم سایه‌نویسی یک سند حقوقی یعنی نگارش یک سند حقوقی برای شخص دیگری که به نظر برسد وی نویسنده واقعی است، چندین سال است که مسئله‌ای پیچیده برای وکلا، موکلان، دادگاه‌ها، و حتی کانون وکلای دادگستری است. در سایه‌نویسی حقیقی هیچ ردپایی از دخالت وکلای نویسنده در دادگاه یا در هیئت مخالف وجود ندارد. در نتیجه، تعدادی از تحلیل‌گران و دادگاه‌ها معتقدند که سایه‌نویسی مسئله اخلاقی عمده‌ای را برای تمامی افراد دخیل در این زمینه ایجاد می‌کند (Aprile II 2009). وکلا ممکن است برای خود دستیارانی استخدام نمایند و یا دانشجویانی را به عنوان کارورز در کنار خود داشته باشند و این افراد متن سخنرانی وکیل را در دادگاه تهیه و آماده کنند. وی با این کار قضاوت را که خود باید انجام دهد به دیگری واگذار کرده و خوانندگان متن دادخواهی را به نوعی فریب می‌دهد (Lerman 2001).

• سایه‌نویسی در بافت ادبیات

ناشران ادبیات داستانی سایه‌نویسانی را به دلایل گوناگون استخدام می‌کنند. در برخی از موارد، ناشران از سایه‌نویسان در جهت افزایش تعداد کتاب‌های یک نویسنده شناخته شده و پرفروش استفاده می‌کنند. افزون بر آن ناشران سایه‌نویسان را برای نوشتن کتاب‌های جدید در ادامه سری داستان‌های موجود و با نام مستعار به کار می‌گیرند (Wikipedia contributors 2015).

• سایه‌نویسی غیرداستانی

زندگی‌نامه‌های خودنوشت افراد مشهور، یکی از انواع نگارش‌هایی است که بیشتر به سایه نویس‌ها سپرده می‌شود. از آنجایی که این افراد خود وقت کافی برای نگارش زندگی‌نامه خود ندارند،

بنابراین با استخدام یک سایه‌نویس حرفه‌ای کتاب خود را منتشر می‌کنند. شاید بتوان «هیلاری کلینتون»^۱ - وزیر وقت امور خارجه ایالات متحده - را مشهورترین فردی دانست که خاطرات خود را به کمک یک سایه‌نویس نوشته و منتشر کرده است (Kirkpatrick 2001). «رونالد ریگان»^۲ - رئیس جمهور وقت ایالات متحده - نیز یکی از افراد مشهوری بوده که زندگی‌نامه خود را به کمک یک سایه‌نویس منتشر کرده است. بر اساس گزارش اخیر روزنامه گاردین، زندگی‌نامه زلاتان ابراهیموویچ^۳، با عنوان «من زلاتان هستم»، نیز توسط یک سایه‌نویس به رشته نگارش درآمده است (Guardian staff 2015).

کتاب‌های آشپزی، کتاب‌های رژیم غذایی، دست‌نامه‌ها، و دستورنامه‌های گوناگون نیز از زمره دیگر کتاب‌های غیرداستانی هستند که ناشران به طور معمول آنها را با کمک سایه‌نویس‌ها منتشر می‌کنند. بنابراین، ناشران برای آنکه سود بیشتری از فروش خود به دست آورند، با استخدام سایه‌نویسان حرفه‌ای کتاب‌های خود را به اسم افراد مشهور منتشر کرده و با این کار فروش خود را بیشتر می‌کنند. طبق گزارش روزنامه نیویورک تایمز (Hitt 1997)، سایه‌نویس‌ها در نگارش بیش از ۵۰ درصد کتاب‌های غیرداستانی پر فروش نقش دارند.

کتاب‌ها و مقالات مرتبط با حوزه داروسازی نیز یکی دیگر از منابعی هستند که با همکاری سایه‌نویس‌ها نگاشته می‌شوند. در بیشتر این موارد شرکت‌های داروسازی به سایه‌نویس‌ها پول پرداخت می‌کنند تا آنها مقالات و کتاب‌های علمی و دانشگاهی منتشر کنند و از این طریق برای شرکت‌های داروسازی نیز تبلیغات گسترده‌ای صورت می‌گیرد (Bero and White 2009). به عقیده سردیران نشریات حوزه پزشکی، سایه‌نویسان این حوزه می‌توانند از تفنگ‌داران مزدور هم خطرناک‌تر باشند (Raloff 2009).

• انگیزه‌های سایه‌نویسی

انگیزه‌های زیادی می‌تواند افراد را به سمت سایه‌نویسی و نویسندگی افتخاری سوق دهند. این انگیزه‌ها در حوزه‌های گوناگون و برای افراد گوناگون متفاوت است. کسب درآمد، ارتقای جایگاه

¹ Hillary Clinton

² Ronald Reagan

³ Zlatan Ibrahimovic

اجتماعی، منفعت‌جویی تبلیغاتی، ارتقای جایگاه حرفه‌ای، کسب و جاهت علمی، و کسب اشتهار تنها تعداد محدودی از انگیزه‌هایی هستند که باعث ترویج سایه‌نویسی و نویسندگی افتخاری می‌شوند.

برای مثال، برای یک پژوهشگر دانشگاهی، این کار منجر به این می‌شود که رتبه‌وی افزایش یابد. بنابراین با چاپ تعداد بیشتری از مقالات، می‌تواند مرتبه خود را از استادیاری به دانشیاری تغییر دهد. افزون بر آن، می‌تواند جایگاه خود را نزد صنعت و شرکت‌های تجاری بالا ببرد و بنابراین پس از مدتی می‌تواند کمک هزینه‌های تحقیقاتی بیشتری برای خود جذب کند (Bosch and Ross 2012).

برای شرکت‌های تجاری و بخش صنعت، این روش یک راهبرد مؤثر برای افزایش فروش به شمار می‌آید. بنابراین، در این گونه مقالات/کتاب‌ها پیام تبلیغاتی به طور مستقیم از این طریق به مخاطبان منتقل می‌شود و سهمی از بازار شرکت‌ها و مؤسسه‌های حامی را به خود اختصاص می‌دهد. این گونه انگیزه‌ها بیشتر در شرکت‌های داروسازی گزارش شده است (Bosch and Ross 2012).

از سوی دیگر، مهم‌ترین انگیزه‌ای که برای سایه‌نویسان وجود دارد، اهداف اقتصادی و تجاری است. از آنجایی که کسب و کار سایه‌نویسی یکی از شغل‌های پردرآمد به شمار می‌آید، بنابراین بسیاری از نویسندگان حرفه‌ای جذب این کسب و کار می‌شود. روزنامه نیویورک تایمز تخمین زده که استخدام سایه‌نویسی که زندگی‌نامه «هیلاری کلینتون» را نگاشته است نزدیک به ۵۰۰ هزار دلار آمریکا هزینه برداشته است (Kirkpatrick 2001). از این رو، جاذبه‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل سوق‌دهنده افراد به سمت سایه‌نویسی است.

خبرنگار خبرگزاری مهر (زارعی ۱۳۹۳) در گزارشی با عنوان «هزینه‌های بالای یک قلب علمی: داستان پایان‌نامه‌نویس شدن نخبگان دانشگاهی»، بصورت تصادفی به سراغ تعدادی از مؤسسه‌های فروش پایان‌نامه رفته و اطلاعاتی از آنان تهیه و منتشر نموده است. در بخشی از این گزارش می‌خوانیم:

بیشتر متعجب می‌شوم و سعی می‌کنم قانعش کنم تا بیشتر برایم توضیح دهد. می‌گوید: «کار من پایان‌نامه نویسی نبود. من دانشجوی برق دانشگاه صنعتی شریف هستم و با استادانم کار می‌کردم اما وقتی استادی برای یک پروژه صنعتی ۱۰۰ میلیون تومان دریافت می‌کند و تنها به من ۴۰۰ هزار تومان می‌رسد می‌شود کار کرد؟ پیش از این هم در منطقه پارس کار می‌کردم اما سهم تلاش ما از تکمیل پروژه‌ها برای گذراندن یک زندگی بسیار ساده و دانشجویی بسیار پایین

است». این دانشجو در ادامه قصهٔ پایان‌نامه‌نویس شدنش را این طور توضیح داد که اول برای دوستانش در خوابگاه و دانشگاه تحقیقات علمی را انجام می‌داد، اما کم‌کم کارش گسترش پیدا کرد و با همکاری دیگر دوستانش که از دانشگاه شریف و تهران هستند یک دفتر راه‌اندازی کردند....

«رجب‌زاده عصارها» (۱۳۹۰) به طور کلی انگیزه‌های سوء رفتار علمی را در چهار دستهٔ عوامل فردی، عوامل برخاسته از دانشگاه، عوامل برخاسته از جامعه، و دیگر عوامل دسته‌بندی نموده و در زیر هر کدام به نمونه‌های اشاره کرده است که عبارتند از:

- عوامل فردی: عدم آشنایی با قواعد نگارش علمی؛ بی‌دقتی نویسندگان در درج استناد؛ ناآشنایی با نوشتن به طوری کلی و عدم اعتماد به نفس برای نگارش؛ نادیده گرفتن قواعد اخلاقی و قانونی؛
- عوامل برخاسته از دانشگاه: کم‌توجهی دانشگاه به آموزش صحیح نگارش علمی؛ فشار برای تولید آثار علمی؛ ضعف قوانین و توافقات دربارهٔ تخلفات در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی؛
- عوامل برخاسته از جامعه: جهان‌بینی‌های علمی متفاوت؛ تمایزهای فرهنگی؛ عمومیت یافتن و عادی شدن سوء رفتارهای پژوهشی؛
- سایر عوامل: سوء استفاده از فناوری‌های جدید؛ بی‌دقتی در فرایند چاپ آثار.

۵-۲-۲. ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی سایه‌نویسی

همان‌طور که بیان شد، سایه‌نویسی زیر مجموعه‌ای از بدرفتاری دانشگاهی است و بدرفتاری دانشگاهی را می‌توان در حوزهٔ وسیع‌تری به فساد مرتبط کرد. «رفیع‌پور» (۱۳۸۶) فساد را از خانوادهٔ آشفته‌گی اجتماعی (آنومی) و نظریه‌های «امیل دورکیم» و «رابرت مرتن» را برای توضیح آنها از دیگر نظریه‌ها موجه‌تر می‌داند. هر دو نظریه بر مبنای تولید نیاز و عدم ارضای نیاز استوار است. به طور کلی «دورکیم» معتقد است که بحران‌های اقتصادی سبب دستیابی عده‌ای به ثروت و هم‌زمان فقر عده‌ای دیگر می‌شود. موضوعی که بر اساس مطالعات بانک مرکزی در کشور ایران نیز در سال‌های اخیر و خاصه سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی به میزان زیادی مشاهده شده بود. فقرا با مشاهدهٔ وضعیت ثروتمندان احساس نیاز می‌کنند و فقر ایشان غیر قابل تحمل می‌شود. پس فقرا با توجه به این که نظام ارزشی جامعه نیز در این میان دگرگون شده و انگیزه‌های درونی همچون باورهای مذهبی نمی‌تواند مانع آنها شود به کارهای خلاف روی می‌آورند. «مرتن» از سوی دیگر آنومی را ناشی از برهم خوردن

تعادل اهداف و وسایل مشروع برای رسیدن به آنها می‌داند. برای مثال، هدف ممکن است ترفیع و ارتقای استاد، پذیرفته شدن دانشجو در مقاطع بالاتر و انجام یک طرح تحقیقاتی برای کسب درآمد بیشتر باشد؛ و وسایل مشروع، نگارش مقاله‌های گوناگون، پروپوزال، پایان‌نامه، و ... هنگامی که شخصی برای نگارش مقاله زبان انگلیسی نمی‌داند و آموختن آن نیز برایش به صرفه نیست، ممکن است دست به اقدامی خلاف بزند.

«رفیع‌پور» (۱۳۸۶) به نقل از «مرتن» می‌گوید: «وقتی بین اهداف فرهنگی (مانند موفقیت و ثروت) و وسایل تشکیلاتی جهت دستیابی به این اهداف (مانند تحصیلات دوستان متنفذ) عدم تناسب باشد، افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار گرفته‌اند، احتمالاً بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت».

«کوئیک» در ادامه تکامل نظریه «دورکیم» نابرابری در جامعه را عامل اصلی آنومی می‌داند. بنابراین، با کوچک شدن جامعه جهانی و استیلای رسانه‌ها و ماهواره‌ها و اینترنت بر جوامع امروز که موجب دیده شدن این ثروت و افزایش آرزومندی افراد می‌شود آیا آنومی در جوامع افزایش بیشتری نخواهد یافت؟

از دید «ویتلی»^۱، عوامل زیادی می‌توانند بر بدرفتاری دانشگاهی - به‌ویژه میان دانشجویان - تأثیرگذار باشند، که در این میان می‌توان به شاخص‌های توانایی، عقاید علمی، رفتار دانشگاهی، مشغله زیاد، نگرش نسبت به تقلب، و متغیرهای فردی اشاره کرد (Whitley 1998). «لمبرت» و «هوگان»^۲ پا را از این فراتر گذاشته و پدیده بدرفتاری دانشگاهی را یک اپیدمی اجتماعی توصیف کرده‌اند (Lambert and Hogan 2004). «مک‌کیب» و «تروینو»^۳ نیز به این نتیجه می‌رسند که نظریه فشار اجتماعی می‌تواند رفتارهای دانشجویان و بدرفتاری‌های دانشگاهی آنها را توضیح دهد. فشاری که ناشی از گروه‌هایی است که در فعالیت‌های دیگری غیر از فعالیت‌های دانشگاهی درگیر هستند (McCabe and Trevino 1997).

¹ Whitley

² Lambert and Hogan

³ McCabe and Trevino

«مک‌کیب» و «تروینو» تلاش کرده‌اند بدرفتاری‌های دانشگاهی یا عدم صداقت پژوهشی را با دو نظریه جامعه‌شناسی توضیح دهند. نظریه «معاشرت افتراقی»^۱ (ادوین ساترلند، ۱۹۴۷) و «نظریه یادگیری اجتماعی»^۲ (آلبرت بندورا، ۱۹۸۶) دو نظریه مهمی هستند که «مک‌کیب» و «تروینو» برای توضیح کج‌روی‌های دانشگاهی از آنها بهره می‌گیرند (McCabe and Trevino 1997). دو نظریه بر این مسئله تأکید دارند که یادگیری بیشتر رفتارهای انسانی از طریق تأثیر الگوها اتفاق می‌افتد، و کج‌روی‌های افراد نیز تحت تأثیر تعامل با دیگرانی است که این کج‌روی‌ها را تجربه کرده‌اند. بنابراین، یک تجربه موفق از تقلب می‌تواند دانشجویان دیگر را نیز به انجام این تقلب وا دارد.

به طور کلی، به نظر می‌رسد آراء و نظریه‌هایی که صاحب‌نظران مکتب شیکاگو مطرح کرده‌اند، تا اندازه‌ای می‌تواند کج‌روی‌های دانشگاهی و در بافت‌های علمی - پژوهشی را توضیح دهد. این مکتب به دلیل پرداختن به جامعه‌شناسی شهری، بسیاری از رفتارهای امروزی در نهادهای اجتماعی گوناگون را تشریح کرده است.

از طرف دیگر، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سایه‌نویسی که در سال‌های اخیر از آن غفلت شده و به آن پرداخته نشده است این است که چرا شخصی با توانایی بالا و داشتن تحصیلات دانشگاهی معتبر راضی به سایه‌نویسی می‌شود؟

برای پاسخ به پرسش بالا مصاحبه‌ای در پایگاه خبری تحلیلی انتخاب با یک سایه‌نویس صورت گرفته است که بررسی آن تا اندازه‌ای منجر به روشن شدن ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی این پدیده می‌شود (ایلنا ۱۳۹۳). این فرد دانشجوی دکتری دانشگاه تهران بوده و سه سال در این کار فعال بوده و به قول خودش اسم و رسمی در رشته خودش داشته است. از او درباره دلیل کارش و اینکه چه چیزی باعث شده است که وارد این بازار شود پرسش می‌شود. وی می‌گوید:

در ابتدا هیچ‌کس راضی به این کار نیست و لذتی ندارد و بیشتر حسی شبیه تن‌فروشی به انسان دست می‌دهد. اما من سال‌ها از زندگی خودم را صرف تحصیل در مقطع دکتری در رشته‌ای کرده‌ام که کار و شغل مناسبی در شرایط فعلی برای آن وجود ندارد و در نیاز مالی شدید چشم‌اندازی هرچند محدود برای درآمد نیست. در این موقعیت اولین موضوعی که به ذهن

^۴ differential association

^۵ social learning theory

می‌رسد استفاده از توانایی‌هایی است که به جز در جهت نوشتن پایان‌نامه کسی یا نهادهی به آن توجه ندارد. پول! من حداقل ۳ الی ۴ نفر دیگر از دوستان و آشنایان را می‌شناسم که در این سرخوردگی و نیاز مالی این روزها با داشتن تحصیلات تکمیلی در این کار مشغولند و انگیزه اقتصادی مهم‌ترین دلیل اصلی آنهاست. وی در مورد نحوه کار شرکت‌های پایان‌نامه‌نویسی می‌گوید: در آن موقعیت و فشار مالی از طریق آگهی با موسسه‌ای آشنا شدم و بعدها با مؤسسه‌های گوناگون نیز ارتباط داشتم. این مؤسسه‌ها به صورت واسطه و دلال عمل می‌کنند، البته من دیگر آب توبه را بر سر ریخته‌ام چون این پول‌ها زیاد خوردن ندارد.

این فرد می‌گوید: «همان‌طور که گفتم این مؤسسه‌ها به صورت دلالی عمل می‌کنند. ۳۰ درصد گاهی تا ۵۰ درصد برای آنهاست. نویسنده‌ها هم مرحله به مرحله و با تحویل قسمتی از کار پولی دریافت می‌کنند. بنابراین با توجه به کل پول، آن چیزی که به آنها می‌رسد، آن‌هم در چند، مرحله در قیاس با وقتی که صرف کرده‌اند، مبلغ قابل توجهی نمی‌شود. در این وضعیت است که دوباره مجبور به کار بعدی می‌شوی.

وی درباره قانونی یا غیر قانونی بودن این کار نیز به خبرنگار می‌گوید: «تا زمانی که کسی با تحصیلات عالی برای رفع نیازهای اولیه نیاز مالی داشته باشد، در مقابل کسی هست که پول دارد و یا خیلی از آنها مشغله و یا مسئولیت مهم کاری دارند و درآمد یک ماه آنها سه برابر انجام یک پایان‌نامه است، بنابراین دلیلی نمی‌بینند برای کاری که نه توانایی و نه وقت آن را دارند و با کمترین هزینه انجام می‌شود، انرژی صرف کنند. به این ترتیب نوعی بازار عرضه و تقاضای اقتصادی چند سویه شکل گرفته که برخورد یا قانون در آن تأثیری ندارد.

وی در ادامه می‌گوید حتی انگیزه اقتصادی برای اساتید هم به گونه‌ای مطرح است. چون مگر می‌شود دانشجویی که حتی ساده‌ترین الفبای روش تحقیق یعنی بیان مسئله را نمی‌داند ۱۰۰ صفحه مطلب بنویسد! در ابتدا اساتید گاهی با در اختیار داشتن تعداد زیادی پایان‌نامه تحت راهنمایی و یا برای جذب دانشجویان بیشتر با این موضوع با تساهل و تسامح برخورد می‌کنند.

او خاطرنشان می‌کند که دومین بحث و نکته درنگ کردن احتمال همکاری برخی اساتید اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با این مؤسسه‌ها است. هر چند شاید این اساتید در پوشش مشاوره

فعالیت می‌کنند ولی با توجه به رقم‌هایی که برای انجام و تدوین پایان‌نامه یا رساله پیشنهاد می‌شود باعث می‌شود که به گونه‌ای نقش آن‌ها بسیار بیشتر از مشاوره‌ای باشد که انتظارش می‌رود.

بررسی مصاحبه‌بالاتر نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی و نیاز به منابع مالی مهم‌ترین تأثیر را در گرایش دانشجویان و پژوهشگران به سمت پدیده سایه‌نویسی دارد. نبود سیاست‌های حمایتی مالی از دانشجویان دکتری و ارشد منجر می‌شود تا آنان به فکر راهکارهای جایگزین برای تأمین هزینه‌های تحصیل و زندگی خود بیافتند. در مرحله بعد علت گسترش مراکز پایان‌نامه‌نویسی را می‌توان در افزایش تقاضا برای نوشتن پایان‌نامه دید. گسترش جذب دانشجویان تحصیلات تکمیلی و عدم تناسب تعداد دانشجویان با اساتید منجر می‌شود که برخی از دانشجویان با ادبیات تحقیق آشنایی کافی نداشته و از این رو تقاضای لازم برای گسترش این مراکز را فراهم می‌نمایند. نبود قوانین لازم در زمینه برخورد با مراکز پایان‌نامه‌نویسی و افراد خاطی در این زمینه را نیز می‌توان از دیگر عوامل گسترش این پدیده در جامعه دانست. باورهای دینی برخی افراد تأثیر قابل توجهی در فاصله گرفتن از سایه‌نویسی دارد، هم‌چنان‌که در مصاحبه فوق نیز مصاحبه‌شونده به شبهه‌ناک بودن پول حاصل از این کار اشاره کرده و بیان می‌کند که از انجام این کار توبه کرده است.

فعالیت درست تمامی عوامل درگیر نظام‌های آموزشی و حتی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نقش زیادی در خلق و گسترش این پدیده خواهد داشت. به همین منظور، «رفیع‌پور» (۱۳۸۶) جامعه را همچون ارکستری می‌داند که با هماهنگی می‌توانند آهنگی گوش‌نواز و زیبا بنوازند. به محض ناهماهنگی بین این نوازندگان که می‌تواند در حد جابجایی یک میلیمتری انگشتان پیانیست روی کلیدهای پیانو باشد، آنومی یا آشفتگی آغاز می‌شود. حال فرض کنید که یکی از سولیست‌های ارکستر از بستگان رهبر باشد که آشنایی اندکی با نوازندگی دارد. نتیجه کار و آشفتگی در نواختن موسیقی به طور کامل قابل پیش‌بینی است.

۲-۲-۶. قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به سایه‌نویسی

«اشترن» و «لمنس»^۱ با بیان اینکه آموزش مهارت‌های نگارش، اخلاق علمی، و مسائلی از این قبیل تنها نمی‌تواند باعث جلوگیری از پدیده سایه‌نویسی شوند، تصویب قوانین محکم و سخت‌گیرانه

¹ Stern and Lemmens

را در این زمینه پیشنهاد می‌کنند. آنها با بررسی پایه‌های حقوقی و قانونی مجازات نویسنده افتخاری، پیشنهاد می‌کنند که به قوانین مرتبط با این مسئله اهمیت بیشتری داده شود (Stern and Lemmens, 2011).

صاحب‌نظران پدیدۀ سایه‌نویسی را به عنوان یک عمل غیراخلاقی و غیرقابل قبول محکوم کرده و در مورد مضرات حاصل از سایه‌نویسی بحث کرده‌اند و دیدگاه‌های خود را در این باره ارائه نموده‌اند. ولی با این وجود توصیه‌های آنان تاکنون بصورت گسترده توسط مؤسسه‌های دانشگاهی، نشریات، و سازمان‌های متولی امر پژوهش مورد استقبال قرار نگرفته است، در این زمینه به نظر می‌رسد که تصویب قوانین بازدارنده چاره کار است (Stern and Lemmens 2011).

مؤسسه‌های گوناگون در زمینه برخورد با بدرفتاری دانشگاهی استانداردها و آیین‌نامه‌های گوناگونی را وضع کرده‌اند، برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

□ کمیته بین‌المللی ویراستاران نشریات پزشکی^۱ در راستای تدوین استانداردهای لازم برای انتشارات زیست‌پزشکی^۲ به دنبال جلوگیری از فعالیت‌های نویسندگی نامناسب و غیر اخلاقی از طریق ملزم کردن نشریات به پرسش‌های مفصل در مورد نقش واقعی هر نویسنده در تدوین مقاله مربوطه، است.

□ ویراستاران و انجمن‌های ویراستاری به محافظت از درستی نشریات خود اهتمام ویژه‌ای دارند و برخی نیز مجازات سنگینی برای افراد متقلب در نظر می‌گیرند. برای مثال: انجمن جهانی ویراستاران پزشکی^۳ اشاره اعلام می‌کند که سایه‌نویسی بی‌صدافتی است و ناپذیرفتنی است و پیشنهاد می‌کند که در صورت شناسایی این عمل نشریات باید: ۱. آگهی منتشر نمایند که که نسخه اولیه مقاله که به نشریه ارسال شده سایه‌نویسی بوده و در کنار آن نام شرکت‌ها و همچنین نویسنده ارسال‌کننده مقاله نیز باید اعلام شود، ۲. نویسندگان مؤسسه‌های دانشگاهی را آگاه نمایند تا شرکت‌های تجاری دخیل در این کار را بشناسند، ۳. نام‌های خاص را در صورت داشتن ارتباط

² International Committee of Medical Journal Editors(ICMJE)

³ biomedical

⁴ Wrold Association of Medical Editors

با رسانه‌های جمعی یا سازمان‌های دولتی افشا کنند، و ۴. تجربیان خود را در انجمن و همچنین سایر گروه‌های بحث به اشتراک بگذارند.

□ کمیته اخلاق انتشارات^۱ توصیه می‌کند که ویراستاران مجله‌های علمی شیوه‌های نویسندگی معرفی کنند که مروج بهین تجربه‌ها باشد (برای مثال، فهرستی از افراد متقلب منتشر کنند) و جلوی بدرفتاری (مانند سایه‌نویسی و نویسندگی مهمان) را بگیرد و پیشنهاد می‌کند که زمانی که راستی یک پژوهش زیر سؤال رفت، خطاها و عبارات نادرست یا گمراه‌کننده باید بدون معطلی تصحیح شده و جرمه‌ها مشخص و برجسته شوند (Stern and Lemmens 2011).

«هامر»^۲ اشاره می‌کند که قانون آموزشی ایالت نیویورک نخستین قانونی است که برای برخورد با فروشندگان تجاری مقالات سایه‌نویسی شده و همچنین نویسندگانی که این مقالات را عرضه می‌کنند، وضع شده است (Hammer 1976). طبق گزارش وی، سیاست رسمی در نیویورک این است که فروشنده به جای دانشجو یا خریدار تحت پیگرد قرار گیرد. ایالت‌های دیگر نیز قوانینی مانند قانون نیویورک را اتخاذ یا در حال توجه به آن هستند. وی معتقد است که یکی از بهترین راه‌های از بین بردن سایه‌نویسی محروم کردن ارائه‌دهندگان خدمات سایه‌نویسی از اشاعه و تبلیغ خدمات خود است. مسئولان دانشگاه‌ها نیز باید به نوبه خود از طریق صدور اطلاعیه‌های مشخص و روشن در مورد استفاده دانشجویان از منابع سایه‌نویسی شده و همچنین برخورد قاطع با دانشجویانی که مرتکب چنین عملی شده‌اند، تلاش‌های صورت گرفته در ایالت‌ها در این زمینه را پشتیبانی نمایند (Hammer 1976).

بررسی توصیه‌ها و همچنین برخی از آیین‌نامه‌های موجود در زمینه سایه‌نویسی نشان می‌دهد که سه عنصر ویراستاران یا داوران مجلات یا پایان‌نامه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، و همچنین دولت‌ها در تعدیل و یا از بین بردن پدیده سایه‌نویسی دخیل هستند. برای مثال، نتایج پژوهشی در این زمینه (Wislar et al. 2011) پیشنهاد می‌کند که نشریات علمی باید گام‌هایی را در جهت تقویت سیاست‌های نویسندگی خود بردارند برای نمونه هر نویسنده را ملزم کنند تا نقش خود را در کار منتشر شده گزارش کند؛ همچنین مؤسسه‌ها نیز باید سیاست‌ها و رویه‌های ناظر بر نویسندگی را ارزیابی کنند

¹ Committee on publication ethics

³ Hammer

تا اطمینان حاصل شود که افرادی که نام آنان در مقالات منتشر شده وجود دارد، شرایط نویسندگی را دارا بوده و مقالاتی را که در آن نام اعضای هیات علمی دانشگاه برده شده، فاقد نویسندگان سایه هستند. مطالعه انجام شده در زمینه قوانین موجود در زمینه سایه‌نویسی علمی در دانشگاه‌های پزشکی نشان داد که از میان ۵۰ دانشگاه علوم پزشکی در آمریکا، تنها ۱۳ مورد سیاست‌هایی در زمینه جلوگیری از سایه‌نویسی مقالات علمی دارند (Lacasse and Leo 2010).

«بنیاد علوم اروپا»^۱، بخشی به نام «تمامی دانشگاه‌های اروپایی»^۲ دارد، که فدراسیون اروپایی متشکل از دانشگاه‌های ملی علوم و علوم انسانی است و ۵۳ عضو از ۴۰ کشور دارد. این فدراسیون در سال ۱۹۹۴ به منظور ترویج تبادل اطلاعات و تجربه میان دانشگاه‌ها؛ ارائه توصیه‌های دانشگاه‌های عضو در زمینه علم و جامعه؛ و ترویج استانداردهای اخلاقی متعالی و سطح بالا در زمینه علم و پژوهشگری، تأسیس شد. این فدراسیون قواعد اروپایی را در راستای صداقت پژوهشی منتشر نموده است (European Science Foundation 2011). در این سند، زیر قواعد مرتبط با انتشارات بیان می‌کند که نویسندگی باید تنها بر اساس نقش خلاق و همچنین انجام کارهای قابل توجه (مانند کمک به طراحی، گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها، یا ارائه گزارش) و نه تنها به‌خاطر مرور اثر یا ویرایش متن باشد. نویسندگی مهمان (یعنی فهرست کردن نویسندگانی که شرایط لازم را ندارند) و نویسندگی سایه (حذف نویسندگانی که دارای معیارهای نویسندگی هستند) پذیرفته نیست. تمامی نویسندگان به طور کامل مسئول محتوای مواد منتشر شده هستند، مگر اینکه مشخص شود که آن‌ها تنها مسئول بخش خاصی از مطالعه یا سند منتشر شده هستند. در کنار این قواعد، کمیته بین‌المللی ویراستاران نشریات پزشکی نیز رهنمودهایی را برای اطمینان از بیان نام افرادی که نقش قابل توجهی در طراحی، انجام و تحلیل مطالعه، و همچنین نوشتن مقاله داشته‌اند، به عنوان نویسنده ارائه کرده است. این رهنمودها سه معیار را مشخص کرده‌اند و بیان نام شخصی به عنوان نویسنده منوط به داشتن این سه معیار است (Hammer 1976):

- کمک قابل توجه به مفهوم‌سازی و طراحی، فراهم کردن داده‌ها، یا تحلیل و تفسیر داده‌ها؛
- تهیه پیش‌نویس مقاله یا ویرایش نقادانه محتوای فکری دارای اهمیت؛

¹ European Science Foundation (ESF)

² All European Academies (ALLEA)

□ تأیید نهایی نسخه‌ای که باید منتشر شود.

در ایران به زودی با امضای وزیر علوم، تحقیقات، و فناوری لایحه ممنوعیت خرید و فروش پایان‌نامه به مرحله اجرا در می‌آید و با افراد یا بنگاه‌هایی که اقدام به خرید و فروش پایان‌نامه می‌کنند برخورد می‌شود. به گفته معاون حقوقی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (دکتر «نصیری قیداری») این لایحه به دو بخش تقسیم می‌شود: یک بخش مربوط به استادان و دانشجویان است که درون آموزش عالی هستند و بخش دیگر مربوط به افراد و بنگاه‌هایی است که خارج از آموزش عالی به قصد انتفاع اقدام به خرید و فروش پایان‌نامه می‌کنند. وی با تأکید بر اینکه در داخل آموزش عالی نیاز به تصویب قانون نیست، می‌افزاید: با توجه به مقررات هیئت انتظامی، با اساتیدی که تخلفی با عنوان «سوء استفاده از نتایج پژوهش‌های دیگران» انجام داده باشند، برخورد می‌شود. وی با اشاره به اینکه با تخلفات دانشجویان نیز برخورد خواهد شد، تصریح می‌کند: در مورد دانشجویان نیز بنا شده در قوانین کمیته‌های انضباطی دو بند اضافه شود که این مسئله به امضای وزیر علوم و وزیر بهداشت خواهد رسید و نیازی به تصویب قانون نیست. معاون حقوقی وزارت علوم با تأکید بر اینکه در خارج از آموزش عالی با خلأهای قانونی روبرو هستیم، بیان می‌کند: لایحه‌ای در این زمینه تدوین شده که پس از امضای وزیر علوم به دولت می‌رود تا به مجلس ارائه شود. وی با اشاره به جزئیات این لایحه می‌افزاید: طبق این لایحه چنانچه فردی تخلفی به عنوان شخص حقیقی انجام دهد، بر اساس بند ۷ ماده ۹ مجازات اسلامی با او برخورد می‌شود. نصیری قیداری با تأکید بر اینکه با بنگاه‌هایی که اقدام به خرید و فروش پایان‌نامه کنند با اشد مجازات برخورد می‌شود، می‌افزاید: طبق این لایحه با این بنگاه‌ها مطابق بند یک ماده ۹ برخورد می‌شود، البته لازم به ذکر است این بنگاه‌ها باید با معرفی وزارت علوم و وزارت بهداشت باشد تا نیروی انتظامی اقدام و بنگاه‌ها را تا رسیدگی به تخلفات آنها پلمب کند (غلامی ۱۳۹۳).

در یکی از گروه‌های بحث موجود در اینترنت، بحثی پیرامون قانونی بودن یا نبودن پدیده سایه‌نویسی شکل گرفت، تمامی افراد دخیل در بحث موافق این هستند که سایه‌نویسی پدیده‌ای مغایر با قانون نیست بلکه غیر اخلاقی است. قوانین تصویب شده و موجود در این زمینه نیز محدود به قوانین آموزشی کشوری خاص مانند آمریکا بوده در جهت برخورد با شیوع و گسترش این پدیده است. با توجه به آنچه تاکنون در زمینه قوانین و آئین‌نامه‌های موجود در زمینه سایه‌نویسی گفته شد، می‌توان

جمله اشاره شده توسط یکی از اعضای گروه بحث را بعنوان حسن ختام این بحث در نظر گرفت که: سایه‌نویسی دانشگاهی قانونی است، اما اخلاقی نبوده و برخلاف استانداردها یا فعالیت‌های بسیاری از دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها است.

اگرچه، «سکات»^۱ معتقد است که به طور معمول همه دانشگاه‌ها فرایندهای مشخصی برای رسیدگی به این نوع بدرفتاری‌های دانشگاهی دارند، اما واقعیت آن است که سطح جزئیات آیین‌نامه‌های دانشگاهی نیز با همدیگر متفاوت است. از این رو، برخی دانشگاه‌ها با این پدیده بسیار سخت گیرانه برخورد می‌کنند و برخی دیگر نه. برای مثال، دانشگاه «وایومینگ» در ایالات متحده مقررات بسیار سخت گیرانه‌ای را برای مقابله با پدیده بدرفتاری دانشگاهی پیش‌بینی کرده است. پس از توضیح مصادیق بدرفتاری دانشگاهی در آیین‌نامه این دانشگاه (که در بخش پیشین مورد بحث قرار گرفت)، مجازات افرادی را که درگیر این گونه رفتارها می‌شوند به صورت زیر برمی‌شمارد (Scott 2000):

□ در صورت صلاح‌دید استاد درس، نمره «اف» برای درسی که دانشجو در ارتباط با آن مرتکب بدرفتاری دانشگاهی شده در نظر گرفته می‌شود، یا دانشجو باید تکلیف دیگری برای گذراندن آن درس ارائه دهد؛

□ اگر دانشجو دو بار - در زمان‌های گوناگون یا در درس‌های متفاوت - مرتکب بدرفتاری دانشگاهی شود، به مدت یک سال از ادامه تحصیل در دانشگاه تعلیق خواهد شد؛

□ تحریم‌های بیشتر، مانند قطع کمک هزینه تحصیلی، و ... نیز ممکن است اعمال شود.

برخی از کشورهای توسعه‌یافته به خوبی خطر تأثیرات مضر این آسیب را درک کرده و طرح‌هایی ملی برای بررسی این چالش راه‌اندازی و هدایت کرده‌اند. انگلستان یکی از نمونه‌های موفق این کشورها است که از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی شروع به بررسی ابعاد این مسئله کرده است. کمیته مشترک نظام‌های اطلاعات یا «جیسک»^۲ حمایت مالی و پژوهشی طرح‌هایی به همین منظور را متقبل شده است (Murray and Rowell 2009).

نتیجه بررسی انجام شده توسط خبرگزاری افکار نیوز (کرمانی‌ها ۱۳۸۹) در زمینه فتوای مراجع تقلید در زمینه پایان‌نامه‌نویسی نشان می‌دهد که بر اساس نظر مراجع تقلید خرید یا کپی پایان‌نامه، حتی

¹Scott

² Joint Information Systems Committee (JISC)

اگر با اجازه صاحبش صورت گیرد، از مصادیق تقلب است و از دید شرعی و قانونی جایز نیست؛ و در جمیع حالات ضربه بزرگی به دانش عمومی کشور می‌باشد. حقوق دریافت شده از این طریق نیز دارای شبهه حرمت است؛ چرا که غرض از پایان‌نامه سنجش علمی دانشجویان است و باید با تلاش خود دانشجو انجام گیرد.

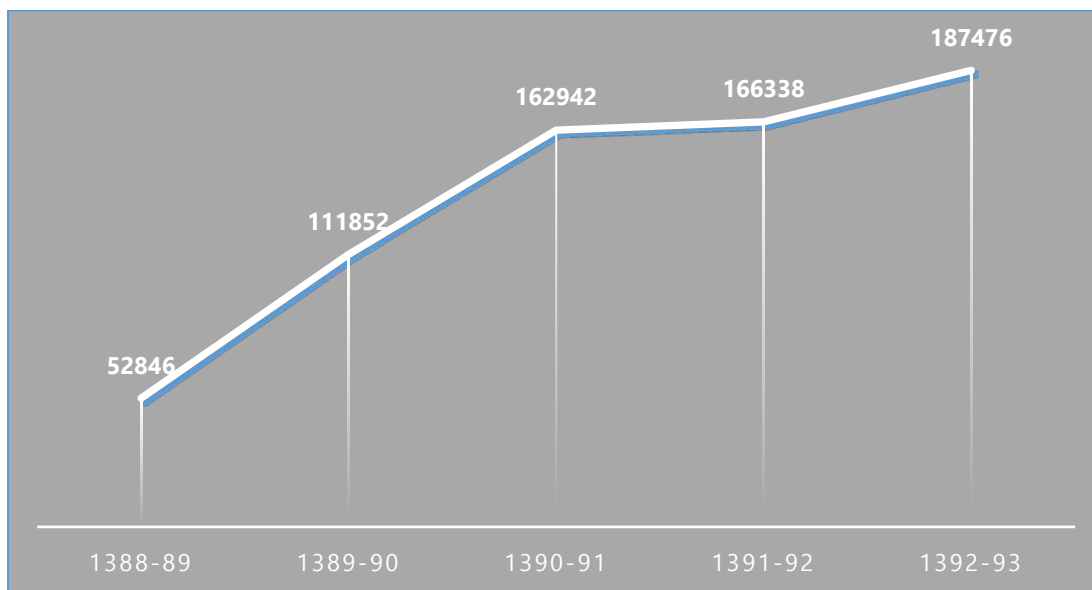
۲-۲-۲. پدیده سایه‌نویسی در جهان و ایران

بدرفتاری دانشگاهی پدیده‌ای جهان‌شمول بوده و هر ساله گزارش‌هایی در این باره در تمامی کشورهای جهان منتشر می‌شود. در کشور ایران نیز هر از گاهی گزارش‌هایی مبنی بر بدرفتاری دانشگاهی منتشر و مشاهده می‌شود. اما به تازگی سایه‌نویسی علمی به یکی از جدی‌ترین معضلات آموزش عالی در کشور بدل شده که به تدریج رواج بیشتری نیز پیدا کرده است. طی چند سال گذشته در کشور شاهد گسترش تحصیلات تکمیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا بوده و بسیاری از دانشگاه‌ها در بیشتر رشته‌ها میزان دانشجویان کارشناسی را محدود و در عوض در جهت افزایش تعداد دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری خود کوشیده‌اند. افزون بر مزایایی که از طریق گسترش تحصیلات تکمیلی عاید کشور شده، مشکلات و ناهنجاری‌هایی نیز بروز کرده‌اند که برخی از متخصصان یکی از دلایل این ناهنجاری‌ها را همین گسترش بی‌رویه تحصیلات تکمیلی می‌دانند. منصوریان نیز گسترش پدیده‌هایی همچون مدرک‌گرایی را از عوامل مهم بدرفتاری‌های دانشگاهی قلمداد می‌کند (منصوریان ۱۳۹۳).

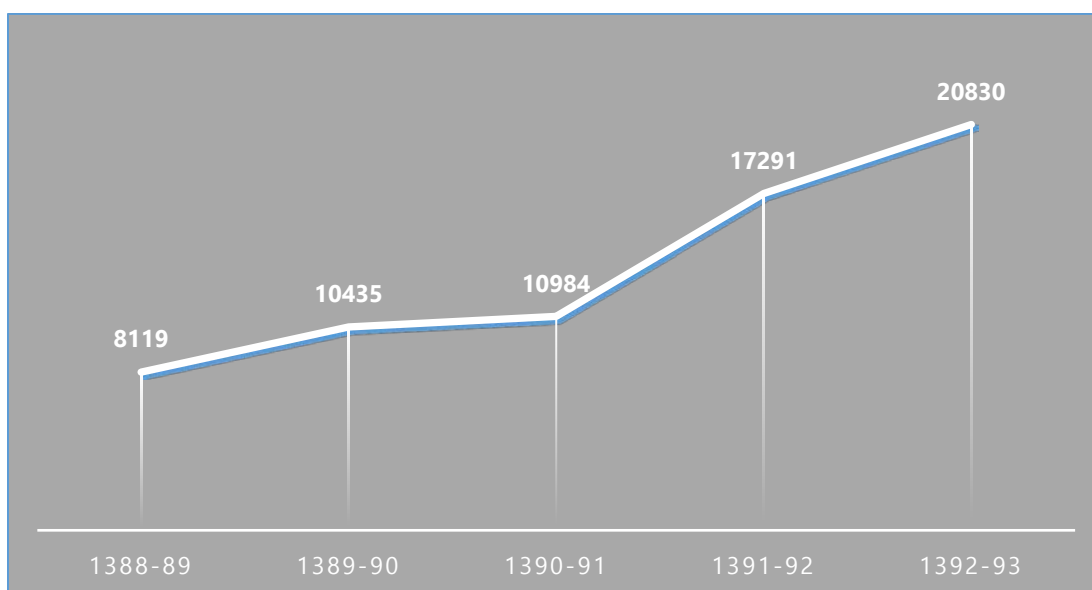
مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های تقلبی، جرمی است که در نظام آموزشی و پژوهشی کشور ما انجام می‌شود و با توجه به آیین‌نامه انضباطی دانشجویان و آیین‌نامه انضباطی اساتید باز این کار در جلوی درب معروفترین دانشگاه کشور و در غفلت وزارت علوم انجام می‌شود... (سخن آنالین ۱۳۹۳). سال‌ها است بازار انقلاب تهران جولانگاه زیرزمینی پایان‌نامه‌نویسانی شده که حتی برخی از دانشجویان دانشگاه‌های بزرگ نیز در این تخلف علمی شرکت کرده‌اند. این تقلب بزرگ علمی که هزینه‌های گزافی هم برای طرفدارانش به دنبال دارد، همچنان در پیچ و خم یک خلاء قانونی یا آسیب‌شناسی نکردن بی‌انگیزگی دانشجویان باقی مانده است (زارعی ۱۳۹۳). مدتی است که بر روی خروجی خبرگزاری‌های داخلی شاهد درج خبرهایی از این دست هستیم که گویای نگرانی اصحاب رسانه از گسترش پدیده سایه‌نویسی در کشور است. این پدیده در چند سال اخیر و با گسترش

۴۲ □ بررسی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی

تحصیلات تکمیلی و افزایش پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری بیش از پیش خود را آشکار نموده است. آمار آموزش عالی کشور، که سالانه توسط «موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی» منتشر می‌شود^۱، این افزایش پذیرش را بهتر نشان خواهد داد (نمودار ۲-۲ و نمودار ۲-۳).



نمودار ۲-۲. رشد پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد در پنج سال اخیر



^۱ <http://irphe.ac.ir/find.php?item=1.486.187.fa>

خیابان انقلاب که همواره به دلیل قرار گرفتن دانشگاه تهران، انتشاراتی‌های گوناگون و کتاب‌فروشی‌ها به عنوان قلب تپنده علم و فرهنگ شناخته می‌شد، اکنون شاهد تبلیغ‌های رنگارنگ فروش پایان‌نامه و مقاله‌هایی است که می‌تواند به خدشه‌دار شدن حیثیت علمی کشور ختم شود. با دیوارهای مملو از تبلیغات فروش پایان‌نامه در خیابان انقلاب این پرسش پیش می‌آید که اساساً فروش پایان‌نامه جرم نیست؟ چرا کسی اقدامی در جهت اصلاح این وضع نمی‌کند؟ و اگر جرم است، چرا اراده‌ای برای برخورد با آن وجود ندارد (زارعی ۱۳۹۳).

علاوه بر خیابان انقلاب که تبلیغات مؤسسه‌های فروش پایان‌نامه‌ها و مقالات دانشجویی به چشم می‌آید، با جستجوی ساده در موتور جستجوی گوگل به روشنی می‌توان دریافت که این مراکز برای معرفی خدمات و محصولات خود وبسایت و وبلاگ‌هایی را نیز تهیه کرده‌اند.

بیشتر شرکت‌ها یا مؤسسه‌هایی که پایان‌نامه می‌فروشند مبالغ مشابهی برای دانشجویان تعیین می‌کنند. با این حال بعضی از آنها ساختار پیچیده‌تری دارند یا حداقل برای بازار گرمی مدعی داشتن ساختارهای مفصل‌تری می‌شوند. یکی از شرکت‌ها مدعی است از استادان دانشگاه در رشته‌های گوناگون برای تدوین پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها استفاده می‌کند و اطمینان می‌دهد که هیچ‌کس متوجه نخواهد شد که پایان‌نامه کار خود دانشجو نیست؛ به این ترتیب که اول پیشنهادیه را پیش استاد راهنما می‌برید تا نظرش را جلب کنید؛ بعد با توجه به گفته‌های او کار پیش خواهد رفت. این شرکت مدعی استفاده از کارگروه‌های تخصصی برای این کار است (تابناک ۱۳۹۳).

خبرنگار خبرگزاری مهر در گزارش خود به برخی از این مراکز سر زده است؛ وی در زمینه میزان استقبال از این مراکز می‌نویسد:

اگر برای مدتی در برخی دفاتر پایان‌نامه نویسی خود را معطل کنیم، هر چند دقیقه یک بار مشتریانی پا به این دفاتر می‌گذارند و از نرخ پایان‌نامه و پروپوزال می‌پرسند و اگر هزینه‌ها مناسب باشد، می‌مانند و اگر نه که سراغ دفتر دیگری می‌روند. دفاتر پایان‌نامه نویسی برای شروع همکاری با مشتریان، یک فرم تعیین قرارداد امضا کرده‌اند که به علت غیرقانونی بودن

این شغل، نوع تفاهم نامه از این دفتر به آن دفتر و از این خیابان به آن خیابان کاملاً متفاوت است. در برخی دفاتر هم که اصلاً جا برای نشستن نیست و باید مدتی صبر کرد تا مشتری جلویی کارش انجام شود.

قیمت پایان‌نامه‌ها در جاهای گوناگون کمی با هم فرق دارد و خدمات گوناگونی وجود دارد. اگر موضوع داشته باشید قیمت فرق دارد اگر صفر تا صد را به فروشنده بسپارید باز قیمتش فرق می‌کند. به گفته یکی از تهیه‌کنندگان پایان‌نامه‌ها قیمت پایان‌نامه، رساله دانشجویی و حتی مقالات «آی. اس. آی.» در مقاطع و موضوعات گوناگون از ۵۰۰ هزار تومان تا پنج میلیون تومان متفاوت است (غلامی ۱۳۹۳).

به دلیل غیرقانونی بودن خرید و فروش پایان‌نامه‌های دانشگاهی، آمار دقیق و به طور موثقی هم از تعداد خرید و فروش پایان‌نامه‌ها در دست نیست؛ پایان‌نامه‌های حاضر و آماده‌ای که با وجود منع قانونی، به راحتی در اختیار خریدار قرار می‌گیرد. یکی از اعضای شورای بین‌المللی فرهنگستان علوم، تخمین می‌زند که سالانه بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ پایان‌نامه دکتری و کارشناسی ارشد در کشور خرید و فروش می‌شود. بر اساس آمارهای مرکز اطلاعات و مدارک علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات، در سال گذشته حدود ۴۷ هزار پایان‌نامه در پایگاه ثبت اطلاعات پایان‌نامه‌ها به ثبت رسیده است و با اتکا به همین آمار می‌توان تحلیل کرد که سالانه حدود ۱۰ درصد از کل پایان‌نامه‌های دانشگاهی کشور به روش غیرقانونی خرید و فروش می‌شود. بر اساس آمارهای رسمی پژوهشگاه علوم و فناوری، بیش از ۹۲ درصد کل پایان‌نامه‌های ثبت شده در سال گذشته مربوط به مقطع کارشناسی ارشد بوده است، با این حساب شاید بتوان این گونه برداشت کرد که بیشترین حجم تخلف پایان‌نامه‌ها نیز مربوط به همین مقطع تحصیلات تکمیلی باشد (جلالوند ۱۳۹۳).

در ماه‌های اخیر شاهد توجه مسئولان امر در وزارت علوم به این پدیده هستیم طوری که مسئولان از آماده‌سازی لایحه‌ای در این زمینه و ارائه آن به مجلس خبر می‌دهند (جلالوند ۱۳۹۳، غلامی ۱۳۹۳).

رواج این پدیده محدود به ایران نیست و در کشورهای دیگر دنیا نیز شایع است. «هو» و «وو» در راستای پژوهشی در زمینه تحلیل تعداد و ارزش مقالات سایه‌نویسی شده می‌نویسند: جستجو در زمینه سایه‌نویسی در موتور جستجوی گوگل بیش از ۱/۶ میلیون نتیجه برای سایه‌نویسی برای

سایت‌های چینی و ۳/۵ میلیون نتیجه برای سایت‌های انگلیسی زبان در برداشت. ما مشاهده کردیم که وب‌سایت‌های سایه‌نویسی انگلیسی زبان، اغلب در کشورهای انگلیسی زبان مانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، و استرالیا قرار دارند. آنان اشاره می‌کنند که در چین نیز آمار دقیقی از میزان شیوع این پدیده و گردش مالی موجود در آن نیست، اما در ابتدای مقاله ذکر می‌کنند که پدیده سایه‌نویسی به سطح خطرناکی در چین رسیده است، بخشی از این افزایش به خاطر سهولت زیاد تعاملات سایه‌نویسی در اینترنت است (Hu and Wu 2013).

با جستجویی در گوگل مانند سایت‌های فارسی با سایت‌های انگلیسی زبان نیز مواجه می‌شویم که خدمات سایه‌نویسی ارائه می‌کنند. حتی در برخی موارد انجمن‌هایی^۱ برای سایه‌نویسان موجود است و در آن‌ها افراد سایه‌نویس عضو معرفی شده و در برخی موارد حتی دستورالعمل‌هایی^۲ برای سایه‌نویسان منتشر شده است که راهنمای آنان در بستن قرارداد و رعایت موازین اخلاقی است. بررسی خبرهای منتشر شده در اینترنت نیز حاکی از افزایش این پدیده در کشورهای گوناگون است. عناوین برخی از این گزارش‌ها عبارتند از:

- سایه‌نویسی دانشگاهی در روسیه رو به افزایش است (Khisamiev and Bigg 2013)؛
- سایه‌نویسی مقاله‌های پایان‌ترم در روسیه رایج است (Inside Higher Ed 2013)؛
- افزایش سایه‌نویسی در میان دانشجویان مهاجر چینی (Xinhua 2014)؛
- کسب و کار سایه‌نویسی در چین رونق می‌گیرد (China Daily 2012)؛
- سایه‌نویس‌ها تکلیف انجام می‌دهند (Jinran and Wangshu 2012)؛
- سایه‌نویسی تجارت یک میلیون یوانی در چین (WantChinaTimes 2013).

با توجه به اینکه سایه‌نویسی اصطلاح اخص است و زیر چتر اصطلاح کلی بدرفتاری دانشگاهی قرار می‌گیرد، حجم زیاد مقالات منتشر شده در این زمینه در کشورهای گوناگون نشان از همه‌گیر بودن این پدیده در تمامی نقاط جهان دارد. کشورهای گوناگون، برای مقابله با این پدیده سیاست‌های گوناگونی را دنبال می‌کنند که در سطور پیشین نمونه‌ای از این سیاست‌ها در کشور ایران ارائه شد.

¹ <http://associationofghostwriters.org/>

² <https://www.asauthors.org/contracts/papers/ghostwriting.agreement.contact.list>

۳-۲. بخش دوم: نگارش علمی

دسترسی به نتایج تحقیقات و مطالعات دانشجویان تحصیلات تکمیلی یکی از مسائل مهم در دانشگاه‌های پژوهش‌محور به شمار می‌آید. این نتایج بیشتر در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان انتشار می‌یابد. از این رو، این منابع بخش مهمی از نوشته‌های دانشگاهی را به خود اختصاص می‌دهند. اصالت این منابع یکی از نگرانی‌های مهمی است که دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. در هر صورت، در این بخش به مباحث مربوط به نگارش علمی، مانند اهمیت آن در دنیای امروز، انواع نگارش‌های علمی، و در پایان، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی پرداخته می‌شود.

۱-۳-۲. اهمیت نگارش علمی

دیدگاه‌ها و آرای هر فرد تا زمانی که آزادانه در اختیار دیگران قرار نگیرد ارزیابی نخواهد شد و تا ارزیابی نشود هویت علمی نخواهد یافت و در شبکه علمی جایگاهی کسب نخواهد کرد؛ و این همه جز از طریق نوشتن تحقق نمی‌یابد. آنچه در خلوت ذهنی فرد روی می‌دهد نه شایسته قبول است و نه سزاوار رد. حتی صاحب اندیشه نیز خود نمی‌تواند به طور دقیق و علمی به داوری آن بنشیند. بیرون کشیدن آن از ذهن و مقید کردن آن با استفاده از قالب‌های شناخته شده ارتباطی، نه تنها صاحب اندیشه را ناگزیر از نظم بخشیدن به ذهنیاتش می‌کند، بلکه باب داوری و ارزیابی را نیز برای دیگران می‌گشاید. در پژوهش‌های علمی نیز می‌توان به دو عنصر مشخص توجه داشت: یکی فرایند پژوهش و دیگری فراورده آن. این دو عنصر دارای ارزش کم و بیش یکسان هستند. به تعبیر دیگر انجام پژوهش مهم‌تر از مدون و مکتوب کردن آن برای مطالعه و ارزیابی دیگران نیست (حری ۱۳۸۵).

«حری» انگیزه‌های گوناگون نگارش علمی را کسب رضای خداوند، آگاه کردن دیگران از نیات نویسنده، اجتماعی کردن دانش فردی، به شهادت طلبیدن جامعه برای احراز مالکیت اندیشه‌ای خاص، تلاش برای حفظ و ارتقا مراتب علمی، و هویت بخشیدن به اندیشه علمی می‌داند و بیان می‌دارد که درجه مسئولیت هر نویسنده در تحمل بار اندیشه‌ها و آراء یک حوزه علمی وابسته به نوع نگرش و هدفی است که در پژوهش و نگارش خود اختیار می‌کند (حری ۱۳۸۵). طبعاً سنگینی این مسئولیت که آیا: ۱. به ارائه اندیشه‌ای بدیع پردازد، ۲. اندیشه‌های موجود را شرح و تفسیر کند، ۳. به نقد و ارزیابی یک فکر بنشیند، ۴. برای تکمیل و رفع کمبودها تلاش کند، ۵. مسئله‌ای پیشین را مورد

بازنگری و بازپردازی قرار دهد، و ۶. یافته‌های کهن را تفکیک کرده و تلفیقی نو از آن‌ها پدید آورد، بسیار متفاوت خواهد بود.

«لیندسی» معتقد است گفتن به مردم در مورد پژوهش به همان اندازه انجام آن مهم است. اما بسیاری از پژوهشگران با این که دانشمندی توانمند هستند، اما از نوشتن می‌هراسند. آنان در مقابل قوانین نانوشته، عقیده‌ای غیر قابل بیان، و سازوکاری پیچیده و دشوار محتاط هستند و به نظر می‌رسد تمامی این موارد در زمینه نگارش علمی شایع هستند (Lindsay 2011).

تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه نگارش علمی تدوین شده‌اند که در هر کدام دستورالعمل‌هایی برای یک نگارش خوب ارائه شده است. بسیاری از مطالب موجود در اینترنت و در وب‌سایت دانشگاه‌ها نیز می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای آشنایی با آیین نگارش علمی باشد.

۲-۳-۲. انواع نگارش علمی

نوشته علمی بر حسب اینکه برای چه نوع مخاطبانی و به منظور تحقق چه هدفی پدید آمده و برای درج در چه نوع بستر انتشاراتی در نظر گرفته شده باشد دارای انواع گوناگون است. بدیهی است که هر کدام از این انواع ویژگی‌های خاص خود را دارد و می‌بایست هر یک در موضع مناسب خود مورد استفاده قرار گیرند (حری ۱۳۸۵).

«شمبری» (۲۰۰۷) در وبگاه دانشگاه «ام‌ای‌تی»^۱ درباره انواع گوناگون ادبیات پژوهشی راهنمایی‌هایی کرده است. وی انواع ادبیات پژوهشی را به دست اول^۲، دست دوم^۳، دست سوم^۴، و منابع خاکستری^۵ تقسیم کرده است که توضیح هر یک در ادامه ارائه می‌شود (Schembri 2007):

□ منابع دست اول به پژوهش‌هایی اشاره دارند که شخصاً توسط یک دانشمند یا گروهی از دانشمندان انجام شده و در نشریات علمی داوری شده^۶ منتشر می‌شوند. این نوع منابع که به طور معمول مقاله^۷ خوانده می‌شوند، در قالب خاصی که نشریه منتشر کننده مقاله تعیین می‌کند، تهیه می‌شود. بسیاری از منابع دست اول در نشریات پژوهشی منتشر می‌شوند، اما برخی از پژوهش‌ها

¹ MIT

² primary literature

³ secondary literature

⁴ tertiary literature

⁵ gray literature

⁶ peer reviewed journal

⁷ paper

نیز به صورت تک‌نگاشت‌ها^۱، پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری، مقالات کنفرانس، و گزارش‌ها منتشر می‌شوند.

□ منابع دست‌دوم شامل انتشاراتی هستند که اطلاعات آن‌ها وابسته به منابع دست اول است. در این منابع نویسندگان نیاز نیست که خودشان کار [پژوهشی] را انجام دهند، چرا که هدف این نوع انتشارات تلخیص و ترکیب دانش موجود در حوزه‌ای خاص برای دانشمندانی است که از پیش دانشی در زمینه موضوع دارند. منابع دست دوم شامل کتب تک‌نگاشت و کتب درسی، دستنامه‌ها^۲ و راهنماها هستند. اگرچه منابع دست دوم به گونه‌ای علمی نوشته می‌شوند، ولی سازماندهی و نظم آن‌ها با منابع دست اول متفاوت است. با این وجود، توافق بین‌المللی بر سر این است که این منابع بطور کامل ارجاع‌دهی شده باشند و بسیاری از این ارجاعات به منابع دست اول باشد. دانشمندان از منابع دست دوم برای مرور حوزه‌های پژوهشی نزدیک یا مرتبط به آنان و یا آشنا نمودن خود با پژوهش‌های موجود در موضوعات جدیدی که قصد کار بر روی آن را دارند، بهره می‌برند.

□ منابع دست سوم: این منابع متشکل از منابع منتشر شده دست اول یا دست دوم هستند. و مخاطبان آن‌ها دانشمندانی هستند که در زمینه‌های گوناگون یک حوزه کار می‌کنند و یا افراد عادی که علاقه به موضوعی خاص دارند است. چنین منابعی به طور معمول به گونه‌ای عامه‌پسند به جای سبکی علمی نوشته می‌شوند و با اینکه ممکن است این منابع حاوی فهرست منابع مختصری باشند، ولی این فهرست منابع حاوی ارجاعاتی به منابع دست اول نیستند. نمونه‌هایی از منابع دست سوم، شامل مجلات^۳ علمی، خبرنامه‌ها، مقالات علمی در روزنامه‌ها، کتاب‌های درسی مقدماتی، و دائرةالمعارف‌ها هستند.

□ منابع خاکستری: منابع خاکستری اشاره به منابع اطلاعاتی علمی دارند که به طور معمول منتشر و توزیع نمی‌شوند و از این رو دستیابی به آن‌ها تا اندازه‌ای دشوار است. منابع خاکستری شامل پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری، گزارش‌های فنی با توزیعی محدود، نشریاتی که توسط گروه‌های

^۸ monograph

^۱ handbooks

^۲ magazine

علاقه‌مند خاص منتشر شده و به صورت محدود توزیع می‌شوند، چکیده‌های مقالات کنفرانس و فهرست مقالات رسیده به کنفرانس که تنها در دسترس مشارکت‌کنندگان کنفرانس قرار دارند، اظهارات تأثیر محیطی، برخی از انواع اسناد دولتی، مقالات کاری^۱، و برخی از انواع اسناد برخط^۲ در این دسته قرار می‌گیرند. باید توجه داشت که این اطلاق منابع خاکستری به معنای علمی نبودن این منابع نیست. چه بسا منابع خاکستری که به شدت مورد داوری قرار می‌گیرند و جزء منابع دست‌اول به شمار می‌آیند. کلمه خاکستری به این معنا اشاره دارد که این منابع به صورت محدود توزیع شده و دسترسی به این انتشارات سخت‌تر از دسترسی به محتوای آن‌ها است.

۳-۲. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی

پیشرفت یک جامعه علمی تا اندازه زیادی در گروی بهره‌وری علمی آن است. پرسش‌های پژوهشی شایسته بررسی در این گونه جوامع مطرح می‌شوند و پژوهش و بررسی بر روی این پرسش‌ها آغاز می‌شود و به نتیجه می‌رسد. همین نتایج موجب توسعه علوم گوناگون می‌شوند و خود موجبات طرح پرسش‌های آتی را فراهم خواهند ساخت. در این بافت، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی شاخص بسیار مهمی برای پژوهش‌های علمی به شمار می‌آیند. این نوشته‌های علمی از یک سو از طریق فعالیت‌های آزمایشگاهی و نگارش‌های رومیزی به پرسش‌های پژوهشی پاسخ می‌دهند، و از طرف دیگر انعکاس روش‌هایی هستند که در پژوهش‌ها بکار برده می‌شوند. بنابراین، تمامی جوامع علمی علاقه زیادی به انجام این پژوهش‌ها و انتشار آن‌ها (به دلیل اهمیت آن‌ها برای خلاقیت‌های بعدی) دارند.

نخستین پایان‌نامه/رساله در سال ۱۹۶۱ توسط دانشجویی در دانشگاه ییل در آمریکای شمالی به رشته نگارش درآمد. طول این پایان‌نامه/رساله شش صفحه و با دست نوشته شده بود. اما از آن زمان تا کنون تغییرات زیادی بر روی این مدارک اتفاق افتاده است؛ از نحوه نگارش آن گرفته تا تعداد صفحات، صفحه‌بندی، و شیوه‌های توزیع و دسترس‌پذیری آن‌ها. پایان‌نامه/رساله‌های دانشگاه‌های امروز به طور معمول حدود ۶۰ تا ۶۰۰ صفحه را شامل می‌شوند؛ اگرچه در رشته‌ها و حوزه‌های گوناگون این تعداد می‌تواند متفاوت باشد (McCutcheon 2010).

³ working papers

⁴ online

لفظ پایان‌نامه و رساله^۱ (پارس) به معنی خلق محتوایی است که نتیجه یک مطالعه در سطح تحصیلات تکمیلی و خالق آن یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی است. استاد (ان) راهنمای دانشجوی (از اعضای هیئت علمی) از دیگر افرادی است که در نگارش پایان‌نامه/رساله نقش دارد. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های کاغذی به طور کامل سستی قلمداد شده و بیشتر توسط کتابخانه‌های دانشگاهی یا کتابخانه‌های ملی، که آنها را فهرست‌نویسی، ذخیره، بازبایی، و محافظت می‌کردند، نگهداری می‌شدند. قبل از اینکه استفاده از رایانه‌های شخصی رواج پیدا کند، کاغذ و ماشین تایپ تنها فناوری‌هایی بودند که برای تهیه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها از آنها استفاده می‌شدند. هرچند، نویسندگان بیشتر خود با این فناوری‌ها سروکار نداشتند و تایپیست‌ها این کار را انجام می‌دادند.

با نگارش و انتشار پایان‌نامه‌ها، پژوهشگران خلاق آینده می‌توانند تصور ما از پژوهش دانشگاهی را به چالش بکشند، و یک پژوهش در ابعاد خیلی محدود می‌تواند به صورت فرامتن درآید و ابعاد جهانی به خود گیرد. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های یک دانشگاه می‌توانند ابزار مناسبی باشند تا دانشجویان و اساتید از آن طریق بتوانند در مورد کیفیت و اعتبار یک دانشگاه و توانایی آن دانشگاه برای هدایت دانشجویان خود قضاوت کنند (Moxley, Masiello, and Fox 2002).

۴-۲. مرور نوشته‌ها

توجه به بدرفتاری دانشگاهی یا عدم صداقت پژوهشی، موضوع جدیدی در نوشته‌های علمی نیست؛ با این حال، کاوش‌های ما در پژوهش حاضر نشان داد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه - به ویژه آنهایی که به پشتیبانی داده‌های تجربی تکمیل شده‌اند - به نسبت اهمیت این مسئله در آموزش و پژوهش ناچیز است. در هر صورت، از آنجایی که موضوع این پژوهش یکی از مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی - یعنی سایه‌نویسی - است، تمرکز ما در این بخش بر گزارش پژوهش‌هایی پیرامون این مسئله است. با توجه به آنکه سابقه پدیده سایه‌نویسی به نسبت سایر مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی (مانند سرقت ادبی، داده‌سازی، و غیره) کمتر است، در نوشته‌های پژوهشی نیز توجه کمتری به این پدیده شده است. از این رو، یافتن پژوهش‌هایی که به طور مستقیم

¹ Theses and Dissertations (T&D)

پدیده سایه‌نویسی را مطالعه کرده باشند دشوار است، و در ادامه پژوهش‌هایی گزارش خواهند شد که تا اندازه‌ای پیرامون این موضوع انجام شدند.

«نخعی» و «نیک‌پور» در پژوهش خود دیدگاه‌های دانشجویان سال آخر رشته پزشکی را در مورد فریب‌کاری پژوهشی در نگارش پایان‌نامه جويا شدند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد جعل داده‌ها و دستکاری نتایج با میانگین (به ترتیب ۳۷ و ۴۰ درصد) و سرقت ادبی (بین ۲۵ تا ۵۰ درصد)، و همچنین کپی گرفتن برخی مطالب پایان‌نامه از سایر منابع (۵۸ درصد) مواردی هستند که نگران‌کننده بوده و باید تدابیری برای برخورد با این موارد اندیشید (نخعی و نیک‌پور ۱۳۸۴).

«رجب‌زاده عصارها» در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی میزان شناخت دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران با مقوله سوء رفتارهای پژوهشی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که پژوهشگران دانشگاه تهران اگرچه به صورت خود اظهاری عنوان کردند که با انواع و تعاریف سوء رفتارهای پژوهشی آشنایی دارند، اما بیش از ۶۰ درصد آنان اظهار داشتند که در محیط دانشگاهی خود به میزان قابل توجهی شاهد سوء رفتارهای پژوهشی بوده‌اند. پژوهشگران دانشگاه تهران، برای پیشگیری از ارتکاب سوء رفتارهای پژوهشی در آثار خود اعتماد زیادی به مشاوره با صاحب‌نظران (۵۸ درصد) دارند. تنها ۱۶ درصد از پژوهشگران دانشگاه تهران، در مورد زیاد بودن احتمال ارتکاب سوء رفتارهای پژوهشی در بین پژوهشگران ایران نظر مخالف داشتند و نسبت به احتمال ارتکاب سوء رفتار پژوهشی در آثار خود مخالفت بیشتری (۳۵ درصد) نشان دادند (رجب‌زاده عصارها ۱۳۹۰).

«اجاقی» و همکاران در پژوهش خود به تحلیل آسیب‌شناسی تقلب و سرقت علمی پرداختند. در این پژوهش که با رویکرد کیفی انجام گرفت با هدف شناخت آسیب‌ها و دلایل مؤثر بر شکل‌گیری تقلب و سرقت علمی به تجربیات صاحب‌نظران دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در این زمینه پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که علل مؤثر بر شکل‌گیری تقلب و سرقت علمی در جامعه دانشگاهی در پنج گروه فرهنگی، پرورشی، اقتصادی، اجتماعی، و آموزشی جای می‌گیرند (Ojaghi et al. 2012).

«فعلی»، «بیگلری»، و «پزشکی راد» در پژوهش خود به بررسی نگرش و رفتار دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت‌مدرس در زمینه سرقت علمی پرداختند. داده‌های این پژوهش نیز از

طریق پرسش‌نامه گردآوری گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که میزان نگرش و رفتار بیشتر دانشجویان در زمینه سرقت علمی به ترتیب در سطوح «به نسبت نامساعد» و «متوسط» بود. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین رفتار دانشجویانی که در کارگاه‌های آموزشی مقاله‌نویسی شرکت کرده و آنهایی که شرکت نکرده‌اند، در خصوص سرقت علمی تفاوت معناداری وجود دارد (فعلی، بیگلری، و پزشکی راد ۱۳۹۱).

نشریه کتاب ماه کلیات شماره اردیبهشت ۱۳۹۳ خود را به بررسی مسئله بدرفتاری دانشگاهی و سرقت علمی اختصاص داده است. افزایش مداوم افرادی که به سایه‌نویسی علمی تن می‌دهند، و رواج غیرقابل کنترل این مسئله مهم‌ترین انگیزه این نشریه برای انتشار این ویژه‌نامه بوده است. بررسی وجه‌های گوناگون آسیب‌هایی که در سال‌های اخیر در زمینه اخلاق پژوهش ایجاد شده و باب گفتگویی تازه در این زمینه، از اهدافی هستند که این ویژه‌نامه در صدد دستیابی به آنهاست. «زمانی»، «عظیمی»، و «سلیمانی» نیز در پژوهشی به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداختند. در این پژوهش که با روش توصیفی پیمایشی صورت گرفت با ابزار پرسش‌نامه به گردآوری داده‌ها پرداخته شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره اولین و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سرقت علمی دانشجویان است (زمانی، عظیمی، و سلیمانی ۱۳۹۲).

«مک‌کیب» و «تروینو» در پیمایشی به بررسی عوامل فردی و بافتی مؤثر بر بدرفتاری دانشگاهی پرداختند، و به این نتیجه رسیدند که سن، جنسیت، و معدل مهم‌ترین عوامل فردی، و سطح تقلب میان هم‌کلاسی‌ها، فاش شدن تقلب، مجازات نهایی افرادی که مرتکب بدرفتاری دانشگاهی شده، و مواردی از این دست مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این گونه کج‌روی‌ها در محیط‌های دانشگاهی و علمی - پژوهشی است (McCabe and Trevino 1997).

یافته‌های پژوهشی که «سکانلون» و «نیومن» (۲۰۰۲) بر اساس پیمایش ۶۹۸ دانشجو در نه کالج انجام دادند حاکی از آن بود که تنها ۸٪ از نمونه پژوهش مطلبی را بدون استناد به آن کپی کرده‌اند، ۳٪ یک مقاله را بدون استناد به آن ارائه کرده، و ۲٪ نیز مقاله‌شان را به صورت برخط خریده بودند. جالب آن که اعتقاد پاسخ‌دهندگان درباره کارهای دیگر دانشجویان آن بوده که ۵۰٪ از دانشجویان

غالباً مطالب را بدون استناد به آنها کپی‌برداری می‌کنند، ۲۸٪ یک مقاله را به عنوان کار خود گزارش کرده، و ۲۱٪ از دانشجویان نیز مقالات خود را به صورت برخط می‌خرند.

در یک پژوهش پیمایشی، «لمبرت» و «هوگان» به مطالعه نظرات ۸۵۰ دانشجوی رشته عدالت کیفری و مقایسه آن با دانشجویانی از حوزه‌های دیگر پرداختند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بدرفتاری‌های دانشگاهی، با وجود تفاوت‌های اندک میان رشته عدالت کیفری با سایر حوزه‌ها، تا اندازه زیادی مشابه است، و میزان ارتکاب به این رفتارها در هر دو گروه بالا است. آنها نتیجه می‌گیرند به منظور مقابله با پدیده بدرفتاری‌های دانشگاهی به پژوهش‌های بیشتری برای شناسایی انواع بدرفتاری‌ها، فراوانی هر کدام از آنها، و علل و انگیزه‌های ترویج‌شان مورد نیاز است (Lambert and Hogan 2004).

«راس» و همکاران، قلم زدن در نشریات زیست‌پزشکی را موجب کسب شهرت و اسباب مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی می‌دانند. پرونده اخیر مرتبط با «روفکو کسب» فرصتی بی‌نظیر را برای بررسی پدیده‌های نویسنده میهمان و سایه‌نویسی فراهم کرد که در نشریات پزشکی مورد شک بودند ولی اسناد و مدارک اندکی در تأییدشان یافت می‌شد. هدف از این موردکاوی شناخت انواع گوناگون و دامنه نویسنده میهمان و سایه‌نویسی بود. داده‌های مورد نیاز برای پژوهش از اسناد و مدارک دادگاه پرونده مرتبط با «روفکو کسب» بر علیه شرکت «مرک» گردآوری شد. اغلب داده‌ها بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ حاصل شد. به علاوه، مقاله‌های منتشر شده در رابطه با «روفکو کسب» از طریق «مدلاین» شناسایی و سرانجام حدود ۲۵۰ سند مرتبط با موضوع یافت شد. این موردکاوی اسناد مربوط به صنعت نشان می‌دهد که دست‌نوشته‌های آزمایشی مرتبط با «روفکو کسب» را کارکنان اسپانسر نوشتند ولی در بیشتر موارد نویسنده نخست آن را پژوهشگران وابسته به دانشگاه اعلام کردند که منابع مالی صنعت را افشا نمی‌کردند. دست‌نوشته‌های مروری را اغلب نویسندگان ناشناس تهیه و سپس نویسنده آن را پژوهشگران وابسته به دانشگاه اعلام می‌کردند که آنها نیز منابع مالی را افشا نمی‌کردند (Ross et al. 2008).

«سلیک»^۱ درک دانشجویان سه دانشگاه در ترکیه را در مورد صداقت علمی به صورت مقایسه‌ای با توجه به نوع دانشگاه، جنسیت، و رشته دانشگاهی دانشجویان مورد بررسی قرار داد. نتیجه پژوهش وی نشان داد که دانشجویان بیشتر مرتکب تقلب می‌شوند تا دستبرد علمی. افزون بر تفاوت‌هایی که در بین رشته‌های گوناگون مشاهده شد، دانشجویان زن، در زمینه صداقت علمی در مرتبه بالاتری قرار داشتند (Celik 2009).

«لاکاس» و «لئو» سایه‌نویسی دانشگاهی را تهدیدی برای سلامت عمومی می‌دانند که امروزه فقط به دلیل همکاری پژوهشگران شاغل در مراکز دانشگاهی پزشکی صورت می‌گیرد. هرچند که آگاهی نسبت به خطرات سایه‌نویسی در مراکز علمی پزشکی در حال افزایش است، تعداد معدودی از مراکز اقدام به وضع سیاست‌های عمومی برای منع این رفتار نموده و بسیاری از سیاست‌های موجود مبهم هستند. این پژوهش سیاستی روشن را برای تعریف مشارکت در سایه‌نویسی پزشکی به عنوان بدرفتاری دانشگاهی پیشنهاد می‌کند که شبیه سرقت علمی یا داده‌سازی محسوب می‌شود. با در پیش گرفتن و اعمال این سیاست، مراکز دانشگاهی پزشکی به هنجارهای علمی سایر دانشگاه‌ها تمکین کرده و دیگر تأثیرات مخفیانه صنعت را بر مقاله‌های علمی داوری شده تسهیل نمی‌کنند. آنها دریافتند که از میان ۵۰ مرکز علمی پزشکی مورد بررسی حدود ۱۰ مورد (۲۰٪) آشکارا سایه‌نویسی را منع کردند که از میان آنها هفت مرکز تعریف سایه‌نویسی را در سیاست خود آورده‌اند. سیزده مرکز (۲۶٪) سیاست‌های تألیف را بدون بیانی از سایه‌نویسی مطرح کردند (Lacasse and Leo 2010).

«استاندلر»^۲ در گزارشی به بررسی سایه‌نویسی و سرقت علمی/ادبی توسط وکلا و سیاستمداران و قضات در ایالات متحده پرداخته است. وی در هر مورد پس از ارائه توضیحات لازم نمونه‌هایی از دنیای واقع را ارائه نموده است (Standler 2011).

«اورینگ» و «مورمن» بر چرایی دستبرد ادبی، و سایه‌نویسی به عنوان یکی از مصادیق دستبرد ادبی، تمرکز کرده و مسئله اصلی را در آموزش دانشجویان پیرامون مسائل اخلاقی و دستبرد ادبی جستجو کرده‌اند. به نظر آنها، فرض معلمان و اساتید این است که دانشجویان کاملاً مسائل مرتبط با اخلاق پژوهش و دستبرد ادبی را می‌دانند، انتظار دارند که دانشجویان درگیر اعمال بدرفتاری

¹ Celik

¹ Standler

دانشگاهی نشوند، و معتقدند در مقابل بدرفتاری دانشگاهی و اقداماتی از این قبیل نباید نرمش نشان داد و باید مجازات سفت و سختی در نظر گرفت. نتیجه آن که اقدامات پیشگیرانه‌ای که منجر به آگاهی دانشجویان و دانش‌آموزان درباره صداقت دانشگاهی می‌شود به‌ندرت در این فضاها پیاده‌سازی و اجرا می‌شود (Evering and Moorman 2012).

«هو» و «وو» با بررسی پدیده سایه‌نویسی در چین، رسیدن میزان سایه‌نویسی به آستانه خطر را ناشی از سادگی معاملات اینترنتی می‌دانند. در عین حال تعداد مقالاتی که به تعداد مقالات سایه‌نویسی شده و ارزش مالی آنها می‌پردازد اندک است. برای پاسخ به چنین پرسشی، پژوهش حاضر از تحلیل تجربی برای یافتن تعداد و ارزش پولی مقاله‌های سایه‌نویسی شده در چین بهره می‌برد. پژوهش، در فضای مجازی و با استفاده از جستجوی کلیدواژه‌های انگلیسی و چینی صورت پذیرفت. این پژوهش فقط به بررسی وبسایت‌هایی می‌پردازد که نوشتارهای سطح بالای علمی مانند پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکترا را انجام می‌دهند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نزدیک به ۱۸۰۰ سایه‌نویس تمام‌وقت چینی حدود ۸۰۰۰ مقاله را در سال ۲۰۱۱ تولید کردند که حدود ۰,۱٪ کل مقاله‌های منتشر شده در همان سال در کل کشور را تشکیل می‌داد. ارزش پولی این معاملات بیش از ۴,۴۶ میلیون دلار آمریکا بوده است (Hu and Wu 2013).

«اللهی»، «مشتاق»، و «خان»^۱ در پژوهشی به بررسی عوامل تأثیرگذار فردی، موقعیتی، و اخلاقی بر روی تصمیم دانشجویان بر سوء رفتار علمی در پاکستان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل فردی، موقعیتی، و اخلاقی بر روی علت سوء رفتار علمی تأثیرگذار بوده و این رابطه منجر به ارتکاب حقیقی سوء رفتار علمی می‌شود. همچنین کمبود سیاست‌های مشخص در زمینه سوء رفتار علمی در آموزش عالی عامل اصلی تعیین‌کننده سوء رفتار علمی در میان دانشجویان است (Ellahi, Mushtaq, and Bashir Khan 2013).

² Ellahi, Mushtaq, and Khan

فصل سوم

روش‌شناسی پژوهش

۳. فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش

در این فصل به توضیح چرایی انتخاب رویکرد کیفی برای انجام این پژوهش خواهیم پرداخت. همچنین، روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته تشریح خواهد شد. جامعه و نمونه پژوهش، روش نمونه‌گیری، و استفاده از تکنیک مصاحبه به عنوان ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، از دیگر مباحثی هستند که سرفصل‌های اصلی این بخش را تشکیل می‌دهند. در پایان این فصل نیز به توضیح روش‌هایی خواهیم پرداخت که تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های پژوهش از آن طریق انجام شده است.

۳-۱. مقدمه

بر اساس ماهیت موضوع و جامعه مورد مطالعه، پژوهش حاضر از نوع مطالعاتی است که آن را در زمره پژوهش حساس^۱ تقسیم‌بندی می‌کنند. بر پایه تعریف واژه‌نامه روش‌های پژوهش علوم اجتماعی «سَیج»^۲ (Jupp 2006, 278)، پژوهش حساس به مطالعه زمینه‌های دشواری مانند انحراف‌های جنسی و اعتیاد، یا گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان می‌پردازد. برای گردآوری داده‌های پژوهش و اطلاعات لازم در این گونه پژوهش‌ها، به طور معمول از روش‌های کیفی رایج (برای مثال، مصاحبه

^۱ sensitive research

^۲ The SAGE Dictionary of Social Research Methods

عمیق یا مشاهده دقیق) استفاده می‌شود، به‌ویژه در پژوهش‌هایی که به دنبال بررسی احساسات و عقاید گروه‌های آسیب‌پذیر یا گروه‌های دشوار (که دسترسی به آنها مشکل است) هستند.

حساسیت در این نوع پژوهش‌ها منابع گوناگونی دارد؛ مانند، (۱) دارا بودن عواقب برای مشارکت‌کنندگان، (۲) عواقب برای سایر افراد (مانند اعضای خانواده، همکاران، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌ها، و ...)، (۳) حساسیت موضوع (مانند موضوع‌های تابو، موضوعات جنایی، انحرافات، موضوعات جنسی، نژاد، بیماری، دین و مذهب، خانواده، سبک زندگی، اعتیاد، مصرف دارو، مال و دارایی، سیاست، و ...)، (۴) موقعیت‌های دشوار، (۵) ورود به حوزه خصوصی و تجارب شخصی افراد (مانند درآمد، رفتارهای جنسی، اعمال مذهبی، و ...)، (۶) تحریم‌های احتمالی (خطر یا ریسک به دام افتادن، کاهش حقوق، از دست دادن شغل، و ...)، (۷) تهدید شدن پژوهشگر(ان)، (۸) عوامل فرهنگی، (۹) قرارگیری در جناح‌های سیاسی، (۱۰) ترس از افشای اسامی، یا (۱۱) روش‌شناسی و هدایت پژوهش (مانند زمانی که یک پژوهشگر تازه کار پژوهشی راجع به افراد قدرتمند راه‌اندازی می‌کند، یا زمانی که یک مرد با زنان مصاحبه می‌کند، و برعکس) (Cohen, Manion, and Morrison 2007).

با توجه به بالا بودن حساسیت در این گونه پژوهش‌ها، طراحی فرایند پژوهش باید با دقت هر چه بیشتر انجام پذیرد. در چنین بافت‌هایی که از دیدگاه‌های گوناگون حساسیت در آنها به نسبت بالا است، پژوهشگران باید نکات و کدهای اخلاقی را - که توسط انجمن‌های حرفه‌ای آموزشی و پژوهشی، مانند انجمن جامعه‌شناسی بریتانیا^۱، تعریف می‌شود - رعایت کنند (Jupp 2006, 278).

داوطلبانه بودن مشارکت و محرمانگی دو مسئله بسیار مهمی هستند که در انواع پژوهش‌های حساس باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد (Jupp 2006, 278). نخست آنکه مشارکت در پژوهش باید به طور کامل داوطلبانه انجام شود، چرا که ممکن است در فرایند پژوهش پرسش‌هایی مطرح شود که افراد تمایلی ندارند در مورد آن صحبت کنند. دوم آن که محرمانگی اطلاعات باید به دقت رعایت شود، به این دلیل که ممکن است پدیده‌ای که جامعه پژوهش درگیر آن هستند یک جرم

¹ Britain Sociological Association

یا فساد قلمداد شود و فاش شدن اطلاعات مشارکت‌کنندگان در پژوهش عواقب نامطلوبی را به دنبال آورد.

۳-۲. رویکرد پژوهش

اثبات‌گرایی^۱ و تفسیرگرایی^۲ دو فلسفه اصلی هستند که در طول دهه‌های گذشته بر پژوهش‌های علوم اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. اثبات‌گرایی رویکردی است که سبقه طولانی‌تری نسبت به تفسیرگرایی داشته و ریشه در پژوهش‌های علوم طبیعی دارد، و به دنبال تحلیل پدیده‌ها بر اساس اطلاعات کمی دقیق (اطلاعات سخت^۳) است. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین انتقادهای تفسیرگرایان بر رویکرد اثبات‌گرایی «تقلیل مردم به اعداد و سعی بر ارائه قواعد انتزاعی یا فرمول‌هایی است که هیچ ارتباطی با زندگی واقعی افراد ندارد» (Neuman 2003, 70-75).

در مقابل، رویکرد تفسیرگرایی به دنبال تحلیل نظام‌مند اعمال (که از دید اجتماعی با مفهوم هستند) از طریق مشاهده دقیق مستقیم افراد در بافت طبیعی، به منظور فهم و تفسیر پدیده‌ای است که مردم از آن طریق دنیای اجتماعی خود را خلق می‌کنند. تفسیرگرایان معتقدند علم محصول کنش‌های «اجتماعی» است، بنابراین مفهوم آن تنها در بافت‌های اجتماعی درک می‌شود. پژوهشگر تفسیرگرا برای دستیابی به تحلیل درستی از پدیده‌ها، به طور معمول به مطالعه و بررسی دقیق مواردی می‌پردازد که در زندگی عادی واقعی افراد در جریان هستند. پژوهشگران تفسیرگرا تصمیم می‌گیرند که چگونه نقش خود را در مواجهه با پدیده‌های مورد مطالعه بازی کنند، و از همین رو ممکن است یک طرح غیرخطی را اجرا کنند. مطالعه بافت‌های اجتماعی منجر به خلق داده‌های کیفی (اطلاعات نرم^۴) می‌شود که باید به عنوان متن^۵ تحلیل شوند. داده‌های کیفی، به جای آنکه همانند داده‌های کمی به شکل اعداد دقیق تعریف شوند، در قالب‌های متعددی مانند کلمات، تصاویر، احساسات، یا الگوها ظاهر می‌شوند. داده‌های کیفی اطلاعات ارزشمندی در مورد فرایندهای اجتماعی در بافت‌های واقعی به دست می‌دهند، و تحلیل این داده‌ها از طریق استخراج تم‌ها و مفاهیم از شواهد گردآوری شده انجام می‌

¹ positivism

² interpretivism

³ hard data

⁴ soft data

⁵ text

شود. پژوهشگر در پژوهش‌های کیفی، از طریق سازماندهی داده‌های کیفی سعی می‌کند تا تصویر جامع و دقیقی از پدیده مورد مطالعه ارائه دهد (Neuman 2003, 75-145).

از آنجایی که در پژوهش حاضر، هدف اصلی شناسایی عوامل و انگیزه‌هایی است که بر پدیده سایه‌نویسی تأثیرگذار هستند، پژوهشگران با عوامل انسانی مواجه هستند که کنش‌گران اصلی پدیده سایه‌نویسی به شمار می‌آیند. بر این اساس، پدیده سایه‌نویسی، پیش از هر چیز، یک پدیده اجتماعی است. داده‌های ورودی پژوهش جهت تحلیل پدیده سایه‌نویسی و ارائه درکی درست از عوامل و انگیزه‌های مؤثر بر آن، باید از طریق شواهدی در بافت اجتماعی واقعی - که افراد و مردم واحدهای آن را تشکیل می‌دهند - گردآوری شوند. بنابراین، فلسفه و جهان‌بینی اصلی این پژوهش تفسیرگرایی است، که درصدد استخراج واقعیت پدیده سایه‌نویسی از بافت اجتماعی و ذهن کنش‌گران محوری این پدیده (سایه‌نویس‌ها و مشتریان) است. در این راستا، از منطق استقرایی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار و دسته‌بندی آنها استفاده می‌کند. پس، رویکرد کیفی برای پاسخ‌گویی به اهداف پژوهش به رویکرد کمی ترجیح داده شده، و پژوهشگران درصددند تا با تحلیل داده‌های کیفی تصویر جامع و دقیقی از پدیده مورد مطالعه ارائه دهند.

البته، جهان‌بینی پژوهش به طور کامل به فلسفه تفسیرگرایی پایبند نیست، چراکه باور اصلی پژوهش بر این استوار است که تمام واقعیت پدیده سایه‌نویسی تنها در ذهن کنش‌گران محوری نیست، بلکه بخشی از آن نیز در جهان واقع وجود دارد. بنابراین، این پژوهش تا اندازه‌ای از بنیان‌های فلسفه عمل‌گرایی نیز وام گرفته است، و در بخش‌هایی از فرایند پژوهش، به جای فلسفه تفسیری و استفاده از منطق استقرایی برای ساخت دانش، از منطق قیاسی برای توجیه و دانش‌افزایی پیرامون پدیده سایه‌نویسی بهره گرفته است. استفاده از چارچوب اولیه پایه برای شناخت مقدماتی سازه‌های پیش‌ساخته این پدیده و همچنین استفاده از نظریه‌های موجود برای تبیین بیشتر عوامل تأثیرگذار (استخراج شده از منطق استقرایی) نشانه‌هایی از این جهان‌بینی است.

۳-۳. روش پژوهش

اگرچه روش‌های متعددی می‌توانند در رویکرد کیفی تعریف شوند، اما «کرسول» پنج روش را رایج‌تر و پرکاربردتر از سایر روش‌ها در پژوهش‌های معاصر علوم اجتماعی و سلامت می‌داند. روش

های روایتی، پدیدارشناسی، مطالعه موردی، نظریه زمینه‌ای، و قوم‌نگاری^۱ این پنج روش را شامل می‌شوند (Creswell 2009, 176). به نظر «کرسول»، پژوهشگر ممکن است در پژوهش خود به مطالعه افراد بپردازد (روایتی، پدیدارشناسی)، یا فرایندها، فعالیت‌ها، و اتفاقات را بررسی کند (مطالعه موردی و نظریه زمینه‌ای)، و یا آنکه بخواهد در مورد رفتارهای تسهیم فرهنگ در افراد یا گروه‌های خاصی بیشتر بداند (قوم‌نگاری) (Creswell 2009, 177).

با این حال، رویکردهای دیگری راجع به دسته‌بندی روش‌های پژوهش در رویکرد کیفی وجود دارد. برای مثال، «مایلز»، «هابرمن»، و «سالدانا»^۲ (۲۰۱۴) - که ترجیح می‌دهند به جای «انواع» از واژه «ژانر» در رویکرد کیفی استفاده کنند - به ۲۰ ژانر گوناگون پژوهش کیفی، از ژانرهای شناخته شده مانند تحلیل محتوا و مطالعه موردی گرفته تا ژانرهای غیرمعمول‌تر مانند «اتوانوگرافی»^۳ اشاره کرده‌اند.

آنها معتقدند، پایبندی به یکی از روش‌های پژوهش دشوار است، و چارچوب‌بندی پژوهش‌های کیفی در یک روش یا ژانر دقیق و مشخص کمی چالش‌برانگیز است. از این رو، در یک پژوهش ممکن است از روش‌ها و تکنیک‌های متعددی برای تحلیل داده‌ها از ژانرهای گوناگون وام گرفته شود و تحلیل با توجه به نیاز پیش برود (Miles, Huberman, and Saldaña 2014, 9).

با توجه به آنکه در پژوهش حاضر، پژوهشگران به دنبال بررسی انگیزه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر پدیده سایه‌نویسی در بافت آموزش و پژوهش دانشگاهی ایران هستند، و نیز به منظور گردآوری داده به صورت استقرایی - برای یافتن دسته‌هایی که دارای قابلیت شناسایی و تبیین ابعاد گوناگون پدیده سایه‌نویسی باشند - نیاز به روشی داشته‌ایم که بتواند استنتاج قابل قبولی از داده‌های کیفی گردآوری شده به دست دهد. از این رو، در این پژوهش از روش پیشنهادی مایلز، هابرمن، و سالدانا (۲۰۱۴) استفاده شده است. آنها رویکرد خود را با عنوان رویکرد «مایلز و هابرمن» برای تحلیل داده‌های کیفی نام‌گذاری می‌کنند. هیچ کدام از این صاحب‌نظران به طور کامل به ژانر خاصی از پژوهش کیفی وابستگی ندارند، و به جای آن ترکیب روش‌های گوناگون کیفی را برای انجام پژوهش

^۱ narrative, phenomenology, case study, grounded theory, and ethnography

^۲ Miles, Huberman, and Saldaña

^۳ autoethnography

ترجیح می‌دهند. رویکردی که آنها برای تحلیل کیفی در اثر خود معرفی کرده‌اند، به روش «قوم‌نگاری» با آمیزه‌ای از «گراند تئوری» نزدیک‌تر است (Miles, Huberman, and Saldaña, 2014, 9).

قوم‌نگاری به دنبال توصیف واقعیت‌ها است. در قوم‌نگاری پژوهشگر به دنبال چرایی رخداد یک پدیده نیست، بلکه بیشتر به دنبال آن است که واقعیت موجود را بشناسد؛ از این رو، در مراحل بعدی می‌توان با استفاده از روش‌های دیگر به دنبال چرایی‌ها و عوامل رخداد یک پدیده بود. از طرف دیگر، در گراند تئوری پژوهشگران کار خود را با موارد منفرد و وقایعی شروع می‌کنند، و این داده‌ها کم‌کم در قالب دسته‌بندی‌های انتزاعی‌تر و نظریه‌هایی نمود پیدا خواهند کرد (Tracy 2012, 184). گراند تئوری توسط «گلاسر» و «اشتراوس» در سال ۱۹۶۷ مطرح شد، و بعدها توسط «اشتراوس» و «کوربین» در دهه ۱۹۹۰ و پس از آن «چارمز» توسعه یافت. به‌جای آنکه این داده‌ها بر اساس نظریه‌ها و مفاهیم از پیش تعریف شده تحلیل شوند، پژوهشگر با گردآوری داده کار را شروع می‌کند و با تحلیل آزاد خط به خط پیش می‌رود، و تم‌های موضوعی بزرگتری از این داده‌ها به دست می‌دهد، و در یک مفهوم کلی این تم‌ها را به همدیگر پیوند می‌دهد (Tracy 2012). استفاده از روش نظریه زمینه‌ای در پژوهش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که به ارائه مدل‌ها و نظریه‌هایی پردازد که بر اساس اطلاعات تجربی شکل گرفته‌اند (Pickard 2007, 156). ایجاد طبقه‌ها با کدگذاری داده‌ها شروع می‌شود؛ این طبقه‌ها از قواعدی که ما برای کدها، در یک سطح مفهومی، در نظر گرفته‌ایم بیرون می‌آیند. کدها نیز به نوبه خود توصیف‌گرهای کوتاهی هستند که یک واحد اطلاعاتی (عبارت، جمله، یا پاراگراف، و ...) را توصیف می‌کنند.

به نظر «مایلز»، «هابرمن»، و «سالدانا» (۲۰۱۴، ۱۰) پژوهشگران کیفی، به طور معمول، فرایند کم و بیش مشابهی را برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی انجام می‌دهند. آنها این فرایند را در مراحل زیر دسته‌بندی و به کار گرفته‌اند:

□ اختصاص کدها یا تم‌ها به مجموعه‌ای از یادداشت‌های میدانی، متن پیاده‌سازی شده مصاحبه، یا اسناد مرتبط؛

□ منظم کردن و غربال‌گری مواد کدگذاری شده به منظور شناسایی عبارت‌های مشابه، روابط میان متغیرها، الگوها، تم‌ها، دسته‌ها، و تشخیص تمایز میان زیرگروه‌ها؛

□ جداسازی این الگوها و فرایندها، اشتراک‌ها و تفاوت‌ها، و استفاده از آنها در موج بعدی گردآوری داده؛

□ نکته‌برداری بازتاب‌ها یا سایر مطالب در یادداشت‌ها، نشریه‌ها، یا نکته‌های تحلیلی؛

□ شناسایی تدریجی مجموعه‌ای از اظهارها، قضیه‌ها، و تعمیم‌ها؛

□ مقایسه تعمیم‌ها با پژوهش‌های انجام شده پیشین در قالب ساخت‌ها یا نظریه‌ها.

۴-۳. جامعه و نمونه پژوهش

آن‌گونه که در فصل اول این پژوهش توضیح داده شد، جامعه این پژوهش دو گروه اصلی را در بر می‌گیرد. از یک طرف شامل سایه‌نویس‌ها یا افرادی می‌شود که به انگیزه‌های مختلف به نگارش پایان‌نامه دانشجویان دیگر اقدام می‌کنند. از طرف دیگر، نویسندگان مهمان - در جاهایی از این گزارش، از این گروه ممکن است به عنوان مشتری یاد شده باشد - گروه دیگر جامعه این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در هر صورت، با توجه امکان‌پذیر نبودن جذب مشارکت تمامی اعضای جامعه و محدودیت‌های زمانی، مکانی، و مالی، برای گردآوری داده‌های پژوهش سیاست نمونه‌گیری اتخاذ شده است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، روش‌های نمونه‌گیری را می‌توان به دو روش تصادفی و غیر تصادفی دسته‌بندی کرد. در روش‌های تصادفی هر عضو از جامعه شانس قرار گرفتن در نمونه را دارد و روش رایج‌تری برای نمونه‌گیری است. نمونه‌گیری خوشه‌ای و نمونه‌گیری طبقه‌ای، برای تعیین نمونه‌های پژوهش خود از روش تصادفی استفاده می‌کنند. اما در برخی از پژوهش‌ها امکان استفاده از روش‌های تصادفی برای نمونه‌گیری از جامعه پژوهش وجود ندارد. از این رو، پژوهشگر مجبور می‌شود با روش‌های غیرتصادفی و غیرمعمول‌تر به نمونه‌گیری بپردازد. نمونه‌گیری گلوله‌برفی، نمونه‌گیری متخصص، و نمونه‌گیری در دسترس از انواع رایج روش‌های غیرتصادفی به شمار می‌آیند.

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، به طور یقین پژوهشگران نمی‌توانستند جهت گردآوری داده‌های لازم از روش‌های تصادفی برای نمونه‌گیری و تعیین نمونه پژوهش استفاده کنند. از طرف دیگر، با توجه به اینکه این پژوهش در زمره پژوهش‌های حساس قرار می‌گیرد، تکنیک‌های رایج روش غیرتصادفی نیز نمی‌توانست کاربردی باشد. به نظر «کوهن»، «منین»، و «ماريسان» (۲۰۰۷)، در

پژوهش‌های حساس شناسایی نمونه‌های پژوهش به طور معمول با استفاده از تکنیک‌های زیر انجام می‌شود، و از این روش‌ها می‌توان به اعضای نمونه دسترسی داشت:

- نمونه‌گیری از روی فهرست^۱: با بررسی فهرست‌های عمومی می‌توان نمونه‌های مورد نظر را شناسایی کرد؛ برای مثال، فهرست افرادی که نتوانسته‌اند یک واحد درسی را بگذرانند؛
- نمایش بر روی پرده^۲: در این روش، منطقه جغرافیایی خاصی که اعضای جامعه در آنجا حضور دارند هدف قرار می‌گیرد. برای مثال، برای نمونه‌گیری از افراد مصرف‌کننده مواد مخدر، می‌توان به محلاتی رفت که ممکن است آنجا پیدا شوند؛
- ظاهر شدن^۳: در این روش، پژوهشگران به مکان‌هایی سر می‌زنند که افراد جامعه پژوهش ممکن است در آنجا ظاهر شوند و گرد هم بیایند. برای مثال، برای نمونه‌گیری از افراد معتاد به الکل می‌توان به رستوران‌هایی سر زد که این افراد در آنجا گرد هم می‌آیند؛
- خدمت‌رسانی^۴: پیشنهاد این روش آن است که گاهی باید در ازای مشارکت اعضای نمونه پژوهش به آنها خدمتی ارائه کرد. برای مثال، می‌توان به اعضای نمونه در ازای مشارکت هزینه پرداخت کرد؛
- مطلعان حرفه‌ای^۵: با استفاده از این شیوه پژوهشگران به کمک افرادی که در حرفه خود مشغول به کار هستند، نمونه‌های پژوهش خود را شناسایی می‌کنند. برای مثال، برای نمونه‌گیری از جامعه مجرمانی که مرتکب کودک‌آزاری شده‌اند می‌توان از پلیس کمک گرفت؛
- تبلیغات^۶: با استفاده از این شیوه می‌توان افراد زیادی را برای مشارکت در پژوهش فرا خواند؛
- شبکه‌سازی^۷: این روش مشابه روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی است. یک نمونه با معرفی نمونه‌های بیشتر به پژوهشگر باعث افزایش حجم نمونه می‌شود.

اما در این پژوهش از روش‌های مختلفی جهت دسترسی به نمونه‌های پژوهش استفاده شده است. در گروه سایه‌نویسان، برای نمونه‌گیری اعضا از تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده

¹ list sampling

² screening

³ outcropping

⁴ servicing

⁵ professional informants

⁶ advertising

⁷ networking

است. در روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، اعضای که به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند، خود نمونه‌های دیگری به پژوهشگر (ان) معرفی می‌کنند. معرفی نمونه‌های جدید توسط نمونه‌های در دسترس تا زمانی ادامه می‌یابد که تعداد اعضای نمونه تکمیل شوند. همچنین، در این گروه، تیم پژوهش درصدد مصاحبه با افرادی بود که تجربه بیشتری در زمینه سایه‌نویسی داشته باشند. بنابراین، سعی شد افرادی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شوند که حداقل ۱۵ عنوان پایان‌نامه برای افراد مختلف سایه‌نویسی کرده باشند. در این صورت، پژوهشگران می‌توانستند مطمئن شوند که افرادی که در مصاحبه شرکت می‌کنند تجربه کافی برای پاسخگویی به تمام سؤالات را دارند.

اما در گروه نویسندگان مهمان (مشری‌ها) از دو روش برای نمونه‌گیری اعضا کمک گرفته شده است. در مرحله اول از سایه‌نویسان خواسته می‌شد تا برخی از مشری‌های خود را جهت انجام مصاحبه به تیم پژوهش معرفی کنند. بنابراین، در این مرحله از روش «مطلعان حرفه‌ای» استفاده می‌شد. در مرحله بعدی این مطلعان حرفه‌ای با مشتریان خود مذاکره می‌کردند و در صورتی که آنها تمایل به مشارکت در پژوهش داشتند، برای انجام مصاحبه از آنها دعوت به عمل می‌آمد. در مفاهیم روش پژوهش از این روش با عنوان نمونه‌گیری داوطلبانه^۱ یاد می‌شود.

نمونه‌گیری داوطلبانه نوعی از نمونه‌گیری است، که به‌جای آنکه از روش احتمالی یا تصادفی برای انتخاب نمونه استفاده کند، یک روش هدفمند را در پیش می‌گیرد. نمونه‌گیری داوطلبانه بیشتر افرادی را در یک پژوهش درگیر می‌کند که برای مشارکت در پژوهش - در مواردی در ازای دریافت هزینه - موافق و داوطلب هستند. اگرچه، نمونه‌ها در این نوع نمونه‌گیری، بسته به واحد تحلیل در پژوهش، می‌توانند متفاوت باشند. برای مثال، رئیس یک سازمان ممکن است با مشارکت سازمان تحت نظرش در یک پژوهش موافقت کند (Jupp 2006, 322).

نمونه‌گیری داوطلبانه بیشتر در پژوهش‌های حساس مورد استفاده قرار می‌گیرد، زمانی که گردآوری داده‌ها مستلزم تمایل افرادی جهت پاسخ به درخواست‌ها و پرسش‌ها است. مشکل اساسی در این تکنیک نمونه‌گیری آن است که آیا یافته‌های پژوهش‌های حاصل از آن می‌تواند تعمیم یابد یا خیر. از آنجایی که داوطلبانه بودن یکی از معیارهای تعیین نمونه است، این امکان وجود دارد که

¹ volunteer sampling

مشارکت کنندگان داوطلب نتوانند نماینده نمونه‌های عادی یک پدیده باشند (Jupp 2006, 323). در میان گروه نویسندگان مهمان نیز، افرادی در نمونه پژوهش وارد می‌شدند که برای پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری خود یک سایه‌نویس استخدام کرده و از پایان‌نامه خود نیز دفاع کرده‌اند. بنابراین، چنین افرادی می‌توانستند به تمامی پرسش‌های پژوهشگران پاسخ دهند.

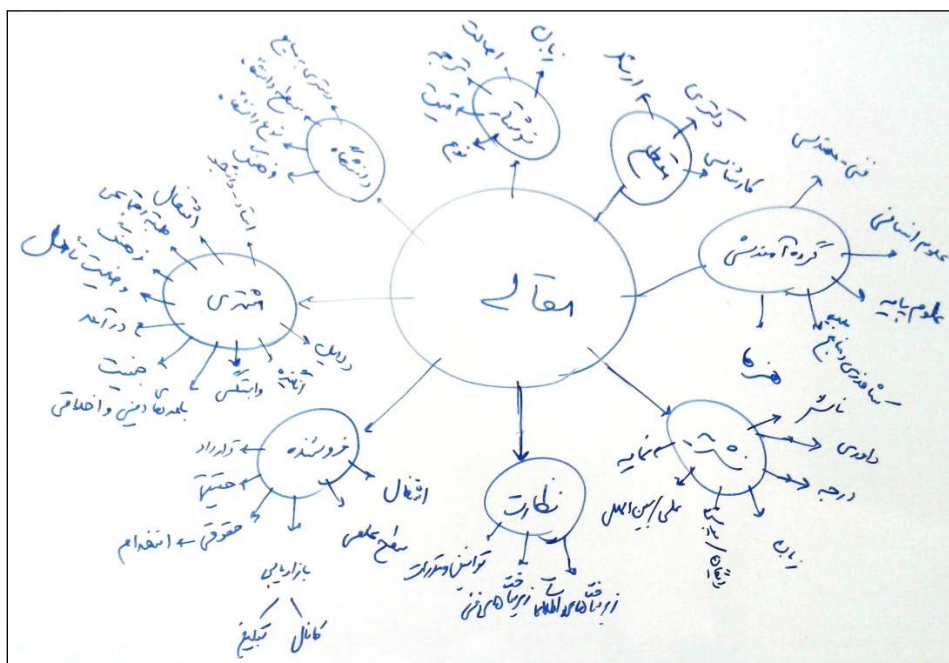
با توجه به آنکه ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه بوده، بنابراین نمونه‌گیری تا جایی ادامه داشته که مصاحبه‌ها به حالت اشباع رسیده‌اند. به این معنی که پس از مصاحبه با نمونه یکی مانده به آخر دیگر محتوای قابل توجهی به مصاحبه‌ها افزوده نشده است. در نهایت، در این پژوهش با ۱۰ نفر از سایه‌نویسان و شش نفر از مشتریان مصاحبه به عمل آمد. هرچند نمونه‌های انتخاب شده بیش از این تعداد بود، اما بسیاری از این افراد - به دلایل محافظه‌کاری و ترس از شناسایی - قبول نکردند که با پژوهشگران مصاحبه کنند. تعداد سایه‌نویس‌هایی که انتخاب و شناسایی شده بودند به ۲۲ نفر، و تعداد مشتریان به ۳۸ نفر رسید. برای مثال، برخی از مشتریانی که توسط سایه‌نویس‌ها معرفی شده بودند، انکار می‌کردند که پژوهش آنها را فرد دیگری انجام داده است. برخی از این مشتریان اصلاً اجازه نمی‌دادند که توسط سایه‌نویس‌ها به ما معرفی شوند.

۳-۵. بارش فکری

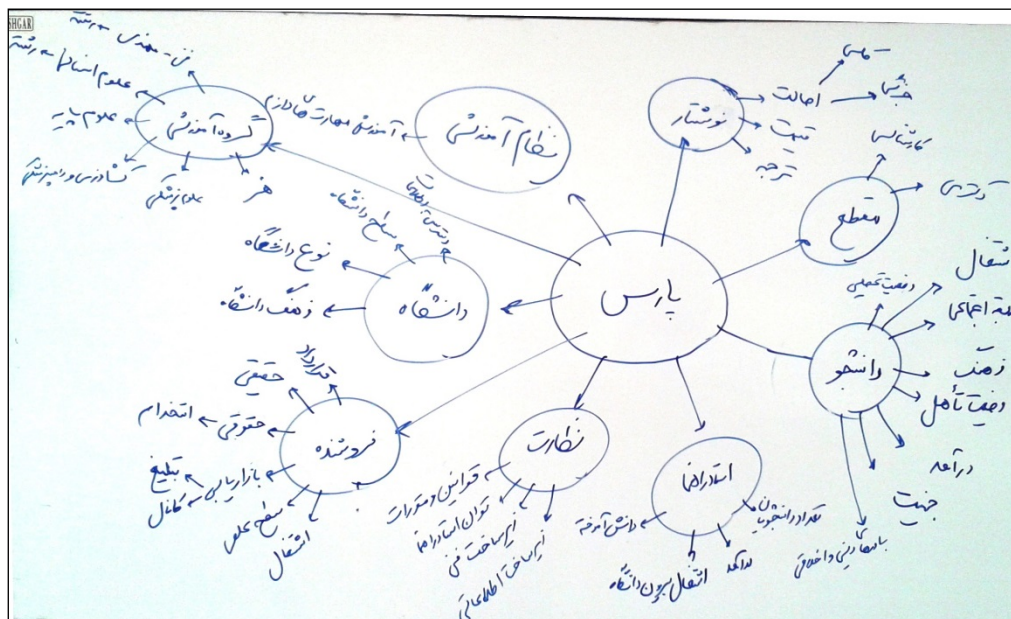
از آنجایی که پدیده سایه‌نویسی در نوشته‌های پژوهشی به خوبی مورد توجه واقع نشده، جوانب گوناگون این پدیده به طور کامل برای پژوهشگران مشخص نبوده است. بنابراین، برگزاری یک جلسه بارش فکری می‌توانست به شناسایی بیشتر این مسئله کمک کند، و شاید سرنخ‌هایی برای پیشبرد پژوهش به دست دهد. جلسه بارش فکری با حضور تیم پژوهش، که با این پدیده آشنایی داشتند، برگزار شد. بارش فکری، همچنین، می‌توانست در شکل‌گیری دقیق‌تر ابزار پژوهش (مصاحبه) مؤثر واقع شود.

بارش فکری تلاشی است که به منظور به نتیجه رسیدن در مورد یک مسئله خاص از طریق گردآوری ایده‌های گروهی از افراد انجام می‌شود (Diehl and Stroebe 1991). تکنیک‌های گوناگونی برای پیشرفت فرایند بارش فکری وجود دارد، مانند بارش فکری پرسشی، بارش فکری انفرادی، روش ترسیم نقشه ایده گروهی، و غیره. از دید روش‌شناختی، فرایند بارش فکری بیشتر در پژوهش‌های کیفی مورد توجه قرار می‌گیرد.

جلسه بارش فکری با حضور شش نفر از افرادی که پدیده سایه‌نویسی برای آنها تشریح شده بود، و خود آگاهی کافی از نظام آموزش عالی ایران داشتند برگزار شد. فرایند بارش فکری با موضوع مشخص و تعریف مسئله و اهداف پژوهش شروع شد. هرکدام از اعضای حاضر در جلسه به صورت انفرادی دیدگاه‌ها و ایده‌های خود را بیان کردند، و در مرحله بعد تمامی این ایده‌ها جمع‌بندی و در قالب یک نقشه بر روی تخته سیاه ترسیم شد (نمودار ۱-۳ و نمودار ۲-۳). پس از ترسیم نقشه مورد نظر، هرکدام از جوانب و ابعاد سایه‌نویسی اولویت‌بندی شد. همان‌طور که ذکر شد، از این نقشه در طراحی ابزار پژوهش نیز استفاده شده است.



نمودار ۱-۳. نقشه ترسیم شده در جلسه بارش فکری (مقاله)



نمودار ۳-۲. نقشه ترسیم شده در جلسه بارش فکری (پارس)

پس از بررسی و جمع‌بندی نقشه مستخرج از جلسه بارش فکری، جوانب و ابعاد مرتبط با پدیده سایه‌نویسی در قالب یک جدول دسته‌بندی شد. جدول ۳-۱ این یافته‌ها را نمایش می‌دهد.

جدول ۳-۱. یافته‌های دسته‌بندی شده جلسه بارش فکری

نوشته علمی	موجودیت	متغیر
پارس	دانشجو	مقطع تحصیلی؛ وضعیت تحصیلی؛ اشتغال؛ وضعیت تاهل؛ درآمد؛ جنسیت؛ دانشگاه محل تحصیل؛ باورهای دینی و اخلاقی.
	استاد راهنما	تعداد دانشجو؛ درآمد؛ اشتغال در بیرون از دانشگاه؛ دانشگاه محل تحصیل.
	دستگاه نظارتی	قوانین و مقررات؛ زیرساخت فنی؛ زیرساخت اطلاعاتی.
	فروشنده	نوع فعالیت (حقیقی یا حقوقی)؛ بازاریابی؛ مقطع تحصیلی؛ اشتغال؛ قرارداد.
	نوشته	اصالت (تازه، کپی پیست، ترجمه و...)؛ قیمت.
مقاله	مشتری	نوع مشتری (دانشجو، استاد،...)؛ جنسیت؛ درآمد؛ وضعیت تاهل؛ باورهای دینی و اخلاقی؛ اشتغال؛ انگیزه ها؛ وابستگی سازمانی.
	فروشنده	نوع فعالیت (حقیقی یا حقوقی)؛ بازاریابی؛ مقطع تحصیلی؛ اشتغال؛ قرارداد.
	دستگاه نظارتی	قوانین و مقررات؛ زیرساخت فنی؛ زیرساخت اطلاعاتی.

ناشر؛ فرایند داوری؛ درجه؛ زبان؛ رایگان/پولی؛ بین‌المللی/ملی؛ نمایه («آی. اس. آی»، «اسکوپوس» و...)؛ نوع (کنفرانس، مجله، و...).	منبع منتشرکننده	
اصالت (تازه، کپی‌پیست، ترجمه و...)؛ قیمت.	نوشتار	

۶-۳. ابزار گردآوری اطلاعات: مصاحبه

در طراحی یک مصاحبه پژوهشی باید اهداف پژوهش در قالب پرسش‌هایی ترجمه شده و این پرسش‌ها چارچوب و بدنه مصاحبه را تشکیل دهند (Cohen, Manion, and Morrison 2007, 356). به همین منظور، پیش از شروع جلسه‌های مصاحبه، تیم پژوهشی طی یک جلسه سعی کرد تا به منظور دستیابی به اهداف پژوهش پرسش‌های مناسبی را طراحی کند تا از مشارکت‌کنندگان پرسیده شده و به مصاحبه جهت دهد. در نهایت، با توجه به اهداف پژوهش حدود ۳۰ پرسش اصلی طراحی شد. چرا که جلسه‌های مصاحبه‌های این پژوهش در دسته مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته قرار می‌گیرد، و پرسش‌های مورد نظر باید از پیش آماده می‌شدند. تمامی این پرسش‌ها در قالب پرسش‌های بازپاسخ طراحی شدند. هرچند، هدف از طراحی پرسش‌ها آن بوده که مصاحبه‌کننده هیچ جنبه از اهداف پژوهش را از قلم نینداخته و بحث پیرامون مسئله مورد بررسی را به صورت کامل پیش ببرد، به‌جای آنکه مصاحبه‌شونده را محدود به پاسخگویی به تنها این پرسش‌ها کند.

در رابطه با پرسش‌هایی که در پژوهش‌های حساس از نمونه‌های پژوهش پرسیده می‌شود، «سادمن» و «بردبرن»^۱ پیشنهاد می‌کنند که پرسش‌های باز بیش از پرسش‌های بسته، و پرسش‌های طولانی بیش از پرسش‌های کوتاه برای دستیابی به یافته‌های با کیفیت‌تری کارآمد هستند. هر دوی این پرسش‌ها به پاسخگو امکان می‌دهد تا به زبان خودش به پرسش‌ها پاسخ دهد. اگر چه پرسش‌های کوتاه برای آگاهی از نگرش‌ها بهتر هستند، اما برای آگاهی از رفتار پرسش‌های طولانی مؤثرترند. همچنین، در مصاحبه در مورد موضوع‌های حساس، پژوهشگران باید به این نکته توجه کنند که نباید با پرسش‌های طولانی، مصاحبه‌شونده را خسته کرده یا به او استرس وارد کنند (Cohen, Manion, and Morrison 2007, 130). از این رو، مصاحبه‌کنندگان باید با بافت مورد مطالعه به طور کامل آشنا شوند و رفتارهای مناسب در این بافت‌ها از پیش به آنها آموزش داده شود. با توجه به ماهیت موضوع

¹ Sudman and Bradburn

مورد مطالعه در این پژوهش و همچنین سر و کار داشتن پژوهشگران با واقعیت‌ها، نگرش‌ها، و رفتارها، جلسه‌های مصاحبه هم شامل پرسش‌های کوتاه می‌شد و هم پرسش‌های طولانی - همراه با مثال و نمونه - را در بر می‌گرفت.

به نظر «لی»^۱، در این گونه مصاحبه‌ها پژوهشگران باید از واژه‌ها و اصطلاحات آشنا (برای پاسخ‌گویان در یک زمینه خاص) استفاده کنند، تا به این طریق حس تهدید در پاسخ‌دهندگان را کاهش داده و آنها آرامش بیشتری را در پاسخ به پرسش‌های پژوهشگر احساس کنند (Cohen, Manion, and Morrison 2007, 130). مسئله مهم دیگر در مصاحبه با افراد در بافت‌های حساس، موقعیت خود پژوهشگر است. حرکات غیر کلامی پژوهشگر می‌تواند بر روی پاسخ‌دهنده تأثیر گذار باشد. همچنین، پژوهشگران باید سعی کنند خود راجع به پدیده مورد بررسی هیچ قضاوتی نکنند. چراکه چنین مسائلی می‌تواند بر روی مصاحبه‌شونده تأثیر بگذارد و به مصاحبه جهت داده و منجر به سوگیری شود (تأثیر مصاحبه‌کننده)^۲ (Cohen, Manion, and Morrison 2007, 130). به همین دلیل، برای آنکه تا اندازه امکان از «تأثیر مصاحبه‌کننده» در جلسه‌های مصاحبه در پژوهش حاضر جلوگیری شود، تمامی مصاحبه‌ها توسط دو نفر از تیم پژوهش، که از پیش راجع به مسئله سایه‌نویسی دانش کافی در اختیار داشتند و با ادبیات این حوزه آشنا بودند و همچنین طی جلسه‌های متعدد سناریوهای احتمالی را پیش‌بینی و برای این منظور آموزش دیده بودند، انجام شد. از این رو، خود پژوهشگران، به عنوان ابزار پژوهش، نه تنها دانش کافی را در زمینه مورد بررسی داشتند، بلکه در برقراری ارتباط و تعامل آموزش دیده و می‌توانستند فضای راحت و ایمنی را برای مشارکت‌کنندگان فراهم کنند که آنها آزادانه به صحبت بنشینند. همچنین، پروتکل مصاحبه‌ای نیز تنظیم شد تا از پیشروی درست جلسه‌های مصاحبه اطمینان حاصل شود. این پروتکل شامل یک سرفصل (تاریخ، محل، مصاحبه‌کننده، مصاحبه‌شونده، و اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شونده)، عبارات مقدماتی برای ورود به بحث، دستور عمل مصاحبه (که پیش‌تر تنظیم شده بود)، پرسش‌هایی که باید پرسیده می‌شد (هرچند این پرسش‌ها بیشتر برای آب شدن یخ ارتباط میان مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده استفاده می‌شد و سمت و سوی مصاحبه را تعیین می‌کرد)، نحوه پرسش سؤالات برای توضیح بیشتر،

² Lee

¹ interviewer effect

نحوه ضبط صدا با استفاده از یک دستگاه ضبط صوت، و تقدیر و تشکر پایانی از فرد مصاحبه شونده برای اختصاص وقت می‌شد. «کرسول» استفاده از چنین پروتکلی را برای انجام مصاحبه مفید ارزیابی می‌کند (Creswell 2009, 183).

با توجه به ماهیت حساس موضوع مورد بررسی، تا حد امکان سعی شد تا پرسش‌ها به صورت غیر مستقیم در جلسه مصاحبه پرسیده شوند. برای مثال، به جای آنکه به طور مستقیم از مشتری پرسش شود که چه عواملی باعث شده تا او برای نگارش پایان‌نامه خود یک فرد دیگر (یک سایه‌نویس) استخدام کند، از او سؤال می‌شد که چه عواملی باعث شده تا او برای تکمیل کار خود یک «همکار پژوهشی» استخدام کند. اگرچه، تیم پژوهش از قبل از طریق افرادی که مشتریان‌شان را معرفی کرده بودند از این مسئله اطمینان حاصل کرده بود که مصاحبه‌شوندگان تمام پایان‌نامه خود را برای نگارش به فرد دیگری واگذار کرده بودند. استفاده از چنین اصطلاحات غیرمستقیمی می‌توانست تا حدودی در مشارکت‌کنندگان احساس آرامش ایجاد کند و موجب وارد کردن استرس به آنها نشود.

برای فراهم کردن فضای مناسب برای جلسه‌های مصاحبه، قبل از هرچیز مصاحبه‌کنندگان در مورد هدف پژوهش، دامنه و ماهیت آن، نحوه هدایت مصاحبه، نحوه استفاده از داده‌های حاصل از مصاحبه، مسائل اخلاقی، مدت زمان احتمالی که مصاحبه به طول خواهد انجامید، و به طور کلی «قواعد بازی» به مصاحبه‌شوندگان توضیح می‌دادند. همچنین، مصاحبه‌کنندگان در ابتدای مصاحبه خود را به طور کامل به مصاحبه‌شونده معرفی می‌کردند. افزون بر این، دوباره تأکید می‌شد که با اجازه آنها صدایشان ضبط خواهد شد؛ همچنان که آنها از پیش می‌دانستند. «کوهن»، «منین»، و «ماريسان» انجام چنین اعمالی را برای ایجاد فضای بهتر برای اجرای جلسه مصاحبه لازم و ضروری می‌دانند (Cohen, Manion, and Morrison 2007, 365).

یک جلسه مصاحبه پژوهشی می‌تواند با روش‌های مختلفی اجرا شود؛ «کرسول» به گونه‌های (۱) چهره به چهره یا رو در رو، (۲) تلفنی، (۳) گروه کانونی، و (۴) پست الکترونیکی یا ایمیل اشاره می‌کند (Creswell 2009, 179). با توجه به محدودیت‌ها و الزامات موجود، در این پژوهش، هم مصاحبه چهره به چهره انجام شده و هم از مصاحبه تلفنی استفاده شده است. به مصاحبه تلفنی مصاحبه

رسانه‌ای^۱ نیز اطلاق می‌شود، که یکی از مهم‌ترین مزایای آن تشویق مشارکت‌کنندگان به بیشتر درگیر شدن در جلسه مصاحبه و به اشتراک‌گذاری بیشتر اطلاعات است (Tracy 2012, 163-164). هر کدام از این روش‌ها مزایا و چالش‌های ویژه خود را دارند. در هر صورت، در این پژوهش از هر دوی این روش‌ها استفاده شده است. ابتدا تا جایی که ممکن بوده، سعی شده تا از مصاحبه‌شوندگان قرار ملاقات حضوری درخواست شود. در صورتی که آنها یک قرار ملاقات حضوری را می‌پذیرفتند، قرار ملاقات هماهنگ و جلسه مصاحبه انجام می‌شد. اما در بعضی موارد، با توجه به محدودیت‌های زمانی، مکانی، و مالی این جلسه‌های حضوری امکان‌پذیر نبوده است. برای مثال، برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش از سایر استان‌های کشور بوده‌اند، و بنابراین امکان هماهنگ کردن قرار ملاقات حضوری برای هدایت مصاحبه امکان‌پذیر نبوده و در این موارد با استفاده از تلفن این جلسه‌های مصاحبه برگزار شده است. در مواردی نیز برخی از مصاحبه‌شوندگان تمایلی به ملاقات حضوری نداشته‌اند (به دلایل گوناگونی که یکی از آنها احساس امنیت بیشتر در مصاحبه غیرحضوری است)، که در این شرایط نیز سعی شده با آنها به صورت تلفنی مصاحبه شود. در این پژوهش بیشتر جلسه‌های مصاحبه با سایه‌نویس‌ها به صورت حضوری و بیشتر جلسه‌های مصاحبه با نویسندگان مهمان به صورت غیرحضوری و تلفنی انجام شده است.

پس از برگزاری اولین جلسه مصاحبه، متن مصاحبه در اختیار تیم پژوهش قرار گرفت و یک جلسه برای بررسی ساختار، کیفیت، و سایر مسائل مربوط به مصاحبه تشکیل و چارچوب مصاحبه یک بار دیگر مورد بازبینی قرار گرفت. این مرحله برای حصول اطمینان از پیشرفت صحیح مصاحبه‌ها ضروری به نظر می‌رسید؛ چراکه، به طور معمول میان آنچه که در نظر و تئوری تصور می‌شود و آنچه که در دنیای واقعی اتفاق می‌افتد تفاوت هست. بنابراین، در این جلسه نقاط ضعف، ساختار، و به طور کلی شیوه ادامه جلسه‌های مصاحبه بحث و نتیجه‌گیری شد.

یکی دیگر از گام‌های مهم در فرایند مصاحبه، پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده است؛ به دلیل آنکه ممکن است حجم بزرگی از داده‌ها در این مرحله از بین برود، اگر مصاحبه‌ها به درستی پیاده سازی نشوند. اگرچه، این اتفاق ممکن است در فرایند ضبط صدا نیز اتفاق بیفتد. به همین دلیل، تا حد

¹ mediated interview

امکان سعی شد جلسه‌های مصاحبه در فضاهای آرام و به دور از شلوغی و با ابزار مناسب ضبط شوند. از دست دادن حرکات بدن، تغییرات چهره، و حالات مختلف صوتی و بصری از چالش‌هایی است که در پیاده‌سازی جلسه‌های مصاحبه در این پژوهش - و به طور کلی در پیاده‌سازی صوت - تیم پژوهش با آن مواجه بوده‌اند. برای از دست نرفتن تمامی داده‌های از این دست، سعی شد در فرایند پیاده‌سازی مصاحبه تا جایی که امکان دارد این حالات پیاده‌سازی شوند. برای مثال، در جایی که مصاحبه‌شونده لبخند می‌زند، در متن مصاحبه این لبخند با «[با حالت خنده]» یا «[پنج ثانیه مکث]» مشخص شده است. اگرچه می‌توان متن جلسه‌های مصاحبه‌ها را از زبان محاوره به زبان رسمی پیاده‌سازی کرد، اما در این پژوهش تمامی مصاحبه‌ها تا جایی که ممکن بود به همان زبان گفتار (مطابق با آنچه مصاحبه‌شونده اظهار می‌کند) پیاده‌سازی شده‌اند.

جلسه‌های مصاحبه - چه با سایه‌نویسان و چه با نویسندگان مهمان (مشتریان) - طی ۱۵ شهریور ۱۳۹۳ تا ۱۵ آذر ۱۳۹۳ هدایت و انجام شده‌اند. یکی از دلایل آنکه گردآوری داده‌ها این چنین به طول انجامید، عدم تمایل به همکاری بسیاری از افرادی بود که به عنوان نمونه انتخاب می‌شدند. همچنین، اندازه جلسه‌های مصاحبه پیاده‌سازی شده، به طور معمول از ۲۵۰۰ کلمه تا نزدیک به ۶۰۰۰ کلمه بوده است.

۷-۳. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

همان‌طور که گفته شد، جامعه این پژوهش دو گروه سایه‌نویس‌ها و مشتریان را شامل می‌شود. تکنیک‌های گوناگونی برای نمونه‌گیری افراد جهت مشارکت در پژوهش به کار گرفته شد؛ که در نهایت، با توجه به محدودیت‌هایی که پژوهشگران - به دلیل حساس بودن موضوع پژوهش - با آن مواجه بودند، با ۱۰ نفر سایه‌نویس و ۶ نفر مشتری مصاحبه عمیق به عمل آمد.

به لحاظ سنی، سایه‌نویس‌ها در بازه سنی ۲۸ سال تا ۳۸ سال، و مشتریان نیز در بازه سنی ۲۷ تا ۳۹ سال قرار داشتند. جنسیت نه نفر از سایه‌نویس‌هایی که با آنها مصاحبه شده مرد و یک نفر از آنها زن، و نسبت جنسیت مشتریان نیز برابر بوده است. از دید مقطع تحصیلی، یک نفر از سایه‌نویس‌ها لیسانس، دو نفر از آنها فوق لیسانس، و هفت نفر نیز در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند. در مقابل، یک نفر از مشتریان دارای مدرک کارشناسی، چهار نفر از آنها دارای مدرک کارشناسی ارشد، و یک نفر نیز دانشجوی مقطع دکتری بوده است. افزون بر این، هفت نفر از سایه‌نویس‌ها و پنج

نفر از مشتریان مجرد، و سه سایه‌نویس و یک مشتری مشارکت‌کننده در مصاحبه‌های پژوهش متأهل بوده‌اند.

شش نفر از سایه‌نویس‌ها فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران بوده یا در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند، یک نفر در دانشگاه تربیت مدرس تحصیل کرده، یک نفر فارغ‌التحصیل از دانشگاه شهید بهشتی است، و دو نفر نیز اطلاعاتی راجع به دانشگاه محل تحصیل به تیم پژوهش ارائه ندادند. تمامی مشتریانی نیز که با آنها مصاحبه شد فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی بوده‌اند. همچنین، یکی از مشتریان در حال حاضر (زمانی که مصاحبه انجام شده) در یکی از دانشگاه‌های دولتی معتبر مشغول به تحصیل است. اگرچه او نام دانشگاهش را نیز اعلام کرده، اما از تیم پژوهش خواسته نام این دانشگاه منتشر نشود.

تا جایی که ممکن بود، سعی شد تا افرادی که به عنوان نمونه پژوهش انتخاب می‌شوند، از حوزه‌های موضوعی گوناگون باشند، تا جامع بودن اطلاعات حفظ شود. در نهایت، سه نفر از سایه‌نویس‌ها از حوزه مدیریت، دو نفر از حوزه روانشناسی، یک نفر از حوزه مشاوره، یک نفر از حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، یک نفر از حوزه علوم سیاسی، یک نفر از حوزه تربیت بدنی، و یک نفر از حوزه کشاورزی در این پژوهش مشارکت کردند. مشتریان نیز از رشته‌های حسابداری، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مدیریت، روانشناسی، مهندسی مکانیک، و کشاورزی بوده‌اند. باید به این مسئله توجه داشت که برخی از سایه‌نویس‌ها در پذیرش سفارش محدود به حوزه تحصیلی خود نشده و موضوع‌های مرتبط - و گاهی اوقات غیر مرتبط - را نیز پوشش می‌دهند. دو نفر از سایه‌نویس‌هایی نیز که با آنها مصاحبه شده مدیر مؤسسه‌هایی بوده‌اند که درگیر کسب و کار سایه‌نویسی هستند؛ از این جهت، اطلاعاتی که آنها در اختیار تیم پژوهش قرار می‌دادند برای پرداختن به این مسئله در شرکت‌های سایه‌نویسی دارای اهمیت بوده است.

۸-۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات

بحث پیرامون تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی بخش‌های متعددی دارد. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی شامل استخراج مفهوم و معنی از داده‌های متنی و تصویری می‌شود. فرایند تجزیه و تحلیل این داده‌ها، شامل آماده‌سازی داده‌ها برای تحلیل، شروع تحلیل‌های مختلف، عمیق و عمیق‌تر

شدن در فهم داده‌ها، نمایش اطلاعات، و ارائه یک تفسیر درست از حجم زیادی مفاهیم و معانی داده ها می‌شود (Creswell 2009).

روشی که در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده، روشی است که «سالدانا»^۱ (۲۰۱۳) در «دستنامه کدگذاری برای پژوهشگران پژوهش کیفی»^۲ معرفی و «مایلز»، «هابرمن»، و «سالدانا» (۲۰۱۴) در کتاب خود با عنوان *تحلیل داده‌های کیفی: منبع روش‌ها*^۳ بسط داده اند. اگر چه، این روش در بیشتر کتاب‌های درسی روش پژوهش کیفی بیان شده است. برای مثال، «تریسی» نیز روشی مشابه برای تحلیل داده‌های کیفی معرفی کرده است (Tracy 2012, 185-200).

از دیدگاه «سالدانا» (۲۰۱۳)، تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در دو مرحله انجام خواهد شد؛ دور اول (کدگذاری) و دور دوم (الگویابی). در دور اول کدگذاری، سعی می‌شود به هر تکه‌ای از داده یک برچسب (یا همان کد) داده شود. کدها برچسب‌هایی هستند که مفهوم نمادین به اطلاعات توصیفی اختصاص می‌دهند. اگر چه برخی از صاحب‌نظران معتقدند که کدگذاری فرایندی فقط فنی است، اما فرایند کدگذاری یک فرایند تحلیلی هم است، که انعکاس عمیقی از داده‌ها به دست می‌دهد. در دور دوم با نتایج حاصل از دور اول کدگذاری کار می‌شود. «تریسی» به طور خلاصه، فرایند کدگذاری را برچسب‌زنی نظام‌مند داده‌ها می‌داند (Tracy 2012, 186). به اعتقاد «سالدانا» (۲۰۱۳)، کدها به طور معمول «یک کلمه» یا «عبارت کوتاه»ی هستند که به صورت نمادین به نسبتی از داده های زبانی یا تصویری اختصاص می‌یابند؛ این داده‌ها می‌تواند هر چیزی باشد، از متن پیاده‌سازی‌شده یک مصاحبه گرفته تا متن یک پست الکترونیکی. نسبت داده‌هایی که به آنها کد اختصاص داده می‌شود، در دور اول می‌تواند یک کلمه واحد یا یک صفحه یا هر مقدار دیگر داده باشد. در دور دوم کدگذاری، این نسبت می‌تواند به طور دقیق برابر نسبت دور اول باشد، یک پاراگراف طولانی، یا یک یادداشت تحلیلی درباره داده‌ها باشد. برای پیشبرد فرایند کدگذاری ابزارهای گوناگونی - از انجام فرایند با مداد و کاغذ گرفته تا استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای مختلف - در دسترس است. آنچه در پژوهش حاضر ترجیح داده شده، استفاده از ویرایش ۱۱ نرم‌افزار مبتنی بر دسکتاپ «مکس کیودا»^۴

¹ Miles, Huberman, and Saldana

² The coding manual for qualitative researchers

³ Qualitative data analysis: A methods sourcebook

⁴ MaxQDA

بوده است. به دلیل آن که فرایند کدگذاری را چند نفر انجام می‌داده‌اند، و این نرم‌افزار امکان ترکیب و خروجی گرفتن هم‌زمان از فایل‌های مختلف را بسیار تسهیل می‌کند.

اگر روش‌های اصلی کدگذاری در دور اول را سه روش توصیفی، درون‌بافتی، و فرایندی^۱ بدانیم (Miles, Huberman, and Saldaña 2014)؛ روش کدگذاری فرایندی روشی است که با استفاده از آن دور اول کدگذاری داده‌های پژوهش انجام شده است. به نظر «مایلز»، «هابرمن»، و «سالدانا» (۲۰۱۴)، اگرچه این روش کدگذاری در تمامی روش‌های مطالعه‌های کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما مناسب روش نظریه‌زمینه‌ای است. به هر حال، هر جا لازم به نظر رسیده، از کدگذاری توصیفی هم استفاده شده است.

یکی از چالش‌های کدگذاری در روش کیفی آن است که اگر ما ندانیم به دنبال چه مسئله‌ای هستیم، هر آنچه در داده‌ها وجود دارد یک مسئله به حساب می‌آید. بنابراین، در این پژوهش، در دور اول کدگذاری سعی شد فرایند کدگذاری با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش انجام شود؛ به این ترتیب، کدگذاران می‌توانستند بر روی کدهایی تمرکز کنند که می‌توانند به پرسش‌های ما پاسخ دهند.

پیش از شروع فرایند کدگذاری و بر اساس نتایج جلسه‌بارش فکری، چارچوب نظری پژوهش، پرسش‌های پژوهش، و متغیرهای اصلی دخیل در مسئله، نزدیک به ۳۰ عدد کد کلی^۲ در یک دفترچه کد^۳ برای شروع کدگذاری انتخاب و در اختیار کدگذاران قرار داده شد (کدگذاری قیاسی^۴). همچنین، گوشزد شد که این کدها تنها برای شروع کار طراحی شده و می‌توانند تغییر یابند، حذف و اصلاح شوند، یا کدهای جدیدی زیر^۵ یا در کنار آنها افزوده شود (کدگذاری استقرایی^۶). از کدگذاران خواسته شد، اگر کدی به آن می‌افزایند که نامفهوم به نظر می‌رسد، توضیحی نیز برای قابل فهم شدن کد بنویسند. همچنین، در دور اول کدگذاری، هر جا که لازم بوده، پژوهشگران یادداشت

^۲ descriptive coding, in vivo coding, and process coding

^۱ master codes

^۲ code book

^۳ deductive coding

^۴ subcoding

^۵ inductive coding

هایی (توصیفی، تفسیری، تحلیلی، ارزیابانه، یا ...) به کدها اختصاص داده، و ارتباط میان کدها و نقل قول‌های موجود در متن مصاحبه‌ها نیز حفظ شده است.

۹-۳. روایی و پایایی

انواع روایی و پایایی برای انجام پژوهش بسیار هستند. ترس از روایی و پایایی یک پژوهش هیچ‌گاه نمی‌تواند به طور کامل حذف شود. همین ترس منجر می‌شود پژوهشگر در تمام گام‌های پژوهش به روایی و پایایی توجه کند.

در حالی که در سال‌های پیش روایی محدود به این مسئله می‌شد که آیا ابزار اندازه‌گیری برای آنچه قرار است اندازه‌گیری شود درست انتخاب شده یا نه، این شاخص اخیر اشکال زیادی را به خود گرفته است. برای مثال، در پژوهش کیفی روایی پژوهش ممکن است از طریق صداقت، عمق، غنا، و مقیاس داده‌های گردآوری شده بررسی شود. در انواع پارادایم‌های پژوهش این شاخص به اشکال مختلف سنجیده می‌شود، که در مواردی با هم تفاوت‌هایی دارند. در پژوهش کیفی، اما، صاحب‌نظرانی چون «لینکلن» و «گوبا»^۱ اصطلاح‌های دیگری (مانند بی‌طرفی، معتبر بودن، تأییدپذیری، باورپذیری، و غیره) را به جای استفاده از اصطلاح «روایی» ترجیح می‌دهند (Cohen, Manion, and Morrison 2007, 133-140).

در رویکرد کیفی، به طور معمول، هدف تعمیم دادن نتایج پژوهش نیست؛ از این رو، روایی بیرونی نتایج و ابزارها آن چنان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اما، برای اطمینان از روایی درونی چندین روش پیشنهاد شده، که یکی از راه‌ها گردآوری داده از طریق منابع متعدد است. «مثلث‌سازی»، «مثلث‌بندی»، یا «سه‌سویه‌سازی»^۲ اصطلاح‌هایی هستند که برای تعریف این عمل استفاده می‌شوند. در این پژوهش، از آنجایی که مصاحبه از دو گروه گوناگون ولی دارای همپوشانی فراوان (هم سایه‌نویس‌ها و هم مشتریان) انجام شده و هم در جاهایی از مشاهده برای بررسی داده‌ها استفاده شده است، در موارد گوناگونی این سه‌سویه‌سازی انجام شده است؛ تجزیه و تحلیل این اطلاعات در کنار هم (در فصل چهارم) به همین دلیل بوده است.

^۶ Lincoln and Guba

^۱ triangulation

از دیگر شیوه‌های افزایش روایی در رویکرد کیفی در گیر کردن پژوهشگران بیشتر در مراحل گوناگون پژوهش است. در نتیجه، از این طریق می‌توان میزان توافق در داده‌های گردآوری شده را بیشتر کرد. از آنجایی که یک تیم چهار نفره این پژوهش را انجام داده و هر چهار نفر در مرحله کدگذاری و تجزیه و تحلیل اطلاعات درگیر بوده‌اند، بنابراین سطح روایی نتایج به‌دست آمده افزایش یافته است. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش («مکس کیودا») نیز اجازهٔ چنین مشارکتی را می‌داد. پروتکل مصاحبه نیز یکی دیگر از راه‌هایی است که از طریق آن می‌توان به بالا بردن سطح روایی و پایایی پژوهش کمک کرد. در این پژوهش نیز، در ابتدا، یک پروتکل طراحی شد که نحوهٔ معرفی پژوهش و پژوهشگر، توضیح دادن چارچوب کار، جویا شدن تمایل مشارکت کنندگان برای مشارکت در پژوهش، پرسش‌های آغازین و هدایت مصاحبه، و مواردی از این قبیل جزء این پروتکل بوده است.

از دید «کرسول»، یادداشت‌برداری خلاصه از مصاحبه، ضبط مصاحبه با کیفیت قابل قبول، پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، و برداشتن نکات ارزشمند حین مصاحبه از مواردی هستند که می‌توانند در تغییر سطح روایی و پایایی تأثیرگذار باشند (Creswell 2009). از این رو، در این پژوهش نیز مصاحبه‌ها با کیفیت قابل قبول ضبط و بر روی رایانه ذخیره و پیاده‌سازی شد، و یادداشت‌هایی کوتاه دربارهٔ مصاحبه‌شونده و شرایط مصاحبه نیز ثبت شد.

۱۰-۳. مسائل اخلاقی

مسائل اخلاقی یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در انجام یک پژوهش هستند. این مسائل زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند که در پژوهش، با عوامل انسانی و در بافت‌های اجتماعی روبرو شویم. هر مرحله از پژوهش، خود مسائل اخلاقی خاصی دارد که باید توسط پژوهشگران به دقت رعایت شود.

یکی از مسائل اخلاقی چالش برانگیزی که ممکن است در پژوهش‌های حساس اتفاق بیفتد این است که شاید پژوهشگر در فرایند پژوهش گناهکار شود و دست‌های او به جرم یا گناهی آلوده شوند. برای مثال، در پژوهشی که «پارتریک»^۱ در سال ۱۹۷۳ در مورد باند «گلاسگو» انجام داد،

¹ Patrick

پژوهشگر شاهد صحنه یک قتل بوده است. حال او باید این مسئله را به پلیس گزارش می‌کرد و خودش را به باند لو می‌داد، یا آنکه ساکت می‌ماند تا ارتباطش را با باند حفظ کند و بنابراین به دلیل گزارش نکردن قتل مرتکب قانون‌شکنی می‌شد (Cohen, Manion, and Morrison 2007, 126).

«سیبر»^۱ (۱۹۹۲) در توضیح مسائل اخلاقی مرتبط با پژوهش‌هایی که در بافت‌های اجتماعی

انجام می‌شود، میان سه اصطلاح تفاوت قائل می‌شود (Miles, Huberman, and Saldaña 2014):

□ محرمانگی^۲: کنترل بر روی دسترسی دیگران به اطلاعات گردآوری شده یا رعایت حد و مرز

اطلاعات حفاظت شده یا دریافت اطلاعات ناخواسته؛

□ رازنگهداری^۳: توافق با یک فرد یا سازمان در مورد این که قرار است با داده‌های پژوهش (که از

طریق آنها گردآوری شده) چه کار انجام شود و چه کار انجام نشود؛ و

□ ناشناس ماندن^۴: نبود شناساگر، یا هر اطلاعات دیگری که هویت افراد یا سازمان‌های دخیل در

گردآوری اطلاعات را مشخص کند.

مسئله ناشناس ماندن مشارکت‌کنندگان در پژوهش، یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل

اخلاقی است که در پژوهش‌های حساس باید مورد توجه تیم پژوهش قرار گیرد. از آن جایی که

جامعه پژوهش در این گونه پژوهش‌ها بسیار شکننده و آسیب‌پذیر هستند، اطلاعات جمعیت‌شناختی

این افراد به هیچ عنوان نباید فاش شود. برای مثال، در پژوهش حاضر اگر اطلاعات افراد سایه‌نویس

فاش می‌شد ممکن بود که این افراد تحت پیگرد قانون قرار گیرند، یا آنکه اگر اطلاعات نویسندگان

مهمان (مشری‌ها) منتشر می‌شد، ممکن بود که مدارک تحصیلی آنها از طرف دانشگاه محل تحصیل

شان باطل اعلام شود. بنابراین، تیم پژوهش با آگاهی از این مسائل تمام سعی خود را در این زمینه

انجام داد.

برای حفظ ناشناس ماندن افراد در این پژوهش دو رویکرد اتخاذ شده است. از آن جایی که

جلسه‌های مصاحبه با استفاده از یک دستگاه ضبط صدا، ثبت و ضبط شد، در وهله اول، از تمامی

مشارکت‌کنندگان درخواست شد که لازم نیست هیچ گونه اطلاعات جمعیت‌شناختی که در پایان منجر

² Sieber

³ privacy

⁴ confidentiality

⁵ anonymity

به شناسایی آنها شود - در مورد خود ارائه دهند. بنابراین، فردی که به این مصاحبه‌ها گوش می‌دهد، نمی‌تواند افراد را شناسایی کند. رویکرد دیگر، نگهداری فایل‌های مصاحبه در یک پوشه واحد بر روی یک رایانه شخصی بوده است. با این کار پژوهشگران می‌توانستند از حفظ حق محرمانگی شرکت‌کنندگان نیز اطمینان حاصل کنند. از آن جایی که احتمال ضعیفی وجود دارد که افراد را بتوان از روی صداهای آنها شناسایی کرد، بنابراین تیم پژوهش باید از انتشار این فایل‌های صوتی اطمینان حاصل می‌کرد. این جلسه‌های ضبط‌شده، سپس توسط تیم پژوهش پیاده‌سازی می‌شد.

افزون بر آنکه در ابتدای جلسه‌های مصاحبه به شرکت‌کنندگان اعلام شد که داده‌های پژوهش و اطلاعاتی که آنها در اختیار تیم پژوهش قرار خواهند گذاشت، تنها برای مصرف این پژوهش به کار گرفته خواهد شد و هیچ استفاده دیگری از آن نمی‌شود، تیم پژوهش طبق کدهای اخلاقی در روند پژوهش از اطلاعات گردآوری شده تنها برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش حاضر استفاده کرد. بنابراین، به این صورت سعی شد تا مسئله رازنگهداری اخلاق پژوهش نیز مد نظر قرار گیرد.

داوطلبانه بودن مشارکت، یکی دیگر از مسائل اخلاقی در این پژوهش - و به طور کلی پژوهش‌های حساس - بود که باید مورد توجه قرار می‌گرفت. به این منظور، به همه افرادی که قصد مشارکت در پژوهش را داشتند، اعلام شد که اگر تمایلی برای انجام مصاحبه ندارند، هیچ اجباری نیست و می‌توانند با پژوهشگران مصاحبه نکنند. این مسئله می‌توانست داوطلبانه بودن مشارکت را تضمین کند. چراکه برخی از این افراد توسط دوستان‌شان یا افرادی که پایان‌نامه آنها را نوشته‌اند به تیم پژوهش معرفی می‌شدند و این احتمال وجود داشت که برخی از آنها به نوعی مجبور به مشارکت شده‌اند. همچنین، از آن جایی که شاید این ترس در مشارکت‌کنندگان وجود داشت که مبادا اطلاعات و مصاحبه آنها در اختیار شخص ثالثی (مانند دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، وزارت علوم، اساتید، و ...) قرار گیرد، پیش از انجام مصاحبه به آنها این اطمینان داده شد که محرمانگی آنها به طور کامل رعایت می‌شود و اطلاعات آنها به هیچ عنوان در اختیار فرد/سازمان/گروه دیگری قرار نخواهد گرفت.

فصل چهارم

یافته‌های پژوهش

۴. فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

در سه فصل نخست این مطالعه به توضیح مسئله و منطق شکل‌گیری پژوهش، چارچوب و بنیان‌های نظری و بررسی نوشته‌های مرتبط، و روش‌ها و ابزارهای اجرای پژوهش پرداخته شد. اکنون، هدف این فصل ارائه مهم‌ترین یافته‌های مطالعه حاضر است. داده‌های گردآوری شده - به شیوه‌ای که در فصل سوم توضیح داده شد - به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل شده‌اند و یافته‌های به‌دست آمده در این فصل گزارش می‌شوند. با توجه به کیفی بودن رویکرد این مطالعه، داده‌های پژوهش از جنس واژه‌ها و عبارات بوده و برای تجزیه و تحلیل آنها از فنون کدگذاری و الگویابی استفاده شده است که پیش‌تر به آنها اشاره شد. در این فصل، ابتدا نگاهی کلی و کوتاه بر یافته‌های پژوهش خواهیم داشت، و سپس بخش‌های جزئی‌تر این یافته‌ها به گسترده‌گی مورد بحث قرار می‌گیرند.

۴-۱. مقدمه

از آن جایی که جامعه پژوهش این مطالعه هم سایه‌نویس‌ها و هم مشتریان بوده‌اند، این فصل تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌های این دو گروه را در بر می‌گیرد. یافته‌های پژوهش در سه محور اصلی چیستی، چگونگی، و چرایی سایه‌نویسی دسته‌بندی شده‌اند. در محور اول، ما به این موضوع می‌پردازیم که سایه‌نویسی چیست؛ این بخش برای شناخت بهتر این پدیده مهم است و می‌تواند هم بر برداشت ما از این مفهوم و هم بر تحلیل‌های بیشتر تأثیرگذار باشد. آنچه در بخش دوم مورد بحث قرار

می‌گیرد، چگونگی انجام و اجرای فرایند سایه‌نویسی است؛ بنابراین از چگونگی برقراری ارتباط اولیه میان یک سایه‌نویس با مشتری تا دفاع از یک اثر پژوهشی - که محصول فرایند سایه‌نویسی است - در این محور تشریح خواهد شد. سرانجام، در بخش پایانی به بحث اصلی این پژوهش، که همان انگیزه‌های موجود برای انجام سایه‌نویسی و چرایی رخداد این پدیده است، می‌پردازیم.

۲-۴. نگاهی کوتاه به یافته‌ها

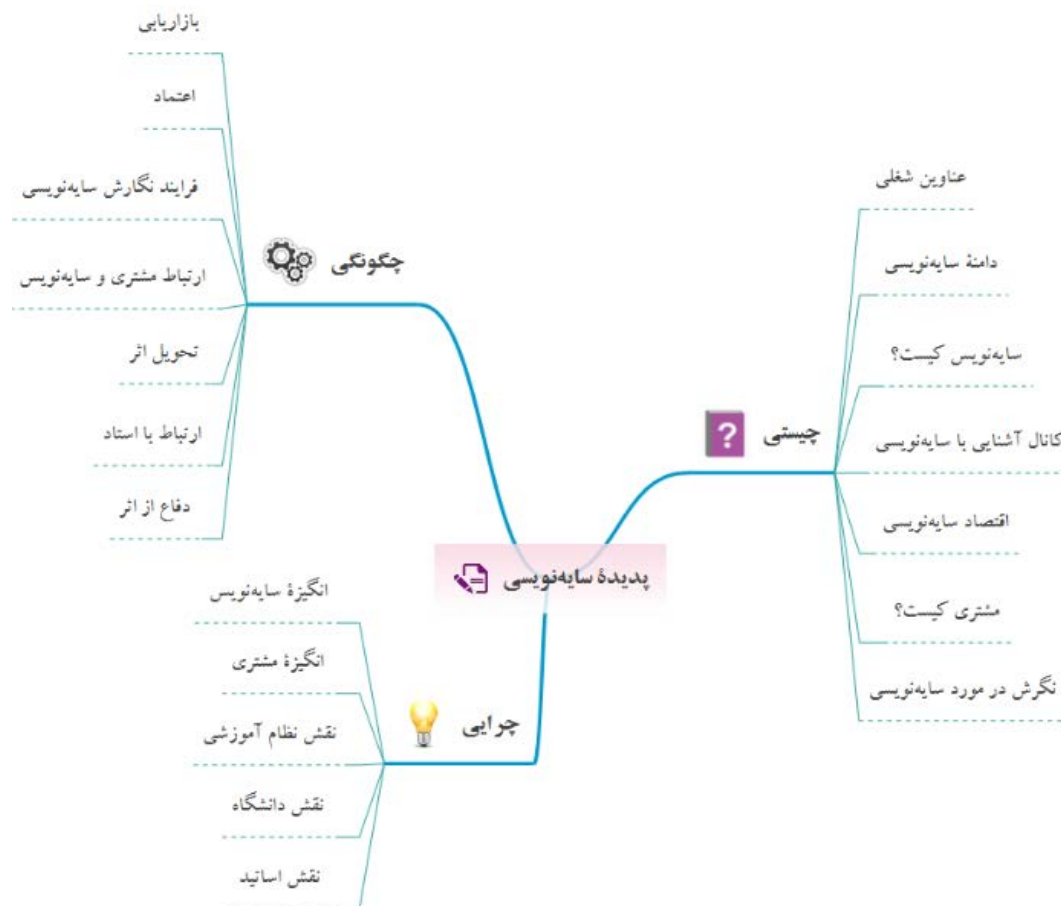
همان‌طور که گفته شد، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده در سه محور اصلی دسته‌بندی شدند. این سه محور، شامل چیستی، چگونگی، و چرایی سایه‌نویسی می‌شود؛ به نظر می‌رسد، این دسته‌بندی توانایی پوشش ابعاد گوناگون این پدیده را دارد (نمودار ۴-۱).

آن گونه که از نمودار ۴-۲ برداشت می‌شود، چیستی سایه‌نویسی در صدد است تا دید روشن‌تری نسبت به این پدیده به دست دهد؛ این که این پدیده - که ما آن را با نام سایه‌نویسی می‌شناسیم - بیشتر با چه نام‌هایی رواج پیدا کرده، کنش‌گران اصلی این اکوسیستم چه کسانی با چه ویژگی‌هایی هستند، و احساس این کنش‌گران نسبت به انجام این کار چیست، موضوع‌هایی هستند که دسته «چیستی» به دنبال بررسی آن است.

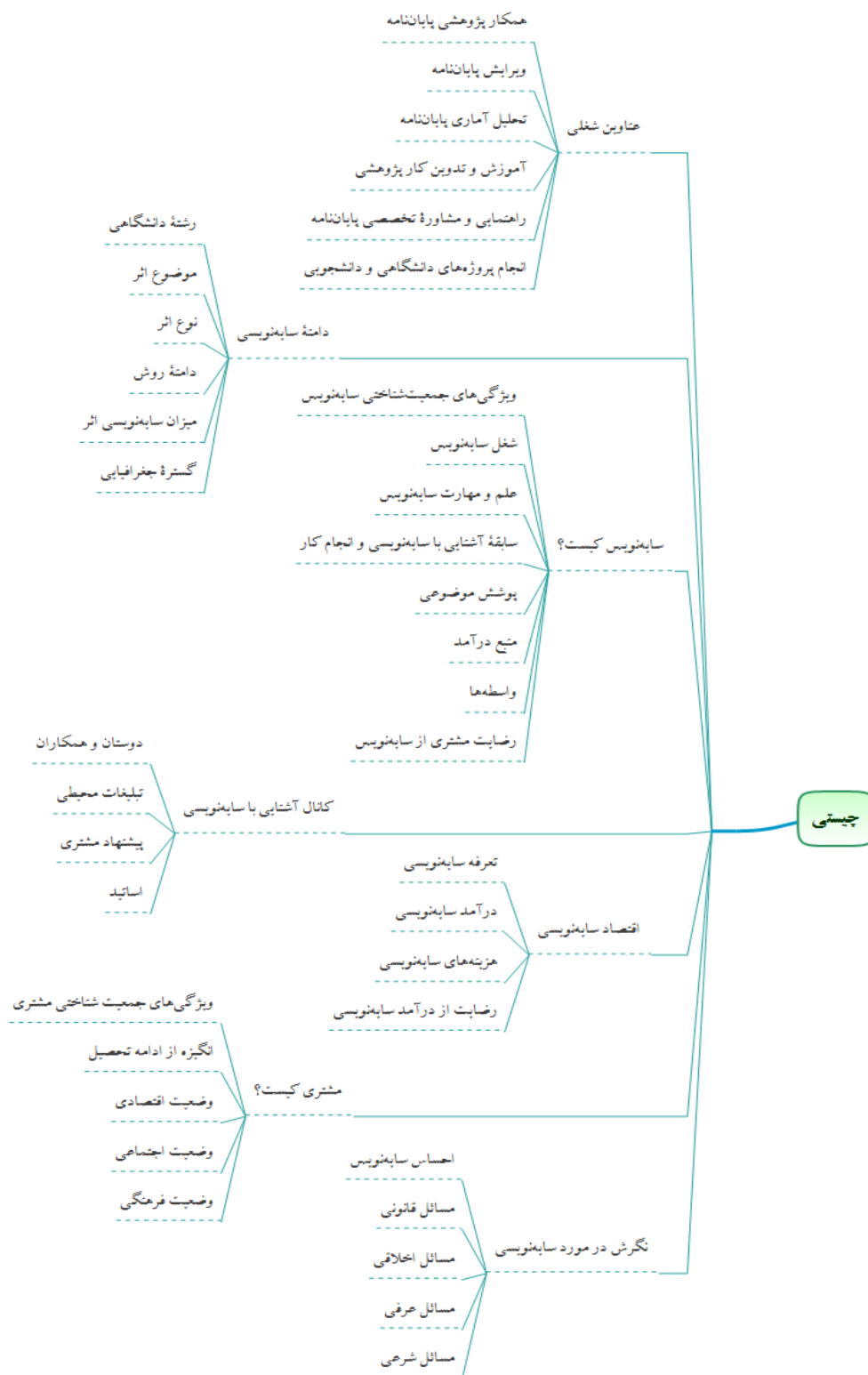
محور دیگری که در نمودار ۴-۳ نشان داده شده، چگونگی انجام سایه‌نویسی است. فرایند سایه‌نویسی نیز همانند دیگر پدیده‌ها آغاز و پایانی دارد. آغاز این فرایند با نحوه برقراری ارتباط میان سایه‌نویس و مشتری شروع می‌شود و با دفاع از اثری که محصول پدیده سایه‌نویسی است خاتمه می‌یابد. بنابراین، این بخش، چگونگی این زنجیره را پوشش می‌دهد. همچنین، در این بخش به پرسش‌هایی مانند چگونگی بازاریابی این پدیده، چگونگی ایجاد اعتماد میان دو طرف، و نحوه نگارش و تحویل اثر پاسخ داده خواهد شد.

سرانجام، در محور چرایی (نمودار ۴-۴) کدهایی دسته‌بندی شده‌اند که دلیل‌های روی آوردن سایه‌نویس‌ها به سایه‌نویسی و مراجعه مشتریان به این سایه‌نویس‌ها را توضیح می‌دهند. بنابراین، انگیزه‌های سایه‌نویس‌ها و انگیزه‌های مشتریان در این محور بحث می‌شود. افزون بر این، به نظر می‌رسد سه منبع دیگر نیز بر شکل‌گیری این پدیده تأثیرگذار هستند؛ نظام آموزشی به عنوان یک نظام در بر گیرنده کنش‌گران محوری، دانشگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین حامی آموزشی و پژوهشی

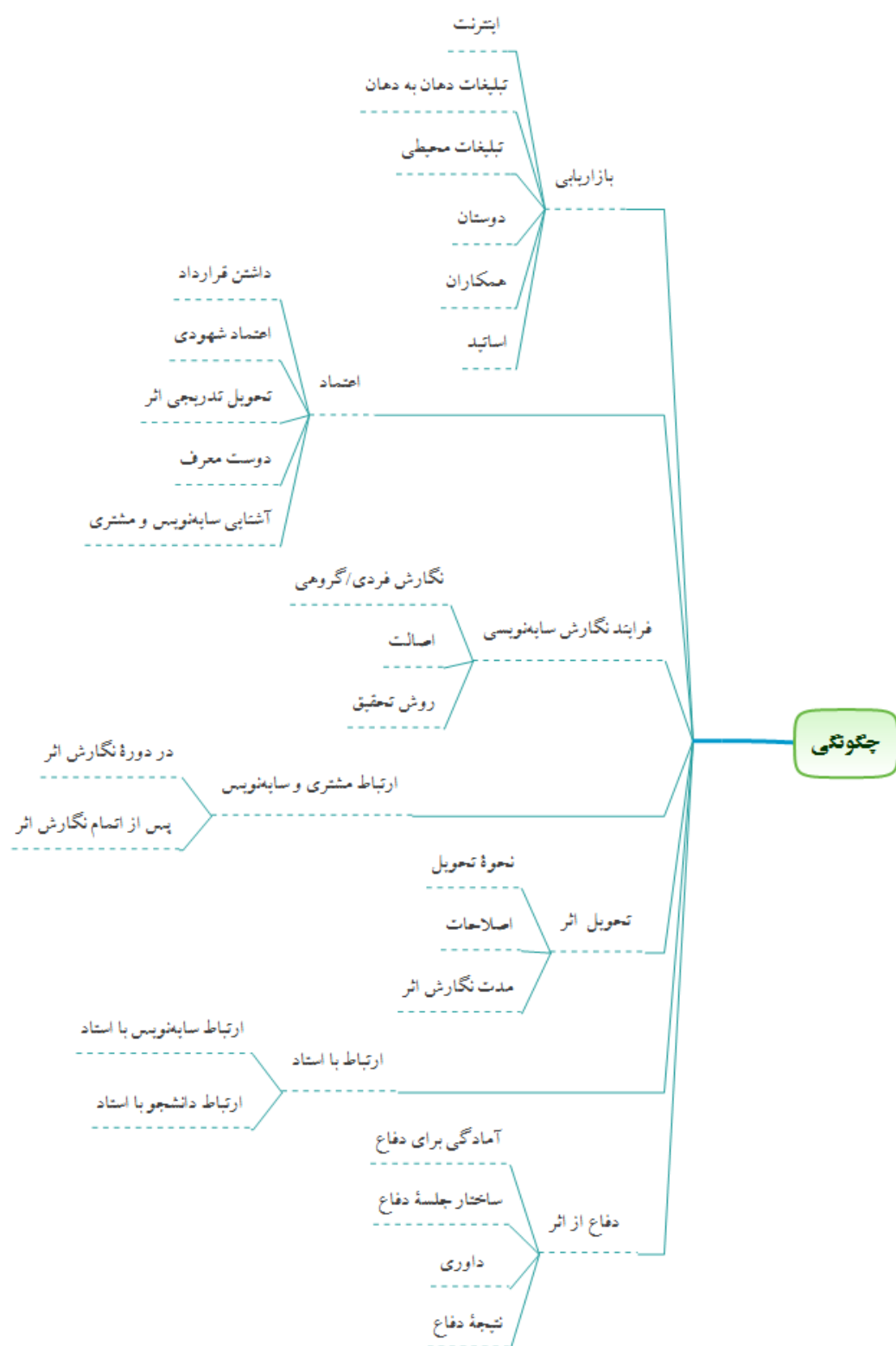
دانشجویان، و اساتید دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از مهم‌ترین منابعی هستند که بررسی نقش آنها پیرامون شکل‌گیری چنین پدیده‌ای ضروری است.



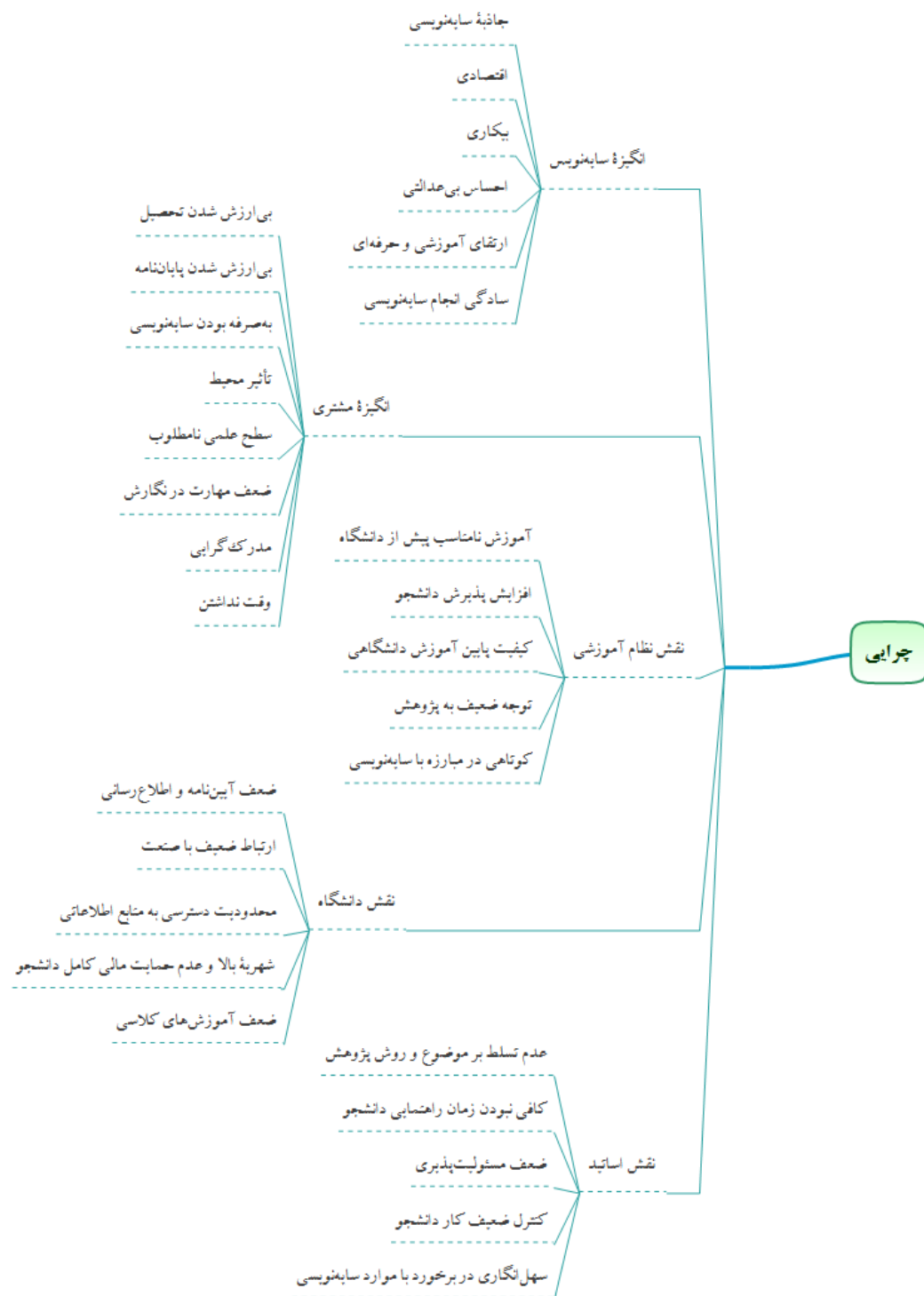
نمودار ۴-۱. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چگونگی، چرایی، چرایی سایه‌نویسی



نمودار ۴-۲. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چپستی



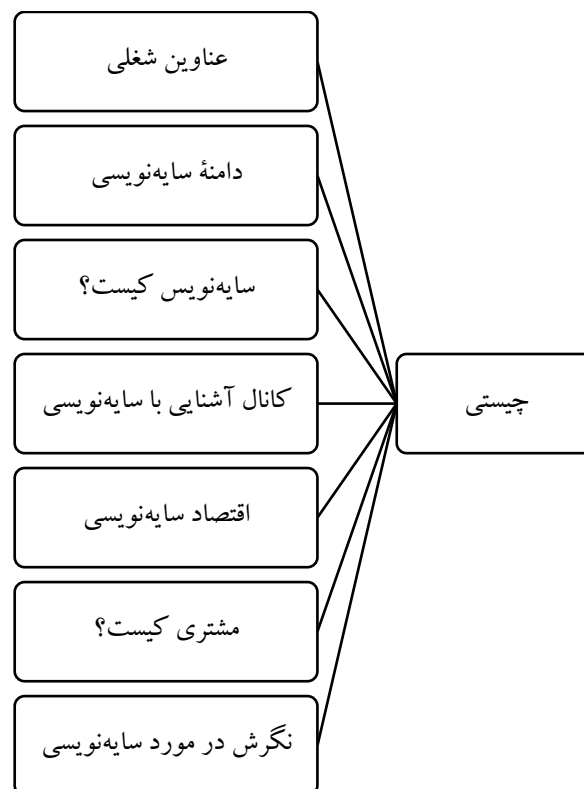
نمودار ۴-۳. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چگونگی



نمودار ۴-۴. نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش: چرایی

۴-۳. بخش نخست: چیستی سایه‌نویسی

«سایه‌نویسی چیست؟» پرسشی است که در این بخش در قالب هفت بُعد به آن پاسخ داده می‌شود (نمودار ۴-۵). نخست، عناوین شغلی که در آن نام‌هایی که برای این پدیده رواج یافته مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ دوم، دامنه سایه‌نویسی که در آن به گستره سایه‌نویسی در ابعاد گوناگون اشاره می‌شود؛ سوم، سایه‌نویس کیست؟ که در آن سایه‌نویس معرفی می‌شود؛ چهارم، کانال آشنایی با سایه‌نویسی که به معرفی شیوه‌های آشنایی فرد با سایه‌نویسی می‌پردازد؛ پنجم، اقتصاد سایه‌نویسی که ابعاد مالی این پدیده را مشخص می‌کند؛ ششم، مشتری کیست؟ که تصویری از مشتری را ارائه می‌دهد؛ و در پایان، نگرش در مورد سایه‌نویسی که احساس فرد و همچنین برداشت وی را از مسائل قانونی، اخلاقی، عرفی، و شرعی روشن می‌سازد.



نمودار ۴-۵. چیستی سایه‌نویسی

۴-۳-۱. عناوین شغلی

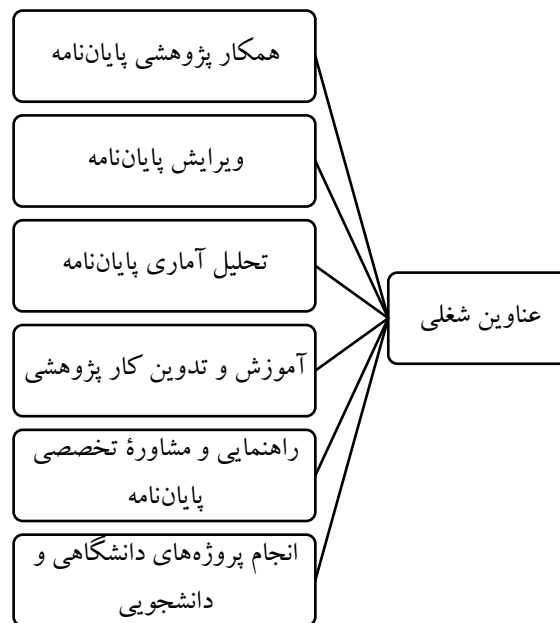
نخستین نکته‌ای که در رابطه با چیستی سایه‌نویسی مطرح می‌شود سایه‌نویسی از دید واژه به کار رفته برای آن است. در نگاه نخست، این واژه تا اندازه‌ای ناآشنا است و همین موضوع، لزوم شناخت آن را مشخص می‌کند. در این راستا، در گام نخست برای شناخت سایه‌نویسی، نام‌هایی که توسط

مصاحبه‌شوندگان (سایه‌نویس‌ها و مشتریان) به این پدیده نسبت داده شده است، بررسی می‌شوند. این موضوع کمک می‌کند تا خواننده با نام‌های رواج یافته در مورد سایه‌نویسی در سطح جامعه آشنا شود. البته پیش از آن بررسی می‌شود که آیا مصاحبه‌شوندگان به سایه‌نویسی به عنوان یک شغل نگاه می‌کنند یا خیر.

سایه‌نویس در بیشتر موارد کاری را که انجام می‌دهد به عنوان شغل قبول ندارد (س ۱ - پ ۳؛ س ۵ - پ ۵؛ س ۸ - پ ۱۶) و از آن با نام‌هایی مانند «کار جانبی» و «گذراندن امور» یاد می‌کند و هر چند از آن به «بدی» و با عنوان «اپیدمی» یاد می‌کند، ولی باز آن را انجام می‌دهد (س ۴ - پ ۲). برای فرد، سایه‌نویسی کاری است که در آن مهارت پیدا کرده و جایی دیگر تقاضا ندارد. این موضوع در گفته‌های سایه‌نویس شماره دو مشخص است. وی بیان می‌کند که: «شما یک سری صلاحیت‌هایی دارید که از آنها استفاده نمی‌کنند، مجبورید خود به یک نحوی علم خود را بفروشید» (پ ۴۵). البته بیشتر منظور این است که سایه‌نویسی ویژگی‌های یک شغل دائمی را مانند درآمد ثابت، حق بیمه، و ... ندارد، بنابراین نمی‌توان به آن به عنوان شغلی که می‌توان روی آن حساب کرد نگریست. «کاریه که همیشه روش حساب کرد ولی برای کسانی که شغل اول و دوم باشه خوبه، ولی برای کسی که بخواد به عنوان شغل اول نگاه کنه اصلاً خوب نیست» (س ۷ - پ ۱۸۹).

برخی از مشتریان هم به این پدیده به عنوان یک شغل نگاه نمی‌کنند (م ۱ - پ ۱۰۸؛ م ۲ - پ ۱۷)، هر چند در این میان گاه‌گاهی پدیده سایه‌نویسی را در برخی از شرایط به عنوان شغل معرفی می‌کنند، به‌ویژه برای افرادی که مکان مشخصی برای این کار دارند. «اینجوری فکر می‌کنم چون آن‌هایی که شغلشان است توی انقلاب هستند» (م ۱ - پ ۱۱۶).

با این حال، سایه‌نویسی عنوانی نیست که بتوان نام آن را بدین شکل در سطح شهر و جامعه مشاهده کرد. این پدیده در پشت‌زمینه نام‌های دیگری در حال گسترش است. با توجه به یافته‌ها، سایه‌نویسی در جامعه با نام‌هایی مانند همکار پژوهشی پایان‌نامه، ویرایش پایان‌نامه، تحلیل آماری پایان‌نامه، آموزش و تدوین کار پژوهشی، راهنمایی و مشاوره تخصصی پایان‌نامه، و انجام پروژه‌های دانشگاهی و دانشجویی شناخته می‌شود. نام‌های مورد استفاده در آگهی‌های تبلیغاتی گردآوری شده از سطح میدان انقلاب تهران هم نشان از این نام‌ها دارند (نمودار ۴-۶).

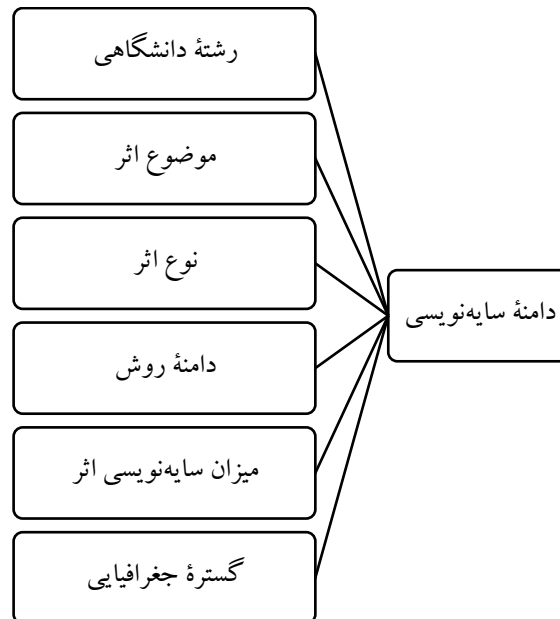


نمودار ۶-۴. عناوین شغلی

نکته مهم در مورد این موضوع استفاده از نام‌هایی است که بار منفی چندانی ندارند و در بیشتر موارد این‌طور به نظر می‌رسد که کار از دید اخلاقی و قانونی درست است. «من الان برای کار رساله خودم نیاز به همکار پژوهشی دارم. منتها خب همه کاراشو خودم انجام میدم، فقط ایشون میاد کارای کامپیوتریشو می‌کنه» (م ۶ - پ ۲۸). اما مشکل از جایی ناشی می‌شود که محدوده کار تعریف چندان مشخصی ندارد و آنچه در پشت این نام‌ها انجام می‌شود موضوع دیگری است. «مشاوره و راهنمایی پایان‌نامه، با این عنوان وارد می‌شوند ولی همه می‌فهمند که الکی است» (س ۵ - پ ۱۰۱). «همکار پژوهشی من، الان که نگاه می‌کنم، رسماً پایان‌نامه منو ایشون می‌نوشت. این همکار پژوهشی نیست. ولی مثلاً الان، که برای کار خودم بیشتر وقت می‌گذارم، برای رساله دکتری، همکار پژوهشی به همکاره» (م ۶ - پ ۴۸). «مقاله رو داشتن، من شریک مالیشون می‌شدم. یعنی من هزینه مقاله رو می‌دادم به اون فرد» (م ۶ - پ ۲۲). «دیتاهای منو بررسی بکنن، نرمال بکنن، روی همون دیتاهایی که خودم به دست آوردم به سری تغییرات رو بدن که دیتاها قابل پذیرش بشه» (م ۵ - پ ۳۰). این‌ها از نمونه کارهایی است که در پشت نام‌هایی مانند راهنمایی و مشاوره تخصصی پایان‌نامه، همکاری پژوهشی پایان‌نامه، و تحلیل آماری پایان‌نامه انجام می‌شود.

۲-۳-۴. دامنه سایه‌نویسی

یکی از موضوع‌های دیگری که به شناخت بیشتر سایه‌نویسی کمک می‌کند بررسی دامنه نفوذ آن در ابعاد گوناگون است. همچنین این موضوع به درک بهتر چرایی گسترش کار در دامنه‌های گوناگون نیز کمک می‌کند. در این پژوهش، دامنه سایه‌نویسی از ابعاد رشته دانشگاهی، موضوع اثر، نوع اثر، روش، میزان سایه‌نویسی اثر، و گستره جغرافیایی بررسی شده است (نمودار ۴-۷).



نمودار ۴-۷. دامنه سایه‌نویسی

در نخستین گام به بررسی دامنه سایه‌نویسی در رشته‌های گوناگون دانشگاهی پرداخته می‌شود. یافته‌های مصاحبه نشان می‌دهند که دامنه سایه‌نویسی به بیشتر رشته‌های دانشگاهی از مدیریت و جامعه‌شناسی گرفته تا برق و کامپیوتر و همچنین رشته‌های علوم پایه و تجربی گسترش یافته است (س ۱ - پ ۴۶ و ۸۰؛ س ۳ - پ ۹۲؛ س ۵ - پ ۷۸). البته سایه‌نویسی در برخی از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به دلیل «سخت» و «تخصصی» نبودن، فراوانی دانشجوی و کار، و «داده‌سازی راحت‌تر» بیشتر انجام می‌شود (س ۱ - پ ۴۶ و ۸۰؛ س ۲ - پ ۱۴۴؛ س ۳ - پ ۹۲؛ س ۷ - پ ۲۲۲؛ م ۳ - پ ۱۴۵). رشته دانشگاهی همچنین بر پذیرش کار توسط سایه‌نویس نیز تأثیر گذاشته است. برخی از سایه‌نویس‌ها تنها کارهایی را می‌پذیرند که نزدیک به رشته آنها است (س ۶ - پ ۱۲۷). هر چند کارهای غیر مرتبط با رشته هم گاه‌گاهی انجام شده است (س ۵ - پ ۱۸۴). البته برای برخی دیگر رشته اهمیت چندانی ندارد و فقط به این موضوع نگاه می‌کنند که آیا کار یا بخشی از آن در تخصص آنها است یا خیر. «رسماً کسی که پایان‌نامه دوست منو انجام داد مدیریت بازرگانی می‌خوند. مدیریت

بازرگانی کجا و کودکان استثنایی کجا» (م ۳ - پ ۱۴۷). یا سایه‌نویسی از رشته روان‌شناسی بیان می‌کند «برای یک دانشجوی داروسازی هم مقاله نوشته‌ام. البته روش کار هم مهم است. مثلاً من نمی‌توانم کارهای آزمایشگاهی رشته‌های علوم پایه را انجام دهم» (س ۱ - پ ۴۶).

موضوع اثر، از ابعاد دیگر دامنه سایه‌نویسی است. از دیدگاه سایه‌نویس‌ها گستره موضوعی در میان «آسان» و «سخت» قرار می‌گیرد. منظور از موضوع آسان برای سایه‌نویس این است که موضوع تکراری یا در تخصص فرد تعریف شود. سایه‌نویس دو بیان می‌کند که «موضوعی که برای پایان‌نامه انتخاب می‌شود خیلی مهم است، هرچه این موضوع سخت‌تر باشد، معمولاً مؤسسه‌ها نمی‌توانند انجام بدهند» (پ ۱۶۵). البته دامنه موضوع تحت تأثیر دامنه روش قرار می‌گیرد و انتخاب مقرون به صرفه برای بیشتر سایه‌نویس‌ها موضوع‌های پرسش‌نامه‌ای و تأثیر یک متغیر بر متغیر دیگر مانند «انگیزش» است (س ۲ - پ ۱۵۰؛ س ۵ - پ ۱۲۷).

نوع اثر، بُعد دیگری است که دامنه آن در میان سایه‌نویس‌ها متغیر است. البته بیشتر مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کنند که پایان‌نامه ارشد انجام می‌دهند (س ۱ - پ ۳۷؛ س ۳ - پ ۱۱؛ س ۵ - پ ۲۴)، با این حال، گسترش این کار به مقاله (س ۶ - پ ۷؛ م ۶ - پ ۴)، پروژه‌های کلاسی دانشجویی (س ۶ - پ ۷)، رساله‌های دکترا (س ۱ - پ ۳۹؛ س ۳ - پ ۱۲)، کتاب (س ۶ - پ ۷)، و همچنین پروژه‌های پژوهشی سازمان‌ها (س ۷ - پ ۲۴۵) زنگ خطری برای گسترش دامنه سایه‌نویسی در میان انواع نوشته‌ها است.

دامنه روش یکی از ابعاد مهم دیگری است که نشان‌دهنده رویکرد کلی و روش پژوهش انتخابی سایه‌نویس برای نوشتن کار است. اهمیت دامنه روش تا اندازه‌ای است که به عنوان یکی از عامل‌های تأثیرگذار برای انتخاب کار هم مطرح می‌شود. یافته‌های مصاحبه این نکته را روشن می‌سازد که بیشتر آنها به انجام کارهای کمی و آن هم به روش پیمایش و با ابزار پرسش‌نامه علاقه‌مند هستند. این گونه کارها در میان سایه‌نویس‌ها به «کارهای کمی» یا سنجش «رابطه دو یا چند متغیر» معروف است. سایه‌نویس یک در پاسخ به پرسشی در مورد موضوع‌هایی که بر روی آنها کار می‌کند، بحث را به سمت روش می‌برد و بیان می‌کند: «خب، بیشتر موضوعاتی که رابطه دو یا چند متغیر را می‌سنجند و پیمایشی هستند. اکثر کارهای ما کمی است» (پ ۸۳). این موضوع باعث شده است که رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی بیشتر در معرض آسیب این پدیده قرار گیرند. «خب طبیعت رشته است دیگه، مثلاً

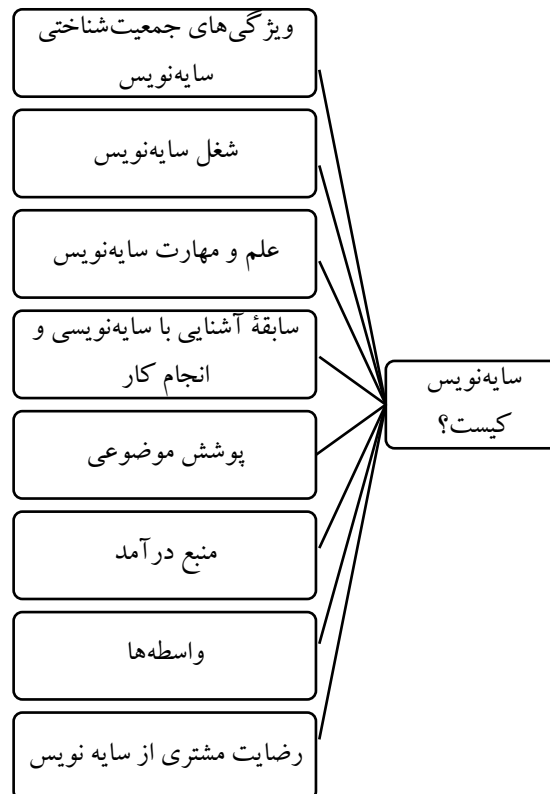
اگر رشته علوم انسانی هم نباشی می‌تونی با یک مطالعه متوجه موضوع بشی، ولی تو بحث پزشکی و ... خیلی تخصصیه و همیشه واردش شد، تو حوزه علوم انسانی بحث کمی مطرحه» (س ۷ - پ ۲۲۷). چرایی استفاده از این روش هم در پاسخ یکی از مصاحبه‌شوندگان مشهود است، «خیلی راحت هم فصل‌هایش انجام می‌شود و راحت‌تر است تا این‌که کیفی باشد» (س ۵ - پ ۱۲۸). حتی خود سایه‌نویس در ادامه پیشنهاد می‌دهد برای مقابله با پدیده سایه‌نویسی می‌توان استفاده از روش کیفی را برای انجام کار توصیه کرد.

بعد دیگر، میزان سایه‌نویسی از نوشتن یک فصل یا بخش تا کل کار است. دامنه کار تا اندازه‌ای گسترش یافته است که سایه‌نویس از یک سمت پیشنهاد موضوع و نوشتن پیشنهادیه پژوهش را می‌دهد (م ۲ - پ ۲۴ و ۴۳). نکته جالب‌تر، اشاره یکی از سایه‌نویس‌ها به این موضوع است که کاری را که پیشنهادیه آن را نوشته انجام نمی‌دهد و دلیل آن را نوشتن روش پژوهش با توجه به دید خودش بیان می‌کند (س ۴ - پ ۱۵۷). از سمت دیگر، سایه‌نویس حتی مسئولیت انجام اصلاحات کار را هم بر عهده می‌گیرد. سایه‌نویس سه بیان می‌کند: «آن کاری که گرفتم تا روزی که دفاع می‌کند با من است. حتی اصلاحاتی که جلسه دفاع هم می‌گیرند با من است» (پ ۱۴۳). البته برای سایه‌نویس‌هایی که کل کار را برای مشتری انجام نمی‌دهند این امکان وجود دارد که مشتری کار را به چندین نفر بسپارد یا تنها بخشی از کار را به بیرون بسپارد. مشتری یک بیان می‌کند: «حتی می‌دانم که یکی از همکارانم هر بخشی را داده که افراد گوناگونی براش انجام دادند» و در ادامه نیز می‌گوید: «مثلاً یکی که ترجمه می‌دهد بیرون، یکی کار آماریش را می‌دهد» (م ۱ - پ ۱۷).

پدیده سایه‌نویسی همچنین از دید جغرافیایی هم در حال گسترش است. دامنه کاری سایه‌نویس‌ها از تهران به دیگر شهرها نیز انتقال یافته است (س ۲ - پ ۱۲۸؛ س ۹ - پ ۳). همین موضوع می‌تواند این پدیده را در سطح بیشتری از کشور رواج دهد. البته دامنه جغرافیایی این پدیده تنها محدود به داخل کشور هم نیست. سایه‌نویس یک اشاره می‌کند که رساله دکترا «حتی برای دانشجویان کشورهای خارجی مانند تاجیکستان هم انجام داده» است. همین سایه‌نویس در ادامه بیان می‌کند که به دلیل سخت‌گیری بیشتر در ایران قیمت پایان‌نامه‌ها بیشتر است (پ ۳۹).

۳-۳-۴. سایه‌نویس کیست؟

در این بخش بر روی سایه‌نویس، یعنی شخص یا گروهی که عمل سایه‌نویسی را انجام می‌دهند تمرکز می‌شود. محور یافته‌های این بخش صحبت‌های سایه‌نویس است که با برداشت‌های مشتری تکمیل می‌شود. نمودار ۴-۸ ابعاد پوشش داده شده در این بخش را نشان می‌دهد.



نمودار ۴-۸. سایه‌نویس کیست؟

در مورد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شغل سایه‌نویس‌ها در [فصل روش‌شناسی](#) اطلاعات بیشتری ارائه شده است. با این حال، بیشتر سایه‌نویس‌هایی که با آنها مصاحبه انجام شده است، دانشجوی دکترا و مرد هستند. مدرک تحصیلی حتی مورد اشاره یکی از مشتریان هم قرار می‌گیرد که بیان می‌کند: «اینکه دانشجوی دکترا بودن، اینم برام خیلی مهم بود که می‌دونم که کارو داره الان انجام میده» (م ۶ - پ ۱۶۸). همچنین از دید شغلی هم برخی از آنها بیکار بودند و سایه‌نویسی منبع درآمد اصلی آنها محسوب می‌شود. سایه‌نویس یک بیان می‌کند «کار خیلی خوبی است. اگر کنترل شود من کار دیگری ندارم انجام دهم» (پ ۸۵). همین موضوع این نکته را روشن می‌سازد که در صورتی که برای کنترل سایه‌نویسی اقداماتی انجام گیرد باید جایگزین‌هایی هم برای منبع درآمدی در

نظر گرفته شود، چرا که برای برخی سایه‌نویسی نقش «منبع درآمد دوره تحصیل» را ایفا می‌کند (م ۵ - پ ۵۰).

سایه‌نویس همچنین برای سایه‌نویسی از علم و مهارتی که در طول دوران تحصیل به دست آورده استفاده می‌کند: «بنده بیس این کار را داشتم. مقاله و این‌ها می‌دانستم که چارچوبش چگونه است» (س ۲ - پ ۹). به هر حال، سطح سواد سایه‌نویس به اندازه‌ای است که بتواند تأیید استادان مربوط را بگیرد. مشتری دو بیان می‌کند که «من اصلاً به سطح سوادش کار نداشتم؛ او مثلاً فصل یک و دو را برای من می‌فرستاد، من می‌رفتم به استاد می‌گفتم، کافی بود استاد برای من تأیید کند» (پ ۵۵). در طول زمان نیز مهارت سایه‌نویس برای این کار افزایش یافته است. سایه‌نویس یک اشاره می‌کند که به مدت یک سال این کار را به صورت فشرده انجام داده است و با کارهایی که انجام داده «پنج استادیار می‌توانستند به درجه استاد تمامی ارتقا پیدا کنند» (پ ۱۷ و ۱۹). شروع این مدت زمان برای برخی از زمان ارشد بوده که تا دکترا ادامه داشته است (س ۲ - پ ۱۲؛ س ۵ - پ ۱۱؛ س ۶ - پ ۳). میزان مهارت هم تا اندازه‌ای برای برخی بالا رفته که فردی در مدت یک سال نزدیک به ۱۵ کار انجام داده است (س ۵ - پ ۳). البته آمارهایی مانند «۳۰ تا ۳۵ تا که از بین این تعداد ۴ تا ۵ پایان‌نامه دکتري، ۲ تا لیسانس، و مابقی پایان‌نامه‌های ارشد» (س ۶ - پ ۹) و ۶۰ پایان‌نامه کارشناسی و ارشد (س ۹ - پ ۳) هم وجود دارد.

مهارت و تخصص برخی از سایه‌نویس‌ها هم تا اندازه‌ای بالا رفته است که رشته‌ها و موضوع‌هایی را پوشش می‌دهند که به رشته تحصیلی آنها نزدیک نیست. سایه‌نویس یک بیان می‌کند که «تا حالا موضوعاتی مانند روان‌شناسی، مدیریت (بازرگانی، بیمه، مالی، و ...) انجام داده‌ام. برای یک دانشجوی داروسازی هم مقاله نوشته‌ام» (پ ۴۷). این در حالی است که رشته این فرد روان‌شناسی است. البته توجیه سایه‌نویس هم داشتن روش‌های مشابه انجام پژوهش است. مشتری سه هم موردی را مثال می‌زند که رشته سایه‌نویس مدیریت بازرگانی است و پایان‌نامه‌ای در مورد کودکان استثنایی انجام داده است و از آن فرد با اصطلاح «بازاری» نام می‌برد، یعنی آدمی که فقط به دنبال کسب پول است (پ ۱۴۷).

موضوع دیگر برای شناخت سایه‌نویس توجه به نگاه آنها به سایه‌نویسی از دید یک منبع درآمدی است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، سایه‌نویسی منبع درآمدی اصلی و مهم این افراد به

حساب می‌آید. البته برای برخی این کار تنها منبع درآمدی آنها است (س ۴ - پ ۲۷؛ س ۵ - پ ۱۷؛ س ۶ - پ ۱۹؛ س ۷ - پ ۱۵) و برای برخی خیر: «من کارمند هم هستم. اما خب یکی از دلایلی که این شغل برایم جذابیتش زیاد است، این است که درآمدی که مثلاً می‌توانید از این شغل به‌دست بیاورید» (س ۲ - پ ۱۵). برخی هم حتی از میزان درآمد آن تا اندازه‌ای راضی هستند که کمتر به دنبال کارهای دیگر می‌روند. سایه‌نویسی بیان می‌کند که «هرچند هر از گاهی طرح‌هایی نیز برای بعضی سازمان‌ها انجام می‌دهم، اما به اجبار. اگر به میل خودم باشد اصلاً طرحی کار نمی‌کنم و تنها همین کار را انجام می‌دهم» (س ۱ - پ ۷). یا سایه‌نویسی بیان می‌کند که «اگر به من کاری بدهند که ماهی چهار یا پنج میلیون تومان درآمد داشته باشم، سمت این کار نخواهم رفت» (س ۲ - پ ۱۴۱). یعنی سایه‌نویسی برای وی به اندازه کاری با درآمد نزدیک به پنج میلیون در ماه ارزش دارد. البته این موضوع برای افرادی است که این کار را به صورت حرفه‌ای انجام می‌دهند.

در این میان برخی هم هستند که نقش واسطه را ایفا می‌کنند. این افراد از دوستان و همکاران مشتری یا سایه‌نویس هستند (س ۶ - پ ۱۲۷) و در برخی موارد اساتید هم در این موضوع نقش دارند (س ۷ - پ ۱۶۱ و ۱۸۱). در بخش چگونگی - بازاریابی بیشتر در این رابطه صحبت می‌شود. برخی هم کار را از یک مؤسسه به عنوان واسطه دریافت می‌کنند. «مثلاً همین رفیق من که سایت دارد بالغ بر سی چهل تا از نخبه‌های کشور که همه جزء بنیاد نخبگان هستند را به کار گرفته است» (س ۵ - پ ۱۹۹). با این حال، تفاوت مؤسسه‌ها با سایه‌نویس‌های فردی این است که برخی اعتماد کمتری به آنها به دلیل شناخت کمتر دارند (م ۱ - پ ۴۱). البته با تبلیغاتی که واسطه‌ها و مؤسسه‌ها انجام می‌دهند و تضمین‌هایی که ارائه می‌دهند، برخی هم به آنها مراجعه می‌کنند (م ۳ - پ ۱۰۲). در این رابطه ادعای سایه‌نویس دو این است که: «آنهايي که به مؤسسات مراجعه می‌کنند معمولاً تازه کار هستند، مثلاً هنوز دوستی که با افرادی مانند ما ارتباط داشته باشند، ندارند» (پ ۲). همین موضوع ابعاد زیرزمینی پدیده سایه‌نویسی را هم مشخص می‌کند و نشان می‌دهد مؤسسه‌ها تنها بخش قابل مشاهده پدیده سایه‌نویسی هستند.

همان‌طور هم که بیان شد این مؤسسه‌ها با عناوینی مانند مشاوره و راهنمایی پایان‌نامه و تایپ و ترجمه فعالیت می‌کنند (س ۳ - پ ۲۲۷، س ۵ - پ ۱۰۱). انتخاب این نام‌ها که از نظر وجهه مشکلی ندارد، توسط برخی از افراد برای سرپوش نهادن بر سایه‌نویسی استفاده می‌شود. سایه‌نویس نه در پاسخ

به پرسشی در رابطه با حضور فیزیکی در دانشگاه بیان می‌کند که «من ابتدا با رییس دانشگاه و مسئول حراست هماهنگ کردم» (پ ۲۰). این افراد همچنین افزون بر وجود در مکان فیزیکی، در فضای مجازی هم وجود دارند (س ۵ - پ ۹۹؛ س ۸ - پ ۸۳).

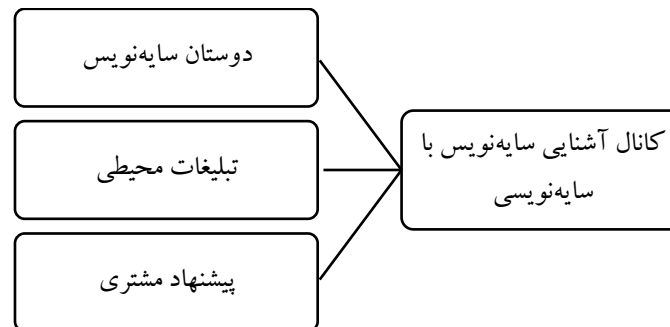
مسائل مالی هم یکی از جنبه‌هایی است که میان سایه‌نویس و واسطه وجود دارد. در بیشتر موارد کار به صورت توافقی انجام می‌شود (س ۷ - پ ۴۵). «من خودم مشتری پیدا نمی‌کنم، کارها را از یک مؤسسه تحویل می‌گیرم. مؤسسه سی درصد سهم خودش را می‌گیرد و من هم هفتاد درصد مابقی را» (س ۱ - پ ۲۱). یا سایه‌نویس پنج فردی را معرفی می‌کند که «یک وب‌سایت زده است نزدیک به سی چهل نفر دانشجوی دکتری و ارشد را به کار گرفته بعد پایان‌نامه‌های رشته‌های گوناگون را می‌گیرد بعد پورسانت، کمیسیون خودش را ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرد» (پ ۹۵).

سطح رضایت مشتریان از سایه‌نویس، بعد دیگر شناخت سایه‌نویس است. برخی از سایه‌نویس‌ها ادعا می‌کنند که کار را در سطح رضایت‌بخش به مشتری تحویل می‌دهند (س ۷ - پ ۱۵۷) و مشتریان نیز چنین برداشتی دارند. مشتری پنج در مورد کار خود بیان می‌کند که «خب این کارو این خانم یه جا برا من انجام داد. کار من تقریباً با کمترین ایراد به دست من رسید» (م ۵ - پ ۱۶۲). برخی از سایه‌نویس‌ها هم اشاره می‌کنند رضایت مشتری برای آنها اهمیت کمتری دارد. سایه‌نویس دو بیان می‌کند که «خودم، از قصد، درست انجام نمی‌دهم؛ چون دلیلی ندارد درست انجام دهم» (پ ۱۳۷). مشتریان نیز بیشتر از «کپی‌پیست» شکایت دارند. «آن‌قدر کپی پیست‌هاشون تابلو بود که حتی نیومده جمله‌بندی‌ها رو بنا به کپی پیسته تیکه‌بالایش درست کنه. حتی وقت نمی‌گذارند (م ۳ - پ ۱۵۳). برای برخی از مشتریان هم در زمان سایه‌نویسی نتیجه کار مهم‌تر از اصل کار بوده است. در این مورد مشتری شش بیان می‌کند که «الان که نگاه می‌کنم خیلی بد بود کار اون موقعم. ولی خب اون موقع حتماً خوب بوده که نمره نوزده و نیم گرفتم دیگه» (پ ۹۹). یا مشتری دو اشاره می‌کند که «من فقط می‌خواستم کارم انجام بگیرد» (پ ۸۷).

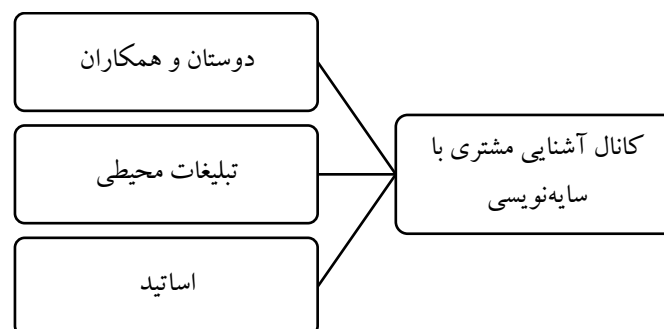
۴-۳-۴. کانال آشنایی با سایه‌نویسی

در این بخش به کانال آشنایی با سایه‌نویسی پرداخته می‌شود. منظور از کانال آشنایی، شیوه‌هایی است که فردی که هنوز سایه‌نویس نشده است یا هنوز مشتری نشده از طریق آنها با سایه‌نویسی آشنا می‌شود. یافته‌های مصاحبه‌ها این کانال‌ها را برای سایه‌نویس در سه بخش پیشنهاد

مشتري، دوستان سایه‌نویس، و تبلیغات محیطی (نمودار ۹-۴) و برای مشتري در سه بخش دوستان و همکاران، تبلیغات محیطی، و اساتید (نمودار ۱۰-۴) تقسیم‌بندی می‌کند. البته نمی‌توان این سه دسته را از هم جدا دید، بلکه برای یک فرد می‌تواند هر سه زمینه‌ساز تبدیل وی به سایه‌نویس یا مشتري شود. در این میان هم روش‌هایی برای بازاریابی و جذب مشتري وجود دارد که در بخش چگونگی - بازاریابی بیشتر در مورد آن صحبت می‌شود.



نمودار ۹-۴. کانال آشنایی سایه‌نویس با سایه‌نویسی



نمودار ۱۰-۴. کانال آشنایی مشتري با سایه‌نویسی

□ کانال آشنایی سایه‌نویس

دوستان یکی از کانال‌های مهم آشنایی فرد با سایه‌نویسی است. «در خوابگاه پیش یکی از دوستانم می‌ماندم. در آنجا با یک نفر آشنا شدم و به من پیشنهاد انجام چنین کاری را داد که برای یک نفر دیگر پایان‌نامه بنویسم» (س ۱ - پ ۵). سایه‌نویس چهار نیز با شرایط مشابهی از طریق دوست هم‌اتاقی خود با سایه‌نویسی آشنا شده است (س ۱۵). سایه‌نویس دو خود بیان می‌کند که برای افرادی که بیکار بودند، این کار را پیشنهاد داده است (پ ۴۳).

کانال مهم دیگر، تبلیغات محیطی و به بیان سایه‌نویس دو «از طریق تبلیغاتی که روی در و دیوار بوده» (پ ۹) است. البته باید گفت تبلیغاتی که در بیرون در مورد مقاله و پایان‌نامه‌نویسی انجام می‌شود، زمینه‌ساز آشنایی فرد با این پدیده بوده است و پس از آن دوستان فرد تأثیر گذاشته‌اند. این موضوع در گفته‌های چند سایه‌نویس مشخص است. چرا که آنها این تبلیغات را همراه با پیشنهاد دوستان نقل کرده‌اند (س ۲ - پ ۹؛ س ۴ - پ ۱۳).

پیشنهاد از طرف مشتری هم یکی از مواردی بوده که فرد را به سمت کار و انجام آن سوق داده است. سایه‌نویس چهار این موضوع را به روشنی بیان می‌کند که: «گاهی وقت‌ها می‌آیند سؤال می‌کنند که پایان‌نامه را چیکار کنم؟ یا پروپوزال را چیکار کنم؟ بعد تو به آنها می‌گویی این کار را بکن آن کار را بکن، بعد خودشان پیشنهاد می‌دهند که مثلاً این کار را انجام بدهم» (پ ۶۱). سایه‌نویس شش هم بیان می‌کند که: «برای یکی از دوستانم انجام دادم ولی در حد کمی گرفتم؛ ولی وقتی دیدیم می‌تونم پایان‌نامه دومم انجام بدم و تو هیچ قسمتی از پایان‌نامه خودم نیازی به کسی ندارم و دارم پایان‌نامه رو خودم انجام می‌دم گفتم که چرا کار پایان‌نامه انجام ندم» (پ ۱۳).

□ کانال آشنایی مشتری

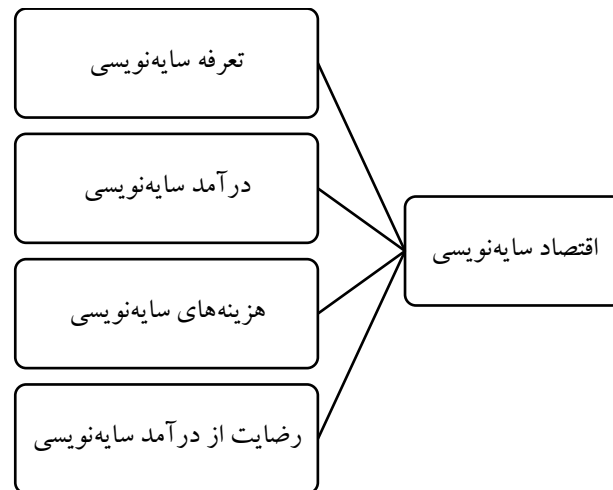
یکی از کانال‌های مهم آشنایی مشتری با سایه‌نویس از طریق دوستان و همکاران است. مشتری دو بیان می‌کند که «دوستانم همچنین کاری کردند، به من هم پیشنهاد دادند من هم اینکار رو کردم» (پ ۷۳). یا مشتری یک از طریق دوستش با سایه‌نویسی آشنا شده بود (پ ۶۱) و همچنین خود آن را به همکارانش نیز معرفی کرده بود. «من در محیط کارم هیچ ارتباطی به رشته‌ام ندارم، می‌دانستند همکارام که من پایان‌نامه‌ام را به بیرون داده‌ام و خیلی‌ها به من می‌گفتند که ما هم می‌خواهیم برویم بدهیم بیرون» (پ ۱۷).

کانال آشنایی مهم دیگر تبلیغات محیطی است. مشتری یک در این رابطه بیان می‌کند که: «همیشه می‌دونستم که یک همچنین اتفاق‌هایی هست چون که می‌دانستم در میدان انقلاب خیلی هست». البته همین مشتری در ادامه اشاره می‌کند که فرد سایه‌نویس را از طریق هم‌کلاسی خود یافته است (پ ۷). مشتری چهار هم با بیان «اصلاً همین جوری خودبه‌خود همه دیگه می‌دونن همچنین کاری هست»، به تعداد زیاد تبلیغات محیطی اشاره می‌کند (پ ۱۹).

یکی از کانال‌های آشنایی مشتریان با سایه‌نویسی هم از طریق اساتید خود یا دیگری بوده است. مشتری شش اشاره می‌کند که: «من تهران مرکز بودم، کلاس‌های جهاد دانشگاهی می‌رفتم. مدرس جهاد دانشگاهی، ... بودن که منو معرفی کردن» (پ ۳۲). مشتری سه هم یکی از کانال‌های آشنایی را اساتید خودش معرفی می‌کند و دلیل آن را سطح پایین اطلاعات اساتید در مورد کار وی و نیاز به مشاوره می‌داند (پ ۹ و ۱۱).

۵-۳-۴. اقتصاد سایه‌نویسی

در این بخش به اقتصاد سایه‌نویسی توجه می‌شود. به هر حال، این موضوع به همراه تمام پدیده‌هایی است که نقش یک منبع درآمدی را ایفا می‌کنند. در این بخش به تعرفه‌های سایه‌نویسی، درآمد و هزینه سایه‌نویسی، و در نهایت رضایت سایه‌نویس‌ها از درآمد اشاره می‌شود (نمودار ۴-۱۱).



نمودار ۴-۱۱. اقتصاد سایه‌نویسی

یکی از موضوع‌های مهم در اقتصاد سایه‌نویسی تعرفه آن است. البته به طور قطعی نمی‌توان در مورد آمار و ارقام آن صحبت کرد، ولی یافته‌های مصاحبه‌های سایه‌نویس‌ها نشان می‌دهد که پایان‌نامه ارشد به طور متوسط از ۱،۵۰۰،۰۰۰ تا ۲،۵۰۰،۰۰۰ تومان (س یک - پ ۳۷؛ س ۲ - پ ۸۹؛ س ۳ - پ ۱۵؛ س ۵ - پ ۲۱؛ س ۶ - پ ۲۶؛ س ۷ - پ ۲۱؛ س ۸ - پ ۲۷؛ م ۳ - پ ۱۰۱؛ م ۵ - پ ۳۸)، پیشنهادیه دکتر حدود ۸۰۰،۰۰۰ تومان (س ۸ - پ ۵۳)، دکتر از ۶،۰۰۰،۰۰۰ تا ۱۱،۰۰۰،۰۰۰ تومان (س ۱ - پ ۳۷؛ س ۶ - پ ۲۸)، ارائه دفاع حدود ۵۰،۰۰۰ تومان (س ۳ - پ ۱۶۳)، و ترجمه کتاب حدود ۱۰ میلیون تومان (س ۶ - پ ۲۸) قیمت دارند. تغییر دامنه تعرفه هم به علت‌های گوناگونی است، دامنه تغییر تا اندازه‌ای است که برخی از مؤسسه‌ها برای پایان‌نامه ارشد حدود یک میلیون تومان

(م ۱ - پ ۴۳) و حتی کمتر و سایه‌نویس چهار برای پایان‌نامه ارشد حدود چهار میلیون تومان هم گرفته است (پ ۳۷). برخی از علت‌های تغییر تعرفه به بیان سایه‌نویس‌ها عبارت هستند از:

- سختی کار (س ۲ - پ ۹۱): «قیمت مشخصی ندارد، بسته به سختی کار است»؛
 - تعداد متغیرها، نیاز به نرم‌افزار تخصصی، موضوع کم کار شده، استاد سخت‌گیر، و نوع دانشگاه (س ۳ - پ ۱۹): «موضوع هست، متغیرهایش خیلی زیاد است، نرم‌افزارهای خیلی سختی می‌خواهد یا کار نشده، ادبیات ندارد یا استادش خیلی سخت‌گیر است؛ این‌ها همه دخیل هستند؛ ولی در کل مهم‌ترین چیزی که دخیل است آن دانشگاه‌هایی است که درس می‌خوانند»؛
 - روش آزمایشگاهی (س ۴ - پ ۳۲): «بستگی به کار دارد؛ کار اکسپریمنتال باشد، قیمتش بالا می‌رود»؛
 - تأثیر نوشتن پیشنهادیه (س ۴ - پ ۴۳): «اگر پروپوزال مال او باشد، باز قیمت یک خورده جداست»؛
 - تعداد متغیرهای موجود در پژوهش (س ۶ - پ ۲۲): «تعرفه دریافتی ارشد به تعداد متغیرها بستگی دارد؛ به ازای هر متغیر ۵۰۰ تومن می‌گیریم»؛
 - وضع مالی مشتری (س ۲ - پ ۹۳): «اگر مشتری وضعیتش خوب باشد، بیشتر می‌گیرم»؛ و ...
- نکته‌ای هم وجود دارد که سایه‌نویس یک به آن اشاره می‌کند و آن بالاتر بودن قیمت رساله دکتری در ایران نسبت به تاجیکستان است و دلیل آن را هم سخت گرفتن بیشتر ایران می‌داند (س ۱ - پ ۳۹ و ۴۱).

در این میان واسطه‌ها هم درصدهایی را بر می‌دارند. سایه‌نویس یک این میزان را سی درصد عنوان کرده است (پ ۲۱). سایه‌نویس دو نیز به همین میزان اشاره می‌کند (پ ۹۷). سایه‌نویس پنج در این رابطه بیان می‌کند که «کمیسیون خودش را ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرد» (پ ۹۵).

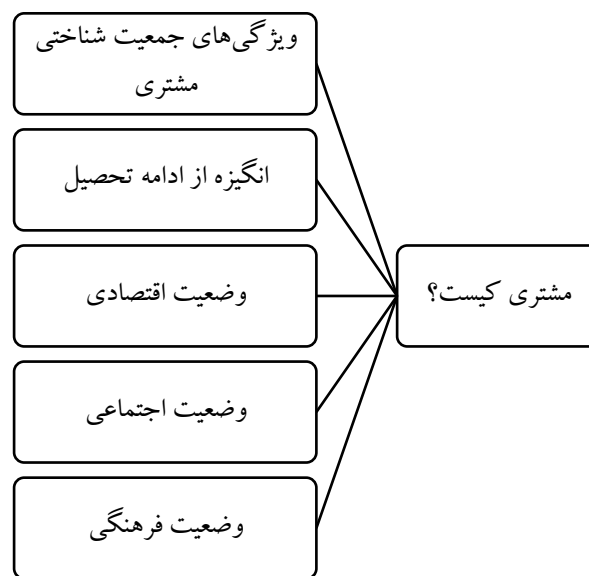
تعرفه سایه‌نویسی و تعداد کارهای انجام شده در ماه، درآمد سایه‌نویس را مشخص می‌کند. به دلیل متغیر بودن این دو عامل، سایه‌نویس درآمدهای گوناگونی در ماه دارد که از یک تا شش میلیون تومان متغیر است (س ۱ - پ ۱۳؛ س ۵ - پ ۱۹؛ س ۶ - پ ۳۴). سایه‌نویس دو در این رابطه بیان می‌کند که «اگر بخواهید به صورت مداوم در دو سال این کار را انجام دهید و اسمی در کنید و مشهور شوید، می‌توانید سالیانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون درآمد داشته باشید» (پ ۱۹). سایه‌نویس چهار به

طور مستقیم به درآمد خود از این کار اشاره نمی‌کند. ولی بیان می‌کند که به عنوان دانشجو «اگر دو تا کار انجام بدهم، پول لباسم و هزینه رفت و آمد در سال در می‌آید» (پ ۴۷). درآمد کل سایه‌نویسی برای سایه‌نویس شش با توجه به گفته‌های وی به صورت تقریبی قابل محاسبه است. فرد در پاراگراف نُه اشاره می‌کند که حدود پنج رساله دکترا و ۲۸ پایان‌نامه ارشد انجام داده است. مبلغ دریافتی از رساله دکترا با توجه به پاراگراف ۲۸ به طور متوسط هفت میلیون و مبلغ متوسط دریافتی از ارشد با توجه به پاراگراف‌های ۲۲ و ۲۶ حدود سه میلیون تومان است. بنابراین می‌توان گفت درآمد تقریبی کلی فرد فقط از کار پایان‌نامه‌نویسی ۱۲۰ میلیون تومان بوده است. البته در این میزان درآمد مهارت سایه‌نویس نیز بی‌تأثیر نیست و هر چه تجربه سایه‌نویس بیشتر شود، مهارت وی نیز در سایه‌نویسی افزایش می‌یابد و همین منجر به درآمد بیشتر هم می‌شود. «کما این که خب بالاخره هر کاری چم و خم خودشو داره؛ مطمئناً به بخشایی از این پایان‌نامه که اینا تألیف می‌کنن، از پیش آماده دارن» (م ۵ - پ ۶۰). در این میان با توجه به گفته سایه‌نویس یک، ماه‌های مهر، خرداد، و اسفند کار کمتری وجود دارد (پ ۱۵). این درآمدها تا اندازه‌ای است که بیشتر سایه‌نویس‌ها از آن راضی هستند. در این رابطه، سایه‌نویس یک بیان می‌کند که «تقریباً تنها منبع درآمدم همین است. البته منبع درآمد بسیار خوبی است»، هر چند استرس آن را بالا می‌داند (پ ۷ و ۹). سایه‌نویس دو هم از درآمد این کار راضی است و حتی آن را جذابیت سایه‌نویسی می‌داند (پ ۱۵). سایه‌نویس چهار (پ ۴۵) و شش (پ ۳۰) درآمد سایه‌نویسی را برای یک دانشجو کافی می‌دانند. سایه‌نویس هشت (پ ۲۰) و نُه (پ ۱۲) هم همین نظر را در مورد درآمد دارند.

البته هزینه‌هایی هم برای سایه‌نویس‌ها وجود دارد که بیشتر آن همان وقت آنها است. در این رابطه سایه‌نویس دو اشاره می‌کند که افزون بر وقتی که برای نگارش پایان‌نامه صرف می‌کند، خود نیز در حدود صد هزار تومان برای نگارش هر پایان‌نامه هزینه صرف می‌کند (پ ۹۳). در پاسخ به پرسشی که صد هزار تومان صرف چه می‌شود، وی جواب می‌دهد که: «همین وقت گذاشتن. دیگر هیچ هزینه‌ای ندارد» (پ ۹۵). در واقع بیشتر هزینه‌های فرد مربوط به مدت زمانی است که صرف پژوهش می‌شود.

۶-۳-۴. مشتری کیست؟

این بخش به مشتری، یعنی شخصی که کل یا بخشی از کار پژوهش خود را برای سایه‌نویسی برون‌سپاری می‌کند، اختصاص یافته است. محور یافته‌های این بخش صحبت‌های مشتریان است که با برداشت‌های سایه‌نویس تکمیل می‌شود. نمودار ۴-۱۲ ابعاد پوشش داده شده در این بخش را نشان می‌دهد.



نمودار ۴-۱۲. مشتری کیست؟

اطلاعات کلی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشتریان مشارکت‌کننده در مصاحبه در [فصل روش‌شناسی](#) ارائه شده است. نکات قابل توجه در مورد آنها این است که آنها کل یا بخشی از پایان‌نامه ارشد خود را سایه‌نویسی کرده‌اند (به جز مشتری چهار که کارشناسی بوده است) و مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد بوده‌اند.

سایه‌نویس‌هایی که تجربه کار با چندین مشتری را دارند، در مورد مشتریان و انگیزه آنها از تحصیل و ادامه آن بیان می‌کنند که برخی از آنها قصد ادامه تحصیل را دارند ولی کمتر (س ۷ - پ ۸۷؛ س ۸ - پ ۷۴). البته سایه‌نویس یک برخی از مشتریان را «بلند پرواز» معرفی می‌کند که قصد ادامه تحصیل در کشورهای خارجی هم دارند (پ ۶۱). سایه‌نویس شش هم بیان می‌کند که «خیلیاشون که باهاشون در ارتباطم تو ارمنستان و هندوستان و مالزی دارن دکتر می‌خونن» (پ ۴۳). با توجه به این

موضوع یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که انگیزه مشتریان از تحصیل و ادامه دادن یا ندادن آن چیست؟ (در بخش چرایی - انگیزه مشتری در مورد اینکه چرا مشتریان به سایه‌نویسی روی می‌آورند، بیشتر صحبت می‌شود).

مشتری سه بیان می‌کند که: «استقلال علمی حداقل، استقلال شغلی، هر حیطه‌ای که شما بخواهید. کلاً معنی کامل استقلال». این مشتری که زن هم هست در ادامه بیان می‌کند که «کارشناسی رفتیم، علاقه پیدا کردم به شغل و رشته‌ام، ترجیح دادم حداقل اطلاعاتم تو فیلد کاری خودم بره بالاتر» (پ ۶۶). این مشتری که تحت تأثیر هم‌کلاسی‌های خود به سایه‌نویسی روی آورده است، انگیزه آنها را از ادامه تحصیل ارتقاء شغل و حقوق، و همچنین «چشم و هم‌چشمی» می‌داند (پ ۹۱). مشتری چهار که مرد و در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بوده، دیگر انگیزه‌ای به ادامه تحصیل نداشته و دلیل آن را داشتن شغل و همچنین بالا بودن هزینه‌های تحصیل و مشخص نبودن آینده آن می‌داند. وی انگیزه دوستان خود را برای تحصیل این گونه بیان می‌کند که: «خیلی از رفقای من به خاطر این که نگن فلانی بی‌سواده و اینا، چون تا دبیرستان خوندم، خب زحمت کشیدیم گفتیم حالا تا اینجا اومدیم، مدرک لیسانسمونم بگیریم» (پ ۴۳). وی در جایی دیگر اشاره می‌کند که دانشجویان بیشتر به دنبال سریع تر پاس کردن درس بودند تا یاد گرفتن آن و نشانه آن را این گونه بیان می‌کند که: «فقط بحث دانشجو تو انتخاب واحد اینه که کدوم استاد خوبه، سریع نمره رو میده، پاس می‌کنه». مشتری پنج که مرد بوده، دو دلیل را به عنوان انگیزه ادامه تحصیل در مقطع ارشد بیان می‌کند (پ ۱۵۰): به‌دست آوردن مدرک و همچنین سربازی و قانون کسری در آن زمان. البته اشاره می‌کند به دلیل تغییر قانون سربازی و حذف کسری‌های تحصیلی «تیر هممون به سنگ خورد» (پ ۱۵۲). وی در جایی دیگر اشاره می‌کند که به دلیل اینکه سختی و هزینه بسیاری در طول تحصیل متحمل شده است، در حال حاضر قصد ادامه تحصیل در مقطع دکترا را ندارد (پ ۱۳۰).

مشتریان همچنین از دید وضعیت اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در جایگاه‌های گوناگونی قرار می‌گیرند. از دید اقتصادی، مشتریان در طیفی میان افراد «بی‌پول»، «متوسط»، و «پول‌دار» قرار می‌گیرند (س ۳ - پ ۸۹؛ س ۴ - پ ۹۰). البته در مورد وضعیت نامناسب اقتصادی تا اندازه‌ای هم میان سایه‌نویس‌ها اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف نظر ممکن است به دلیل تفاوت در نوع مشتریان هر سایه‌نویس پیش آید. به عنوان نمونه، سایه‌نویس دو طیف مشتریان خود را متوسط به بالا می‌داند

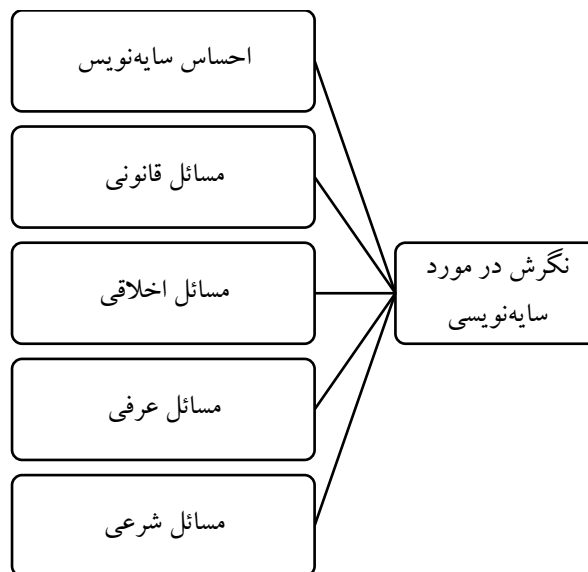
(پ ۱۲۱) و حتی به نظرش «کسانی که سر کار نمی‌روند یا وضع مالی‌شان خوب نیست، در این زمینه پایان‌نامه‌هایشان معتبرتر است» (پ ۵۵). سایه‌نویس پنج هم درآمد مشتریان خود را ماهی دو تا سه میلیون تومان بیان می‌کند (پ ۷۵). به هر حال، برخی از مشتریان وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند. تا این اندازه که سایه‌نویس تلاش می‌کند «با آنهایی که سطح درآمدشان کم است ارزان‌تر حساب» کند (س ۹ - پ ۳۲). و یا در سطحی هستند که سایه‌نویس به شوخی بیان می‌کند که «پیام‌نور اصلاً کارهایشان خیلی بی‌کیفیت است همان در کافی‌نت برایشان انجام می‌دهند [با حالت خنده]! اصلاً پول هم نمی‌دهند خیلی بی‌پول هستند!» (س ۳ - پ ۶۳). در این میان برخی هم هستند که شرایط مالی مناسبی دارند، برای همین تعرفه سایه‌نویسی برای آنها چندان به حساب نمی‌آید (م ۶ - پ ۶۷) و به بیان یک سایه‌نویس، «بعضی‌ها هم اصلاً برایشان صرف نمی‌کند که خودشان انجام دهند. چون نصف پول حقوق یک ماهشان را می‌دهند و یک پایان‌نامه خوب به آنها تحویل داده می‌شود» (س ۱ - پ ۲۷). از دید اجتماعی هم به بیان سایه‌نویس مشتریان از افرادی شروع می‌شوند که «عادی» به حساب می‌آیند و به دنبال تحصیل و مدرک هستند (س ۴ - پ ۸۴) تا افرادی که در اجتماع دارای «رده‌های بالای مدیریتی» هستند (س ۵ - پ ۶۹).

وضعیت فرهنگی مشتریان هم با بیان سایه‌نویس چهار به روشنی مشخص می‌شود: «با فرهنگ هم دارند بی‌فرهنگ هم دارند. مثلاً من با یکی کار کردم معلم بود، یکی دیگر کارمند اداره‌ای بود؛ آدم‌های خوبی هستند، اما ناگزیر هزینه کرده است» (پ ۸۶). البته برداشت‌های متفاوتی از این دید در میان سایه‌نویس‌ها وجود دارد. به طوری که برخی مشتریان خود را با واژه‌ها و جملاتی مانند: «به لحاظ مذهبی هم ظاهر قضیه را حفظ می‌کنند، دیگر نمی‌دانم. اما به لحاظ اخلاقی آدم‌های بسیار بی‌اخلاقی هستند» (س ۱ - پ ۶۵)، «آدم‌های موفق نیستند در آن زمینه‌ای که انتخاب کرده‌اند در دانشگاه یا آن رشته. و اصلاً موفقیت علمی برایشان مهم نیست» (س ۲ - پ ۱۲۳)، یا: «خیلی بی‌منطق هستند یعنی آدم‌هایی هستند که الکی استخدام شدند یا کار دارند» (س ۳ - پ ۸۷) توصیف کرده‌اند.

۴-۳-۲. نگرش در مورد سایه‌نویسی

در بخش آخر چستی سایه‌نویسی به نگرش در مورد سایه‌نویسی پرداخته می‌شود. در این بخش ابتدا از احساس سایه‌نویس و مشتری نسبت به عمل خود صحبت می‌شود و در ادامه آن به نگرش‌هایی

که درباره مسائل قانونی، اخلاقی، عرفی، و شرعی سایه‌نویسی در میان سایه‌نویس‌ها و مشتریان وجود دارد اشاره می‌شود. ابعاد این بخش در نمودار ۴-۱۳ مشاهده می‌شود.



نمودار ۴-۱۳. نگرش در مورد سایه‌نویسی

مصاحبه‌های افراد نشان می‌دهد که برخی از آنها خود به نوعی درگیر تضاد درونی برای انجام کار هستند و اغلب احساس عذاب وجدان، ترس، و استرس دارند (هر چند که برخی نیز توانسته‌اند خود را به طور کامل توجیه کنند): «استرس این کارها بسیار بالاست» (س ۱ - پ ۹)، «دوست ندارم شغل من این باشد» (س ۳ - پ ۲۷) و «به خاطر اینکه می‌ترسم ... و به خاطر این که یک جوری وجدانم همیشه ناراحته، شاید این کار من اشتباه است» (س ۳ - پ ۱۳۹). این احساس همچنین منجر به این شده است که برخی چندان از کاری که انجام می‌دهند راضی نباشند. به عنوان نمونه سایه‌نویسی بیان می‌کند که پول به دست آمده صرف مواردی می‌شود که افراد آن را «مبحث اصلی زندگیشان» نمی‌دانند و تنها برای گذران «اموراتشان» به کار می‌برند (س ۴ - پ ۱۶۸) و همچنین سایه‌نویس دیگری بیان می‌کند که: «در کل با ماهیت کار موافق نیستم و آن را درست نمی‌دانم» (س ۱ - پ ۷۷). البته تمام این عدم رضایت به دلیل احساس منفی درباره شغل نیست و برخی سختی کار را عامل استرس آن می‌دانند (س ۱ - پ ۵): «متأسفانه خیلی سخته فقط بیای بشینی خونه همش بنویسی بعد از ترجمه تماس می‌گیرن که مثلاً استاد این ایراد و گرفته و ادیتش کنید کلاً شغل پردردسریه» (س ۶ - پ ۳۲).

در این میان برخی هم هستند که برای انجام این کار عذاب وجدان ندارند (س ۸ - پ ۱۴۳) و کار خود را نوعی تعامل دو طرفه بین خود و مشتری می‌دانند: «خب، من علمم را در اختیار بقیه افراد می‌گذارم و پولش را می‌گیرم. هیچ منافاتی ندارد. تازه دارم به جامعه خدمت هم می‌کنم و باید مدیون باشم» (س ۲ - پ ۱۱۷). اهمیت این موضوع تا اندازه‌ای است که سایه‌نویسی بیان می‌کند که: «چطوری می‌خواهی کنترل کنی؟ من دانشجو می‌خواهم این را بدهم یکی کار کند؛ چه جوری می‌توانی بگویی که این را مثلاً من کار نمی‌کنم؛ فرد دیگری کار می‌کند راهی ندارد، گریزناپذیر است» (س ۴ - پ ۱۹۰).

به هر حال، سایه‌نویس و مشتری به گونه‌ای تلاش می‌کنند تا خود را توجیه کنند و مقداری هم از ترس و استرس خود کم کنند: «اگر جامعه به این شکل برای من کاری نداشته باشد و من بیکار بمانم، اصلاً فکر نمی‌کنم که این کار غیراخلاقی باشد، پس چکار کنم. یقیناً این کار را درست می‌دانم. در شرایط کنونی کشور فکر نمی‌کنم مشکلی داشته باشد» (س ۱ - پ ۷۷). این در صورتی بوده که وی در جایی اشاره می‌کند که: «اولش بسیار می‌ترسیدم، که اساتید از این کار من آگاه می‌شوند و صورت خوبی ندارد، و این کار بسیار سخت است و خلاصه استرس زیادی داشتم» (س ۱ - پ ۵). یا توجیه سایه‌نویس پنج برای انجام این کار هزینه تحصیل و زندگی در شهر غریب است: «من خودم دوست ندارم انجام بدهم. ولی خب اجبار است تحصیل خرج دارد زندگی در شهر غریب خرج دارد؛ بالاخره باید یک جوری کنار بیایی» (س ۵ - پ ۳۱). مشتری سه هم خود را با ارزش هزینه و زمان صرف شده توجیه می‌کند: «اون هزینه‌ای که من کردم بیشتر از هزینه‌ای که دوستم برده بیرون براش انجام دادن درآمدم. خیلی بیشتر درآمدم. ولی وقتی میام می‌بینم هیچ فرقی بینش نیست، پایان‌نامه ای که من انجام دادم هیچ جای جامعه به درد نمی‌خوره، ناخودآگاه انگیزمو از دست میدم» (پ ۱۳۳). این توجیه کردن در برخی از افراد تا اندازه‌ای بوده است که سایه‌نویس یک بیان می‌کند که: «من هر جا صحبت می‌کنم پنهان نمی‌کنم که پایان‌نامه‌نویس هستم و برایم مهم نیست که کسی بفهمد» (پ ۷۵). سایه‌نویس سه هم در پاسخ به پرسشی در رابطه با معرفی کار خود به دیگران و «محافظه‌کاری» در مورد آن بیان می‌کند که «من آدم محافظه‌کاری نیستم ولی اکثراً محافظه‌کاری به خرج می‌دهند. مثلاً کسی را می‌شناسم دکترای فلسفه تعلیم و تربیت است، پایان‌نامه دکترای نفت را نوشته است. پیش من می‌نوشت؛ گفتم چیکار می‌کنی؟ گفت مقاله خودم را تایپ می‌کنم. اکثراً

کسانی که می‌نویسند، تمایل ندارند در مورد کارشان با کسی صحبت کنن» (پ ۱۹۱). مشتری یک، دو، و چهار نیز در این رابطه چندان محافظه‌کار نیستند و دلیل آن را عادی بودن کار در میان همکاران و دوستانشان می‌دانند (م ۱ - پ ۱۷؛ م ۲ - پ ۱۱۸؛ م ۴ - پ ۷۷). در این رابطه مشتری چهار بیان می‌کند که: «تویه سری از جمعا حالا چرا؛ ولی واسه دوست و آشنا و خونواده نه. همه می‌دونن که جریان چیه. نه کسی به آدم حرف می‌زنه که چرا این کارو خودت انجام نمی‌دی. واسه همه هضم شده» (پ ۷۷). استفاده از توجیه «همه» در صحبت‌های سایه‌نویس سه شکل دیگری به خود می‌گیرد. این سایه‌نویس در رابطه با انگیزه خود بیان می‌کند که «هم مسئله اقتصادی بود و هم این که دیدم همه دارند می‌نویسند، بی‌سوادند؛ گفتم چرا حالا این پول را من نگیرم؟» (پ ۳۳). همین موضوع‌ها و توجیه کردن‌ها پای قانون، اخلاق، عرف، و شرع را هم به بحث باز می‌کند.

از میان این چهار موضوع، نخستین مسئله، نگرش سایه‌نویس و مشتری در مورد قانون‌هایی است که برای سایه‌نویسی وجود دارد. برخی از سایه‌نویس‌ها و مشتریان قانونی را در این زمینه نمی‌شناسند (س ۱ - پ ۷۱؛ س ۲ - پ ۳۵؛ س ۳ - پ ۱۹۵؛ س ۷ - پ ۲۰۱؛ م ۱ - پ ۱۵؛ م ۵ - پ ۱۷۴). سایه‌نویس یک اشاره می‌کند که در صورت تصویب آن هم قابلیت کنترل‌کنندگی نخواهد داشت چون «این کار به صورت زیرزمینی انجام می‌شود و قانونی هم نمی‌تواند آن را کنترل کند» (پ ۷۱) و «اصلاً کسی قرار نیست بفهد» (س ۵ - پ ۱۶۱). یا این که: «هیچ وقت با اسم و فامیل واقعی خودم کار نکردم» (س ۶ - پ ۱۰۲). البته برخی مسئله را ترس از قانون نمی‌دانند، و ابعاد دیگری به آن می‌دهند. «مگر اینکه خود استاد بفهمه و مشکل ساز بشه» (س ۷ - پ ۲۰۱) و یا مشتری پنج سایه‌نویسی را به نوعی به کپی‌رایت پیوند می‌زند و بیان می‌کند که برای کپی‌رایت که مسئله مهم‌تر و بالادستی به حساب می‌آید قانون مناسبی وجود ندارد، بنابراین نباید انتظاری برای موضوع‌هایی مانند سایه‌نویسی داشت (پ ۱۷۳).

البته اهمیت توجه به قانون برای آنها تا اندازه‌ای بوده که برخی جست‌وجوها و پیگیری‌هایی را در این رابطه انجام داده‌اند (س ۳ - پ ۲۱۱). «اولش فکر می‌کردم باید قانونی داشته باشد. اما بعد از این که شروع کردم، متوجه شدم که اصلاً قانونی وجود ندارد» (س ۱ - پ ۷۱) و «پرسیده‌ام اینکه هست یا نه، اما خوب زیاد پیگیرش نشده‌ام» (س ۲ - پ ۳۷).

در این میان، برخی سایه‌نویسی را هم خلاف قانون نمی‌دانند و به آن به شکل تجارتی نگاه می‌کنند که اگر دو طرف معامله راضی باشند، مشکلی وجود نخواهد داشت (س ۲ - پ ۲۹) و بحث فروش محتوا را در این رابطه مطرح می‌کنند (س ۸ - پ ۱۳۵). یا در این زمینه مثال مقاله را مطرح می‌کنند که «بعضی از جاها مثلاً یک کسی می‌آید برای یک مقاله‌ای یک پولی می‌دهد؛ مثلاً می‌گوید اسم شش نفر خورده است؛ از این شش نفر همه کار را انجام ندادند؛ یک عده هزینه مالی این کار را تأمین کرده‌اند، یک عده نوشتارش را انجام داده‌اند، یک عده سابمیتش کرده‌اند» (س ۴ - پ ۱۶۰). این موضوع‌ها پرسش بزرگتری را مطرح می‌کند که آیا از دیدگاه قانونی می‌توان سایه‌نویس را مقصر دانست؟

مسئله دوم، مسئله اخلاق است. همان‌طور که پیش‌تر هم بیان شد، برخی از این افراد با اینکه می‌دانند این کار از دید اخلاقی درست نیست، ولی با این حال، خود را به گونه‌ای توجیه می‌کنند. سایه‌نویس یک در جایی نگرش خود را درباره مشتری این گونه ابراز می‌کند که «این یک نوع خیانت به مملکت‌شان است، نباید به لحاظ اخلاقی درست باشد» (پ ۶۵) و در جایی دیگر درباره خود بیان می‌کند که «با توجه به شرایط فعلی با اصول اخلاقی من اصلاً منافاتی ندارد» (پ ۷۷). سایه‌نویس دو هم می‌داند این کار اخلاقی نیست و برای توجیه آن به طور کلی اخلاق علمی در جامعه دانشگاه آزاد را زیر سؤال می‌برد، «چون بالاخره حالا همه چی پولی شده است. امروزه دانشگاه آزاد مدرکش را با پول می‌شود خرید، طرف چرا پایان‌نامه‌اش را با پول نخرد. به نظر من در بستری که اخلاقیات معنی ندارد، بحث اخلاقیات در این بستر معنی پیدا نمی‌کند. چون به نظر من از بیس، مدرکی که آن دانشگاه ارائه می‌دهد اخلاقی نیست» (پ ۲۳). سایه‌نویس سه، چهار، و پنج هم این کار را از دید اخلاقی مشکل‌دار می‌دانند (س ۳ - پ ۲۰۱؛ س ۴ - پ ۱۶۶؛ س ۵ - پ ۱۷۱). سایه‌نویس شش بیان می‌کند که می‌داند کار وی از دید اخلاقی درست نیست و براساس آن بیان می‌کند که چون می‌داند بنابراین سعی می‌کند کاری را که تحویل مشتری می‌دهد حداقل اخلاق علمی در آن رعایت شود (پ ۷۲) و بدین وسیله خود را توجیه می‌کند. همین سایه‌نویس در جایی دیگر این کار را به «دزدی» تشبیه می‌کند. وی بیان می‌کند که «هر چیزی که آدم برایش زحمت نکشیده باشه و به‌دست آورده باشه بهش میگن دزدی کرده» و این موضوع را «اجحاف» در حق دیگرانی می‌داند که برای این کار زحمت کشیده‌اند (پ ۹۸).

این موضوع در مورد مشتریان هم صدق می‌کند. مشتری یک این کار را از دید اخلاقی دارای مشکل می‌داند ولی این گونه توجیه می‌کند که: «وقتی که خود اساتید جوری رفتار می‌کنند که حقوقی که می‌گیرند در قبالش مسئول هستند که به دانشجو آموزش بدهند، نمی‌دهند، پس همه در یک سطح هستند؛ پس اگر این خلاف اخلاق باشد، آن هم خلاف اخلاق است» (پ ۱۱ و ۱۳) و در جایی دیگر سایه‌نویسی را به مسئلهٔ تقلب در دوران تحصیل ربط می‌دهد و بیان می‌کند که «من اصلاً فکر نمی‌کردم این کار اشتباه است؛ نمی‌توانستم درک کنم که اشتباهه چون او راضی و من راضی» (پ ۱۰۴). مشتری دو، چهار، پنج، و شش هم از دید اخلاقی سایه‌نویسی را زیر سؤال می‌برند (م ۲ - پ ۱۱۲؛ م ۴ - پ ۵۵؛ م ۵ - پ ۱۶۰؛ م ۶ - پ ۱۷۰). البته مشتری شش با جزئیات بیشتری مسئلهٔ اخلاق سایه‌نویسی را از دید خود و سایه‌نویس بیان می‌کند. این فرد از دید شخصی سایه‌نویسی را بی‌اخلاقی می‌داند، چرا که خود را متعهد می‌داند که کار پایان‌نامه را خودش انجام دهد. با این حال، فرد با بیان اینکه از «کمک پژوهشگر» استفاده کرده، خود را توجیه می‌کند. همین فرد در مورد سایه‌نویس بیان می‌کند که به دلیل اینکه سایه‌نویس در قبال کار خود دستمزد می‌گیرد بنابراین مشکلی از دید احقاق حقوق وی وجود ندارد. با این حال، چون اسم فرد به عنوان همکار پژوهشی ثبت نمی‌شود از نظر اخلاقی چندان درست نیست (پ ۱۷۶ و ۱۸۰).

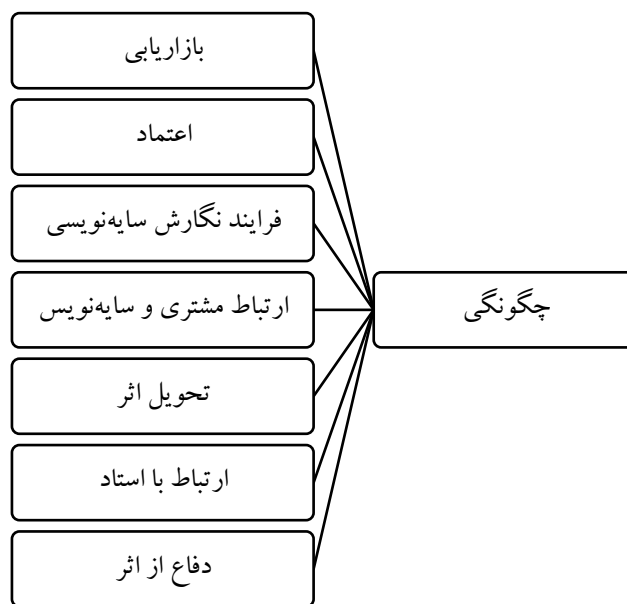
عرف و مسائل آن بُعد دیگر پدیدهٔ سایه‌نویسی است که نگرش جامعه را نسبت به پذیرش سایه‌نویسی نشان می‌دهد. یافته‌های مصاحبه نشان می‌دهد این پدیده در جامعه گسترش چشم‌گیری یافته و آن را «خیلی پذیرفته است» (م ۱ - پ ۲۱). به نوعی می‌توان گفت این پدیده در جامعه علمی در حال همه‌گیر شدن است و به گفتهٔ سایه‌نویس هشت، «قبض خیلی شکسته شده. و به لحاظ عرفی هم چندان مشکلی ندارد» (پ ۱۴۱) آن قدر که مشتری سه اشاره می‌کند که «هشتاد درصدشون [از هم کلاسی‌ها] رسماً می‌دادن بیرون. حتی موضوعم نمی‌خواستن انتخاب کنن» (پ ۸۴). سایه‌نویس یک هم به این روند همه‌گیر شدن و عادی شدن در جامعه اشاره می‌کند: «در سال‌های اول که شروع کردم، فکر می‌کردم به لحاظ عرفی و اجتماعی درست نیست. یعنی جامعه آن را قبول نمی‌کند. اما بعداً متوجه شدم که همهٔ دانشجویان می‌نویسند» (پ ۷۳). این پذیرش در جامعه تا اندازه‌ای بوده که سایه‌نویسی به «یک تجارت است مثل تجارت‌های دیگر» تشبیه شده و به مانند هر «تجارت» دیگر رضایت طرفین و عدم کلاهبرداری از یکدیگر شرط درستی آن است (س ۲ - پ ۲۷) و به دلیل اینکه

«منبع درآمد خوبی است، خیلی‌ها از این قضیه استقبال می‌کنند» (س ۵ - پ ۱۶۷). تبلیغات موجود هم در این موضوع بی‌تأثیر نیستند، «یعنی به حدی تراک‌های تبلیغاتی در رابطه با پایان‌نامه پخش می‌شه به نظر من داره اصلاً اون قبحش میشکته» (س ۶ - پ ۱۱۳) و «تو خیابون هم رو دیوار با این اسپری‌ها رو دیوار خیابون‌ها مینویسن. به هر حال به نظر من اگر یه چیز ناعرفی بود، هنوز جامعه نپذیرفته بود، نمی‌تونست جامعه این کار رو انجام بده» (س ۶ - پ ۱۱۴). در این رابطه اما سایه‌نویس سه نکته تازه را از دید عرف روشن می‌سازد. وی بیان می‌کند جامعه پدیده «پایان‌نامه‌نویسی» را پذیرفته ولی «در کل آن‌ها دوست ندارند که با این اسم در جامعه شناخته شوند، مثلاً می‌گویند من دکترای دانشگاه تهران هستم، یک مؤسسه پژوهشی دارم؛ نمی‌گویند من پایان‌نامه می‌نویسم، می‌گویند برای سازمان‌ها طرح برمی‌دارم» (پ ۱۹۸). البته پیامدهای این موضوع کم‌کم در جامعه مشخص می‌شود و همین خود می‌تواند بر رشد این پدیده در جامعه بیشتر تأثیر بگذارد: «چقدر رسوایی در این زمینه پیش آمد که فلان کتابشان کپی بوده، فلان مدرکشان جعلی بوده، فلان مقاله‌شون کپی‌پیست بوده. بالاخره با این وضعیت قبحش هم شکسته می‌شود» (س ۸ - پ ۱۶۱).

از دید شرعی هم مسئله سایه‌نویسی مورد توجه قرار می‌گیرد. البته برای سایه‌نویس‌هایی مانند سایه‌نویس دو بحث شرعی تا اندازه‌ای اهمیت پیدا می‌کند که بتوانند خود را توجیه کند. وی در این رابطه به فتوای یکی از مراجع هم استناد می‌کند، با این مضمون که «اگر دو طرف راضی باشند مشکلی ندارد» و در جایی دیگر هم بیان می‌کند که: «من هم این کار را به او پیشنهاد داده‌ام. گفتم این کار کار خوبی است و شرعاً هم مشکلی ندارد» (پ ۳۱ و ۱۱۵). همین سایه‌نویس سایه‌نویسی را به یک تجارت تشبیه کرده است (پ ۲۷). مشتری یک هم در رابطه با شرع و سایه‌نویسی بیان می‌کند که سایه‌نویس وی تا اندازه‌ای به باورهای مذهبی و دینی اعتقاد داشته است (پ ۱۳۲ و ۱۳۴)، ولی با این حال این کار توسط وی انجام شده است. مشتری دو نیز هر چند از دید شرعی این پدیده را مشکل‌دار می‌بیند ولی آن را به شرایط ربط می‌دهد. «شرایطش پیش می‌آید، دانشجوها می‌برند به بیرون می‌دهند» (پ ۱۱۳) و با همین عقیده، از دید شرعی هم کار خود را توجیه می‌کند.

۴-۴. بخش دوم: چگونگی سایه‌نویسی

یکی از پرسش‌های مهم در ارتباط با پدیده سایه‌نویسی چگونگی شکل‌گیری است. در این بخش به مباحثی مانند چگونگی بازاریابی سایه‌نویسی، چگونگی ایجاد اعتماد، فرایند نگارش در سایه‌نویسی، ارتباط مشتری با سایه‌نویس، تحویل اثر به مشتری، ارتباط با اساتید راهنما و مشاور، و دفاع از اثر پرداخته خواهد شد. مباحث مرتبط با چگونگی انجام سایه‌نویسی و پیشبرد این پدیده در قالب نمودار ۴-۱۴ نشان داده شده است.

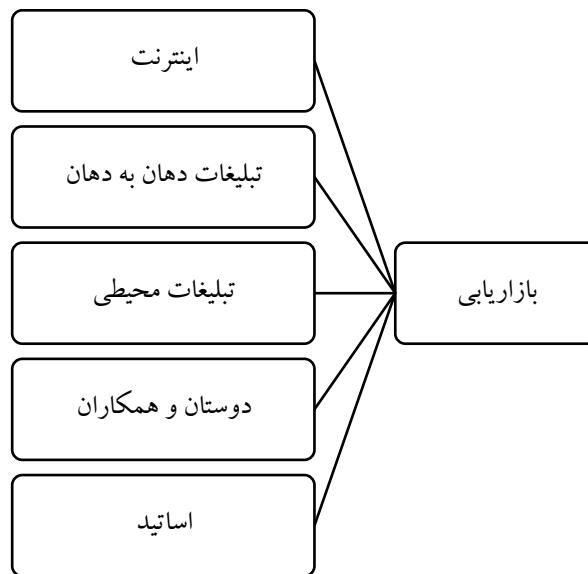


نمودار ۴-۱۴. چگونگی پیشبرد فرایند سایه‌نویسی

در ادامه به صورت جداگانه به توضیح موارد مطرح در زمینه هر یک از مباحث مربوط به چگونگی پدیده سایه‌نویسی پرداخته می‌شود.

۴-۴-۱. بازاریابی

بازاریابی به فرایند تبلیغات و همچنین آشنا نمودن مشتریان با خدمات سایه‌نویسی اشاره دارد. بازار سایه‌نویسان از روش‌های گوناگون گرم می‌شود که در برخی از موارد خود سایه‌نویسان و مؤسسه‌های سایه‌نویسی به صورت مستقیم به بازاریابی می‌پردازند (مانند اینترنت و تبلیغات محیطی) و در موارد دیگر نیز به صورت غیر مستقیم از طریق مشتریان، دوستان، و اساتید بازار سایه‌نویس‌ها رونق می‌گیرد. در نمودار ۴-۱۵ شیوه‌های گوناگون بازاریابی در زمینه سایه‌نویسی نشان داده شده است.



نمودار ۴-۱۵. شیوه‌های بازاریابی در سایه‌نویسی

در مصاحبه‌های انجام شده، مشتریان به نقش اینترنت در یافتن مراکز و افراد سایه‌نویس اشاره کرده‌اند. برای نمونه یکی از مشتریان اشاره می‌کند: «تبلیغات اینترنت هست. یه صفحه رو که شما باز می‌کنید، آن‌قدر تبلیغات توش پیدا می‌کنید، ناخودآگاه حداقل به یکیشون جذب میشی» (م ۳ - پ ۸۳). افزودن بر مشتریان، سایه‌نویسان نیز استفاده از سایت و همچنین وبلاگ را به عنوان روش‌های بازاریابی مورد اشاره قرار داده‌اند. برای نمونه سایه‌نویس نه در پاراگراف ۱۵ در جواب این پرسش که مشتریان چگونه در بیرون از محل کار، شما را شناختند، پاسخ می‌دهد که «از طریق سایت و وبلاگ». در مقابل برخی از سایه‌نویسان نیز اعتقادی به استفاده از اینترنت برای بازاریابی ندارند. برای نمونه سایه‌نویس هفت در پاسخ به پرسشی در مورد وضعیت بازاریابی سایه‌نویسی در وب‌سایت جواب می‌دهد که «اصلاً خبر ندارم» (س ۷ - پ ۱۱۲). برخی از سایه‌نویسان اشاره کرده‌اند که مؤسسه‌ها و همچنین گروه‌های سایه‌نویس برای خود وب‌سایت تهیه کرده و از اینترنت برای بازاریابی استفاده می‌کنند. برای نمونه سایه‌نویس هفت اشاره می‌کند که بازاریابی اینترنتی مختص مؤسسه‌های سایه‌نویسی است (س ۷ - پ ۱۱۵)؛ سایه‌نویس پنج اشاره می‌کند که «... فقط در خوابگاه مثلاً نشسته‌اند سایت را مدیریت می‌کنند، سه چهارتا شماره تلفن گذاشته است و بالای سایت نوشته مشاوره پایان‌نامه، نوشته انجام پایان‌نامه» (س ۵ - پ ۹۹)؛ سایه‌نویس هشت در پاراگراف ۸۲ اشاره می‌کند که «... البته خب او یک تیم داشت و همه کاری انجام می‌دادند...». سایه‌نویسان در کنار تبلیغات، اینترنت

را به عنوان ابزاری برای تسهیل کار سایه‌نویسی (س ۴ - پ ۱۲۸) و بهبود روش ارتباط با مشتری (س ۷ - پ ۱۱۷ و ۱۲۳) می‌دانند.

تبلیغات دهان به دهان و شفاهی نیز یکی از روش‌های معمول برای بازاریابی و تبلیغات است. در این روش به طور معمول سایه‌نویس خدمات خود را به صورت شفاهی به مشتریان اعلام می‌کند و یا مشتریان سایه‌نویسان را به یکدیگر معرفی می‌کنند. برخی از سایه‌نویسان معتقدند پس از شروع کار سایه‌نویسی و انجام چند کار خود مشتریان سایه‌نویس را به دوستان خود معرفی می‌کنند (س ۲ - پ ۱۷؛ س ۶ - پ ۱۳؛ س ۲ - پ ۵۳). برای نمونه سایه‌نویس دو در پاراگراف ۱۷ اشاره می‌کند که: «همین که کار چند نفر را انجام دهید، آن‌ها هم به دوستانشان می‌گویند و به این صورت مشتریان شما بیشتر می‌شود». برخی از سایه‌نویسان برای این نوع بازاریابی، اصطلاحاتی را مانند زنجیره‌ای (س ۸ - پ ۴۳)؛ هر می (س ۵ - پ ۴۵)؛ شبکه‌ای (س ۶ - پ ۳) و تبلیغات دهان به دهان (س ۲ - پ ۵۱) به کار می‌برند. سایه‌نویس سه در پاراگراف ۴۵ به نوعی از دادن امتیاز به مشتریانی که برای او تبلیغ می‌کنند صحبت می‌کند و می‌گوید که: «مثلاً وقتی برای کسی می‌نویسی، به او می‌گویی که مثلاً اگر دوست دیگری بود، من تخفیفی به تو می‌دهم و پایان‌نامه‌ تو را ارزان‌تر حساب می‌کنم، به دوستان و آشنایانشان می‌گویند». برخی از سایه‌نویسان برای بازاریابی دهان به دهان از تلفن و ایمیل استفاده می‌کنند (س ۵ - پ ۴۷؛ س ۲ - پ ۵۳). به طور کلی، همان‌طور که سایه‌نویس دو در پاراگراف ۷۷ اشاره می‌کند، «بیشتر [سایه‌نویس‌ها] ترجیح می‌دهند از طریق دوستان و آشنایان کسی را پیدا کنند». مشتریان نیز در مصاحبه‌هایشان به تبلیغات دهان به دهان اشاره کرده‌اند. برای نمونه مشتری سه در پاراگراف ۸۳ اشاره می‌کند که: «... بیان و معرفی خود دانشجویها به همدیگه. معرفی ترم بالایی به همدیگه، معرفی هموعان به همدیگه. مثلاً من دوستم ارشدش تموم شده، اومده به من پیشنهاد می‌کنه که برو فلان جا پایان‌نامتو بده، اون کارش خوبه».

یکی دیگر از راه‌های بازاریابی برای سایه‌نویسان، تبلیغات محیطی است. منظور از تبلیغات محیطی چاپ و توزیع آگهی در مکان‌های گوناگون است. سایه‌نویسان تبلیغات محیطی را در قالب پخش تراکت در اطراف و یا سطح دانشگاه‌ها انجام می‌دهند (س ۶ - پ ۳؛ س ۵ - پ ۱۹؛ س ۴ - پ ۱۱۹). برای نمونه سایه‌نویس شش در پاراگراف سه اشاره می‌کند که: «شروع کردم چند تا تراکت بردم دانشگاه علوم تحقیقات پونک اونجا نصب کردم و اول یکی دو نفر از دانشجویان ارشد تماس

گرفتند، بعد دیگه فقط در حد دو تا سه ترک، دیگه برای ترک چسبوندن نرفتم، بعد شماره‌ام به صورت شبکه‌ای می‌چرخید و به ورودی‌های سال بعد و قبل از خودشون پخش می‌شد، روند و شروع کار من به این صورت بود». در میان مشتریان نیز، مشتری یک در پاراگراف هفت، مشتری سه در پاراگراف ۱۶، مشتری چهار در پاراگراف ۱۸، مشتری پنج در پاراگراف ۱۱۶ به تبلیغات محیطی در میدین شهر و همچنین در کنار دانشگاه اشاره کرده‌اند. برای نمونه مشتری پنج در پاراگراف ۱۱۶ اشاره می‌کند: «خب، از در دانشکده ما که شما بیاید بیرون، رو تمام تیرای چراغ برق بتنی از بالا تا پایین چسبیده: پایان‌نامه، تحقیق، پروپزال. یعنی تمام این آگهی‌ها اونجا هستش».

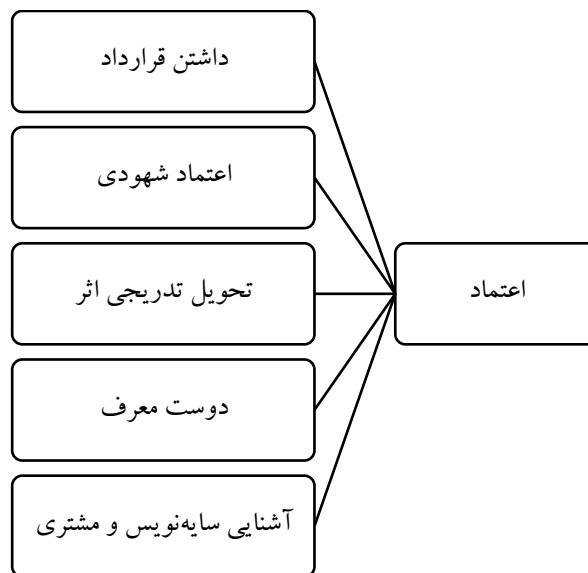
دوستان و همکاران سایه‌نویسان و مشتریان نیز یکی از راه‌های دیگر تبلیغات و بازاریابی برای پدیده سایه‌نویسی است. برخی از سایه‌نویسان از طریق دوستان خود به مشتریان معرفی شده و کار می‌گیرند. سایه‌نویس سه در پاراگراف نه، سایه‌نویس هفت در پاراگراف ۱۷ و ۴۳، سایه‌نویس چهار در پاراگراف ۶۳ و سایه‌نویس شش در پاراگراف ۶۹ به این مسئله اشاره کرده‌اند. برای نمونه یکی از سایه‌نویسان اشاره می‌کند: «.. من مثلاً کارهایی که می‌گیرم از طریق دوستان مطمئن خودم هست که مثلاً از روی دلسوزی می‌دانند من بیکارم، پولی ندارم، کار هست به من معرفی می‌کنند، من هم انجام می‌دهم» (س ۳ - پ ۹). مشتریان نیز به نقش همکاران، هم‌دوره‌ای‌ها، هم‌دانشگاهی‌ها، و نیز همکلاسی‌ها در آشنایشان با سایه‌نویسان اشاره کرده‌اند (م ۳ - پ ۱۵؛ م ۲ - پ ۴۳؛ م ۵ - پ ۳۰؛ م ۱ - پ ۳۵). برای نمونه مشتری دو در پاراگراف ۴۳ اشاره می‌کند: «وقتی به بچه‌ها گفتم چنین کسی می‌خواهم، از تهران به من زنگ زدند، گفتند یک همچین کسی هست. بعد ما رفتیم پیشش که موضوع رو بهش بگیم. حتی من هم موضوع انتخاب نکردم، خودش موضوع را انتخاب کرد و پروپزال را نوشت برای من فرستاد، من بردم به استاد دادم».

در برخی از موارد سایه‌نویسان و مشتریان مورد مصاحبه به نقش اساتید در زمینه تبلیغات برای سایه‌نویسان اشاره کرده‌اند. سایه‌نویس هفت در پاراگراف ۱۸۱، سایه‌نویس سه در پاراگراف ۷۵، سایه‌نویس یک در پاراگراف ۶۷، سایه‌نویس هفت در پاراگراف ۱۶۰ و ۱۸۲ به این مسئله اشاره کرده‌اند. برای نمونه یکی از سایه‌نویسان اشاره می‌کند: «... بعضی از اساتید هم ما را به دانشجویانشان معرفی می‌کنند. مورد این چنینی داشته‌ام ...» (س ۱ - پ ۶۷). در میان مشتریان مورد مصاحبه نیز مشتری سه در پاراگراف پنج، مشتری شش در پاراگراف ۲۹ به این مسئله اشاره نموده‌اند. برای نمونه

مشتری شش در پاراگراف ۲۹ در پاسخ به این پرسش که «شما این همکار پژوهشی رو از کجا پیدا کردین؟ یعنی مثلاً قبلش تو دانشگاه ایشونو می‌شناختین، یا مثلاً یه دوستی قبلی باهاشون داشتین؟» پاسخ می‌دهد که: «یکی از اساتید معرفی کرده بودن».

۲-۴-۴. اعتماد

در هر معامله‌ای وجود اعتماد بین طرفین اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری معامله دارد. پدیده سایه‌نویسی نیز به عنوان یک معامله از این امر مستثنی نبوده و مسئله اعتماد در آن را می‌توان از جنبه‌های گوناگون تنظیم قرارداد، اعتماد شهودی، تحویل تدریجی اثر، دوست معرف، و آشنایی سایه‌نویس با مشتری مورد توجه قرار داد (نمودار ۴-۱۶).



نمودار ۴-۱۶. اعتماد و ساز و کارهای اعتمادسازی در سایه‌نویسی

نخستین و ملموس‌ترین جنبه در شکل‌گیری اعتماد بین سایه‌نویس و مشتری، تنظیم قرارداد بین طرفین است. برخی از سایه‌نویسان در مصاحبه خود اشاره کرده‌اند که قراردادی میان آن‌ها و مشتریانشان تدوین نمی‌شود (س ۱ - پ ۲۳؛ س ۹ - پ ۶۵؛ س ۸ - پ ۷۸؛ س ۷ - پ ۱۰۵ و ۱۰۶؛ س ۲ - پ ۶۹؛ س ۴ - پ ۱۰۶؛ س ۳ - پ ۱۱۴) یا قرارداد تدوین شده به صورت صوری است (س ۵ - پ ۱۵۷). برخی از سایه‌نویسان مورد مصاحبه اشاره کرده‌اند که مؤسسه‌های سایه‌نویسی با مشتریان خود قرارداد امضا می‌کنند ولو به صورت غیر رسمی (س ۱ - پ ۲۳؛ س ۳ - پ ۱۸۴). برخی از

سایه‌نویس‌هایی که در مصاحبه خود اشاره کرده‌اند که با مشتری قراردادی امضا نمی‌کنند، نحوه ایجاد اعتماد بین طرفین را بر مبنای دوستی می‌دانند؛ برای نمونه [ایجاد اعتماد] «رفاقتی و دوستانه بوده» (س ۷- پ ۱۰۵). یکی از سایه‌نویس‌ها مکالمه پیش از شروع کار با مشتری را مبنای اعتماد می‌داند و می‌گوید: «من مثلاً آن‌هایی که می‌پرسم شغلش کجاست؟ یا یارو چه کاره است و این‌ها، تقریباً باورش می‌کنم. البته خیلی هم پولم را خورده‌اند» (س ۳- پ ۱۱۶). سایه‌نویس سه در مصاحبه خود تا اندازه‌ای در زمینه چگونگی قرارداد صحبت کرده و اشاره می‌کند: «... میان آن‌ها قرارداد نوشته می‌شود بعداً همیشه آن پولی که شرکت‌ها می‌گیرند یک گام جلوتر از کاری است که تحویل می‌دهند ...، کاری می‌کنند که ۵۰۰ تومان مشتری دستشان بماند» (س ۳- پ ۱۸۴). کم و بیش تمامی مشتریانی که در مورد داشتن قرارداد با سایه‌نویس صحبت کرده‌اند، اشاره کرده‌اند که هیچ قراردادی کتبی میان آن‌ها و سایه‌نویس نبوده است (م ۳- پ ۷۶؛ م ۱- پ ۵۶؛ م ۲- پ ۷۱؛ م ۶- پ ۱۰۵؛ م ۱- پ ۸۲؛ م ۵- پ ۸۵). برای نمونه مشتری پنج در پاسخ به پرسش «قراردادی هم بینتون بود یا نه، فقط شفاهی؟» پاسخ می‌دهد: «نه، لفظی بود تمامی صحبت‌ها» (م ۵- پ ۸۵). برخی از مشتریان اشاره کرده‌اند که برای اعتماد به سایه‌نویس در مورد وی تحقیق کرده‌اند (م ۱- پ ۵۶ و ۱۱۸). برای نمونه مشتری یک در مورد روش تحقیق خود در پاراگراف ۱۱۸ می‌گوید: «مرد بود، سن دقیقش را نمی‌دانم، حدود بیست و اندی سال بیست و شاید هفت، هشت، بعد اینکه هرگز ندیده بودمش، فقط تحقیق کردم راجع بهش و می‌دانستم در کجا شاغل است و آنجایی که ایشان کار می‌کردند جایی است که من خودم قبلاً آنجا دوستایی داشتم و پرسیدم که این آقا و آن‌ها راجع بهش به من گفتن و یک مطلب دیگر اینکه ایشان کرد بودند و من همیشه ارتباط خوبی با کردها و سنی‌های کردها داشتم و ایشان هم این ویژگی را داشتند به خاطر همین خیلی خوب و من از آدم‌هایی که ارتباط داشتم از این جامعه مثلاً اگر همدانی بود شاید من شک می‌کردم، ولی وقتی که کرد بود شک نکردم».

یکی دیگر از روش‌های ایجاد اعتماد بین طرفین، اعتماد شهودی است. منظور از اعتماد شهودی، اعتمادی است که بر مبنای عوامل احساسی و ادراکی شکل می‌گیرد و بیشتر مبنای احساسی دارد تا منطقی. بسیاری از سایه‌نویسان مورد مصاحبه تنها اشاره نموده‌اند که همکاری‌شان بر مبنای اعتماد به یکدیگر بوده بی‌آنکه سخنی در مورد نحوه ایجاد اعتماد بگویند (س ۸- پ ۸۸؛ س ۷- پ ۱۳۷؛ س ۲- پ ۸۷؛ س ۶- پ ۶۱؛ س ۵- پ ۱۵۲؛ س ۳- پ ۱۷۲) برای نمونه سایه‌نویس هشت در

پاراگراف ۸۸ در پاسخ به پرسش «قراردادی هم شما دارید با این‌ها یا نه بر مبنای اعتماد کار می‌کنید؟» پاسخ می‌دهد: «بر مبنای اعتماد». برخی از این سایه‌نویسان علت این نوع اعتماد را ناچاری و اجبار می‌دانند (س ۲ - پ ۸۷؛ س ۵ - پ ۱۵۲؛ س ۳ - پ ۱۷۲). برای نمونه سایه‌نویس سه در پاراگراف ۱۷۲ در پاسخ به این پرسش مصاحبه‌گر که: «یعنی خیلی سخت نیست اعتماد کنی؟» پاسخ می‌دهد: «نه به نظرم این جوری اعتماد نکنم، کار نمی‌آید. چون کارهایی که من می‌گیرم، مجبورم اعتماد کنم». سایه‌نویس هفت در پاراگراف ۱۳۵ علت این اعتماد بدون دلیل خود را این گونه بیان می‌کند: «رو اعتماد بود کارمون تا کار یه بنده خدایی راه بیفته ...».

از مسائل دیگری که اعتماد خود را در آن نشان می‌دهد، تحویل تدریجی اثر است. در این حالت طرفین به یکدیگر اعتماد می‌کنند که کار یا دستمزد را به صورت تدریجی به یکدیگر پرداخت نمایند. سایه‌نویس‌ها روش‌های گوناگونی برای تحویل اثر دارند. برخی از آن‌ها اشاره می‌کنند که اول دستمزد می‌گیرند و سپس کار را تحویل می‌دهند (س ۲ - پ ۷۰)؛ برخی ابتدا فصل‌های پژوهش را تحویل داده و سپس دستمزد می‌گیرند (س ۵ - پ ۱۱۱)؛ برخی کار را به صورت ناقص تحویل می‌دهند و تحویل بخش‌های مانده را منوط به پرداخت کامل دستمزد می‌نمایند (س ۴ - پ ۱۰۸ و ۱۰۹)؛ بعضی سایه‌نویسان نیز کار را به دو قسمت تقسیم کرده (مانند فصل یک تا سه و فصل چهار تا پنج) و بابت انجام هر کدام از این بخش‌ها ۵۰ درصد از دستمزد را درخواست می‌کنند (س ۶ - پ ۶۵).

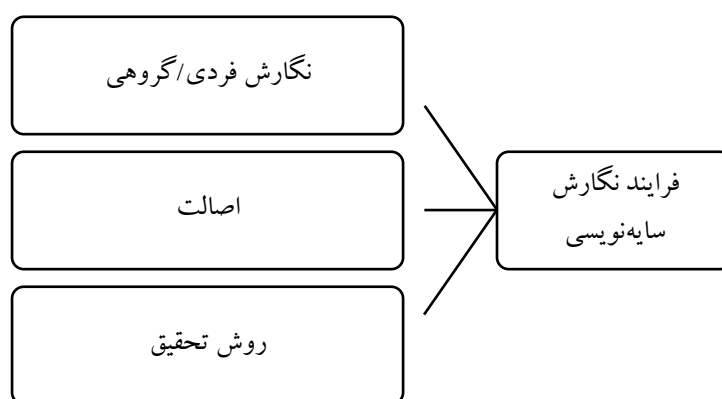
از عوامل دیگر در ایجاد اعتماد، دوستان و معرفان هستند. بر پایه گفته سایه‌نویسان یکی از عوامل اعتماد شخص واسطی بوده که هم سایه‌نویس و هم مشتری را می‌شناخته است. این واسط یا دوست سایه‌نویس (س ۷ - پ ۱۳۹) یا از آشنایان دوست سایه‌نویس (س ۸ - پ ۱۲۳) یا مشتریان پیشین سایه‌نویس (س ۶ - پ ۷۰) بوده‌اند. در برخی از موارد مشتریان از طریق استاد خود به سایه‌نویس اعتماد می‌کرده‌اند؛ یعنی استاد، کار دانشجویان را به سایه‌نویس تحویل می‌داده است. برای نمونه سایه‌نویس هفت در پاراگراف ۱۸۱ اشاره می‌کند: «از طریق همون شخصی که کار می‌وورد خب شاگردش بودن و کارارو میدادن اون واسم می‌آورد». مشتریان نیز بر نقش دوستان (م ۱ - پ ۵۸ و ۶۱) به ویژه دوستانی که پیش‌تر خود مشتری سایه‌نویس بوده‌اند (م ۲ - پ ۹۷) در شکل‌گیری اعتماد به

وی کارساز بوده‌اند. مشتریان همچنین معرفی اساتید (م ۶ - پ ۱۰۹) و هم‌دوره‌ای و هم دانشگاهی بودن سایه‌نویس (م ۵ - پ ۱۱۸) را از دیگر روش‌های اعتماد به سایه‌نویس مطرح کرده‌اند.

آشنایی بی‌واسطه سایه‌نویس و مشتری نیز از عوامل دیگر ایجاد اعتماد میان طرفین به‌ویژه از طرف مشتریان عنوان شده است. یکی از مشتریان (م ۳ - پ ۷۸ و ۱۵) همکاری بودن با سایه‌نویس و کار کردن در یک محیط کاری را دلیل آشنایی و اعتماد بر وی بیان کرده است و می‌گوید: «در عالم همکاری بودیم. ایشون مافوق بنده بودن. ایشون اصلاً به جورایی بحث پول اینا نبود باهام همکاری کردن». مشتری دیگری که به این نکته اشاره کرده است، به سبب اینکه سایه‌نویس کار دوستانشان را پیش‌تر انجام داده بوده و به دلیل هم دانشگاهی بودن به وی اعتماد کرده است (م ۵ - پ ۸۸ و ۱۱۸).

۳-۴-۴. فرایند نگارش سایه‌نویسی

فرایند نگارش سایه‌نویسی را می‌توان از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار داد. نخستین مسئله این است که سایه‌نویس به تنهایی پژوهش را انجام داده یا به صورت گروهی و با همکاری سایه‌نویسان دیگر این کار را انجام داده است. مسئله دیگر این است که سایه‌نویس پژوهشی اصیل انجام داده یا آن را تنها از روی کارهای موجود رونویسی کرده است. بعد دیگر بحث، روش تحقیق و این مسئله است که سایه‌نویسان بیشتر از چه رویکردها و روش‌های تحقیقی برای انجام کار خود بهره می‌گیرند. این مسائل در قالب نمودار ۴-۱۷ نشان داده شده است.



نمودار ۴-۱۷. فرایند نگارش سایه‌نویسی

برخی از سایه‌نویسان تمامی بخش‌های سایه‌نویسی را به صورت انفرادی انجام می‌دهند (س ۲ - پ ۱۵۲؛ س ۶ - پ ۴۷؛ س ۴ - پ ۱۰۴؛ س ۷ - پ ۹۳؛ س ۸ - پ ۷۷؛ س ۱ - پ ۲۹). برای نمونه سایه‌نویس یک در پاراگراف ۲۹ اشاره می‌کند: «شاید در مواردی فصل دوم را برون‌سپاری کنم. ولی در اکثر مواقع خودم کاملاً کار را انجام می‌دهم». برخی از سایه‌نویسان نیز برخی از عوامل را دلیل بر همکاری با سایر سایه‌نویسان می‌دانند. این عوامل عبارتند از: توانایی انجام کار: «در اکثر مواقع خودم انجام می‌دهم. مثلاً در فصل چهار بعضی از جاها را نمی‌توانی انجام بدهی و برون‌سپاری می‌کنید به جاهای دیگر و به آنها پول می‌دهی و آنها انجام می‌دهند» (س ۲ - پ ۶۷)؛ حجم کار و هزینه آن: «بستگی به کار و هزینه‌اش دارد، اگر کار صرف کثرت و سریع انجام بدم، خوب می‌توانم خودم انجام بدهم؛ اگر کار هم سخت‌تر باشد، در فیلد خودم نباشد، سعی می‌کنم تقسیم کنم و در آخر جمع و جور کنم» (س ۴ - پ ۱۰۲)؛ نوع کار: «اکثراً خودم چون همه کارها را بلد هستم انجام می‌دهم ولی جاهایی که حوصله نداشته باشم یا ترجمه‌های زیاد داشته باشد، به فیلد من ربط ندارد، از افراد دیگری کمک می‌گیرم» (س ۴ - پ ۱۰۴)؛ بخش‌های خاص یا عدم آشنایی با ابزاری خاص: «مثلاً فصل دو را بهش می‌دهم، یا نرم‌افزاری است و من بلد نیستم و او بلد است، بهش می‌دهم» (س ۳ - پ ۱۱۳)؛ ایجاد اشتغال و درآمد برای همکاران یا دوستان: «مثلاً بدانم وقت کار دیگری دارد یا مثلاً او هم بی‌پول است سعی می‌کنم یک قسمت‌هایی بهش بدهم که او هم پولی گیرش بیاید» (س ۳ - پ ۱۱۳)؛ انجام مسائل فنی: «فقط مسائل فنی کار رو به کس دیگری می‌دادم. مثلاً تایپ و ویراستاری و اینها» (س ۸ - پ ۷۷). برخی سایه‌نویسان مسائل مالی را دلیل عدم همکاریشان با مؤسسه‌های سایه‌نویسی می‌دانند برای نمونه سایه‌نویس چهار در پاراگراف ۱۲۸ اشاره می‌کند: «چون برایم نمی‌صرفد، درصدی که آن‌ها برمی‌دارند زیاد است و هیچ موقع با آن‌ها همکاری نمی‌کنم چون این کار، کار سخت و سنگینی است، هرکسی این کار را انجام نمی‌دهد، مگر اینکه واقعاً مجبور باشد دانشجویی که این کار را انجام می‌دهد، صد درصد مشکل مالی دارد». از دید مشتریان نیز سایه‌نویسان کار را با همکاری دیگران انجام می‌دهند (م ۱ - پ ۵۲؛ م ۲ - پ ۶۶). برای نمونه مشتری دو در پاراگراف ۶۶ اشاره می‌کند: «به این و آن هم می‌داد که انجام دهند».

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، اصالت اثر را می‌توان از ابعاد گوناگون مانند کیفیت انجام کار، انواع سرقت‌های علمی و ادبی در حین انجام کار، داده‌سازی، عدم اصالت فصل دوم پایان‌نامه

(بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش) مورد توجه قرار داد. اصالت اثر با توجه به گفته برخی از سایه‌نویسان بستگی به موضوع پژوهش دارد (س ۵ - پ ۱۲۵؛ س ۱ - پ ۴۵؛ س ۶ - پ ۷۰). برای نمونه سایه‌نویس پنج در پاراگراف ۱۲۵ اشاره می‌کند: «بستگی به موضوع دارد. مثلاً موضوعی هست که در ایران کار نشده است، پس کپی‌برداری منتفی است. بستگی به موضوعی دارد که استاد می‌دهد». بسیاری از سایه‌نویسان مورد مصاحبه، اعتقادی به رونویسی از روی کارهای پژوهشی دیگر ندارند و ادعا می‌کنند که خودشان کار را می‌نویسند (س ۳ - پ ۱۳۷؛ س ۴ - پ ۱۷۲؛ س ۶ - پ ۷۲؛ س ۳ - پ ۲۰۶؛ س ۷ - پ ۱۴۹) برای نمونه سایه‌نویس هفت در پاراگراف ۱۴۹ اشاره می‌کند: «هیچ وقت کار کپی تحویل نمیدم». برخی از سایه‌نویسان نیز اشاره کرده‌اند که کارشان ترکیبی از رونویسی و کار اصیل است. برای نمونه سایه‌نویس هشت در پاراگراف ۹۷ اشاره می‌کند: «خوب همیشه گفت اصیلِ اصیله، ولی کپی کپی هم نیست». برخی دیگر از سایه‌نویسان نیز بر عدم اصالت کامل کار اشاره می‌کنند، مانند: «فصل یک و دو که کپی‌پیست است، یعنی از بانکی که داریم یا از جاهای دیگر کپی می‌کنیم. معمولاً می‌توان بانک پیدا کرد. معمولاً بانک رو از بقیه، از دوستانی که توی این کار هستند می‌توان پیدا کرد. معمولاً ۵۰ عدد، ۱۰۰ عدد کار در این بانک‌ها وجود دارد که از دوستان و آشناها و جاهای دیگر جمع‌آوری شده است. معمولاً هم مرامی در اختیار می‌گذارند. فصل سوم هم بیشتر کپی‌پیست است. بعد، فصل چهارم هم که داده‌سازی است و فصل پنجم هم که شر و ور [چرت و پرت]» (س ۲ - پ ۶۱). سایه‌نویسان همچنین در مورد اصالت فصل‌ها نیز اشاره‌هایی داشته‌اند. بر پایه دیدگاه آنان فصل‌های اول، دوم، و سوم در بیشتر مواقع رونویسی می‌شوند (س ۲ - پ ۶۱؛ س ۶ - پ ۷۲؛ س ۱ - پ ۴۵؛ س ۶ - پ ۷۲) در فصل چهارم، داده‌سازی (س ۲ - پ ۶۱؛ س ۱ - پ ۴۵) و در فصل پنجم نیز به صورت غیر دقیق یا رونویسی شده (س ۲ - پ ۶۱؛ س ۱ - پ ۴۵) نوشته می‌شوند. از انواع بدرفتاری‌های علمی رایج در پایان‌نامه‌های سایه‌نویسی می‌توان به رونویسی و داده‌سازی اشاره کرد. برای نمونه یکی از سایه‌نویسان در مصاحبه خود اشاره می‌کند: «اما معمولاً کپی پیست است. فصل چهارم و پنجم هم که جدید است. معمولاً در مورد کارهای پیمایشی هم داده‌سازی می‌کنم. چون خود مشتریان می‌خواهند» (س ۱ - پ ۴۵). یکی از سایه‌نویسان اشاره می‌کند که اصیل یا رونویس بودن اثر برای مشتری مهم نیست و می‌گوید: «این‌ها اصلاً کار ندارند، این‌ها فقط استاد تأیید کند اصلاً برایشان مهم نیست، شاید هم جاهایی بدانند ولی به نظر من نمی‌دانند. اگر بدانند هم

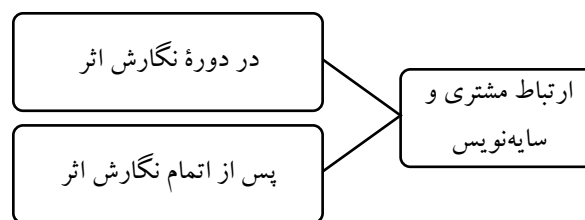
می‌گویند فقط کارش را انجام بدهد، یعنی در حد همان کپی هم خودشان نمی‌توانند انجام دهند، همین که تو انجام بدی، خیالشان راحت باشد از این مرحله می‌گذری و تو تجربه داری، برایشان مهم نیست» (س ۵ - پ ۱۳۴). مشتریان نیز در مورد اصالت اثر تهیه شده توسط سایه‌نویس اظهاراتی داشته‌اند. برخی از آن‌ها معتقدند که سایه‌نویس کار آن‌ها را به صورت رونویسی تهیه کرده است (م ۳ - پ ۱۵۲؛ م ۵ - پ ۹۳؛ م ۱ - پ ۱۵۰؛ م ۲ - پ ۸۴). برای نمونه مشتری سه در پاراگراف ۱۵۲ بیان می‌کند: «آن قدر کپی پیست‌هاشون تابلو بود که حتی نیومده جمله‌بندی‌ها رو بنا به کپی پیست تیکه بالایش درست کنه. حتی وقت نمی‌گذارند». برخی از این که آیا سایه‌نویس کار آن‌ها را از روی کارهای دیگر رونویسی کرده اطمینان ندارند: «کپی پیست نکرده. نمی‌دونم. الان که نگاه می‌کنم خیلی بد بود کار اون موقع ...» (م ۶ - پ ۹۹). مشتری پنج در پاراگراف ۹۳ در مورد ماهیت فصل چهار پایان‌نامه (یافته‌های پژوهش) بیان می‌کند: «میگم، یه بخش عمده‌ای از فصل چهار ماهیتش اصلاً کپی پیستی هست. یعنی فقط باید بگه این عدد این شده، این عدد این شده. شاید یه پاراگرافی که می‌نویسی، جمله‌بندی تغییری نمی‌کنه».

مسئله دیگری که در زمینه نحوه نگارش کار تحقیقی توسط سایه‌نویس شایسته بررسی است، بحث روش تحقیق است. به راستی سایه‌نویسان بیشتر ترجیح می‌دهند از چه رویکردها و روش‌های تحقیقی استفاده کنند، چه ابزارهایی را به کار گیرند و داده‌های تحقیق را چگونه گردآوری کنند؟ سایه‌نویس پنج در پاراگراف ۱۲۸ در پاسخ به این پرسش مصاحبه‌گر: «کارایی که انجام میدین [اکثراً پیمایشی و ارتباط بین دو تا متغیر درست است؟] پاسخ می‌دهد: «آره پرسش‌نامه است، خیلی راحت هم فصل‌هایش انجام می‌شود و راحت‌تر است تا این که کیفی باشد، به نظرم یکی از راه‌های مقابله با این وضعیت استفاده از روش کیفی است». سایه‌نویسان در مصاحبه‌های خود همچنین در مورد میزان مشارکتشان در تهیه کار تحقیقی و فصل‌هایی که می‌نویسند، اشاره کرده‌اند. بر پایه دیدگاه آنان پر کردن پرسش‌نامه‌ها بر عهده خود مشتری بوده و تحلیل آماری داده‌ها بر عهده سایه‌نویس است (س ۷ - پ ۵۸ و ۱۲۸؛ س ۶ - پ ۷۴). در مواردی پرسش‌نامه را هم خود سایه‌نویس تهیه و به مشتری می‌دهد: «کار دیتا ندارم یعنی خود طرفه ... یعنی استاد راهنما بهش میگه این قدر نمونه بردار، این قدر پرسش‌نامه بردار، من پرسش‌نامه‌ها رو تهیه می‌کنم و براشون می‌فرستم و ایشون موظف هستند پرسش‌نامه‌ها رو ببرند تو جامعه - بانک و اگه موضوعش دانش‌آموزان و دانشجویان است اونا پر کنن،

بعد برام میفرستن» (س ۶ - پ ۷۴). بر پایه گفته یکی از سایه‌نویسان، مشتریان در نگارش فصل پنج یعنی فصل نتیجه‌گیری خودشان باید مشارکت داشته باشند (س ۷ - پ ۵۷ و ۶۳). یکی از مشتریان علت مراجعه خود به سایه‌نویس را ناآشنایی با یک نرم‌افزار معرفی می‌کند و در پاسخ پرسش مصاحبه‌گر: «کارتون به صورت پیمایشی انجام شد؟ یعنی پرسش‌نامه پخش شد و اینها؟» پاسخ می‌دهد: «نه، نرم‌افزار بود. به خاطر همین مجبور شدم تو یه حیطه‌هایی از یه شخصی کمک بگیرم. وگرنه بیشتر کار اصلیش با خودم بود» (م ۳ - پ ۳۴).

۴-۴-۴. ارتباط مشتری و سایه‌نویس

مشتری و سایه‌نویس در راه انجام و همچنین پس از اتمام کار با یکدیگر در ارتباط هستند. در این بخش به بررسی چگونگی ارتباط بین مشتری و سایه‌نویس در زمان تهیه اثر و پس از اتمام آن پرداخته می‌شود (نمودار ۴-۱۸).



نمودار ۴-۱۸. چگونگی ارتباط مشتری و سایه‌نویس

سایه‌نویس‌ها در مواردی ارتباط حضوری و رو در رو با مشتریان ندارند و از تلفن (س ۲ - پ ۵۳؛ س ۶ - پ ۱۷؛ س ۸ - پ ۱۱۵)، پست الکترونیک (س ۶ - پ ۱۷)، و آشنایان (س ۲ - پ ۵۳) مشترک با مشتریان خود ارتباط برقرار می‌کنند. طبق گفته یکی از سایه‌نویسان این ارتباط در زمینه ارائه موضوع و همچنین هماهنگی‌های مربوط به پرداخت دستمزد است: «بهشون موضوع می‌دم، اگه موضوع اوکی و تصویب بشه، می‌گن شروع کنین انجام بدین و به ازای هر فصلی که انجام می‌دم هزینه‌شو واریز می‌کنند، فصل بعدی رو براشون انجام میدم.» (س ۶ - پ ۱۷). یکی از مشتریان که سایه‌نویس همکار وی بوده است، با او ارتباط حضوری داشته (م ۳ - پ ۱۴) و در دیگر موارد مشتریان مورد مصاحبه به صورت غیر حضوری و از طریق تلفن (م ۵ - پ ۱۲۳؛ م ۲ - پ ۶۹؛ م ۲ - پ ۴۳) و

دوستان مشترک (م ۲ - پ ۴۳) با سایه‌نویس در ارتباط بوده‌اند. علت برقراری ارتباط از دید مشتریان دریافت اطلاعات (م ۲ - پ ۴۳)، پیگیری ارسال کار (م ۲ - پ ۶۹)، و دریافت راهنمایی (م ۵ - پ ۱۲۳) عنوان شده است.

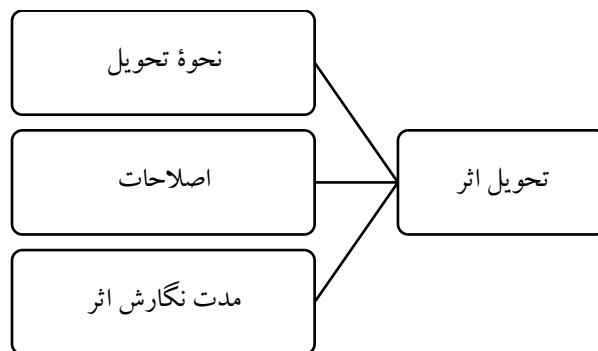
بین مشتری و سایه‌نویس در برخی موارد، حتی پس از اتمام نگارش و تهیه اثر نیز ارتباط وجود دارد (س ۹ - پ ۲۱؛ س ۱ - پ ۵۵؛ س ۲ - پ ۱۰۴؛ س ۴ - پ ۱۳۸؛ س ۷ - پ ۱۷۵؛ س ۵ - پ ۱۴۹). علت این ارتباط استخراج مقاله از پایان‌نامه (س ۷ - پ ۱۷۵؛ س ۴ - پ ۱۳۸؛ س ۲ - پ ۱۰۴؛ س ۱ - پ ۵۵)؛ همکاری دانشگاهی (س ۲ - پ ۱۰۶)، و رفع ایرادات کار پژوهشی (س ۴ - پ ۱۳۸) عنوان شده است. از سوی دیگر برخی از سایه‌نویسان منکر هر گونه ارتباطی با مشتریان پس از اتمام کار شده‌اند (س ۳ - پ ۱۵۴؛ س ۷ - پ ۱۶۷؛ س ۲ - پ ۱۰۳؛ س ۱ - پ ۵۵). از دید آنان این عدم ارتباط به سبب عدم تمایل خود (س ۲ - پ ۱۰۳) یا عدم تمایل مشتریان (س ۱ - پ ۵۵؛ س ۳ - پ ۱۵۴) است. از میان مشتریانی که در مورد داشتن ارتباط با سایه‌نویس پس از اتمام کار دیدگاه خود را بیان کرده‌اند، برخی اشاره کرده‌اند که پس از اتمام کار با سایه‌نویس در ارتباط بوده‌اند (م ۶ - پ ۱۵۹؛ م ۵ - پ ۱۲۳) و علت این ارتباط ناآشنایی با نرم‌افزار آماری «اس. پی. اس. اس.»^۱ در کارهای پژوهشی دیگر (م ۶ - پ ۱۵۹) بوده است و نیز دریافت راهنمایی در مورد کارهای اداری که سایه‌نویس در گذشته آن را تجربه کرده است (م ۶ - پ ۱۵۹). یکی از مشتریان نیز معتقد است وجود ارتباط سلیقه‌ای است و انواع گوناگون می‌تواند داشته باشد: «... این سلیقه‌ای است می‌تواند باشد می‌تواند نباشد... شما در هر کاری ممکن است که کارتان ادامه‌دار شود مثلاً بخواهید از آن کار مقاله در بیاورید، بخواهید دکتری شرکت کنید، بخواهید اصلاً به دلایل شخصی ارتباطتان ادامه پیدا کند» (م ۱ - پ ۷۵).

۵-۴-۴. تحویل اثر

تحویل اثر سایه‌نویسی شده از سوی سایه‌نویس به مشتری را می‌توان از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد. در این بخش، این بحث از جنبه سیاست سایه‌نویس در تحویل اثر به مشتری، چگونگی انجام اصلاحات مربوط به کار پژوهشی پس از دفاع، و مدت زمان صرف شده برای تهیه

^۱ SPSS

کار پژوهشی توسط سایه‌نویس مورد توجه قرار گرفته‌اند. این عوامل در نمودار ۴-۱۹ نشان داده شده‌اند.



نمودار ۴-۱۹. چگونگی تحویل اثر در فرایند سایه‌نویسی

بررسی موارد بیان شده در مصاحبه با سایه‌نویسان در زمینه سیاست تحویل اثر نشان می‌دهد که سیاست برخی بر تحویل تدریجی و فصل به فصل کار پژوهشی است (س ۹ - پ ۲۴؛ س ۱ - پ ۳۵؛ س ۸ - پ ۸۹؛ س ۷ - پ ۱۲۵؛ س ۵ - پ ۱۰۷؛ س ۴ - پ ۱۱۰؛ س ۳ - پ ۱۳۲) برای نمونه سایه‌نویس یک در پاراگراف ۳۵ اشاره می‌کند: «معمولاً فصل یک و دوم را با هم تحویل می‌دهم. فصل سوم را جدا و فصل چهار و پنج را نیز با هم...». برخی دیگر از سایه‌نویسان نیز سیاست تحویل اثر را وابسته به نوع دانشگاه (س ۸ - پ ۹۹)؛ وجود وقت کافی برای دفاع از اثر (س ۲ - پ ۷۳)؛ نظر استاد مبنی بر تحویل فصل به فصل یا یک‌جای اثر (س ۵ - پ ۱۰۵؛ س ۶ - پ ۵۵) و خواست مشتری (س ۶ - پ ۵۵) دانسته‌اند. برای نمونه سایه‌نویس شش در پاراگراف ۵۵ اشاره می‌کند: «بستگی به اون فرد و استاد راهنما داره، بعضی از استاد راهنماها می‌گن همه شو یه‌جا تحویل بدین، بعضیام می‌گن نه اول فصل یک بیارین بررسی کنم بعد اون یکی فصلا رو بیارین، ولی بیشتر فصل به فصل هست». دریافت دستمزد از مشتری نیز به گفته سایه‌نویسان متناسب با نحوه تحویل اثر است که در بیشتر موارد به صورت تدریجی (س ۹ - پ ۲۴؛ س ۸ - پ ۹۲؛ س ۲ - پ ۷۰؛ س ۵ - پ ۱۰۹؛ س ۳ - پ ۱۳۲) صورت می‌گیرد. یکی از سایه‌نویسان که با مؤسسه‌های سایه‌نویسی همکاری می‌کند، به صورت مستقیم با مشتریان ارتباط ندارد و در مورد دریافت دستمزد اشاره می‌کند: «مسائل مالی هم به ما مربوط نمی‌شود که از مشتری چطور پول می‌گیرند. من ماه به ماه با مؤسسه تسویه می‌کنم. اما فکر می‌کنم

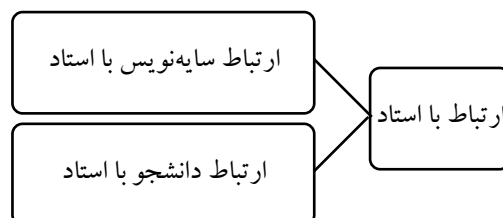
مؤسسه اول پول را دریافت می‌کند بعد فایل را می‌فرستد» (س ۱ - پ ۳۵). روش تحویل اثر به مشتری نیز با توجه به گفته برخی از سایه‌نویسان از طریق پست الکترونیک است (س ۴ - پ ۱۱۲؛ س ۵ - پ ۱۰۳). از میان مشتریان مورد مصاحبه نیز برخی به تحویل تدریجی اثر (م ۲ - پ ۵۱؛ م ۱ - پ ۶۴) و یک مورد هم در مورد تحویل کامل اثر از سوی سایه‌نویس (م ۵ - پ ۸۲) اشاره کرده‌اند. مشتریان مورد مصاحبه دستمزد سایه‌نویس را به صورت تدریجی پرداخت نموده‌اند (م ۲ - پ ۶۴؛ م ۵ - پ ۸۲).

سایه‌نویسان مورد مصاحبه در تمامی موارد اشاره کرده‌اند که ویرایش اثر را قبول می‌کنند (س ۳ - پ ۱۴۷؛ س ۴ - پ ۱۳۱؛ س ۶ - پ ۵۹؛ س ۲ - پ ۸۳؛ س ۵ - پ ۱۱۳؛ س ۹ - پ ۲۴؛ س ۱ - پ ۴۳؛ س ۸ - پ ۸۹). در مورد نحوه انجام اصلاحات دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ برای نمونه برخی از آن‌ها عبارتند از: «به احترام مؤسسه معمولاً سه چهار بار انجام می‌دهیم. معمولاً به صورت فصل فصل رفت و برگشتی اصلاح می‌کنم. و در نهایت هم اصلاحات کلی انجام می‌دهم» (س ۱ - پ ۴۳)؛ «... بخش بخش انجام می‌دهم و بعد پیش استاد می‌بره و با اصلاحات برمی‌گرده» (س ۸ - پ ۸۹)؛ «... اگر طرف خیلی با ما دوست باشد و به ما نزدیک باشد، ممکن است دو سه بار اصلاحات را انجام دهیم. اما اگر غریبه باشد. معمولاً یک بار انجام می‌دهیم و دیگر بعد اون جواب تلفنش رو هم نمی‌دهیم» (س ۲ - پ ۸۳) و «هر فصلی رو یک بار ادیت می‌کنیم، اگه فصل به فصل تحویل بدیم ۵ یا ۶ بار ادیت می‌کنیم، اگر می‌خواهیم به جا تحویل بدیم نهایتش ۲ یا ۳ بار» (س ۶ - پ ۵۹). برخی از سایه‌نویسان در قبال اصلاحات پول جداگانه می‌گیرند (س ۳ - پ ۱۴۷) و برخی از مشتریان نیز پرداخت بخشی از دستمزد سایه‌نویس را منوط به انجام اصلاحات کار پژوهشی می‌نمایند (س ۵ - پ ۱۱۳). سایه‌نویس چهار در پاراگراف ۱۳۱ میزان اصلاحات برای کار سایه‌نویسی شده را کم می‌داند (س ۴ - پ ۱۳۱). از دید مشتریان، سایه‌نویسان اصلاحات کار پژوهشی را قبول می‌کنند (م ۲ - پ ۷۵؛ م ۳ - پ ۱۰۵؛ م ۵ - پ ۸۲). از دید آنان میزان اصلاحات درخواستی برای کار سایه‌نویسی شده جزئی (م ۲ - پ ۷۷) یا فاقد اصلاحات (م ۶ - پ ۱۱۴) است. سایه‌نویسان در ازای انجام اصلاحات پولی دریافت نمی‌کنند (م ۲ - پ ۷۵) و حتی برخی از مشتریان بخشی از دستمزد سایه‌نویس را پس از اعمال اصلاحات به وی می‌دهند (م ۵ - پ ۸۲).

سایه‌نویسان عوامل گوناگونی را در مدت زمان لازم برای تحویل اثر به مشتری دخیل دانسته‌اند و مدت زمان لازم برای انجام کار را امری نسبی می‌دانند. وقت سایه‌نویس (س ۲ - پ ۷۵)، انتخاب موضوع برای مشتری (س ۲ - پ ۶۳)، و بود یا نبود پیشنهادیه (س ۲ - پ ۶۳) از عواملی هستند که بر پایه دیدگاه سایه‌نویس‌ها بر مدت زمان لازم برای انجام کار تأثیر دارند. به گفته سایه‌نویس دو در پاراگراف ۷۵: «اگر بتوانم وقت بگذارم. دو روزه هم می‌توانم تحویل دهم». مشتری شش در پاراگراف ۹۷ اشاره می‌کند که سایه‌نویس در حدود هشت ماه صرف تهیه کار وی کرده است و می‌گوید: «این موضوع مال پنج سال پیشه. الان نمی‌تونم، خیلی حضور ذهن ندارم بهتون بگم. ولی فکر می‌کنم که از بهمن ماه تا شهریور».

۶-۴-۴. ارتباط با استاد

از آنجایی که اساتید یکی از ارکان مهم در فرایند ارائه یک کار پژوهشی در دانشگاه هستند از این رو بررسی چگونگی ارتباط سایه‌نویس و همچنین مشتری با اساتید امر مهمی است. در این بخش همان‌گونه که در نمودار ۴-۲۰ نشان داده شده است، چگونگی ارتباط با اساتید از دید ارتباط سایه‌نویس و همچنین مشتری با آن‌ها مطرح شده است.



نمودار ۴-۲۰. چگونگی ارتباط با استاد در فرایند سایه‌نویسی

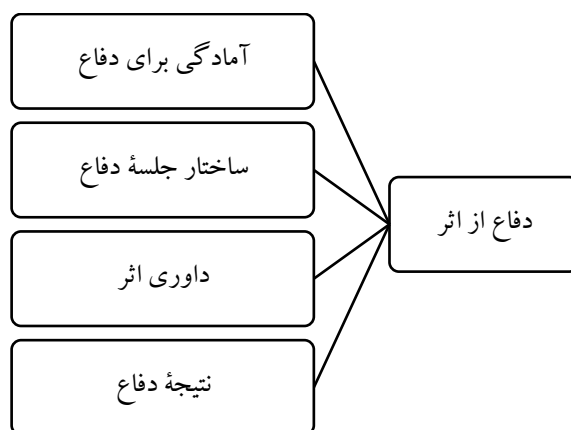
برخی از سایه‌نویسان در مصاحبه خود بیان کرده‌اند که اصلاً ارتباطی با اساتید ندارند (س ۱ - پ ۶۷؛ س ۲ - پ ۸۱؛ س ۴ - پ ۱۳۳). یک سایه‌نویس در مصاحبه خود اشاره کرده که به صورت دورادور از اساتید و سطح علمی آنان شناخت دارد: «من اساتیدو قبلاً می‌شناسم که کی به کیه و طریقه علمیش به چه صورته، در حد چند موردشون هم دیدمشون ... یا مثلاً با یکیشون ارتباطم خوب بوده، رفتم تو جلسه دفاعش مثلاً طرف خیلی استرس داشته من رفتم استرسش کم بشه ... مثلاً استاد راهنما رو هم دوررا دور دیدم، میدونم که توانایی علمیش در چه حده که متأسفانه خیلی ضعیفه، به شدت

ضعیفه توانایی علمیش» (س ۶- پ ۸۰). یکی از سایه‌نویسان نیز با اساتید دیگر غیر از اساتید راهنما ارتباط داشته و از آنان مشاوره می‌گیرد: «بله درمورد پروژه‌هام از اونها کمک می‌گیرم» (س ۹- پ ۳۸). این سایه‌نویس در پاسخ به این پرسش که در برابر به اساتیدی که از آنان مشاوره می‌گیرد چه می‌دهد، می‌گوید: «[پول] نه ولی منابع اطلاعاتی‌ام رو به آنها میدم». برخی از سایه‌نویسان نیز به صورت مستقیم با استاد راهنما ارتباط داشته‌اند و در این زمینه می‌گویند: «یکی دو بار آره مثلاً استادش که شک کرده است گفته است که یکی از فامیل‌ها من را کمک کرده است بعد گفته بود فامیلتان تماس بگیرد؛ با استاد صحبت کردم، قانع شد» (س ۵- پ ۱۱۴)؛ «من اصلاً استاد راهنما را نمی‌بینم. ولی من دانشجو داشتم، استاد راهنمایش مستقیماً به من ایمیل زده است؛ یعنی می‌دانسته من برایش می‌نویسم. گفته با ایمیل خودت برایش بفرست که من امشب نمی‌توانم بفرستم من فرستادم. فردا گفته آقای محترم مثلاً مشتری خانوم بوده است مثلاً این را این جوری برایش بنویس» (س ۳- پ ۱۴۸). یکی از سایه‌نویسانی که با مؤسسه کار می‌کند در مصاحبه خود می‌گوید که وی به صورت مستقیم با اساتید در ارتباط نیست ولی در چند مورد برخی از اساتید وی را به دانشجویان معرفی کرده و ممکن است در برابر این کار از مؤسسه پولی دریافت کرده باشد (س ۱- پ ۶۷). از دید مشتریان، یا سایه‌نویسان با اساتید در ارتباط مستقیم بوده و با آنان هماهنگی می‌کردند (م ۳- پ ۱۰)؛ یا شناخت کاملی از اساتید و رفتار و نوع برخورد آنان داشتند (م ۴- پ ۲۹؛ م ۲- پ ۸۲) یا ارتباطی میان آنان و استاد راهنمایشان نبوده است (م ۱- پ ۷۵؛ م ۵- پ ۱۴۵).

در زمینه ارتباط دانشجو با استادش سایه‌نویس هفت در پاراگراف ۲۱۴ معتقد است: «همین طوره، واقعاً استاد راهنما وقت نمی‌ذاره واسه دانشجو، دانشجو باید خودش بتونه کاراشو انجام بده، بعضیام خب آمارشون خوب نیست یا وقتشو ندارن، متوسل میشن به مشاورهای پژوهشی». سایه‌نویس پنج در پاراگراف ۱۲۱ اشاره می‌کند که در برخی موارد حتی خود استاد از دانشجو سؤال کرده است که چه کسی پایان‌نامه را برای او می‌نویسد. به گفته مشتریان، ارتباط آنان با اساتید در این اندازه بوده که کار را از سایه‌نویس تحویل گرفته و در اختیار استاد قرار می‌دادند و وی می‌خواند و نکات مورد نظر خود را بر روی آن یادداشت می‌کرد (م ۲- پ ۵۵؛ م ۴- پ ۳۳؛ م ۱- پ ۱۵۶).

۷-۴-۴. دفاع از اثر

پس از اتمام کار نگارش و تهیه کار پژوهشی، نوبت به ارائه و دفاع از آن است. چگونگی دفاع از اثر را از ابعاد گوناگون می‌توان بررسی کرد. در نخستین گام آنچه اهمیت دارد، چگونگی آماده شدن فرد برای دفاع از اثر یا پیش‌دفاع است. نکته دیگر، ساختار جلسه دفاع از کار پژوهشی و مرسومات آن است. بعد سوم، چگونگی ارزیابی کار پژوهشی توسط داوران است. بعد آخر نیز چگونگی نمره دادن به کار پژوهشی است. در نمودار ۴-۲۱ این موارد نشان داده شده است.



نمودار ۴-۲۱. چگونگی دفاع از اثر در فرایند سایه‌نویسی

از آنجایی که در پدیده سایه‌نویسی خود پژوهشگر نقش قابل توجهی ندارد و بخش قابل توجهی از کار توسط سایه‌نویس انجام می‌شود، ضرورت دارد که پیش از دفاع از اثر، پژوهشگر آمادگی پیدا کند. برخی از سایه‌نویسان حتی برای دانشجویان، فایل ارائه کار پژوهشی (پاورپوینت) نیز می‌سازند (س ۸- پ ۱۲؛ س ۵- پ ۱۴۵؛ س ۳- پ ۱۶۳؛ س ۴- پ ۱۵۲؛ س ۶- پ ۹۰) و برخی از آن‌ها بابت این کار از مشتری دستمزد اضافه می‌گیرند (س ۳- پ ۱۶۳). برگزاری جلسه توجیهی و همچنین توضیح برخی موارد از نکات دیگری است که سایه‌نویسان برای آماده نمودن مشتری برای دفاع از اثر بیان کرده‌اند (س ۱- پ ۴۹؛ س ۸- پ ۱۱۲؛ س ۶- پ ۹۲؛ س ۵- پ ۱۴۵). سایه‌نویس دو در پاراگراف ۱۳۳ در مورد چگونگی ساخت پاورپوینت توسط مشتری می‌گوید: «خوب کار سختی نیست. یک اسلایدی می‌سازند و دفاع می‌کنند. معمولاً اسلایدها را هم خودشان کپی می‌کنند». به گفته یکی از سایه‌نویسان، مواردی وجود دارد که دانشجو قادر نیست از کار پژوهشی دفاع نماید که در این حالت اساتید با دانشجویان کنار می‌آیند: «بعضی‌ها نمی‌توانند دفاع کنند، ولی خود استاد

راهنما باهاشون کنار میاد و رد می‌کنند. مثلاً یکی از آن‌ها بود، واقعاً دیگر هیچ، یک ماه باید به او توضیح می‌دادم که چه کارهایی انجام دهد، کلی بهش گفتم چکار کنه، استاد راهنما هم باهاش کنار اومد و رفت» (س ۴ - پ ۱۴۴). سایه‌نویس هفت نیز در پاراگراف ۱۷۹ معتقد است که دانشجویان به دلیل ترس از متوجه شدن استاد و تغییر موضوع حداقل یک ماه قبل از دفاع وقت گذاشته و خود را برای جلسه دفاع آماده می‌کنند. یکی از مشتریان مورد مصاحبه در مصاحبه خود اظهار نگرانی شدید پیش از جلسه دفاع می‌کند و علت این نگرانی را این گونه بیان می‌کند: «یه سری مشکلات مطمئنم پیش میاد. فقط به خاطر این قضیه که خودم تدوین نکردم اینو. اشراف ندارم بهش» (م ۵ - پ ۱۰۲). برخی از سایه‌نویسانی که دستمزد بالایی می‌گیرند فایل خلاصه‌ای آماده می‌کنند به طوری که مشتری با خواندن آن برای دفاع مشکلی پیدا نمی‌کند (م ۳ - پ ۱۰۷). برخی نیز به مشتریان کمک می‌کنند تا فایل پاورپوینت ارائه را آماده نمایند (م ۶ - پ ۱۳۹). بعضی از مشتریان که به خاطر بدقولی سایه‌نویس از وی ناامید شده‌اند، خودشان پایان‌نامه را مطالعه می‌کنند و برای جلسه دفاع آماده می‌شوند (م ۲ - پ ۹۲) و برخی نیز وقتی پس از مطالعه متوجه می‌شوند که نمی‌توانند مطلب را درک کنند، ناگزیر به برگزاری جلسه با سایه‌نویس و ضبط مطالب جلسه اقدام می‌نمایند (م ۱ - پ ۱۶۲). مشتری پنج در پاراگراف ۱۷۲ ادعا می‌کند که پیش از دفاع، از قابل دفاع بودن کار باید اطمینان حاصل کند و این کار را این گونه انجام می‌دهد: «... یه سری دیگه از دوستای من هستن که دانشگاه شاهد اینا درس می‌خونن، همین رشته ما و حالا یه سری رشته‌های مشابه رو؛ قصدم اینه که پایان‌ناممو بدم به یکی از اینا به استادشون نشون بده، بررسی بکنه ببینه تابلو هست این کار یا نه» (م ۵ - پ ۱۷۲).

سایه‌نویس پنج در پاراگراف ۱۴۳ تشریفات جلسه دفاع را این گونه توصیف می‌کند: «اصلاً یک رسمی در دانشگاه آزاد هست که این‌ها روزی که دفاع دارند نزدیک به دویست سیصد هزار تومان هدیه می‌گیرند برای استاد راهنما و مشاور و داور، شما اگر داور باشی و ۱۰۰ هزار تومان هدیه ادکلن گرفته باشی به کسی نمره بد می‌دهی؟». در مورد نحوه دفاع از اثر، سایه‌نویسان اشاره می‌کنند که بیشتر مشتریان، به طور معمول در جلسه دفاع مطالب را تنها از روی فایل پاورپوینت می‌خوانند (س ۵ - پ ۱۴۷؛ س ۲ - پ ۱۳۳؛ س ۱ - پ ۱۴۹). آنچه از گفته‌های مشتریان در مورد جلسه دفاع برداشت می‌شود، نخست غیر جدی بودن آن است، چنانچه مشتری سه در پاراگراف ۱۱۰ می‌گوید: «استادا. فقط استادا. خودشون انگار میدونن؛ میگن یه نمره بدیم بره. یعنی ما که تو دفاعیه بعضی از بچه‌ها می

رفتیم، چنتا سؤال می‌پرسیدیم، قشنگ استاد می‌گفت: چقد سؤال می‌پرسید. بذارید تموم شه. بعدی تو نوبته». نکته دیگر در مورد جلسات دفاع، پذیرایی مفصل، دادن هدایا، و همچنین انجام کارهای گوناگون برای اساتید است. برای نمونه مشتری سه در پاراگراف ۱۱۴ بیان می‌کند: «... برا ما فقط استاد تو پی پذیرایی بودن. فقط منتظر پذیرایی و کادویی که آخرش می‌گرفتن بودن ... متأسفانه باب کرده بودن که دانشجو یه کادویی به استاد راهنما تقدیم می‌کنه، به استاد داور یه کادو، و به استاد مشاور یه کادویی تقدیم میکنه ...: سر همون جلسه دفاع. بعد پذیرایی بسیار کاملی از این اساتید انجام میشه. بعد میرن بالا خیلی خلاصه تندتند از رو اون خلاصه پایان‌نامه‌ای که دارن، روخونی می‌کنن و میان پایین. والسلام». یکی از مشتریان، جلسه دفاع خود را توصیف می‌کند که در آن نبود پذیرایی و همچنین هدیه باعث اعتراض اساتید شده است: «من نه یه کادو خریدم. نه پذیرایی کردم. هیچ چی. فقط من سه تا آبمیوه به عنوان احترام گذاشتم برای سه تا اساتیدمون. فقط سه تا آبمیوه کوچولو براشون گذاشتم. استاد راهنمای من که اومد تو گفت: چرا میزو نچیدی؟ گفتم: میزو باید بچینم؟ شرمنده، متوجه نمیشم. سه تا شدن. گفتم که: چیز خاصی باید می‌آوردیم؟ فک کنم جلسه دفاعیه پایان‌نامست. من همه وقتمو گذاشتم به خاطر اینکه دم و دستگامو ردیف کنم، لپتاپم درست بشه، وقتمو برا اینا گذاشتم. ینی ما بشینیم همین جوری فقط گوش بدیم؟ هیچ چی نخوریم؟ [از زبان اساتید]. من خندیدم گفتم: شما بعد از این که نمره رو دادین تموم شد پایان‌نامه بنده، نهایتاً من می‌تونم امروز در خدمتتون باشم. صداشون درمیا. چرا هیچ چی نگرفتی. چرا هیچی نمیدی» (م ۳ - پ ۱۲۳).

مسئله دیگری که به هنگام دفاع از اثر مطرح است، بحث چگونگی داوری و برخورد داوران در جلسه دفاع است.

در زمینه داوری اثر در جلسه دفاع نخستین چیزی که از مصاحبه با سایه‌نویسان به دست می‌آید، این است که دفاع از کار پژوهشی سخت نیست (س ۷ - پ ۹۱؛ س ۱ - پ ۴۹؛ س ۸ - پ ۱۱۱؛ س ۳ - پ ۱۷۱). نکته دیگر که در قسمت پیشین نیز به آن اشاره شد، غیر رسمی و جدی بودن جلسه دفاع است (س ۵ - پ ۱۴۷؛ س ۸ - پ ۱۱۱) که در آن اساتید در زمان دفاع مشتری با تلفن‌های همراه خود صحبت می‌کنند و برخوردی غیر جدی با مسئله دارند (س ۳ - پ ۱۶۱؛ س ۶ - پ ۸۶ و ۸۸). برای نمونه یکی از سایه‌نویسان در مصاحبه خود می‌گوید: «یعنی میرن اونجا فقط با تلفن حرف میزنن سرشون تو گوشیشونه یعنی اصلاً متوجه نمیشن دانشجو چی می‌خواد، بعد میگن ول کن اسلاید رو،

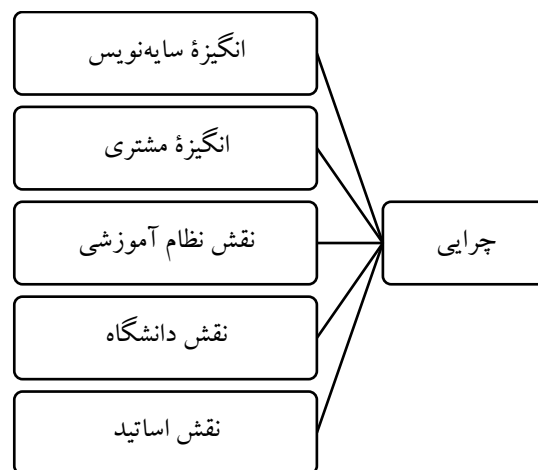
اسلاید بعدی، اسلاید بعدی ... یعنی از پنج اسلایدی که قراره ارائه بدن سه یا چهار تا ارائه میدن» (س ۶- پ ۸۸). در برخی از موارد حتی برخی اساتید به صورت قابل توجهی از مشتری حمایت می‌کنند (س ۴- پ ۱۴۴) و در مواردی نیز باعث افزایش نمره دانشجو می‌شوند: «... جلسه دفاع به برش اساتید هم بستگی دارد. یعنی اساتیدی که برش بیشتری دارند، دانشجویان‌شان نمره بیشتری می‌گیرند و کسی کاری به کارشان ندارد» (س ۱- پ ۴۹). در نهایت نیز نتیجه داوری و ارزیابی کار پژوهشی به صورتی است که هیچ تفاوتی میان کسی که خودش زحمت انجام کارش را کشیده با کسی که کارش را به سایه‌نویس سپرده وجود ندارد (س ۲- پ ۱۳۳؛ س ۸- پ ۱۱۷) و طبق تجربه سایه‌نویس هشت در پاراگراف ۱۱۷ تاکنون حتی مشکلی هم در این زمینه بروز نکرده است. این در حالی است که برخی سایه‌نویسان با حالت شوخی و تمسخر در مورد سطح علمی مشتریان خود در زمان دفاع از اثر می‌گویند (س ۸- پ ۱۱۱؛ س ۵- پ ۱۴۱؛ س ۳- پ ۱۷۱) برای نمونه سایه‌نویس سه در پاراگراف ۱۷۱ می‌گوید: «نه اکثراً دفاع می‌کنند میره [با حالت خنده]. یک دانشجوی مدیریت استراتژیک بود، دفاع هم کرد آخرش، به مدیریت استراتژیک می‌گفت «مدیریت استراتژیک»، سر جلسه دفاع هم آخرش کلمه را نگرفته بود، سر همین کلمه بهش گیر دادند نیم نمره ازش کم کردند. فوق لیسانس این رشته بود، کلمه را نمی‌توانست تلفظ کند». یکی از نخستین نکاتی که با بررسی مصاحبه مشتریان به چشم می‌خورد، سهل‌انگاری اساتید و همچنین به چالش نکشیدن دانشجو به هنگام دفاع است (م ۶- پ ۴۴ و ۱۳۷؛ م ۳- پ ۱۱۰ و ۱۲۰؛ م ۶- پ ۱۴۳؛ م ۵- پ ۱۰۸). برای نمونه مشتری شش در پاراگراف ۱۳۷ می‌گوید: «چرا، [برای دفاع] مشکل داشتم. ولی خدمتون گفتم، اساتید اصلاً منو به چالش نکشیدن». علت این به چالش نکشیدن را مشتری سه در پاراگراف ۱۲۶، معلومات پایین اساتید و مشتری ۵ در پاراگراف ۱۶۸ آگاهی اساتید از وضعیت سایه‌نویسی در دانشگاه و سایه‌نویس بودن کارهای پژوهشی و سخت نگرفتن بر دانشجویان بیان می‌کنند. به گفته مشتری سه در پاراگراف ۱۲۶، تفاوتی بین نمره افرادی که کار را خودشان انجام می‌دهند با افرادی که به سایه‌نویسان می‌سپارند، وجود ندارد.

نتیجه ارزیابی کار پژوهشی در دانشگاه‌ها در قالب نمره‌ای که به دانشجو اختصاص داده می‌شود متبلور می‌شود. بررسی مصاحبه‌های سایه‌نویسان در خصوص نمره مشتریان‌شان نشان‌دهنده دو نکته است که در درجه اول مشتریان‌شان به طور معمول نمره بالا می‌گیرند (س ۳- پ ۱۰۵؛ س ۸- پ ۱۱۷؛

س ۷- پ ۱۷۳؛ س ۳- پ ۱۶۵؛ س ۲- پ ۱۳۳؛ س ۵- پ ۱۹۴). برای نمونه در این رابطه سایه‌نویس دو در پاراگراف ۱۳۳ می‌گوید: «از مشتری‌های من، کمترین نمره، از نمره ۱۷ طرف ۱۶/۲۵ گرفته است. بیشترین هم، بیست به کسی نداده‌اند. اما نمره ۱۹ داشته‌ام». در درجه دوم سایه‌نویسان اشاره می‌کنند که هیچ تفاوتی در نمره مشتریان آنان با افرادی که خودشان کار خود را انجام می‌دهند وجود ندارد (س ۸- پ ۱۱۷؛ س ۷- پ ۱۷۵؛ س ۲- پ ۱۳۳؛ س ۵- پ ۱۹۴). برای نمونه سایه‌نویس دو در پاراگراف ۱۳۳ در این باره اشاره می‌کند: «... و نمره‌هایشان هم مانند بقیه است، مانند کسانی که خودشان زحمت کشیده‌اند. نمره‌هایشان هیچ فرقی با بقیه ندارد...». مشتری سه در پاراگراف ۱۵۲ معتقد است که تفاوتی در نمره دانشجویانی که خودشان کار را انجام داده با دانشجویانی که کار خود را به سایه‌نویس داده‌اند وجود ندارد. مشتری چهار معتقد است با توجه به این که اساتید خود از وضعیت سایه‌نویسی در میان دانشجویان آگاهند از این رو به دانشجویان سخت نمی‌گیرند و معمولاً نمره بالای ۱۵ به پایان‌نامه آنان می‌دهند تا معدلشان پایین نیاید (پ ۱۴۹). مشتری پنج نیز به نکته مهمی اشاره می‌کند و آن این است که با وجود اینکه برخی از اساتید در جلسه دفاع بر دانشجو سخت می‌گیرند و بر او استرس وارد می‌کنند، ولی دانشجو در نهایت خیالش از بابت داوران و نمره‌ای که آنان به پایان‌نامه می‌دهند، راحت است (پ ۱۰۸).

۴-۵. بخش سوم: چرایی سایه‌نویسی

«چرا سایه‌نویسی انجام می‌شود؟» مهم‌ترین پرسشی است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود. انگیزه‌های اصلی سایه‌نویسی کدام است؟ شاید به جرئت بتوان دشوارترین بخش هر پژوهش را تبیین چرایی وقایع و رویدادهای آن پژوهش دانست و البته مفیدترین بخش پژوهش به جهت یافتن راه‌کارهایی جهت حل مشکلات، همین قسمت است. یافتن ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سایه‌نویسی نیز در گروی بررسی چرایی آن است. مشارکت کنندگان در پژوهش علل و انگیزه‌های گرایش به سایه‌نویسی را در پنج دسته بیان کرده‌اند که مطابق نمودار ۴-۲۲ عبارتند از: انگیزه سایه‌نویس، برداشت از انگیزه مشتری، نقش اساتید، نقش دانشگاه، و نقش نظام آموزشی.

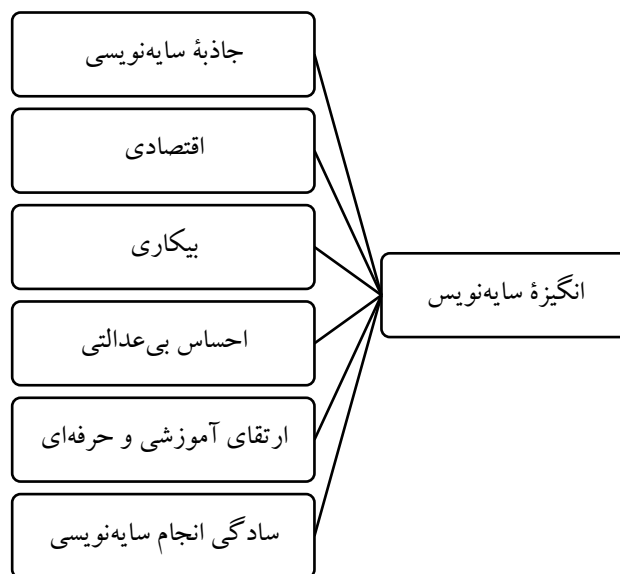


نمودار ۴-۲۲. چرایی انجام سایه‌نویسی

در ادامه به صورت جداگانه به توضیح موارد مطرح در زمینه هر یک از مباحث مربوط به چرایی پدیده سایه‌نویسی پرداخته می‌شود.

۴-۵-۱. انگیزه سایه‌نویس

مشارکت کنندگان پژوهش، شش انگیزه را برای سایه‌نویسی برشمردند که مطابق نمودار ۴-۲۳ عبارتند از: جاذبه سایه‌نویسی، اقتصادی، بیکاری، احساس بی‌عدالتی، ارتقای آموزشی و حرفه‌ای، و سادگی انجام سایه‌نویسی.



نمودار ۴-۲۳. انگیزه‌های سایه‌نویس‌ها برای انجام سایه‌نویسی

تفاوت در درآمدها، تبعیض در استخدام، و اهمیت ندادن به میزان تلاشی که دانشجویان نخبه انجام می‌دهند و عدم توجه به شایسته‌سالاری از عواملی هستند که مشارکت کنندگان مطرح می‌کنند. نخستین عامل برانگیزاننده برای سایه‌نویس «جاذبه سایه‌نویسی» است. قابلیت برندسازی و افزایش قابل توجه درآمد برای یکی از این افراد قابل توجه است (س ۲ - پ ۱۵). همو آن را گونه‌ای تفریح هم می‌داند که حتی اگر درآمدش کم باشد باز هم جذابیت دارد (س ۲ - پ ۴۸).

در نگاه اول شاید بتوان عامل «اقتصادی» را از بقیه عامل‌ها مهم‌تر دانست. عبارت‌هایی همچون: «بی‌پولی» (س ۳ - پ ۳۱)، «تنها انگیزه‌ام پول است» (س ۱ - پ ۲۵)، «فقط مسئله اقتصادی» (س ۴ - پ ۵۱)، «آن قدر می‌گیرم که اموراتم بگذرد» (س ۴ - پ ۵۷)، و «یکی از دلایلش اقتصاد بود» (س ۲ - پ ۴۵) در میان سخنان سایه‌نویس‌ها بیشتر بود. درماندگی و اجبار به انجام سایه‌نویسی برای کسب درآمد در سخنان برخی از سایه‌نویس‌ها نیز مشهود است: «این کار، کار سخت و سنگینی است، هرکسی این کار را انجام نمی‌دهد مگر این که واقعاً مجبور باشد؛ دانشجویی که این کار را انجام می‌دهد، صد درصد مشکل مالی دارد» (س ۴ - پ ۱۲۸) یا: «اجبار است، هیچ کس دوست ندارد وارد این کار شود؛ من خودم واقعاً دوست ندارم، بالاخره کسی بخواهد فوق لیسانس بگیرد و بخواهد داخل بازار کار و جامعه شود. دوست ندارم حتی اگر دیگران انجام می‌دهند، من خودم دوست ندارم انجام بدهم. ولی خب اجبار است، تحصیل خرج دارد» (س ۵ - پ ۳۱).

عامل «بیکاری» انگیزه دیگری برای سایه‌نویس است که به دنبال این شغل دروغین برود. البته این عامل به نوعی با اقتصاد در ارتباط نزدیک است، چنان‌که در جامعه نیز اقتصاد و شغل ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. تفاوت بزرگ این دو عامل را می‌توان در این دانست که شغل تنها برای کسب درآمد نیست و به لحاظ روانی، اجتماعی، و فرهنگی نیز بر شخص تأثیر می‌گذارد. دو نفر از سایه‌نویس‌ها عامل بیکاری را با این عبارت‌ها توصیف می‌کنند: «کمبود شغل، که درآمد از هیچ طریق دیگری درنیاید، که آدم مجبور میشه در این کار وارد شود» (س ۵ - پ ۳۱)؛ یا «بیکاری، بی‌انگیزگی، مبهم بودن آینده، وقتی آینده مطمئن داری کمتر دنبال این کار می‌روی» (س ۳ - پ ۳۵).

بخش بزرگ و شاید قریب به اتفاق جامعه مورد بررسی را جوانان شکل می‌دهند و عامل «احساس بی‌عدالتی»، به طور طبیعی برای این افراد بسیار مهم است. برای مثال یکی از آنها می‌گوید: «اهمیت نمی‌دهند که من این همه دنبال علم رفتم و مقاله نوشتم و چاپ شد و این‌ور و آن‌ور من چرا برای علم جامعه حرص بزنم؟» (س ۵ - پ ۲۰۹). یا دیگری با بیان بی‌عدالتی‌های موجود جامعه، واکنش خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «من نمی‌توانم که ساعت ۸ صبح تا ۵ بعدازظهر بروم سرکار و ۵۰۰ هزار تومان به من بدهند و بینم که طرف کار نمی‌کند اصلاً، بعد از جاهای دیگری میلیاردی می‌زنند به جیب. من هم می‌گویم من چه چیز از او کمتر دارم» (س ۲ - پ ۴۵). دیگری مسئله «بی‌عدالتی آموزشی» را مطرح می‌کند و از یک ناهنجاری عام در جامعه گله می‌کند: «ما که دانشگاه تهران و دانشگاه‌های دولتی درس خونديم، دستمون جایی بند نیست و مجبوریم با این جور کارا دستمونو بند کنیم؛ ولی برخی به خاطر بی‌عدالتی آموزشی استخدامی هستند» (س ۶ - پ ۳۹). فردی که متخصص مشاوره است، برای توجیه کار سایه‌نویسی خود تبعیض استخدامی در یک نهاد نیمه دولتی را عنوان می‌کند: «مثلاً شهرداری، خانه‌های سلامتی که درست کرده است، اصلاً موظف است مشاوره داشته باشد ولی لیسانس‌های بیمه، حسابداری همگی آن‌جا به‌جای مشاور کار می‌کنند» (س ۵ - پ ۲۰۵). همو در ادامه می‌افزاید: «این تفکر بی‌عدالتی به نظر من یکی از عوامل اساسی است که در انگیزه پایان‌نامه نوشتن هست، نه فقط برای پول، اگر می‌خواهی این را هم اضافه کن به انگیزه‌ها، فقط پول نیست (س ۵ - پ ۲۰۷).

عامل «ارتقای آموزشی و حرفه‌ای» را تعدادی از سایه‌نویس‌ها مطرح می‌کنند. آنان انگیزه خود از سایه‌نویسی را افزایش سطح آموزشی و حرفه‌ای، در کنار کسب درآمد دانسته و دو مقوله استخراج

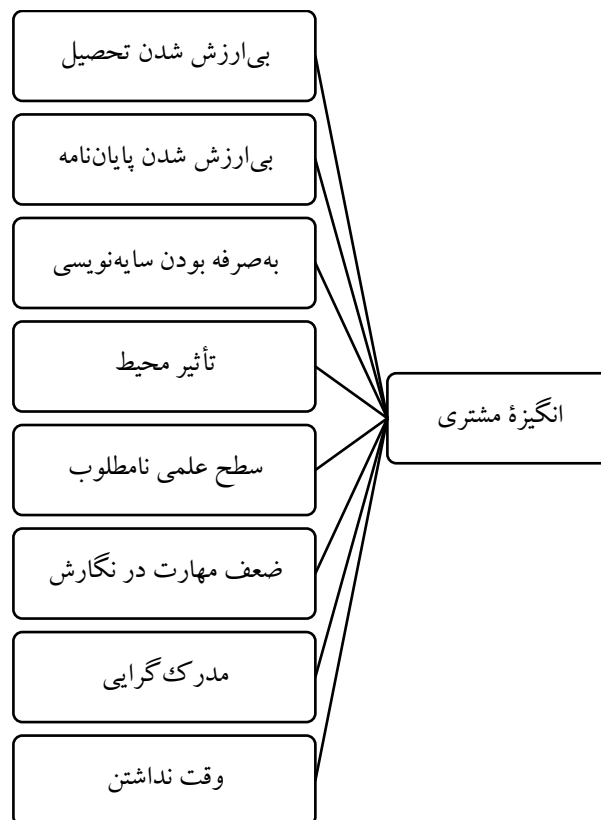
مقاله و کارهای پژوهشی و بالا رفتن آگاهی و سطح علمی سایه‌نویس را در همین حوزه دانسته‌اند. انجام کارهای آماری، مطالعه زیاد، و آگاهی از روش‌ها و ابزارهای جدید علمی جزو ارزش‌های افزوده‌ای است که به نظر سایه‌نویس برایش ایجاد می‌شود. برای مثال یکی از آنان می‌گوید: «روشی که روش کار می‌کنند، دستتون میاد؛ چون باید سرچ کنی تو اینترنت و موضوع‌هایی بدی که روش کار نشده؛ من خودم موضوع‌هایی رو می‌دم که کار نشده باشه و تا حتی الامکان جدید و بروز باشه که این کار باعث میشه که اطلاعات و آگاهی‌ها در رشته تخصصی خودت بالا بره». (س ۷ - پ ۱۳؛ س ۷ - پ ۲۷؛ س ۳ - پ ۳۶؛ س ۶ - پ ۳۶؛ س ۸ - پ ۳۴؛ س ۶ - پ ۳۶).

سرانجام عامل «سادگی انجام سایه‌نویسی» عامل دیگری است که بیشتر سایه‌نویس‌ها بر آن تأکید دارند. سایه‌نویس‌ها بیشتر، دانشجویان و دانش‌آموختگان متوسط به بالا در دانشگاه‌های به نسبت معتبر هستند و به همین دلیل انجام حتی پایان‌نامه‌های پیچیده برایشان چندان دشوار نیست. یکی از آنان روایت خود از این فرایند را چنین تعبیر می‌کند: «فرصتی پیش آمد و من یک پروپزال نوشتم. دیدم که کار بسیار آسانی است و هیچ کار سختی نیست. به من پولی دادند و چون تا آن زمان هم خودم پولی در نیآورده بودم، برایم بسیار لذت‌بخش بود» (س ۱ - پ ۵). اما یک سایه‌نویس هم اعتقاد دارد که در کنار سادگی سایه‌نویسی، باید «ریزه‌کاری‌های آن مانند فهرست‌بندی، سوابق تحقیق و پروپوزال‌نویسی» را رعایت کرد (س ۹ - پ ۵). سرانجام شخصی نیز به این سادگی خرده می‌گیرد و آن را موجب گسترش سطحی‌نگری در میان افراد می‌داند: «چون کاری که انجام می‌دهی هیچ‌وقت نمی‌دانی چی به چی است، فقط سطحی می‌دانی که این رابطه این است، در حالی که خیلی مردم علم سطحی دارند، تو مثلاً خیلی انرژی کمتری برایت می‌ماند تا بروی سراغ کارهای حیطة تخصصی خودت کار کنی، مقالاتش شاید نوآوری بیشتری داشته باشد» (س ۳ - پ ۳۶).

۲-۵-۴. انگیزه مشتری

مشتری سایه‌نویسی بیشتر شخصی حقیقی است که به هر دلیلی قادر به خلق نوشته‌ای که برای ارتقای تحصیلی یا شغلی‌اش ضروری است، نیست. بنابراین به سایه‌نویس یا شرکت‌های سایه‌نویس رجوع کرده و کار خود را به آنها سفارش می‌دهد. مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر هشت عامل را به عنوان انگیزه‌های مشتریان سایه‌نویسی عنوان کرده‌اند که عبارتند از: بی‌ارزش شدن تحصیل،

بی‌ارزش شدن پایان‌نامه، به صرفه بودن سایه‌نویسی، تأثیر محیط، سطح علمی نامطلوب، ضعف مهارت در نگارش، مدرک‌گرایی، و وقت نداشتن (نمودار ۴-۲۴).



نمودار ۴-۲۴. انگیزه‌های دانشجویان برای مراجعه به سایه‌نویس

نخستین انگیزه مشتری برای مراجعه به سایه‌نویس، «بی‌ارزش شدن تحصیل» نزد دانشجویان، مردم، و جامعه حتی جامعه دانشگاهی بوده است؛ به طوری که مشارکت‌کنندگان در پژوهش هر چند تنبلی را یکی از عامل‌های گرایش به استفاده از سایه‌نویسی می‌دانند، تأکید می‌کنند که برای تحصیلی که حتی در محیط دانشگاه نیز آن را بی‌ارزش قلمداد می‌کنند، مگر چقدر باید انرژی صرف کرد؟ یکی از آنان می‌گوید: «شاید از صد نفر پنج نفرن که علاقه دارن علمشون زیاد شه». این آمار که شاید در دید اول اغراق‌آمیز به نظر رسد به خوبی نشان‌دهنده میزان مراجعات فشرده به شرکت‌های سایه‌نویسی است. دیگری نیز تأیید می‌کند که خود فضای دانشگاه بی‌ارزش بودن تحصیل را تبلیغ می‌کند: «مثلاً به امید این اومده که یه چیزی بشه در آینده، بعدش بتونه شغل پیدا کنه، ولی وارد که

میشه این حرفا و جوها هست دیگه، تو دانشگاه پیچیده که درس هیچ فایده‌ای نداره» (م ۴ - پ ۳، م ۴ - پ ۷). «عدم ارتباط مدرک به رشته» نکته دیگری است که برای بی‌ارزش شدن تحصیل اقامه می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «الان خیلی از دوستانم که اگر مدرک دارن که تو شرکات و اینها کار می‌کنن، ربطی زیاد به رشتشون نداره» (م ۴ - پ ۱۱). دیگری به شکلی متفاوت موضوع را مطرح می‌کند: «نود درصد مابقی همشون خیلی هم وقت دارن و خیلی هم مرفه زندگی می‌کنن. اصلاً دوست ندارن برن سمت درس. اصلاً حوصله درسو نداره که وقتشو با درس بگذرونه» (م ۴ - پ ۳۹).

دومین انگیزه برای مراجعه به سایه‌نویس، «بی‌ارزش شدن پایان‌نامه» است. باور برخی از دانشجویان بر آن است که پایان‌نامه آنها قرار نیست کار خیلی مهمی انجام دهد. یکی از آنان می‌گوید: «پایان‌نامه ما به کجای دنیا می‌خواد بخوره؛ کاری که من می‌کنم کجای دنیا رو می‌خواد تگون بده» (م ۴ - پ ۴۹). همو در جایی دیگر می‌گوید: «ولی آخرش استاد می‌خواد نمرشو بده و اصلاً نه هیچ‌جا ثبت میشه، نه استفاده‌ای میشه از اون» (م ۴ - پ ۱۳). به این ترتیب شاید به دلیل ناآگاهی یا به علتی واقعی دانشجویان احساس پوچی می‌کند.

سومین عامل گرایش به سفارش کار، «به صرفه بودن» است. یعنی برای دانشجویان صرفه که به جای صرف وقت و انرژی، هزینه‌ای پرداخت و کار حاضر و آماده‌ای را دریافت کند. حتی قیمت‌ها هم به طور کامل مشخص و قابل چانه‌زنی است: «با مثلاً ۱۲۰ تومن، ۱۵۰ تومن موضوع پروژه استاد و می‌گیرن و میدن بیرون» (م ۴ - پ ۵). هزینه‌های سنگین مربوط به انجام پروژه‌های تحصیلی مربوط به برخی از رشته‌ها نیز دانشجویان را تشویق به «داده‌سازی» می‌کند. می‌گوید: «همین دیتاهایی که به دست آوردمو ببرم تحویل بدم مسلماً پایان‌نامه من به طور کلی رد می‌شد. شاید به هزینه شش، هفت [میلیون] تومنی که من کرده بودم به طور کامل دور ریخته می‌شد؛ منو مجبور می‌کردن که یا از اول دوباره کار پایان‌نامه رو انجام بدم، یا این که مدرک معادل به من می‌دادن. درواقع به جورایی راهی به جز این که بخوام کس دیگه‌ای رو دخیل کنم واسه من نداشتن» (م ۵ - پ ۱۴). دیگری در مورد هزینه‌های سنگین دانشگاه آزاد می‌گوید: «[استادان] سوادش را نداشتند، باز هم میدانستم افرادی بیرون می‌دهند، ولی من این را خودم انجام می‌دهم، ولی خب وقتی که این موضوع به نتیجه نرسید، دیدم

همه این کار را می‌کنند، من هم دیگه گفتم بردم بیرون، می‌گذرد دیگه. از ترس شهریه ثابت ترم بعد و من هم دادم مثل بقیه بچه‌ها رفتم گفتم برام انجام بدید» (م ۲ - پ ۱۳۴).

عامل بعدی تأثیر محیط است. در بعضی از دانشگاه‌ها، موضوع سایه‌نویسی آنقدر بدیهی و واضح است که شاید غیر آن چندان عقلانی نباشد. یکی از مشتریان می‌گوید: «خب از همون اول که گفتم وارد دانشگاه که بشی، اصلاً همه خودشون می‌دونستن که اگر پروژه‌ای در کار باشه مثلاً می‌گن: پروژتم که میدی دوباره دانشگاه و خیلی راحت. پروژه هم هیچ مشکلی نداره» (م ۴ - پ ۱۶). آن طور که از شواهد بر می‌آید، کسانی که در رشته‌های آزمایشگاهی مثل رشته‌های مهندسی درس می‌خوانند بیشتر به سمت سفارش به سایه‌نویس تمایل پیدا می‌کنند. البته چندان دقیق نمی‌توان گفت، چرا که این به محیط بستگی دارد. باز هم آمارها بسیار اغراق‌آمیز ارائه می‌شود: «هشتاد درصدشون رسماً می‌دادن بیرون. حتی موضوع نمی‌خواستن انتخاب کنن» (م ۳ - پ ۸۴).

عامل پنجم «سطح علمی نامطلوب» دانشجو است. برخی این را ذاتی می‌دانند و از آن به عنوان تنبلی یاد می‌کنند؛ برای مثال شخصی می‌گوید: «اونایی که شب امتحانی بودن و پاسی، مثل امثال ما و دانشگاه آزادی و اینها فقط شب امتحان خونديم و فقط خواستيم جلو بریم. این مهم نبوده که بخوایم یاد بگیریم» (م ۴ - پ ۳). دانشجو فاقد پایه‌های اولیه مهارت‌های دانشگاهی مانند زبان انگلیسی، خواندن و نوشتن نوشته‌های علمی است و استاد به او تکالیفی می‌دهد که برای انجام آنها نیاز به مهارت‌های پایه دارد. یکی از آنها می‌گوید: «اگه من خودم می‌خواستم پروژمو انجام بدم هیچ توانایی ای نداشتم. استاد یه موضوعی داده بود که اصلاً تو ایران هیچ منبعی که نبود. فقط باید از مقاله‌های خارجی استفاده می‌کردیم. مقاله‌های خارجی هم که زبان اصلی بود؛ قدرت ترجمه نداشتم ما» (م ۴ - پ ۹). دانشجو باور دارد که حتی آن قدر آگاهی ندارد که درستی نوشته‌ای را که برایش آماده کرده‌اند ارزیابی کند. می‌گوید: «یک بخش‌هایی کپی پیست شده بود ولی حالا آن قدر هم سواد ندارم که بگم که آیا واقعاً همش بوده یا نه، ولی کپی پیست شدن یک بخش‌هایی را از روی غلط‌های دیکته‌ای که داشت، می‌توانستیم تشخیص بدهیم» (م ۱ - پ ۱۴۹). یکی دیگر از دغدغه‌های بزرگ دانشجویان، آمار و رایانه است. آنان معتقدند که دانشگاه وظیفه دارد آمار و کار با نرم‌افزارهای مرتبط با درس را به آنها آموزش بدهد تا در زمان انجام پروژه‌ها یا پایان‌نامه به مشکل برنخورند. یکی از آنان می‌گوید: «این هم یه بخشیش تقصیر دانشگاه هستش. نرم‌افزاری که من باید باهاش کار بکنم رو تو

دورهٔ ارشد و کارشناسی به من آموزش ندادن که من بخوام بلد باشم با این نرم‌افزار آماری کار بکنم. ولو این که حالا من شاید نزدیک نه یا دوازده واحد آمار پاس کردم. یا مثلاً کاربرد کامپیوتر و پاس کردم. ولی تو هیچ کدوم از این دوره‌ها کار کردن با «اس. پی. اس. اس.» رو به من یاد ندادن که من بخوام خودم این کارو بکنم» (م ۵ - پ ۲۸).

ششمین عامل «ضعف مهارت در نگارش» است. برخی از دانشجویان در دورهٔ کارشناسی ارشد اصلاً با روش تحقیق و آداب نگارش آن آشنا نشدند و از این رو برای نگارش پایان‌نامهٔ ارشد و برای رسالهٔ دکتری آمادگی لازم را ندارند. دانشجویی می‌گوید: «آخه یه دانشجو مثلاً دیگه باید پیشینهٔ تحقیقو بلد باشه در بیاره. ادبیات تحقیقو باید بلد باشه. البته مقاطعش فرق می‌کنه. من خودم واقعاً تو ارشد بلد نبودم (م ۶ - پ ۵۴).

عامل هفتم «مدرک گرایی» است. این عامل را شاید بتوان یک ویژگی اجتماعی دانست که فرد آن را می‌پذیرد و از آن خود می‌کند. پس در این مقوله به عنوان یک ویژگی فردی دانشجو مورد بررسی قرار می‌گیرد. امروزه بسیاری از کارکنان دولت و بخش خصوصی برای افزایش حقوق و همین‌طور میزان پرستیژ اجتماعی خود اقدام به ادامهٔ تحصیل می‌کنند. از سوی دیگر سهولت ورود به دانشگاه‌ها نیز این مسیر را برایشان هموارتر می‌سازد. یکی از آنان می‌گوید: «والله اکثریتشون چون [کارمند بودن] اومده بودن درجهٔ مدرک رو مهم کرده بودن، به خاطر این که یه کم از لحاظ حقوق و درآمد برن بالا، اومده بودن برا ارشد» (م ۳ - پ ۸۹). دیگری هم اعتراف می‌کند که: «انگیزهٔ اصلی فقط واسه من مدرک بود راستش» (م ۴ - پ ۴۱). شاید بتوان یکی از عامل‌های ریشه‌ای‌تر در مدرک گرایی را چشم و هم‌چشمی دانست. دانشجویی این ویژگی را این گونه بیان می‌کند: «چشم و هم‌چشمی بود. مثلاً فامیلامون همه مدرک ارشد دارن، دکترا دارن، ما هم باید بگیریم. چون اصلاً داشتیم می‌دیدیم، پایان‌نامه رو می‌خریدن (م ۳ - پ ۹۱).

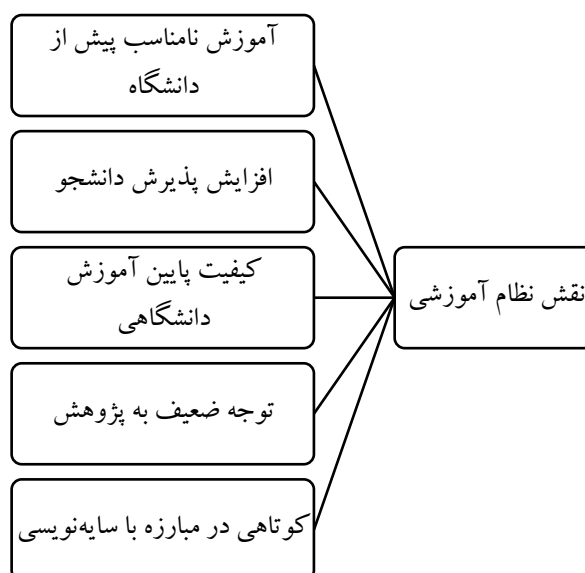
سرانجام انگیزهٔ آخر «وقت نداشتن» است. البته وقت نداشتن را می‌توان به دو گونه تفسیر کرد. نخست وقت نداشتن از دید قانونی و سنوات تحصیلی که در دانشگاه‌های دولتی الزامی است حال آن که در بیشتر دانشگاه‌های خصوصی و پولی قابل گفتگو است. دوم وقت نداشتن از دید خود شخص است که مربوط به زندگی خصوصی و برنامه‌ریزی‌های خودش است. در مورد نخست شخصی می‌گوید: «یا از اول دوباره کار پایان‌نامه رو انجام بدم، یا این که مدرک معادل به من می‌دادن. در واقع

به جورایی راهی به جز این که بخوام کس دیگه‌ای رو دخیل کنم واسه من نداشتن» (م ۵ - پ ۱۴) و در مورد دوم نیز فرد دیگری معتقد است که: «من بیشتر تنبلی خودم، نداشتن وقت خودم، تازه متأهل شده بودم، یکی این که برا دکتري می‌خوندم (م ۶ - پ ۵۸)؛ واضح است که در این مورد آخر فرد خیلی سرش شلوغ بوده و وقت نداشته است. شخصی که شاغل است و هم‌زمان درس می‌خواند مجبور است از کارش بزند و در نتیجه درآمدهش کم شود. در این صورت وقت برای او واقعاً مهم می‌شود؛ یکی از آنان می‌گوید: «... این قضیه نیازمند این بود که من درآمدمو به طور کامل بذارم کنار، یک ماه، دو ماه فقط بیفتم دنبال کاری که تاحالا انجامش ندادم. خیلی از دوستای من که از لحاظ مالی تأمین بودن همچین مسئله‌ای رو ندارن. خیلی راحت، خونسرد نشستن خونشون، زمانشونو دارن، تحقیقشونو می‌کنن، پایان‌نامه رو می‌نویسن؛ بیست دفعه شاید کار بین استاد راهنما و داور پاس کاری میشه که ایراداش برطرف بشه» (م ۵ - پ ۱۶۲). شاغل بودن دانشجو مشکلات دیگری را هم برایش ایجاد می‌کند؛ از جمله این که به دلیل وقت زیادی که باید در محل کار و رفت و آمد صرف کند وقت اندکی برای شرکت در دوره‌های آموزشی و یادگیری برایش می‌ماند که آنها را نیز بی‌فایده می‌سازد: «موقعی بوده است که در روز ۱۲ ساعت کار کردم و ۲ ساعت، ۳ ساعت توی رفت و آمد بودم یعنی ۱۴ ساعت بیرون از خانه بودم؛ خب این یعنی که اگر مثلاً کیفیت آموزش هم بالا می‌بود، نمی‌توانستم به آن آموزش ادامه بدهم یا نمی‌توانستم به کار ادامه بدهم (م ۱ - پ ۲۷). یعنی حتی اگر کیفیت آموزشی دانشگاه هم بالا بود، باز هم دانشجویان شاغل نمی‌توانستند از آن بهره ببرند. تأهل، خاصه اگر تازه باشد، مشکل جدیدی را برای وقت دانشجو ایجاد می‌کند: «منم یه تازه عروسی که غذا بلد نیست بپزه، حالا یه مهمون خارجم داره، دفاعم داره، کنکور دکتري هم داره» (م ۶ - پ ۱۷۰). یکی دیگر از عواملی که سبب اتلاف وقت و سرانجام انگیزه‌ای برای ارجاع به سایه‌نویس می‌شود، عدم هماهنگی بین اساتید است: «هماهنگی بین استادها نبود، من با این استاد هماهنگ می‌کردم می‌رفتم امضا هم می‌گرفتم تأیید هم می‌شد پروپوزال، می‌بردم پیش یک استاد دیگر تأیید کند، می‌فهمید که مشاورم فلانی است، سریع می‌گفت نه نمی‌شود» (م ۲ - پ ۱۲۶). آماده شدن برای آزمون مقطع بالاتر، همواره می‌تواند سبب کمبود وقت شود. برای مثال در دوره دبیرستان، افراد می‌خواهند برای کنکور آماده شوند و همین باعث می‌شود وقت کمتری را برای درس‌های جاری خود بگذارند. همین استدلال برای مقطع‌های بالاتر هم هست. دانشجوی کارشناسی می‌خواهد برای

ارشد آماده شود؛ و دانشجوی کارشناسی ارشد برای دکتری: «من دانشجوی فوق لیسانس بودم، داوطلب کنکور دکتری بودم» (م ۶- پ ۴). یا دیگری که با راحتی بیشتر بیان می‌کند: «واقعاً [چاره‌ای] نداشتم. کنکور دکتری برام خیلی مهم شده بود. شرایطم خیلی به هم ریخته بود اون موقع [یا خنده]» (م ۶- پ ۱۷۱).

۳-۵-۴. نقش نظام آموزشی

نظام آموزشی در این نوشتار، مفهومی کلی است که شامل آموزش عالی و آموزش و پرورش ایران می‌شود. طبیعی است که با این مفهوم کلی تعداد زیادی مدرسه، دانشگاه، پژوهشگاه، مرکز تحقیقات، و نهادهای دولتی و غیر دولتی، مستقیم یا غیرمستقیم زیر چتر این مفهوم قرار می‌گیرند. هنگامی که دانشجو یا استادی از نظام آموزشی انتقاد می‌کند، ممکن است منظورش دقیقاً آن چیزی نباشد که متخصصان از مفهوم نظام آموزشی در می‌یابند. مشارکت کنندگان در پژوهش همان‌گونه که در نمودار ۴-۲۵ مشخص است؛ پنج عامل را در نظام آموزشی کشور برای بروز پدیده سایه‌نویسی مقصر می‌دانند. این پنج عامل به ترتیب عبارتند از: آموزش نامناسب پیش از دانشگاه، افزایش پذیرش دانشجو، کیفیت پایین آموزش دانشگاهی، توجه ضعیف به پژوهش، و کوتاهی در مبارزه با سایه‌نویسی.



نمودار ۴-۲۵. نقش نظام آموزشی در پدید آمدن پدیده سایه‌نویسی

نظام آموزشی پیش از دانشگاه، آموزش و پرورش است که به طور معمول ارتباط چندانی با آموزش عالی ندارد و شاید یکی از مشکلات گذر از نظام آموزش و پرورش به آموزش عالی برای دانش‌آموزان همین تفاوت‌های ناگهانی و بزرگ در نوع و شکل آموزش‌ها باشد. به هر حال عده‌ای از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش «آموزش نامناسب پیش از دانشگاه» را در گرایش به سایه‌نویسی مقصر دانسته‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد است که: «نمیشه گفت خب این مرحله تموم شد یه مرحله دیگه، اون چیزی که تو اون مرحله داشت تو اون مرحله مونده؛ قطعاً انتقال میدی به مرحله بعدی. بله، می‌تونه تأثیرگذار باشه» (م ۶ - پ ۲۱۱).

دومین عامل، افزایش پذیرش دانشجو است. هم اکنون بنا به آمارهای سال ۱۳۹۴ وزارت علوم که در مطبوعات منعکس شده است، حدود سیصد هزار صندلی خالی در آموزش عالی کشور هست. معنای این آمار، این است که هرکسی با دارا بودن دیپلم به هر حال می‌تواند در دانشگاهی پذیرفته شود. یک مشتری سایه‌نویسی افزایش ظرفیت دانشگاه را با این عبارات توصیف می‌کند: «... همان سالی بود که ظرفیت دانشگاه آزاد به صورت هولناکی بالا رفت و دانشجوها همه آمدند داخل دانشگاه آزاد کارشناسی ارشد، موقع دفاعشان آن قدر شلوغ بود که استاد اصلاً وقت نداشت همین جوری همه می‌دادند بیرون می‌نوشتند» (م ۲ - پ ۱۰۸). شخص دیگری باز هم با همان ادبیات این وضع را شرح می‌دهد: «فاجعه آمیزه از لحاظ پذیرشی که خصوصاً دانشگاه آزاد داره توی مقطع ارشد، فاجعه آمیزه. کلاس کارشناسی ما نهایتاً توش هفده نفر، بیست نفر آدم بود؛ تو کلاس دوره ارشد من چهل و پنج نفر نشسته بودن» (م ۵ - پ ۱۹۰). البته یکی از سایه‌نویس‌ها افزایش دانشجو به طور مطلق را مقصر نمی‌داند و این‌گونه مطرح می‌کند: «رشد قارچ‌گونه دانشگاه‌هایی که به لحاظ علمی هیچ کیفیتی ندارند. دیگه، افزایش دانشجویان صد در صد می‌تواند مؤثر باشد» (س ۸ - پ ۱۵۷). بنا بر این استدلال نسبتی باید بین تعداد دانشجو و ظرفیت علمی، آموزشی، و پژوهشی دانشگاه برقرار شود که این نسبت در استانداردهای گوناگون دانشگاهی آمده است.

عامل دیگر «کیفیت پایین آموزش دانشگاهی» است. همه مشارکت‌کنندگان در پژوهش، به اتفاق، معنی کیفیت آموزش دانشگاهی را در استاد خوب متجلی می‌بینند. نگاهی به این سخنان نشان‌دهنده این کلام است: «معدل کلاسی‌شان بالا است ولی از لحاظ سواد ضعیف هستند» (س ۵ - پ ۵۹). یا در جایی دیگر: «که کسانی در دانشگاه آزاد در سیستم‌های دانشگاه آزاد جذب می‌شوند،

اکثراً خودشان هم پایان‌نامه‌هایشان را ننوشته‌اند، چطور انتظار دارید که کارشون خوب باشه. اصلاً سیستم‌گزینش دانشگاه همه مشکل دارد، سیستم آموزشی مشکل دارد (س ۳- پ ۲۱۹). یک مشتری سایه‌نویسی معتقد است که: «چون سیستم دانشگاهی پایینه، استادها خودشون هیچ کمکی به آدم نمی‌کنن، متأسفانه ما مجبور می‌شدیم از کس دیگه‌ای خارج از محیط دانشگاه کمک بگیریم» (م ۳- پ ۲).

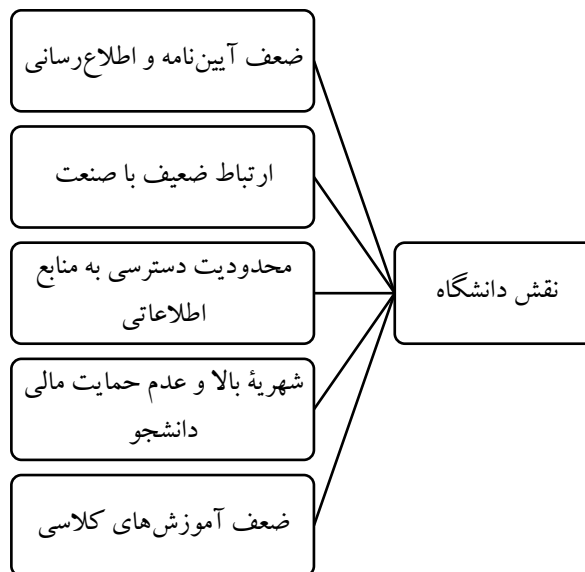
چهارمین عامل در گرایش به سایه‌نویسی، «توجه ضعیف به پژوهش» عنوان شده است. بی‌تردید رکن مهم دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی پژوهش است. آنچه که سرانجام دانشجو را در فرایند نگارش پایان‌نامه یا مقاله به چالش می‌کشد، مهارت‌های پژوهشی وی است که می‌بایست در طول سال‌های تحصیل چه پیش و چه بعد از دیپلم شکل می‌گرفت و تکامل می‌یافت. یکی از افراد نظام آموزشی را به این شکل به چالش می‌کشد: «وقتی که نظام، نظام نمره‌ای باشد و هدف گرفتن نمره باشد و نه یاد گرفتن، و پژوهش و لذت در پژوهش نباشد و نمره مدار باشد نظام، همه بچه‌ها ترجیح می‌دهند، خیلی‌هاشون، [کسی] که کار می‌کنه، پول دربیاره که پول را بدهد نمره بگیرد» (م ۱- پ ۳۷).

سرانجام، مشارکت‌کنندگان در پژوهش اعتقاد دارند که پنجمین عامل گرایش به سایه‌نویسی را «کوتاهی در مبارزه با سایه‌نویسی» تشکیل می‌دهد. این عبارت را شاید بتوان به گونه‌های گوناگون تفسیر و تعبیر کرد. از جمله: عملیات پلیسی و بگیر و ببند؛ کار فرهنگی؛ اعمال قانون؛ تدوین و تصویب قوانین و مقررات بازدارنده و ... یک مشتری اعتقاد دارد که اساتیدی هستند که با سایه‌نویسی مقابله می‌کنند اما دانشگاه به هر دلیل جلوی آنها می‌ایستد و اجازه عمل به آنها نمی‌دهد: «استادی هم که میاد یه کم با اینجور مسائل مقابله می‌کنه، رسماً همه میرن ازش شکایت می‌کنن و جالب‌تر از همه این که دانشگاه میاد به دانشجو بها میده. دقیقاً ما یه استاد داشتیم، بچه‌ها حتی کارای عملی‌مون و کلاسیمونو از بیرون تهیه می‌کردن، متوجه شد، گفت: من به هیچ کدومتون نمره نمیدم. شما همه کپی کردین و رفتین خریدین. معلومه کار کار شما نیست. همه رسماً رفتن از دست این استاد شکایت کردن. مدیر گروه خیلی رسماً گفت: اصلاً شما کار گروهی نخواه از بچه‌ها. کار عملی نخواه. درستو بده، امتحانتو بده تموم شه بره» (م ۳- پ ۱۳۵). برخی از دانشجویان اعتقاد دارند که دانشگاه‌های پولی فقط پولشان را می‌خواهند و کاری به انحرافات ندارند: «به راحتی می‌تونن جمعش کنن یا بگیرن. اصلاً

هیچ مشکلی نداره. الان تو دانشگاه‌های آزاد مشکل فراتر از ایناست که بخوان به اینا گیر بدن. فقط دانشجو بیاد پول بریزه تو حساب» (م ۴- پ ۶۵). یا دیگری: «اصلاً به سیگارم گیر نمی‌دن. دیگه چیزایی که به خود دانشجو ضرر می‌خوره و اینجور چیزا مهم نیست. فقط به دولت ضرر نخوره. ولی شما دوزار بدهکار باش به دانشگاه به راحتی رسیدگی می‌کنن. اجازه نمی‌دن مثلاً انتخاب واحد کنی (م ۴- پ ۶۹). برخی معتقدند که وزارت علوم خودش از همه چیز خبر دارد، ولی خودش نمی‌خواهد جلوی این بساط را بگیرد: «وزارت علوم به نظر من خودشون خیلی خوب اطلاعات دارن ... صداتون به جایی می‌رسه [؟] که، فکر نمی‌کنم وضعیت درآمد و این جور چیزها بذاره این به جایی برسه. چون اگه بخوان همچین کاری کنن مطمئناً دانشجو خیلی کم میشه. سخت‌گیری که زیاد شه خودبخود یه سری مسائل واسه یه سری سوددهی‌ها کم میشه دیگه ... چون خود وزارت علومم خوب می‌دونه جریان چیه» (م ۴- پ ۸۹). با این حال یکی از سایه‌نویس‌ها معتقد بود که باید برخورد جدی شود: «به نظرم وزارت علوم باید کسانی که این کار را انجام می‌دهند صاحب این مؤسسه‌ها را شناسایی کند تنبیه کند و کاری کند که جایی جذب نشوند خلع مدرک کند ۱۰ نفرو اینجوری تنبیه کند این کار خودش جمع می‌شود» (س ۳- پ ۲۲۹).

۴-۵-۴. نقش دانشگاه

دانشگاه کوچک‌ترین سیستم آموزشی مستقل در مجموعه نظام آموزش عالی کشور است. به لحاظ فیزیکی می‌تواند از یک ساختمان دو یا سه طبقه یا حتی کمتر تا صدها هکتار اراضی و ساختمان را در بر گیرد. هم‌اکنون دانشگاه‌های غیرانتفاعی و علمی - کاربردی نمونه‌های دانشگاه‌های خیلی کوچک هستند. از نظر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، دانشگاه از طریق پنج عامل در پدیده سایه‌نویسی مؤثر است. این پنج عامل عبارتند از ضعف آیین‌نامه و اطلاع‌رسانی، ارتباط ضعیف با صنعت، محدودیت دسترسی به منابع اطلاعاتی، شهریه بالا و عدم حمایت مالی دانشجو، و ضعف آموزش‌های کلاسی (نمودار ۴-۲۶).



نمودار ۴-۲۶. نقش دانشگاه در پدید آمدن پدیده سایه‌نویسی

«ضعف آیین‌نامه و اطلاع‌رسانی» اگر در سطح دانشگاه بررسی شود، همان آیین‌نامه‌های داخلی دانشگاه و تبلیغات است. آیین‌نامه را یکی از دانشجویان این گونه توصیف می‌کند: «تکراری نبودن پایان‌نامه‌ها برایشان خیلی مهم بود. مثلاً بروی استعلام بگیری که موضوعی که می‌خواهی کار کنی تکراری نباشد ... این استعلام‌هایی که می‌گرفتیم به استاد می‌دادیم که استاد موضوع ما تکراری نیست و اسمش در سایت نیست. ما می‌دادیم به خود استاد و استاد نگاه می‌کرد» (م ۲ - پ ۱۱۹). یک سایه‌نویس هم باز استاد راهنما را مقصر می‌داند: «آیین‌نامه اینه که شما به یک استاد راهنما موضوع میدین مطرح می‌کنید؛ البته استاد راهنماها کم وقت می‌دارن و شخص مجبوره بره دنبال سایه‌نویس‌ها» (س ۳ - پ ۱۳۵). بیشتر پاسخ‌دهندگان در مورد آیین‌نامه‌های مرتبط با سایه‌نویسی اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند (م ۴ - پ ۶۴، م ۱ - پ ۱۴۱)؛ که با توجه به امکان وجود چنین آیین‌نامه‌هایی در دانشگاه‌های کشور، آگاهی‌رسانی ضعیفی در این باب صورت می‌پذیرد.

«ارتباط ضعیف با صنعت» را در سخنان یکی از مشتریان می‌یابیم که می‌گوید: «دانشگاه آزاد کرج با مؤسسه «بذر و نهال» به توافق‌نامه کاری داره که دانشجو رو معرفی می‌کنه، دانشجو میره اونجا، دقیقاً اون بذری رو که لازم داره، مؤسسه موظفه بهش بده، به همون میزانی که احتیاج داره. من برای بذر ذرت خودم که رفتم، خیلی راحت منو مسخره کردن اونجا» (م ۲ - پ ۱۵۵).

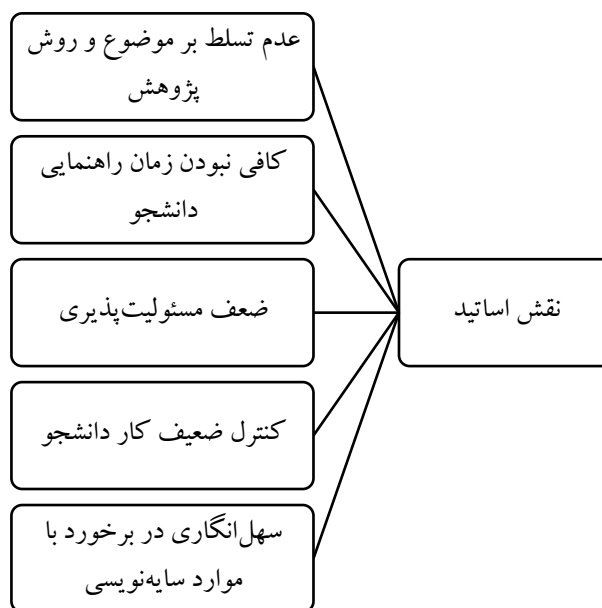
«محدودیت دسترسی به منابع اطلاعاتی» را فقط یکی از مشتریان سایه‌نویسی ادعا کرد: «هیچ کس هیچ اطلاعات درستی به ما نمی‌داد. یه سایت درستی نبود که ما بریم از توش اطلاعاتو بگیریم. همین الانم برای سایتای خارجی ما خیلی مشکل داریم. برای منابع خارجی استخراج کردن، ما خیلی مشکل داریم» (م ۶ - پ ۵۶).

«شهریه بالا و عدم حمایت مالی دانشجو» عامل دیگر مؤثر بر سایه‌نویسی تشخیص داده شده است. تقریباً همه مشتریان سایه‌نویسی از این موضوع گلایه داشتند. فردی از عدم پرداخت هزینه‌های کشت محصول برای انجام آزمایش شکایت داشت: «بذری که مؤسسه باید به من می‌داده که کیفیت داشته باشه، نداده. خودم مجبور شدم از بازار آزاد تهیه کنم. بذری هم که از بازار آزاد تهیه کردم خراب بوده. یک ماه دیرتر جوونه زد. من تموم فصل کشتمو از دست دادم سر این قضیه دیگه. ما با این اوصافو، با بالای زمین بودن اینها سیمونو کردیم که برسونیم. ولی خب بالاخره وقتی عوامل یکی بعد از دیگری این جوری خراب میشه، آدم ملزم به این میشه که دیگه آخر کار یه جور کارو فقط جمع کنه (م ۵ - پ ۲۲). فرد دیگری به دلیل مشکلات مالی و شهریه سنگین دانشگاه و نیز عدم کمک مالی دانشگاه به او مجبور بود به شغل دیگری پردازد و همین سبب شد که نتواند در بسیاری از دوره‌های آموزشی مفید شرکت کند و حتی کلاس‌های خودش را نیز به سختی طی کرد (م ۵ - پ ۸۰). یا در جایی دیگر: «من فقط پول کود دامی‌ای که دادم به زمین، بالای هفتصد تومن شد. کود دامی که خود دانشگاه موظف است تأمین بکنه. باید تو مزرعه دانشگاه باشه، ولی خب نبود. سوای کودای شیمیایی، باکتری‌ای که رفتم گرفتم. بخوام مثال سادشو براتون بزنم، من یکی از دوستانم کار پایان‌نامشو انجام داد تموم شد؛ آزمایشگاهی ما تو ایران نداشتیم که آزمایشی که این باید انجام می‌داد رو انجام بده واسش. خودش وسع مالیش می‌رسید، رفت اتریش، کارشو انجام دادن، برگردوند آورد» (م ۵ - پ ۱۳۲).

«ضعف آموزش‌های کلاسی» آخرین عاملی است که به دانشگاه نسبت داده می‌شود. یکی از سایه‌نویس‌ها معتقد است که برخی از مشتریان‌شان انگیزه آموختن مهارت‌های لازم برای انجام پایان‌نامه را دارند ولی: «بعضی چیزها هست که چیزهای ساده‌ای است من می‌گویم باید این‌ها را بدانی بعد می‌گویند در دانشگاه به ما نگفتند» (س ۴ - پ ۱۰۰).

۵-۵-۴. نقش اساتید

شاید به جرئت بتوان گفت که بالاترین وزن را مشارکت کنندگان پژوهش به نقش استاد در پدیده سایه‌نویسی دادند. عامل‌هایی که بر نقش استاد در سایه‌نویسی مؤثرند، عبارتند از عدم تسلط بر موضوع و روش پژوهش، کافی نبودن زمان راهنمایی دانشجو، ضعف مسئولیت‌پذیری، کنترل ضعیف کار دانشجو، و سهل‌انگاری در برخورد با موارد سایه‌نویسی (نمودار ۴-۲۷).



نمودار ۴-۲۷. نقش اساتید در پدید آمدن پدیده سایه‌نویسی

«عدم تسلط بر موضوع و روش پژوهش» نخستین عاملی است که مشارکت کنندگان در پژوهش از آن نام می‌برند. آنان به موضوع‌های گوناگونی اشاره می‌کنند که مهم‌ترینشان عبارتند از سواد پایین استاد، ندانستن روش پژوهش، بی‌حوصلگی و وقت نداشتن. مشتریان سایه‌نویسی اظهاراتی از این دست داشتند: «استادا. می‌خوان فقط از سر باز کنی باشه به قول خودمون. میل ندارن که خودشونو درگیر کنن ... [چون] به نظر من سطح پایین اطلاعاتشونه» (م ۳ - پ ۵)؛ «با استاداها هماهنگ کردم مطرح کردم و خوب دوتا شون استقبال کردن، بعد دیدم که اصلاً در مورد آن موضوع هیچ اطلاعی ندارند، حتی اطلاعات ابتدایی هم ندارند» (م ۲ - پ ۳)؛ «در مورد من به مشکل خوردن؛ یعنی در واقع تو موضوعی که من داشتم مجبور شدن. خودشون رسماً به من می‌گفتن. به من آدم معرفی می‌کردن» (م ۳ - پ ۸)؛ «من استاد راهنما می‌بودم که باید به طور مداوم به مزرعه من سر

میزد؛ این کارو نکرد. مشاورم همین طور. بعداً فهمیدم خود اینا هم اون قدر اطلاعاتی که من ازشون انتظار داشتم ندارن» (م ۵ - پ ۱۲)؛ «ما یه درسی داشتیم به اسم روان‌سنجی، برگشتیم پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشدمونو دوباره انجامش دادیم. من دیدم که چقدر ایراد داشتم و روزی که رفتم برای دفاع هیچ کس این ایرادارو نگرفته و چقدر افتضاحه این کار ما که این همه ایراد ... مثلاً من اصلاً پایایی و روایی پرسش‌نامه‌هامو تو پایان‌نامه ننوشتیم» (م ۶ - پ ۴۲). «تعریف عملیاتی کرده بودم، تعریف مفهومی کرده بودم؛ ولی اعتباریابی و اینا ننوشته بودم برا پرسشنامه و خب کسی هم ایراد نگرفت ازم روز دفاع. نمرم بهم دادن نوزده و نیم. یعنی من فکر می‌کنم سهل‌انگاری اساتید هم، خیلی نه، ولی تأثیر گذاره. حالا حتی تو اون قسمتی که کمک نکردن هیچی، روز دفاعم هیچ اشاره‌ای بهش نکردن» (م ۶ - پ ۴۴).

سایه‌نویس‌ها اما به موضوعات دیگری هم اشاره می‌کنند. آنها کار کردن با اساتید سطح پایین برایشان آسان‌تر است: «مثلاً یکی برای دانشگاه آزاد می‌خواهد، [درپیتی] می‌خواهد، او مثلاً استاد راهنمایش چیزی نمی‌فهمد، برایش می‌نویسیم» (س ۳ - پ ۱۹). اما در مواردی دیگر همین کم‌سوادی را مانع می‌بینند: «بعضی از اساتید بسیار بی‌سواد هستند و اشکالات چرت و پرت می‌گیرند ... اصلاحات غیر علمی و غیر منطقی اساتید به شدت ناراحت می‌کند» (س ۱ - پ ۱۱). دیگری اظهار تأسف می‌کند که: «... استاد راهنما روهم دوررا دور دیدم می‌دونم که توانایی علمیش در چه حده که متأسفانه خیلی ضعیفه، به شدت ضعیفه توانایی علمیش» (س ۶ - پ ۸۰). برخی از آنها کم‌کاری استادان را دلیلی بر مراجعه دانشجو به خودشان می‌دانند: «الان من افرادی را می‌شناسم، به من پول می‌دهد می‌گوید تو مشاور من باش؛ یعنی استاد پول می‌گیرد به او مشاوره نمی‌دهد، می‌آید می‌گوید تو مشاورم باش، نمی‌خواهم برایم انجام بدهی فقط تو بگو چیکار کنم» (س ۵ - پ ۱۸۳). برخی معتقدند که استادان با مبهم‌گویی ناشی از کم‌اطلاعی دانشجو را به بیرون دانشگاه سوق می‌دهند: «استاد راهنما خودش هم بلد نیست، کسی هم که چیزی بلد نیست مبهم‌گویی می‌کند. برایم پیش آمده است که من جایی رفتم توی کلاس موضوعی برایم مشکل شده است، من مبهم‌گویی کردم، وقتی که تو مبهم‌گویی می‌کنی دانشجو گیج میشود، نمی‌داند که تو چه می‌خواهی؛ بعد میگه خدا این چیزی که این می‌خواهد را من نمی‌توانم انجام دهم؛ به خاطر همین بیرون می‌دهد» (س ۳ - پ ۲۱۵).

«کافی نبودن زمان راهنمایی دانشجو» عامل دیگری است که مشارکت کنندگان در پژوهش به اساتید نسبت می‌دهند. منظور از این سرفصل، میزان وقتی است که استاد برای ارائه راهنمایی یا مشاوره برای دانشجو اختصاص می‌دهد. سایه‌نویس‌ها و مشتریان یک‌صدا معتقدند که استادان به دلایل متعدد وقت کافی برای راهنمایی و مشاوره نمی‌گذارند. در پاسخ به این پرسش که اگر دانشجو بخواهد کار پروژه و پایان‌نامه را خودش انجام دهد چقدر می‌تواند روی استاد راهنما حساب کند، می‌گوید: «هیچی چون استاد راهنما وقت لازم نمی‌ذاره» و در پاسخ به دلیل این کار ادعا می‌کند که: «چون درگیرن، چندتا دانشگاه هستن و تدریس می‌کنن یا چند تا شغل دارن و وقت لازم رو نمیدن؛ تو دانشگاه دولتییم دیدم که استاد راهنما وقت زیادی نمیدن ... واقعاً استاد راهنما وقت نمی‌ذاره واسه دانشجو، دانشجو باید خودش بتونه کاراشو انجام بده؛ بعضیام خب آمارشون خوب نیست یا وقتشو ندارن متوسل میشن به مشاورهای پژوهشی» (س ۷ - پ ۲۱۰). همو در پاسخ به این پرسش که راهکار پیشنهادی شما چیست؛ می‌گوید: «فقط استاد راهنما باید وقت بذاره تا دانشجو متوجه بشه و گرنه هیچ راه حلی نداره» (س ۷ - پ ۲۵۱). یک مشتری هم در پاسخ به این پرسش که اگر خودت می‌خواستی کار را انجام بدهی چقدر می‌توانستی روی استاد حساب کنی، می‌گوید: «خیلی کم، تقریبی می‌گم بیست درصد. چون اصولاً وقت خیلی نمی‌ذارن» (م ۶ - پ ۲۰۱). برخی از استادان تعداد زیادی از دانشجویان را به طور هم‌زمان راهنمایی می‌کنند و درعین حال در دانشگاه‌های دیگر نیز تدریس و مشاوره دارند. که در این صورت وقت کافی نمی‌توانند بگذارند: «به عنوان مثال استاد راهنمایی که ۲۰ تا پایان‌نامه داره به صورت هم‌زمان داره راهنمایی می‌کنه و علاوه بر دانشگاه دیگه میشه استاد راهنما یا مشاور میشه» (س ۶ - پ ۱۳۲). مشتریان هم این نظرات را تأیید می‌کنند: «موقع دفاعشان آن قدر شلوغ بود که استاد اصلاً وقت نداشت همین جوری همه می‌دادند بیرون می‌نوشتند استادها هم زیاد نمی‌توانستند روی موضوع‌ها زیاد کار کنند» (م ۲ - پ ۱۰۸). یکی از دلایل کمبود وقت استادان، تعداد زیاد دانشجو است که یکی از مشتریان این‌گونه شرح می‌دهد: «دانشجو زیاده. استاد بخواد برا هر کدوم از اینا وقت بذاره نمی‌تونه این کارو کنه. ینی دقیقاً استاد علاوه بر استاد بودنش جاهای دیگه شاغل هست؛ مشکلات کاری و فکری خودشم زیاده، به خاطر همین ترجیح میده خیلی خودشو درگیر همه کارها نکنه؛ و یکی هم که تو جامعه ما باب شده که هرکسی بنا به رشته و حرفه‌ای که داره

کار نمی‌کنه» (م ۳ - پ ۱۳۹). البته این مشارکت‌کننده به عوامل دیگر مثل «مشکلات کاری و فکری» استاد و «عدم تطابق رشته تحصیلی با حرفه یا موضوع تخصصی» نیز اشاره می‌کند.

«ضعف مسئولیت‌پذیری» عامل دیگری از نقش استادان در پدیده سایه‌نویسی است. در میان پاسخ‌دهندگان، مشتریان سایه‌نویسی وزن نسبی بیشتری را به این مقوله اختصاص دادند. «از سر باز کردن» مورد تأکید یکی از مشتریان است: «استادا. می‌خوان فقط از سر باز کنی باشه، به قول خودمون. میل ندارن که خودشونو درگیر کنن» (م ۳ - پ ۳). برخی برای توجیه کار خود، امر غیر اخلاقی استادان را بهانه می‌کنند: «وقتی که خود اساتید جوری رفتار می‌کنند که حقوقی که می‌گیرند در قبالش مسئول هستند که به دانشجو آموزش بدهند، نمی‌دهند، پس همه در یک سطح هستند؛ پس اگر این خلاف اخلاق باشد، آن هم خلاف اخلاق است» (م ۱ - پ ۱۳). همو تأکید دارد که استاد مشاور اصلاً همکاری نمی‌کند و روی استاد راهنما هم نمی‌توان حساب کرد (م ۱ - پ ۱۳۵). شخص دیگری با تمسخر، داستان پذیرفته‌شدن پیشنهادیه دکترایش را شرح می‌دهد: «تو سلف به اندازه ده دقیقه با مداد نوشتم، بعد تأیید شد پروپوزالم» (م ۶ - پ ۸۶). دیگری ادعا می‌کند که استادان با سایه‌نویس‌ها ارتباط دارند: «انگار مثلاً با یه طرف، با یه آقا یا خانمی برای کار آماری قرارداد بستن، دانشجوها رو می‌فرستن پیش اون. اگر کارتونو ایشون تأیید کردن ما تأیید می‌کنیم [از زبان اساتید می‌گوید]. یعنی اصلاً کاری نداره خودش چیکار داره می‌کنه. میگه اگه بردی آقای فلانی قسمت چهار پایان‌نامتونو انجام داد ما هم تأیید می‌کنیم» (م ۳ - پ ۹۳). یکی دیگر از مشتریان معتقد است که استاد سواد دارد ولی وقت کافی نمی‌گذارد (م ۶ - پ ۱۱۷). یکی دیگر از مشتریان سن اساتید را ملاکی برای ضعف در مسئولیت‌پذیری می‌داند: «استادای پیر کم حوصله‌ترن. اکثراً براشون مهم نیست دیگه. پروژه رو تحویلشون می‌دید اصلاً خیلی از استادان نمی‌خونن. اصلاً باز نمی‌کنن ببینن چیه. فقط موضوع میدن و طرف میاره نمرشو نخونده وارد می‌کنه» (م ۴ - پ ۵۱). همو تأکید می‌کند که استادهایی هم هستند که وقت بگذارند و دلسوز باشند اما تعدادشان کم است: «چرا، بعضی استادان خدایش دلسوزم هستن. ولی به نظر من انگشت‌شمارن» و سپس به دلایل آن می‌پردازد: «چون استادان نقد مشکل و درگیری دارن خودشون. خیلی کم پیدا میشه. ما یه استادی، دکترم، داشتیم یا یه استاد دیگه‌ای که با دانشجو بحث می‌کردن راجع به کارشون، با تلفن اینا با دانشجوشون حرف می‌زدن. ولی به نظر من این بیشتر تو فوق لیسانس و دانشگاه دولتی اتفاق می‌فته. ولی تو آزاد نه، این جور چیزا اصلاً

معنی نداره. بخوای با استاد راجع به پروژتو کارآموزی حرف بزنی. اگرم بهت بگه به خاطر آبروشه. و گرنه از سر ذوق و اینا چیز نمی‌کنه. چون اصلاً بعضی از این استادان دانشجویهای دانشگاه آزادو حساب نمی‌کردن. قبول نداشتن ماها رو که بخوان وقت بذارن. فقط یه درسی می‌دادن، همین» (م ۴ - پ ۷۱). دانشجویی دیگر مدعی است که استادان دیگر بیشتر از استاد مشاور و راهنمای خودش به او کمک می‌کنند و کار آنها فقط امضا کردن پیشنهادیه و پیشرفت کار است (م ۵ - پ ۱۸۶). دو نفر از سایه‌نویس‌ها در این مورد اظهار نظر صریحی داشتند و هر دو معتقد بودند که استادان به دنبال دریافت پول هستند و دانشجو برایشان بیشتر منبع پول است: «استاد راهنما آن را به مثابه یک چک سفید می‌داند که یک روزی وصول می‌شود ... باشد آن قدر سرش شلوغ است که نمی‌تواند برسد ... تعداد بالا است و او هم دنبال این است سریع این پایان‌نامه‌ها جمع و جور شود و پول را بگیرد» (س ۴ - پ ۱۷۸ و ۱۴۸). دیگری معتقد است که استاد دانش کافی دارد ولی: «دوست دارن که زود فضایشان خالی شود این دانشجوها دفاع کنند و یکی دیگر بیاید و پول برود به جیب آن‌ها. خیلی‌ها به دانشجو به چشم پول نگاه می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند این یک و پانصد برای من می‌ارزد، پایان‌نامه‌اش را دفاع کند برود مزاحم نشود» (س ۳ - پ ۲۲۱).

«کنترل ضعیف کار دانشجو» عامل دیگری است که هر دو طیف پاسخ‌گو به آن اشاره می‌کنند. باز هم مشتریان معتقدند که اغلب استادان کار دانشجو را نه تنها کنترل نمی‌کنند بلکه اصلاً آن را نمی‌خوانند. البته شخصی هم هست که می‌گوید: «بله بله یک همچین شخصیت، خیلی خانوم محترمی بودند و مثلاً همه متن پایان‌نامه من را واقعاً خواندند و خودشان می‌گفتند همکاران این کار را نمی‌کنند» (م ۱ - پ ۱۶۰). سایه‌نویس‌ها هم استادان دانشگاه‌های دولتی را با دانشگاه آزاد و پیام نور متفاوت می‌دانند و کار کردن با دولتی‌ها را سخت‌تر محسوب می‌کنند: «یک دانشگاهی که استادهایش گیر هستند، کار درست حسابی می‌خواهد یک جایی هست که استادهایش آن چنان چیزی نیستند. دانشگاه آزادی است یا پیام نوری است یا جایی که همین دانشگاه سراسری است مثلاً آدم‌هایی که نمی‌توانی سرشان کلاه بگذاری دورشان بزنی» (س ۴ - پ ۴۹). همو معتقد است که استاد راهنما برایش بهتر است که دیگری کارش را انجام دهد تا او بتواند به کارهای خودش برسد (س ۴ - پ ۱۴۸). دیگری معتقد است که استادان وقت کافی برای پایان‌نامه ندارند: «استاد راهنما باسواده مثلاً ۲۰ تا دانشجو ارشد زیر دستش هستند. او اصلاً به زن و بچه‌اش نمی‌رسد چه برسد به این‌ها. همه دنبال پول هستن. مطمئنم که ۹۰ درصد پایان‌نامه‌ها خوانده نمی‌شود» (س ۳ - پ ۲۱۹). سرانجام سایه‌نویسی دیگر مدعی است که

استاد راهنما بدون اینکه فصل اول را بخواند آن را تایید می‌کند و می‌گوید کارت را ادامه بده که این نهایت بی‌مسئولیتی است (س ۶- پ ۱۲۴).

آخرین عامل ناشی از نقش اساتید «سهل‌انگاری در برخورد با موارد سایه‌نویسی» است. البته در بخش‌های دیگری از این پژوهش، نظام آموزشی نیز به خاطر سهل‌انگاری ملامت شده بود. هر دو طیف پاسخ‌دهندگان، یعنی سایه‌نویس‌ها و مشتریان سایه‌نویسی، وزن زیادی را به این عامل دادند. هر دو گروه معتقدند که برخی استادان می‌دانند که دانشجویانشان برای انجام پروژه خود به سایه‌نویس مراجعه می‌کنند و حتی برخی دیگر از استادان از این امر استقبال می‌کنند. عده‌ای از استادان نیز سایه‌نویس را به دانشجوی خود معرفی می‌کنند. یک مشتری اشاره می‌کند که از آنجایی که موضوع کاری او سخت بوده، استادان توان راهنمایی وی را نداشته و سایه‌نویس را به او معرفی کردند. دانشجو اشاره می‌کند که خود استاد با سایه‌نویس هماهنگی و در مواردی از موضوع دانشجو به عنوان فرصتی برای افزایش سطح علمی خود استفاده می‌کرد (م ۳- پ ۹).

یک سایه‌نویس با این جملات همان موضوع را بیان می‌کند: «شما حساب کنید که خود اساتید می‌دانند که این دانشجو با آن سطح سواد که داشته نمی‌تواند چنین کار قوی‌ای ارائه دهد، خودشان هیچ چیز نمی‌گویند و اعتراضی نمی‌کنند و اجازه می‌دهند که دانشجو فارغ‌التحصیل شود» (س ۱- پ ۷۹). سایه‌نویسی دیگر پا را فراتر گذاشته معتقد است که استاد خودش در این ماجرا همکاری می‌کند: «دانشجو داشتم استاد راهنمایش مستقیماً به من ایمیل زده است؛ یعنی می‌دانسته من برایش می‌نویسم. گفته با ایمیل خودت برایش بفرست که من امشب نمی‌توانم بفرستم؛ من فرستادم» (س ۳- پ ۱۴۹). استدلال دیگری که در این حوزه از طرف سایه‌نویس‌ها مطرح می‌شود این است که استاد می‌داند که دانشجو توانایی انجام این پروژه را ندارد، پس چاره‌ای ندارد جز این که بپذیرد شخص دیگری برای او این کار را انجام دهد (س ۶- پ ۱۱۴). یک مشتری سایه‌نویسی با شک و تردید می‌گوید که استادان «فکر نمی‌کنم خیلیم بدشون بیاد ازین که ما کمک داشته باشیم» (م ۶- پ ۳۵). برخی از اساتید هم گویی با شخص یا اشخاصی قرارداد دارند: «رسماً خود اساتید اعلام می‌کنن فصل چهارتونو ببرید بدید فلان جا. انگار مثلاً با یه طرف، با یه آقا یا خانمی برای کار آماری قرارداد بستن، دانشجوها رو می‌فرستن پیش اون. اگر کارتونو ایشون تأیید کردن ما تأیید می‌کنیم» (م ۳- پ ۹۳).

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری

۵. فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

۵-۱. خلاصه پژوهش

پدیده سایه‌نویسی، مانند سایر مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی و پژوهشی، از کجروی‌هایی است که دانشجویان، پژوهشگران، اساتید، و سایر دانشگاهیان ممکن است در زندگی حرفه‌ای خود مرتکب آن شوند. سایه‌نویسی یعنی نگارش اثری که صاحب آن نقشی در انجامش نداشته و فرد دیگری، که نامی از وی در اثر برده نمی‌شود، آن را تکمیل کرده است. با اینکه ممکن است سایه‌نویسی در دیگر عرصه‌ها - مانند زندگی‌نامه‌نویسی - چندان ناپسند نباشد، اما انجام این کار در دانشگاه و در مورد آثار علمی - پژوهشی غیراخلاقی به شمار می‌آید. بدون شک، رواج سایه‌نویسی می‌تواند آینده علم را تاریک جلوه دهد و اعتماد به یافته‌های پژوهشگران را خدشه‌دار کند. طی چند سال اخیر، رشد پدیده سایه‌نویسی - به ویژه نگارش پایان‌نامه‌های دانشجویی - در ایران بی‌سابقه بوده است؛ تبلیغ‌هایی که بر در و دیوار شهر به چشم می‌خورد، گواه گویایی بر این گزاره است. اما، اینکه چه مسائلی باعث می‌شوند که افراد در پدیده سایه‌نویسی درگیر شوند، موضوع مهمی است که می‌تواند فهم ما را از این پدیده عمیق‌تر کند. بنابراین، این پژوهش پیرامون بررسی ابعاد گوناگون این پدیده شکل گرفته است.

هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر کسب و کار سایه‌نویسی یکی از مهم‌ترین نوشتارهای دانشگاهی، یعنی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، بود. برای دستیابی به این هدف، پنج پرسش طرح شد:

- پدیده سایه‌نویسی علمی در بافت ایران چیست و چه ابعاد و دامنه‌ای دارد؟
 - فرایند و چگونگی انجام پدیده سایه‌نویسی علمی در کشور به چه شکل است؟
 - انواع و شیوه‌های بازاریابی پدیده سایه‌نویسی علمی در کشور کدام است؟
 - چه عوامل و انگیزه‌هایی بر سفارش پارس‌ها در کشور مؤثر هستند؟
 - چه عوامل و انگیزه‌هایی بر تمایل افراد به سایه‌نویسی نگارش نوشتارهای دانشگاهی مؤثر هستند؟
- با توجه به آنکه کنش‌گران اصلی پدیده سایه‌نویسی عوامل انسانی هستند، این پدیده، پیش از هر چیز، یک پدیده اجتماعی است. بنابراین، داده‌های ورودی پژوهش جهت تحلیل پدیده سایه‌نویسی و ارائه درکی درست از عوامل و انگیزه‌های مؤثر بر آن، باید از طریق شواهدی در بافت اجتماعی واقعی - که افراد و مردم واحدهای آن را تشکیل می‌دهند - گردآوری می‌شد. از این رو، جهان‌بینی اصلی این پژوهش بر بنیان تفسیر‌گرایی استوار شد، که درصدد استخراج واقعیت پدیده سایه‌نویسی از بافت اجتماعی و ذهن کنش‌گران محوری این پدیده (سایه‌نویس‌ها و مشتریان) است. در این راستا، از منطق استقرایی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار و دسته‌بندی آنها استفاده شد. پس، رویکرد کیفی جهت پاسخ‌گویی به اهداف پژوهش به رویکرد کمی ترجیح داده شده، و پژوهشگران سعی کردند با تحلیل داده‌های کیفی تصویر جامع و دقیقی از پدیده مورد مطالعه ارائه دهند. اگرچه، با توجه به آنکه تمام واقعیت پدیده سایه‌نویسی تنها در ذهن کنش‌گران محوری نیست، و بخشی از آن نیز در جهان واقع وجود دارد، تا اندازه‌ای از بنیان‌های فلسفه عمل‌گرایی نیز وام گرفته شد.
- ابزار مصاحبه نیز به عنوان ابزار مناسب برای گردآوری داده‌های پژوهش تشخیص داده شد، و در این راستا، با ۱۰ نفر از سایه‌نویس‌ها و شش نفر از دانشجویانی که نگارش پایان‌نامه خود را به سایه‌نویس‌ها سپرده بودند مصاحبه شد. این مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و متون مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی «مکس کیودا» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت، پژوهشگران با استفاده از تکنیک‌های کدگذاری داده‌های کیفی، داده‌های گردآوری شده را کدگذاری و الگوهایی در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش استخراج کردند.

۵-۲. بررسی پرسش‌های پژوهش

۵-۲-۱. پرسش نخست

پرسش نخست پژوهش به دنبال بررسی چستی پدیده سایه‌نویسی علمی در بافت ایران بود، و اینکه این پدیده دارای چه ابعاد و دامنه‌ای است. بر اساس یافته‌های پژوهش، این پرسش در قالب هفت بعد عناوین شغلی، دامنه سایه‌نویسی، سایه‌نویس کیست، کانال آشنایی با سایه‌نویسی، اقتصاد سایه‌نویسی، مشتری کیست، و نگرش در مورد سایه‌نویسی، پاسخ داده شد.

از این رو، پدیده سایه‌نویسی در ایران بیشتر با عناوینی، مانند همکار پژوهشی پایان‌نامه، ویرایش پایان‌نامه، تحلیل آماری پایان‌نامه، آموزش و تدوین کار پژوهشی، راهنمایی و مشاوره تخصصی پایان‌نامه، و انجام پروژه‌های دانشگاهی و دانشجویی رواج یافته است. دامنه این پدیده به لحاظ رشته دانشگاهی، موضوع اثر، نوع اثر، دامنه روش، میزان سایه‌نویسی اثر، و گستره جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، برای آشنایی بیشتر با سایه‌نویس‌ها، به عنوان یکی از کنش‌گران این پدیده، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنها، شغل، علم و مهارت، سابقه آشنایی آنها با سایه‌نویسی و انجام کار، پوشش موضوعی آنها، منبع درآمد، و رضایت مشتری از آنها بررسی شد. شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی نیز که در این زمینه دارای نقش هستند، با عنوان «واسطه‌ها» شناسایی شدند. از دیگر سو، ویژگی‌های مشتریان نیز در قالب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، انگیزه از ادامه تحصیل، وضعیت اقتصادی، وضعیت اجتماعی، و وضعیت فرهنگی آنها بررسی شدند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که دوستان سایه‌نویس، تبلیغات محیطی، و پیشنهاد مشتری مهم‌ترین کانال‌های آشنایی افراد با این پدیده، برای شروع فعالیت سایه‌نویسی است. از طرف دیگر، مشتریان نیز بیشتر از طریق دوستان و همکاران، تبلیغات محیطی، و اساتیدشان در دانشگاه‌ها با سایه‌نویسی آشنا می‌شوند. تعرفه سایه‌نویسی، درآمد سایه‌نویسی، هزینه‌های سایه‌نویسی، و رضایت از درآمد سایه‌نویسی نیز از محورهای بودند که اقتصاد سایه‌نویسی را توصیف کردند. اینکه چه نگرشی، در حال حاضر، نسبت به پدیده سایه‌نویسی در جامعه وجود دارد، بخش دیگری از چستی این پدیده بود، که بر اساس احساس سایه‌نویس، مسائل قانونی، مسائل اخلاقی، مسائل عرفی، و مسائل شرعی به آن پاسخ داده شد.

۵-۲-۲. پرسش دوم

در پاسخ به این پرسش که فرایند و چگونگی انجام پدیده سایه‌نویسی علمی در کشور به چه شکل است؟ این فرایند در قالب بازاریابی، اعتماد، فرایند نگارش سایه‌نویسی، ارتباط مشتری و سایه‌نویس، تحویل اثر، ارتباط با استاد، و دفاع از اثر به تصویر کشیده شد. هدف از این پرسش دستیابی به درک درستی از روند انجام سایه‌نویسی، از شروع این فرایند تا دفاع از اثر، بود. بر اساس یافته‌های پژوهش، داشتن قرارداد، اعتماد شهودی، تحویل تدریجی اثر، دوست معرف، و آشنایی سایه‌نویس و مشتری از مهم‌ترین راه‌های ایجاد اعتماد میان دو طرف است. سایه‌نویس‌ها ممکن است به طور مستقل، یا به صورت گروهی، یا در قالب یک مؤسسه اثری را سایه‌نویسی کنند. اینکه اثر نهایی دارای اصالت لازم است یا خیر، و اینکه بیشتر آثار سایه‌نویسی شده با چه روش پژوهشی‌ای تکمیل می‌شوند، از دیگر مسائلی بود که درباره آنها بحث شد. ارتباط میان سایه‌نویس و مشتری نیز هم در دوره نگارش اثر و هم پس از اتمام نگارش اثر مورد بررسی قرار گرفت. سایه‌نویس‌ها اغلب آثار را به صورت فصل به فصل به مشتریان تحویل می‌دهند، که این مسئله به نوعی باعث ایجاد اعتماد میان آنها نیز می‌شود. در صورتی که اثر نیاز به اصلاح داشته باشد، سایه‌نویس اثر را دوباره بازبینی می‌کند. اما مسائل گوناگونی، مانند وقت سایه‌نویس، موضوع پایان‌نامه، و داشتن یا نداشتن پیشنهاد، می‌توانند در مدت زمان نگارش و تکمیل یک اثر نقش داشته باشند.

به نظر می‌رسد، در برخی موارد، علاوه بر آنکه خود دانشجو با استاد راهنمای خود در ارتباط است، ارتباطی غیررسمی نیز میان سایه‌نویس و استاد راهنمای دانشجویان شکل می‌گیرد. در این موارد، به طور معمول، خود استاد راهنما به عنوان یک کانال آشنایی، موجب تشکیل این بازار می‌شود. از طرف دیگر، یافته‌های پژوهش نشان داد که تفاوت چندانی میان نمره نهایی پایان‌نامه دانشجویی که کارش را خودش انجام داده یا آنکه یک سایه‌نویس را به استخدام گرفته، وجود ندارد.

۵-۲-۳. پرسش سوم

به دلیل آنکه بازاریابی کارآمد یک پدیده، می‌تواند تأثیر مهمی بر گسترش آن در جامعه و در میان گروه‌های هدف داشته باشد، یکی از پرسش‌های پژوهش به این مسئله اختصاص پیدا کرد که انواع و شیوه‌های بازاریابی پدیده سایه‌نویسی علمی در کشور کدام است؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین کانال‌های بازاریابی سایه‌نویسی را می‌توان در پنج گروه اصلی دسته‌بندی کرد. از این رو،

اینترنت و وب جهانگستر، تبلیغات دهان به دهان، تبلیغات محیطی، دوستان و همکاران، و اساتید دانشگاه‌ها از مهم‌ترین کانال‌های بازاریابی این پدیده در بافت ایران به شمار می‌آیند.

به نظر می‌رسد، با گسترش دسترسی به شبکه جهانی وب، نقش اینترنت در یافتن مراکز و افراد سایه‌نویس بیش از پیش برجسته شده است. تبلیغات دهان به دهان و شفاهی نیز یکی از روش‌های معمول برای بازاریابی و تبلیغات است. در این روش معمولاً سایه‌نویس خدمات خود را به صورت شفاهی به مشتریان اعلام می‌کند و یا مشتریان سایه‌نویسان را به یکدیگر معرفی می‌کنند. برخی از سایه‌نویسان معتقدند پس از شروع کار سایه‌نویسی و انجام چند کار، خود مشتریان، سایه‌نویس را به دوستان خود معرفی می‌کنند. چاپ و توزیع آگهی در مکان‌های گوناگون، مانند آنچه که این روزها در «خیابان انقلاب اسلامی» مشاهده می‌شود، نیز از دیگر کانال‌های بازاریابی است. همچنین، به نظر می‌رسد علاوه بر دوستان و همکاران سایه‌نویسان و مشتریان، اساتید دانشگاه‌ها نیز نقش مهمی در بازاریابی و گسترش این پدیده دارند.

۴-۲-۵. پرسش چهارم

پرسش چهارم، که در صدد پاسخ به این مسئله بود که چه عوامل و انگیزه‌هایی بر سفارش پارس‌ها در کشور موثر هستند، در پنج محور اصلی بررسی شد. انگیزه سایه‌نویس، انگیزه مشتری، نقش نظام آموزشی، نقش دانشگاه، و نقش اساتید این پنج محور را تشکیل می‌دهند. از این رو، به نظر می‌رسد علاوه بر انگیزه دو کنش‌گر اصلی در پدیده سایه‌نویسی (یعنی مشتری و سایه‌نویس)، نظام آموزشی، دانشگاه‌ها، و اساتید نیز در شکل‌گیری این پدیده نقش مهمی ایفا می‌کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، آموزش نامناسب پیش از دانشگاه، افزایش پذیرش دانشجو، کیفیت پایین آموزش دانشگاهی، توجه ضعیف به پژوهش، و کوتاهی در مبارزه با سایه‌نویسی مهم‌ترین مسائلی هستند که در بررسی نقش نظام آموزشی قابل بحث هستند. همچنین، دانشگاه‌ها نیز با مسائلی چون ضعف آیین‌نامه و اطلاع‌رسانی، ارتباط ضعیف با صنعت، محدودیت دسترسی به منابع اطلاعاتی، شهریه بالا و عدم حمایت مالی دانشجو، و ضعف آموزش‌های کلاسی به گسترش پدیده سایه‌نویسی دامن می‌زنند. عدم تسلط بر موضوع و روش پژوهش، کافی نبودن زمان راهنمایی دانشجو، ضعف مسئولیت‌پذیری، کنترل ضعیف کار دانشجو، و سهل‌انگاری در برخورد با موارد سایه‌نویسی نیز

مهم‌ترین مسائلی هستند که نقش اساتید دانشگاه‌های کشور در شکل‌گیری و گسترش پدیده سایه‌نویسی را برجسته می‌کنند.

۵-۲-۵. پرسش پنجم

برای پاسخگویی به این پرسش که چه عوامل وانگیزه‌هایی بر تمایل افراد به سایه‌نویسی نگارش نوشتارهای دانشگاهی مؤثر هستند، یافته‌های پژوهش در دو گروه اصلی دسته‌بندی شدند: انگیزه سایه‌نویس‌ها برای روی آوردن به سایه‌نویسی و انگیزه مشتریان برای برون‌سپاری آثار خود و کمک گرفتن از سایه‌نویس‌ها برای نگارش پایان‌نامه.

بر اساس یافته‌های پژوهش، شش عامل اصلی، از قبیل، جاذبه سایه‌نویسی، اقتصادی، بیکاری، احساس بی‌عدالتی، ارتقای آموزشی و حرفه‌ای، و سادگی انجام سایه‌نویسی، مهم‌ترین انگیزه‌های اصلی سایه‌نویسان برای سایه‌نویسی آثار است. اگرچه، در نگاه اول شاید بتوان عامل «اقتصادی» را از بقیه عوامل‌ها مهم‌تر دانست، اما این تنها انگیزه نیست. عامل «بیکاری» انگیزه دیگری برای سایه‌نویس است که به دنبال این شغل کاذب برود. البته این عامل به نوعی با اقتصاد در ارتباط نزدیک است؛ چنانکه در جامعه نیز اقتصاد و شغل ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. تفاوت عمده این دو عامل را می‌توان در این دانست که شغل صرفاً برای کسب درآمد نیست و به لحاظ روانی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر شخص تأثیر می‌گذارد. تفاوت در درآمدها، تبعیض در استخدام، اهمیت ندادن به میزان تلاشی که دانشجویان نخبه انجام می‌دهند و عدم توجه به شایسته‌سالاری از عواملی هستند که موجب احساس بی‌عدالتی در سایه‌نویس‌ها می‌شوند. با وجود آنکه عامل «ارتقای آموزشی و حرفه‌ای» را تعدادی از سایه‌نویس‌ها مطرح می‌کنند، اما به نظر نمی‌رسد تأثیر این عامل به اندازه عوامل دیگر باشد. سرانجام عامل «سادگی انجام سایه‌نویسی» عامل دیگری است که اغلب سایه‌نویس‌ها بر آن تأکید دارند. سایه‌نویس‌ها، اغلب دانشجویان و دانش‌آموختگان متوسط به بالا در دانشگاه‌های نسبتاً معتبر هستند و به همین دلیل انجام حتی پایان‌نامه‌های پیچیده برایشان چندان دشوار نیست.

از طرف دیگر، مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر هشت عامل را به عنوان انگیزه‌های مشتریان سایه‌نویسی عنوان کرده‌اند، که عبارتند از: بی‌ارزش شدن تحصیل، بی‌ارزش شدن پایان‌نامه، به صرفه بودن سایه‌نویسی، تأثیر محیط، سطح علمی نامطلوب، ضعف مهارت در نگارش، مدرک‌گرایی، و وقت نداشتن. به نظر می‌رسد، برخی از این انگیزه‌ها ناشی از فشار و تأثیر بیرونی

هستند، و برخی دیگر انگیزه‌هایی هستند که به خود مشتری مرتبط هستند و می‌توان از آنها به عنوان عوامل درونی نام برد. به این ترتیب، بی‌ارزش شدن تحصیل، بی‌ارزش شدن پایان‌نامه، به صرفه بودن سایه‌نویسی، و تأثیر محیط از عوامل بیرونی روی آوردن به سایه‌نویسی هستند. همچنین، سطح علمی نامطلوب، ضعف مهارت در نگارش، مدرک‌گرایی و وقت نداشتن مسائلی هستند که ریشه آنها را باید در رفتار و ویژگی‌های مشتریان جستجو کرد.

۳-۵. بحث

حوزه بدرفتاری دانشگاهی و پژوهشی، از حوزه‌هایی است که تا کنون توجه کمی به مبانی نظری آن شده است؛ به همین دلیل، این موضوع از نبود نظریه‌هایی برای توضیح این پدیده رنج می‌برد (Apostolou et al. 2013). البته، این مسئله یکی از دلایل انتخاب روش پژوهش مناسب برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های این پژوهش نیز بود.

اگر از یک دید کلان به پدیده سایه‌نویسی نگاه کنیم و آن را به مثابه یک «مسئله اجتماعی»^۱ مورد بررسی قرار دهیم، پیش از هر چیز باید نوع نگاه به این پدیده را مشخص کنیم؛ اینکه در چه مقام و جایگاهی در مقابل سایه‌نویسی ایستاده‌ایم. یک مسئله اجتماعی حالت یا پدیده‌ای است که حداقل گروهی از افراد در یک اجتماع آن را «نامطلوب» می‌دانند. برخی از مسائل اجتماعی هستند که همگان درباره آنها توافق نظر دارند؛ برای مثال، مسئله‌ای مانند قتل از نظر همه نامطلوب و منفی است. اما مسائلی دیگری در جامعه وجود دارند که گروه‌های گوناگون نظرهای متفاوتی پیرامون آنها دارند. برای نمونه، دیدگاه همه مردم درباره سیگار کشیدن مشابه نیست؛ آنهایی که سیگار نمی‌کشند، سیگار کشیدن را عملی نامطلوب و منفی قلمداد می‌کنند، در حالی که سیگاری‌ها سیگار کشیدن را به عنوان یک مسئله منفی و مشکل‌زا برای جامعه تلقی نمی‌کنند (Project LEGAL's 2015).

پدیده سایه‌نویسی نیز از شمار پدیده‌هایی است که همگان آن را به عنوان یک مسئله اجتماعی نامطلوب در نظر نمی‌گیرند. از یک سو سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در حوزه آموزش عالی کشور هستند که به سایه‌نویسی به عنوان یک مسئله اجتماعی بسیار مهم و چالش‌برانگیز نگاه می‌کنند، که می‌تواند آینده علمی کشور را تهدید کند (همشهری آنلاین ۱۳۹۴، ایسنا ۱۳۹۳). از سوی دیگر، اما،

^۱ social problem

کنش‌گران اجتماعی گرداننده پدیده (یعنی سایه‌نویس‌ها و مشتریان) قرار دارند، که میان آنها نیز توافق جامعی راجع به مسئله بودن سایه‌نویسی وجود ندارد. بیشتر آنها سایه‌نویسی را مسئله نامناسبی می‌دانند که دامن‌گیر فضای علمی کشور شده، و در مقابل تعداد کمی نیز هستند که نه تنها آن را نامناسب نمی‌دانند، بلکه به عنوان کارآفرینی به آن نگاه می‌کنند.

بر اساس نگاهی که سایه‌نویسی را به عنوان مسئله اجتماعی تعریف نمی‌کند، این پدیده نتیجه طبیعی نظام حاکم بر آموزش عالی است، که اختلال ایجاد کردن در نظم کنونی آن، شاید نتیجه زودبازده داشته باشد، اما در نهایت آن را به محیط دیگری - به عنوان مثال محیط برخط و فضای وب - منتقل خواهد کرد. اگر چه، در حال حاضر نیز بازار این پدیده بر روی فضای وب قابل توجه بوده، و روز به روز بر تعداد صفحاتی که چنین فعالیت‌هایی را تبلیغ می‌کنند افزوده می‌شود. برای مثال، جستجوی عبارت «پایان‌نامه پروپزال» در موتور جستجوی گوگل در اواخر شهریور ماه ۱۳۹۴ نزدیک به ۷۰۰ هزار صفحه بازایی کرده، در حالی که زمان مشابه سال پیش (یعنی اواخر شهریور ماه ۱۳۹۳) این تعداد کمتر از ۳۰۰ هزار صفحه بوده است. این آمار در مدت مشابه سال ۱۳۹۰ حتی کمتر از این مقدار و نزدیک به ۲۰۰ هزار صفحه بوده است. با این که این آمارها شاخص‌های دقیقی برای وضعیت سایه‌نویسی در فضای وب نیستند، اما به طور تقریبی به گسترش این پدیده در این محیط جدید - به ویژه در سال‌های اخیر - اشاره می‌کنند.

همان‌طور که گفته شد، تعداد افرادی که سایه‌نویسی را مسئله اجتماعی نمی‌دانند اندک است. در مقابل، بیشتر آنهایی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند و نگاه کلی فضای آموزش عالی، پدیده سایه‌نویسی علمی / دانشگاهی را مسئله‌ای قلمداد می‌کنند که برای حل آن باید راه‌حل‌هایی جستجو کرد. از این دید، سایه‌نویسی آفتی اجتماعی و دانشگاهی است و بی‌تفاوتی به آن باعث ضربه زدن به آموزش، پژوهش، علم، و به طور کلی، جامعه می‌شود. بنابراین، این گروه سایه‌نویسی را جزء بدرفتاری‌های دانشگاهی می‌دانند، خود بدرفتاری‌های دانشگاهی را در دسته کج‌روی‌های یقه‌سفیدها طبقه‌بندی می‌کنند، و این گونه کج‌روی‌ها را نیز در زمره کج‌روی‌های اجتماعی قرار می‌دهند.

مبانی نظری این پدیده، به عنوان یک کج‌روی، چندان غنی نیست. با این حال، برخی از پژوهشگران - از رشته‌های گوناگون - سعی کرده‌اند به بررسی نظریه‌های دیگر حوزه‌ها - به ویژه حوزه جرم‌شناسی و کج‌روی‌های اجتماعی - و تطابق آنها با حوزه بدرفتاری دانشگاهی بپردازند (Walker

and Holtfreter 2015, Lewellyn and Rodriguez 2014). به نظر می‌رسد، شماری از نظریه‌های حوزه جرم‌شناسی و کج‌روی یقه‌سفیدها می‌تواند به توضیح بخشی از یافته‌های این پژوهش - که در ارتباط با یکی از مصداق‌های بدرفتاری دانشگاهی و پژوهشی است - کمک کند. در ادامه، تطابق سه نظریه مهم مطرح در حوزه‌های گفته شده با یافته‌های پژوهش بررسی خواهند شد.

۱-۳-۵. نظریه یادگیری اجتماعی

در سال ۱۹۷۳، «رونالد آکرز»^۱ نخستین ویرایش کتاب خود با عنوان «رفتار انحرافی: رویکرد یادگیری اجتماعی» منتشر کرد، که در آن «آکرز» به تعریف عناصر مهمی که باعث می‌شوند یک فرد مرتکب کج‌روی اجتماعی شود پرداخته بود. دیدگاه «آکرز» به یکی از رایج‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی، با عنوان «نظریه یادگیری اجتماعی»، تبدیل شد. این نظریه، در واقع، کج‌روی‌های اجتماعی افراد را نتیجه ارتباط آنها با اجتماع پیرامون‌شان می‌داند. «آکرز»، که در سال ۱۹۳۹ در یک خانواده کارگری متولد و سپس از دانشگاه کنتاکی فارغ‌التحصیل شد و بر یکی از کرسی‌های استادی دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه واشنگتن تکیه زد، ایده اصلی و اولیه نظریه خود را از «چارچوب ارتباط افتراقی ساترلند»^۲ الهام گرفته بود، که شامل نه قضیه اصلی می‌شد. هر چند، پیش از انتشار کتاب «آکرز»، بحث‌های مرتبط با این نظریه توسط «آکرز» و «رابرت برگس»^۳ انجام شده بود (Sellers and Winfree 2010).

«چارچوب ارتباط افتراقی» بر این عقیده استوار است که در جامعه‌ای که مملو از خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است، ممکن است فضاهایی وجود داشته باشند که به فرد اعمال قانونی را بیاموزند و در مقابل فضاهای دیگر مروج اعمال غیرقانونی و کج‌روی باشند. بنابراین، افرادی که در معرض این ارتباط‌ها - چه خوب چه بد - قرار می‌گیرند، گرایش بیشتری به پیروی از آن خرده‌فرهنگ دارند. بر همین اساس، نظریه یادگیری اجتماعی ادعا می‌کند که کج‌روی‌ها یا انحراف‌های اجتماعی فطری نیستند و از طریق ارتباط‌های اجتماعی یاد گرفته می‌شوند.

¹ Ronald Akers

² Sutherland's differential association framework

³ Robert L. Burgess

نظریه یادگیری اجتماعی، که بخشی از مبانی خود را از نظریه‌های یادگیری رفتاری وام گرفته است، شامل چهار مفهوم یا قضیه اصلی می‌شود: تقویت افتراقی، تقلید، تعاریف، و ارتباط افتراقی^۴ (Akers and Jennings 2009).

«تقویت افتراقی» را می‌توان، به طور کلی، به عنوان فرایندی که افراد تجربه خواهند کرد یا عواقب و نتایجی که از رفتار خود انتظار دارند تعریف کرد. بنابراین، از دید «آکرز»، کاری که افراد می‌کنند یا رفتاری که از آنها سر می‌زند وابسته به تشویق‌ها یا تنبیه‌های گذشته، حال، و آینده‌ای است که آنها از نتیجه رفتار خود انتظار دارند (Akers and Jennings 2009). بر پایه یافته‌های پژوهش، می‌توان این‌گونه تبیین کرد که زمانی که مشتریان و سایه‌نویسان هیچ تنبیهی در نتیجه رفتار خود متصور نیستند، ترغیب می‌شوند که این عمل را انجام دهند. برای مثال، فقدان آیین‌نامه‌های پژوهشی به‌روز یا عدم اطلاع‌رسانی کافی درباره آیین‌نامه‌ها، باعث می‌شود که دانشجویان تصور کنند که مجازات و تنبیه سختی در انتظار آنها نیست و در پدیده سایه‌نویسی درگیر شوند. از طرف دیگر، ممکن است حتی احساس تشویق نیز کنند. برخی از مشتریان برای خود تحلیل هزینه - فایده انجام می‌دهند و نتیجه آن کسب درآمد در طول تحصیل و اختصاص بخش کمی از آن برای سایه‌نویسی است که این سود مادی خود مشوقی برای آنها است. سایه‌نویس‌ها نیز کار خود را غیرقانونی نمی‌دانند، و به دلیل تشویق حاصل از هزینه دریافتی - در قبال کار کمتر و ساده‌تر - بیشتر ترغیب شده که مرتکب سایه‌نویسی شوند.

یکی از دیگر مفاهیم موجود در نظریه یادگیری اجتماعی، قضیه «تقلید» است. طبق این قضیه، همان‌طور که از نامش برمی‌آید، افراد درگیر رفتارهایی می‌شوند که پیش‌تر آنها را مشاهده کرده‌اند. زمانی که فردی شاهد یک کج‌روی اجتماعی در محیط پیرامون خود است، به احتمال زیاد خود او نیز در آینده مرتکب چنین کج‌روی‌ای خواهد شد. ویژگی‌های رفتار، رفتار مشاهده شده، و عواقب مشاهده آن رفتار همه مسائلی هستند که در تقلید آن توسط دیگران مؤثر هستند (Akers and Jennings 2009). بنابراین، زمانی که یک دانشجو با نگاهی به دور و بر خود متوجه می‌شود که بیشتر همکلاسی‌هایش پایان‌نامه‌های خود را برون‌سپاری کرده‌اند، احتمال دارد که خود او نیز مرتکب چنین

⁴ differential reinforcement, imitation, definitions, and differential association

کاری شود. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که تفاوت خاصی میان ارزیابی آثار سایه‌نویسی شده و سایر آثار وجود ندارد. دانشجو می‌بیند که دوستانش کارهای خود را برون‌سپاری کرده‌اند، هیچ مجازاتی برای آنها وجود نداشته، و نمره پایان‌نامه‌شان نیز تفاوتی با سایر پایان‌نامه‌ها نداشته است؛ بنابراین، مشاهده چنین محیطی می‌تواند او را به ارتکاب به چنین عملی سوق دهد. از سوی دیگر، زمانی که سایه‌نویس می‌بیند که بیشتر دوستان و همکلاسی‌هایش در حال انجام سایه‌نویسی هستند و از این راه درآمد - به احتمال خوبی - هم دارند، سعی خواهد کرد که مسیر آنها را ادامه دهد؛ به ویژه اینکه شاهد هیچ مجازات یا تنبیهی برای این افراد نیست. افزون بر این‌ها، با توجه به تبلیغ‌های محیطی که در بیشتر خیابان‌ها، کوچه‌ها، و مغازه‌ها - به ویژه در خیابان انقلاب در تهران - وجود دارد، افراد بیشتر در معرض چنین رفتارهایی قرار دارند.

«تعاریف» نیز یکی دیگر مفاهیم موجود در نظریه رفتار اجتماعی است. تعاریف به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، و تصورات افراد، درباره آنچه یک رفتار پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی است، اشاره دارد. تعریف یک موقعیت و قضاوت پیرامون اخلاقی بودن یا نبودن، خوب یا بد بودن، منطقی یا غیرمنطقی بودن، و عادلانه یا ناعادلانه بودن یک رفتار در این قضیه قابل بحث است. «آکرز» نگرش‌ها و ارزش‌ها را به تأثیر «تعاریف» کلی یا خاص پیوند می‌دهد. تعاریف کلی آن اعتقادهای عامی هستند که تحت تأثیر هنجارها، مذهب، یا ارزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرند. اما، تعاریف خاص جهت‌گیری یک فرد نسبت به یک رفتار خاص یا مجموعه‌ای از رفتارها را بیان می‌کند (Akers and Jennings 2009). طبق این تعریف، تعاریف به عنوان تصدیق‌کننده یا خنثی‌ساز یک رفتار یا عمل قلمداد می‌شوند. تعاریف تصدیق‌کننده، یک کج‌روی را به عنوان یک رفتار مثبت تعریف می‌کنند، در حالی که تعاریف خنثی‌ساز به عنوان وسیله‌ای برای توجیه یک کج‌روی هستند. بر این اساس، آنجایی که سایه‌نویس‌ها و مشتریان اشاره می‌کنند «قبیح این کار شکسته شده»، ناظر بر این مسئله است که تعریف این افراد از سایه‌نویسی به عنوان یک جرم یا یک کج‌روی تغییر کرده است. جاهایی که مشتریان می‌گویند «همه این کار را انجام می‌دهند، و در کلاس ما بیشتر دانشجویان کارهایشان را با کمک سایه‌نویس انجام می‌دهند»، گواهی بر تصدیق این نظریه است. از دیگر سو، بیشتر سایه‌نویس‌ها نیز در توجیه رفتار خود می‌گویند «بیکار هستند»، «نمی‌توانند کار شایسته‌ی مدرک یا دانشگاه خود را پیدا کنند»، و «مجبور هستند برای گذران زندگی چنین کاری انجام دهند». به نظر می‌رسد این توجیه‌ها

موجب تعریف پدیده سایه‌نویسی به عنوان یک منبع درآمد اجتناب‌ناپذیر می‌شود و کج‌روی قلمداد شدن آن را کمرنگ‌تر می‌کند.

آخرین مفهومی که شاکله نظریه یادگیری اجتماعی را تشکیل می‌دهد، «ارتباط افتراقی» است. ارتباط افتراقی از طریق دو جزء تشکیل‌دهنده این قضیه قابل فهم است. بعد نخست، بعد رفتاری - تعاملی است، و کج‌روی را به عنوان پدیده‌ای توضیح می‌دهد که از طریق ارتباط و تعامل مستقیم (یا غیر مستقیم) با دیگرانی که رفتار مشخصی انجام می‌دهند به وجود می‌آید. گروهی که در آن فرد دارای تعامل اجتماعی با دیگران است، بافتی اجتماعی را فراهم می‌کند که زمینه‌ای برای عملکرد چهار قضیه نظریه یادگیری اجتماعی به شمار می‌آید. در این بافت اجتماعی، افراد در معرض طیف گوناگونی از رفتارها قرار می‌گیرند که بر دیدگاه آنها تأثیر گذار است. نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی، بافت اجتماعی را که فرد در آن قرار دارد به دو دسته «تعامل اولیه» و «تعامل ثانویه» تقسیم می‌کنند. تعامل اولیه، شامل ارتباط‌هایی می‌شود که فرد با خانواده و دوستان خود دارد؛ در حالی که، تعامل ثانویه ارتباط‌هایی را دربرمی‌گیرد که فرد با طیف گسترده‌تری از افراد (مانند معلم‌ها، همسایه‌ها، هم‌کلاسی‌ها، و غیره) تشکیل می‌دهد. بنابراین، این گروه‌ها تشکیل‌دهنده بافت اجتماعی فرد محسوب می‌شوند. بر پایه قضیه ارتباط افتراقی، دوره ارتباط با این گروه‌ها، مدت ارتباط، تکرار ارتباط، و ماهیت این تعامل‌ها همگی پیش‌بین‌های مهم رفتار فرد هستند. «آکرز» معتقد است، تعامل‌های نخستین تأثیر بیشتری در شکل‌گیری رفتار افراد دارند (Akers and Jennings 2009). کانال‌های آشنایی افراد با پدیده سایه‌نویسی، به عنوان یکی از یافته‌های این پژوهش، موضوعی است که با استفاده از این قضیه قابل توضیح است. بیشتر سایه‌نویس‌ها به این اشاره دارند که با پدیده سایه‌نویسی در محیط‌هایی، مانند خوابگاه‌های دانشجویی و زمانی که هنوز دانشجوی بوده‌اند، آشنا شده‌اند. از این رو، داشتن یک «هم‌اتاقی سایه‌نویس» نقش مهمی در سایه‌نویس شدن افراد دارد. از طرف دیگر، بیشتر مشتریان نیز از طریق دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان با پدیده سایه‌نویسی و یک سایه‌نویس آشنا شده‌اند. افزون بر این‌ها، تبلیغ‌هایی که مقابل دانشگاه‌ها به سمت این افراد هجوم می‌آورند، زمینه آشنایی و تمایل افراد به سایه‌نویسی و برون‌سپاری پایان‌نامه خود را به وجود می‌آورد. بنابراین، این گروه‌ها - که بافت اصلی اجتماعی - افراد را تشکیل می‌دهند، فرد را در معرض مستقیم این پدیده قرار داده، و این کج‌روی را به

فرد می‌آموزند. این بافت اجتماعی، به نوبه خود زمینه هر چهار مفهوم نظریه یادگیری اجتماعی را فراهم می‌کند.

۲-۳-۵. نظریه فعالیت‌های روزمره

طرفداران «نظریه فعالیت‌های روزمره»^۱ (یا رت) بر این باورند که متخلف‌ها در اغلب جوامع وجود دارند، و زمانی که شرایط فراهم شود آنها دست به ارتکاب جرم می‌زنند. بنابر این نظریه، «فرصت» موجب پدید آوردن متخلف یا دزد می‌شود. این نظریه توسط دو جرم‌شناس آمریکایی، یعنی «کوهن» و «فلسان»^۲، در سال ۱۹۷۹ مطرح شد. «کوهن» و «فلسان» توضیح می‌دهند که تعامل میان سه مؤلفه باعث وقوع جرم می‌شود: وجود متخلف با انگیزه، حضور هدف (یا قربانی) مناسب، و نبود نگهبان‌ها یا محافظ‌های قدرتمند. منظور از متخلف با انگیزه کسی است که انگیزه کافی برای ارتکاب به جرم را دارا است. اگرچه، «کوهن» و «فلسان» «انگیزه» را تشریح نکرده‌اند. منظور از هدف مناسب، شیء یا فردی است که تخلف یا جرم متوجه او است؛ برای مثال شیئی که به سرقت می‌رود یا فردی که مورد حمله قرار می‌گیرد. حضور این هدف مناسب انگیزه کافی را برای متخلف یا مجرم به وجود خواهد آورد. مؤلفه سوم، یعنی محافظ یا نگهبان قدرتمند، نیز فرد یا چیزی است که از هدف محافظت می‌کند. محافظ می‌تواند یک نیروی حرفه‌ای (مانند افسر پلیس) باشد یا آنکه می‌تواند یک شهروند عادی باشد که حضورش مانع از وقوع جرم شود (Bratt 2012).

نظریه فعالیت‌های روزمره «جرم» یا «تخلف» را به عنوان یک رفتار معمولی تعریف می‌کند؛ جرم یا تخلف زمانی اتفاق می‌افتد که مجرم با انگیزه و هدف مناسب با نبود محافظ قدرتمند تلفیق شود. برای مثال، زمانی که «فردی گرسنه» وارد یک فروشگاه مواد غذایی می‌شود که در آن «غذاهای آماده خوردن» وجود دارد و این فروشگاه فاقد نگهبان یا دوربین مداربسته برای محافظت و کنترل است، به احتمال زیاد فرد گرسنه اقدام به سرقت مواد غذایی می‌کند. یا در زمینه خشونت علیه زنان، زمانی که مرد از دست همسرش عصبانی است و در منزل هم کسی یا چیزی نیست که از زن مراقبت کند، احتمال اینکه مرد دستش را روی زن بلند کند بالا است.

^۱ routine activities theory (RAT)

^۲ Lawrence E. Cohen and Marcus Felson

با آنکه نظریه فعالیت‌های روزمره در ابتدا در حوزه جرم‌شناسی مطرح شد، اما در سال‌های بعد محدود به این حوزه نماند و توجه پژوهشگران در زمینه‌های دیگر را به خود جلب کرد؛ برای مثال، اسگود^۱ و همکارانش کاربرد این نظریه در زمینه بزه‌کاری نوجوانان را بررسی کردند (Bratt 2012). بر این اساس، به نظر می‌رسد بتوان بخشی از یافته‌های این پژوهش را نیز در قالب نظریه فعالیت‌های روزمره تبیین کرد. بنابراین، می‌توان گفت نظریه فعالیت‌های روزمره توانایی توضیح چرایی وقوع بدرفتاری‌های دانشگاهی و پژوهشی، و به ویژه سایه‌نویسی را دارا است.

در بافت سایه‌نویسی، این گونه می‌توان تفسیر کرد که سایه‌نویس و مشتری می‌توانند هم به عنوان متخلف باانگیزه قلمداد شوند، و هم به عنوان هدف مناسب. به عبارت دیگر، در جایی که سایه‌نویس یک متخلف باانگیزه است، مشتری به عنوان یک هدف مناسب در نظر گرفته خواهد شد. از سوی دیگر، زمانی که مشتری را به عنوان متخلف باانگیزه در نظر می‌گیریم، سایه‌نویس یک هدف مناسب است. در این میان، نبود بازدارنده‌های قانونی (مانند قوانین حکومتی، آیین‌نامه‌های پژوهشی، کدهای اخلاقی، و غیره) و افرادی که از وقوع سایه‌نویسی جلوگیری کنند (مانند اساتید و هم‌تایان) شرایط مناسب را برای وقوع پدیده سایه‌نویسی فراهم می‌کند.

عواملی مانند «جاذبه سایه‌نویسی، مشکلات اقتصادی، عامل بیکاری، احساس بی‌عدالتی، ارتقای آموزشی و حرفه‌ای، و سادگی انجام سایه‌نویسی» همه انگیزه کافی را به سایه‌نویس می‌دهند تا به دنبال یک هدف مناسب - که به دلایل گوناگون توانایی نگارش پایان‌نامه خود را ندارد - باشد. بنابراین، در این مورد سایه‌نویس یک «متخلف باانگیزه» و مشتری یک «هدف مناسب» است.

از دیگر سو، مسائل متفاوتی، مانند «بی‌ارزش شدن تحصیل، بی‌ارزش شدن پایان‌نامه، به صرفه بودن سایه‌نویسی، تأثیر محیط پیرامونی، سطح علمی نامطلوب، ضعف مهارت در نگارش، مدرک‌گرایی، و کمبود وقت کافی برای نگارش پایان‌نامه» انگیزه کافی را برای مشتریان (یا دانشجویان تحصیلات تکمیلی) فراهم می‌کند، تا برای نگارش پایان‌نامه خود و فراغت از تحصیل فرد شایسته‌ای پیدا کنند که بتواند پایان‌نامه آنها را انجام دهد. بنابراین، در این مورد مشتری یک «متخلف باانگیزه» و سایه‌نویس یک «هدف مناسب» است.

^۱ Osgood

زمانی که این دو طرف در یک محیطی قرار دارند که نگهبان یا محافظ قدرتمندی در آن نیست، احتمال رخ دادن پدیده سایه‌نویسی بسیار بالا می‌رود. در این محیط، «ممنوعیت‌های قانونی خاصی برای پیشگیری از سایه‌نویسی وضع نشده»، «آیین‌نامه‌های آموزشی و پژوهشی اشاره مستقیمی به ممنوعیت سایه‌نویسی یا مجازات‌های سفت و سخت آن نکرده، یا به درستی به اطلاع دانشجویان نرسیده»، «اساتید راهنما و مشاور - به دلایل گوناگون - نظارت دقیقی بر پایان‌نامه‌ها نداشته»، «جلسه‌های دفاع از پایان‌نامه چندان جدی و سخت‌گیرانه نیست و اساتید داور - آن گونه که باید - به مسئله داوری پایان‌نامه‌ها توجه ندارند»، «ارتباط میان اساتید و دانشجویان اصولی و به‌درستی تعریف نشده، و بنابراین نظارت اساتید بر آثار دانشجویان ضعیف است» و «ابزارهای کارآمدی (مانند نرم‌افزارهای سرقت ادبی) در اختیار ناظران پایان‌نامه‌ها قرار ندارد». از این رو، چنین محیطی بستر مناسب را، در کنار دو مؤلفه دیگر، برای رخ دادن سایه‌نویسی فراهم می‌کند.

بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره، هرچه مردم کمتر در معرض فرصت‌های جرم‌خیز قرار گیرند، احتمال وقوع جرم پایین خواهد آمد. بنابراین، اعمال پیش‌گیرنده باید بر کاهش فرصت‌های وقوع جرم تمرکز کند، به‌جای آنکه روی روان‌شناسی افراد تأکید شود (Bratt 2012). یکی از راهبردهای مطرح در نظریه فعالیت‌های روزمره، کاهش دسترس‌پذیری «هدف مناسب» است. برای مثال، تا جایی که به موضوع این پژوهش ارتباط دارد، جلوگیری از فعالیت افراد یا مؤسسه‌هایی که اطراف یا «روبروی دانشگاه‌ها» فعالیت سایه‌نویسی انجام می‌دهند، می‌تواند احتمال رخ دادن سایه‌نویسی را کاهش دهد. چراکه نزدیکی این مراکز ممکن است دانشجویان را وسوسه کند که به آنها مراجعه کنند. با این حال، متخلف باانگیزه و هدف مناسب ممکن است همیشه وجود داشته باشند؛ بنابراین، نظریه فعالیت‌های روزمره روی کنترل اجتماعی و حضور نگهبان‌ها و محافظ‌های قدرتمند تأکید بیشتری دارد. از این رو، حضور استاد در تمامی مراحل پایان‌نامه می‌تواند به عنوان یک محافظ و نگهبان عمل کند.

۳-۳-۵. نظریه فشار اجتماعی

نظریه فشار^۱ بر این مسئله تمرکز دارد که اغلب کج‌روی‌های اجتماعی نتیجه فشاری است که بر اعضای یک اجتماع تحمیل می‌شود. خود این فشار نیز نتیجه ناکام ماندن افراد در دستیابی به اهدافی است که برای خود تعریف کرده‌اند؛ برای مثال، اهداف مالی، اهداف اجتماعی، اهداف فرهنگی، و غیره. بنابراین، زمانی که افراد نتوانند از راه‌های مشروع و قانونی به اهداف خود دست یابند، چه بسا به راه‌های گوناگونی متوسل خواهند شد که یکی از آنها ممکن است کج‌روی، جرم، یا انحراف باشد. این کج‌روی‌ها زمانی بسیار چالش‌برانگیز خواهند شد، که انگیزه برای دستیابی به اهداف تعریف شده بالا باشد.

اهداف تعریف شده افراد در بافت‌های گوناگون متفاوت است. برای مثال، در بافت کسب و کار و تجارت، اهداف مالی و اقتصادی شاید مهم‌ترین هدف تلقی شوند؛ در بافت نویسندگی و داستان‌نویسی، ممکن است شهرت به عنوان یک هدف عالی تعریف شود؛ و به همین ترتیب اهداف افراد در بافت‌های متفاوت گوناگون است. در بافت‌های دانشگاهی نیز مسائلی وجود دارند که باعث ایجاد فشار روی پژوهشگران و دانشجویان می‌شود. در بیشتر نظام‌های دانشگاهی، اعضای هیئت علمی برای آنکه با رکود علمی مواجه نشوند، باید کارهای پژوهشی انجام داده و اندازه مشخصی از تعداد انتشارات داشته باشند. از سوی دیگر، برای آنکه بتوانند از نظام‌های تشویقی دانشگاه بهره‌مند شوند، باید مقالات خود را در نشریات با کیفیت به چاپ برسانند. گاهی این مسائل باعث می‌شوند که اساتید دانشگاه‌ها و پژوهشگران روش‌های گوناگونی را برای نائل آمدن به این اهداف امتحان کنند، که یکی از آنها بدرفتاری دانشگاهی و پژوهشی است.

یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد، سایه‌نویس‌ها تا اندازه‌ای در زیر فشار مسائل گوناگون دست به نگارش آثاری می‌زنند که به نام فرد دیگری منتشر می‌شود. این فشار، درست ناشی از اهداف - اغلب اقتصادی - است که آنها برای خود در نظر گرفته، اما به دلیل نبود شغل و کار مناسب و «در شأن آنها» مجبور به انتخاب مسیرهای دیگری می‌شوند، که سایه‌نویسی یکی از آنها است. زمانی که سایه‌نویس‌ها خود را با دیگران مقایسه می‌کنند، که به زعم‌شان «لیاقت به دست آوردن چنین

^۱ strain theory

موقعیت‌های شغلی، امکانات، و درآمدهای مالی زیاد را ندارند»، احساس می‌کنند که برای رسیدن به اهداف‌شان نمی‌توانند مسیرهای مشروع را پیش گیرند؛ به همین دلیل، سایه‌نویسی را به عنوان روش جایگزین انتخاب می‌کنند.

این فشار، اما، در جامعه مشتریان به شکل دیگری است. با توجه به «نداشتن وقت»، «مدرک گرایی» و مسائلی از این دست از یک سو، و «سطح علمی نامطلوب» و «ضعف مهارت‌های نگارشی» از سوی دیگر، دانشجویان یا مشتریان مجبور می‌شوند که برای نگارش پایان‌نامه خود - که همان هدف تعیین شده آنها است - به یک سایه‌نویس مراجعه کنند. این همان مسیری است که مشتریان برای دستیابی به هدف خود انتخاب می‌کنند.

نظریه فشار، اساساً توسط «امیل دورکیم»^۱ مطرح و توسط «رابرت مرتن» بسط داده شد، اما «کوهن»^۲ در دهه ۱۹۵۰ آن را بیشتر توسعه و معرفی کرد. جرم‌شناسان پس از «کوهن»، مانند «کلوارد» و «اهلین»^۳، نیز پژوهش‌های بیشتری در این باره انجام دادند، و سال‌ها بعد «اگنیو»^۴ این نظریه را در صورت‌بندی دیگری مطرح کرد. اما، همان‌طور که گفته شد، جان کلام نظریه فشار این است که ساختارهای اجتماعی در جامعه ممکن است منبع فشاری برای کنش‌گران آن جامعه شوند، و آنها را به سمت ارتکاب جرم سوق دهند (Tierney 2006). نظریه فشار تا اندازه‌ای مشابه آنومی است، که توسط «دورکیم» مطرح و توسط «مرتن» کاربردی شد. در ادامه به بحث پیرامون آنومی پرداخته می‌شود.

۴-۳-۵. آنومی

رفیع‌پور (۱۳۸۶) فساد را از خانواده آشفته‌گی اجتماعی (آنومی) و تئوری دورکیم و مرتن را برای توضیح آنها از بقیه نظریه‌ها موجه‌تر می‌داند. هر دو نظریه بر مبنای تولید نیاز و عدم ارضاء نیاز استوار است. به طور کلی، دورکیم معتقد است که بحران‌های اقتصادی سبب دستیابی عده‌ای به ثروت و هم‌زمان فقر عده‌ای دیگر می‌شود. موضوعی که براساس مطالعات بانک مرکزی در کشور ایران نیز

^۱ Émile Durkheim

^۲ Albert K. Cohen

^۳ Richard Cloward and Lloyd Ohlin

^۴ Robert Agnew

در سال‌های اخیر و خاصه سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی به میزان زیادی مشاهده شده بود. فقرا با مشاهده وضعیت ثروتمندان احساس نیاز می‌کنند و فقر ایشان غیر قابل تحمل می‌شود. پس فقرا با توجه به اینکه نظام ارزشی جامعه نیز در این میان دگرگون شده و انگیزه‌های درونی همچون باورهای مذهبی نمی‌تواند مانع آنها شود به کارهای خلاف روی می‌آورند. مرتن از سوی دیگر آنومی را ناشی از برهم خوردن تعادل اهداف و وسائل مشروع برای رسیدن به آنها می‌داند. برای مثال، هدف ممکن است ترفیع و ارتقاء استاد، پذیرفته شدن دانشجو در مقاطع بالاتر و انجام یک طرح پژوهشی، همگی آنها برای تحصیل مال بیشتر باشد؛ و وسائل مشروع، نگارش مقاله‌های گوناگون، پیشنهاد، پایان‌نامه و غیره، هنگامی که شخصی برای نگارش مقاله زبان انگلیسی نمی‌داند و آموختن آن نیز برایش به صرفه نیست، ممکن است دست به اقدامی ناهنجار بزند.

مرتن جهت تبیین انحراف دو گروه بزرگ از افراد را تفکیک می‌کند: (۱) بهنجارها (۲) کج‌روها؛ بهنجارها تابع فرهنگ اصلی و مسلط جامعه هستند و کج‌روها در چهار دسته کوچک‌تر نماینگر خرده فرهنگ‌های گوناگون می‌شوند. هم‌نویان یا بهنجارها توانسته‌اند میان اهداف فرهنگی و راه‌های فرهنگی تطابقی کارکردی و متناسب ایجاد کنند و هم‌نوا با این تناسب کنش کنند. از نظر مرتن چهار دسته از ناهم‌نویان به شرح زیر است:

- ابداع و نوآوری؛ هنگامی که هدف پذیرفته شده، و لیکن ابزارها و وسایل دستیابی به هدف پذیرفته نشده باشد؛
- رسم‌پرستی و مناسک‌گرایی؛ هنگامی که ابزارها و وسایل پذیرفته شده، لیکن هدف پذیرفته نشده و مورد قبول نیست؛
- واخوردگی یا عزلت‌گزیدن؛ هنگامی که هدف و وسایل هیچ‌کدام پذیرفته نشده باشند؛
- طغیان یا سرکشی؛ اهداف و وسایل هر دو دچار تغییر شده و نوع جدیدی از وحدت میان اهداف جدید و وسایل و ابزارهای تازه می‌تواند شکل گیرد.

از نظر مرتن، ساختار فرهنگی تعیین‌کننده ساختار اجتماعی است. نخست ارزش‌ها، یعنی خوب‌ها و بد‌ها مطرح می‌شوند، سپس هنجارها یعنی بایدها و نبایدهای مربوط به آنها مطرح می‌شوند. اول می‌گوییم رسیدن به مدارج بالای علمی خوب است، سپس می‌گوییم برای رسیدن به آن باید درس خواند. پس اول اهداف تعیین می‌شود، سپس راه‌های رسیدن به این اهداف.

از این رو، به نظر می‌رسد می‌توان بخشی از رفتار سایه‌نویسی را با کمک آراء و نظرهای مرتن، و آنچه مربوط به آنومی است، تبیین کرد. سایه‌نویس‌ها و مشتریان، از طرفی زندگی دانشگاهی را برای خود انتخاب کرده، و از طرف دیگر نتوانسته‌اند برخی از هنجارها و مسائل فرهنگی این عرصه را بپذیرند. برای مثال، انتظارهای مالی که برای خود تعریف کرده‌اند، با امکانات موجود برآورده نشده و آنها مجبور به ارتکاب کج‌روی‌هایی برای جبران آن می‌شوند.

۴-۵. جمع‌بندی

به عقیده «رفیع‌پور» (۱۳۸۶)، «فساد یک سرطان اجتماعی است که به آرامی و با مطبوعیت تمام وارد جامعه می‌شود، همه سطوح آن را فرا می‌گیرد و تار و پود یک نظام اجتماعی را متلاشی می‌کند. در پی آن نظام سیاسی و اطلاعاتی و بقیه بخش‌های کشور را نیز فلج می‌سازد». هرچند سایه‌نویسی را نمی‌توان در دسته‌های تعریف شده فساد، مطابق تعاریف بانک جهانی قرار داد، هر دوی آنها را می‌توان گونه‌ای کج‌روی اجتماعی، و اجتماع را همچون پیکره‌ای انسانی دانست که پس از ابتلا به «سرطان فساد» مستعد ابتلا به بیماری‌های دیگر، همچون «سایه‌نویسی نوشتارهای علمی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی» نیز می‌شود. بنابراین، برای یافتن ریشه‌های این بیماری‌ها باید به بستر ایجاد آنها - یعنی جامعه - توجه ویژه کرد.

عوامل مؤثر در پیدایش سایه‌نویسی را، براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان به دو دسته عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد. منظور از عوامل درونی، مجموعه باورها، اعتقادات، تفکر، و عینکی است که آدمی جهان پیرامون خود را با آن به نظاره می‌نشیند، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کند، و این مجموعه بر همه احوال او اثرگذار می‌شود. از طرف دیگر، عوامل بیرونی همه نیروهایی را شامل می‌شود که از طریق محیط زندگی انسان بر ذهن و روان او اثر می‌گذارند و سرانجام، در کشاکش با باورهای درونی او، اعمال و رفتارهای او را شکل می‌دهند. احساس عذاب وجدان کسی که در دانشگاهی بلند مرتبه تحصیل می‌کند و برای گذران زندگی مجبور به سایه‌نویسی می‌شود حاصل این تضاد است، که خود را این‌گونه نمایان می‌سازد: «...اجبار است، هیچ کس دوست ندارد وارد این کار شود...» (س ۵، پ ۳)؛ حتی آدم‌هایی با پیشینه مذهبی قوی، که نیروی درونی آنها محسوب می‌شود، با این توجیه که «اگر من دست به این کار نزنم میدان رقابت را از دست می‌دهم» وارد این کسب و کار پرسود و کم زحمت می‌شوند.

شناخت عوامل درونی، که در حوزه علوم روانشناختی قرار می‌گیرد، از طرفی پیچیده و از سوی دیگر کنترل آنها به نظر «رفیع‌پور» (۱۳۸۶) «بسیار دشوار و ناهمگون و خود موجب تضاد... و با زمان و هزینه بسیار زیاد همراه خواهد بود». از این رو، عوامل بیرونی بیشتر مورد موشکافی پژوهشگران این طرح قرار گرفت.

یکی از ویژگی‌های پژوهش حاضر این است که علاوه بر بررسی چستی و چگونگی سایه‌نویسی در بستر دانشگاهی ایران، چرایی آن را نیز تا اندازه‌ای بررسی کرده است. اما جستجو در لایه‌های عمیق‌تر اجتماع به دنبال پاسخ به پرسش‌های ریشه‌ای مستلزم وقت و اعتبارات بیشتری است، که در ابعاد این پژوهش آغازین نمی‌گنجد. برای مثال، هنگامی که سخن از «مدرک‌گرایی» به عنوان یکی از عوامل سایه‌نویسی می‌رود، می‌توان به بعضی لایه‌های عمیق‌تر و گاهی پنهان آن، مانند نیاز به افزایش حقوق نزد دانشجوی شاغل، نیاز به حفظ موقعیت شغلی نزد او، و نیاز به ارتقاء شغلی اشاره کرد. با دقت‌تر شدن در این علل، می‌توان به ریشه‌های عمیق‌تری همچون «عدم شایسته‌سالاری و مدرک‌گرایی در نظام استخدامی کشور» اشاره کرد.

حجم کوچک نمونه پژوهش حاضر، که به دلیل حساس بودن موضوع پژوهش و ترس افراد از مصاحبه‌های رودررو بوده، قدرت تعمیم‌پذیری نتایج آن را کاهش داد، اما ژرفای پژوهش را می‌توان قابل قبول ارزیابی کرد. از سوی دیگر، مشارکت‌کنندگان در پژوهش را دو دسته افراد سایه‌نویس و مشتری سایه‌نویسی تشکیل می‌داده‌اند؛ درحالی که ممکن است کنشگران دیگری نیز در این عرصه، مانند استادان، دارای نقش غیرقابل اجتنابی باشند؛ بنابراین، مطالعه این پدیده از تمام زوایا و از دید تمامی این کنش‌گران می‌تواند نتایج دقیق‌تری به دست دهد. همچنین، به دلیل محدودیت‌هایی که در زمان و بودجه، تیم پژوهش با آنها مواجه بوده، گردآوری اطلاعات بسیار از منابع گوناگون امکان‌پذیر نبوده، در حالی که گردآوری و استفاده از این اطلاعات می‌تواند غنای یافته‌ها را بیشتر کند.

مجموعه مطالب بالا پرسش‌هایی را به ذهن خواننده متبادر می‌سازد که می‌تواند پایه‌هایی برای پژوهش‌های آینده باشد. برای نمونه، ساخت مدل معتبر عوامل مؤثر بر پدیده سایه‌نویسی نوشتارهای دانشگاهی در ایران می‌تواند موضوع شایان توجهی در ادامه پژوهش حاضر باشد. چنین مدلی پایه‌ای برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه سایه‌نویسی ایجاد خواهد کرد، که بخشی از آنها می‌تواند در رویکرد کمی پاسخ داده شود. برای تبیین یافته‌های این پژوهش از نظریه‌های حوزه کج‌روی اجتماعی کمک گرفته شد، چرا که نظریه مستقیمی در زمینه بدرفتاری‌های دانشگاهی / پژوهشی یافته نشد. از این رو، پژوهش‌های نظری در زمینه بدرفتاری‌های دانشگاهی / پژوهشی، و به طور خاص در زمینه سایه‌نویسی، از پیچیدگی پژوهش‌های بیشتر درباره این پدیده کم خواهد کرد.

سایه‌نویسی فارغ از آنکه پدیده‌ای ناپسند است یا خیر، به واقعیتی انکارناپذیر در فضای دانشگاهی ایران، به‌ویژه طی چند سال اخیر، تبدیل شده است. این پژوهش با هدف شناخت بیشتر این واقعیت، و آگاهی بیشتر پیرامون ابعاد و جوانب گوناگون آن انجام شد، به دور از سوگیری‌های آگاهانه و قضاوت ارزشی درباره آن. بنابراین، یافته‌های پژوهش به دنبال تأیید ناپسندی این پدیده نیست، بلکه درصدد است بگوید سایه‌نویسی چیست و چرا و چگونه اتفاق می‌افتد.

۶. فهرست منابع

- اسدی، سعید. ۱۳۹۳. «بدرفتاری علمی و رابطه آن با فعالیت های آموزشی و پژوهشی». کتاب ماه کلیات ۱۷(۲): ۱۰-۱۳.
- الف. ۱۳۹۲. «حراج علم در خیابان». جامعه خبری تحلیلی الف، ۰۷ اسفند.
- ایبنا. ۱۳۹۱. «سرقت علمی نسبت دادن آفرینش یک اثر به فردی دیگر است». خبرگزاری کتاب ایران، ۲۷ خرداد.
- ایسنا. ۱۳۹۳. «وزارت علوم برای مبارزه با «پایان‌نامه فروشی» دست به کار شد». خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۲ تیر.
- ایلنا. ۱۳۹۳. «رونق دکان پایان نامه فروش ها، چرا و چگونه؟». انتخاب، ۱۹ خرداد.
- تابناک. ۱۳۹۳. «تکاپوی وزارت علوم برای برخورد با تقلب علمی». تابناک، ۲۳ تیر.
- جلالوند، امین. ۱۳۹۳. «آغاز مقابله با خرید و فروش پایان‌نامه». جام جم آنلاین، ۲۷ خرداد.
- حری، عباس. ۱۳۸۵. آیین نگارش علمی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- رجب‌زاده عصارها، امیرحسین. ۱۳۹۰. مطالعه میزان آشنایی دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران با مفاهیم و مصادیق سوء رفتارهای پژوهشی و روش‌های کاهش آن، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه تهران، تهران.
- رضازاده، پریا. ۱۳۹۰. «مافیای پایان‌نامه‌نویسی در بازار داغ تحقیق». روزنامه کیهان، ۱۷ دی.
- رفیع‌پور، فرامرز. ۱۳۸۶. سرطان اجتماعی فساد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زارعی، فاطمه. ۱۳۹۳. «هزینه‌های بالای یک تقلب بزرگ علمی / داستان پایان نامه نویس شدن نخبگان دانشگاهی!». خبرگزاری مهر، ۲۵ مرداد.
- زمانی، بی بی عشیرت، سید امین عظیمی، و نسیم سلیمانی. ۱۳۹۲. «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ۱۹(۱): ۹۱-۱۱۰.

سخن آنلاین. ۱۳۹۳. «بازار داغ خرید و فروش پایان نامه و مقاله ISI در غفلت وزارت علوم». شبکه خبری تحلیلی سخن آنلاین، ۸ تیر.

عزیزی، محمدرضا. ۱۳۹۱. «پژوهشی در علل پیدایش جعل حدیث». فصلنامه علمی تخصصی محفل ۷. غلامی، محسن. ۱۳۹۳. «با اجرای لایحه ممنوعیت خرید و فروش پایان‌نامه راسته ایده‌های سرقتی برچیده می‌شود». روزنامه ایران، ۲۹ تیر.

فعلی، سعید، نگین بیگلری، و غلامرضا پزشکی راد. ۱۳۹۱. «نگرش و رفتار دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در زمینه سرقت علمی». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ۱۸: ۱۳۳-۱۵۱.

کرمانی‌ها، امید. ۱۳۸۹. «رواج خرید و فروش پایان‌نامه‌های دانشجویی». افکار نیوز، ۳ بهمن. منصوریان، یزدان. ۱۳۹۳. «قامت خمیده اخلاق علمی» در برابر «تندباد کمیت گرایی». کتاب ماه کلیات ۱۷(۵): ۴-۵. نخعی، نوذر، و هادی نیک‌پور. ۱۳۸۴. «بررسی نظرات دانشجویان پزشکی در مورد فریب کاری پژوهشی در تدوین پایان‌نامه و فراوانی نسبی آن». گام‌های توسعه در آموزش پزشکی ۲(۱): ۱۰-۱۷.

همشهری آنلاین. ۱۳۹۴. «پایان‌نامه فروشی، وزیر علوم را به مجلس می‌کشاند». پایگاه خبری همشهری آنلاین، ۱۹ فروردین.

Akers, Ronald L, and Wesley G Jennings. 2009. "The social learning theory of crime and deviance." In *Handbook on crime and deviance*, 103-120. Springer.

Allen, Moira. 2014. *The Invisible Writer: The Art of Becoming a Ghost*. Writing-World.com 2011 [accessed September 14 2014]. Available from <http://www.writing-world.com/freelance/ghost.shtml>.

Anderson, Melissa S, Marta A Shaw, Nicholas H Steneck, Erin Konkle, and Takehito Kamata. 2013. "Research integrity and misconduct in the academic profession." In *Higher education: handbook of theory and research*, 217-261. Springer.

Apostolou, Barbara, Jack W Dorminey, John M Hassell, and Stephanie F Watson. 2013. "Accounting education literature review (2010–2012)." *Journal of Accounting Education* 31 (2):107-161.

Aprile II, J Vincent 2009. "Ghostwriter: A New Legal Superhero?" *GPSolo* 26 (2):26.

Babbie, Earl. 2013. *The practice of social research*: Cengage Learning.

Bero, Lisa, and Jenny White. 2009. Ghost Writing: How Some Journal Aided and Abetted the Marketing of a Drug. In *International Congress on Peer Review and Biomedical Publication*. Vancouver, British Columbia.

Bohannon, John. 2015. *Study of massive preprint archive hints at the geography of plagiarism*. sciencemag.org 2014 [accessed May 01 2015]. Available from <http://news.sciencemag.org/scientific-community/2014/12/study-massive-preprint-archive-hints-geography-plagiarism>.

Bosch, Xavier, and Joseph S Ross. 2012. "Ghostwriting: research misconduct, plagiarism, or fool's gold?" *The American journal of medicine* 125 (4):324-326.

Bratt, Christopher. 2012. Routine Activities Theory. In *Encyclopedia of Adolescence*, edited by Roger J. R. Levesque: Springer.

Bryman, Alan, and Emma Bell. 2007. *Business Research Methods*: Oxford University Press.

Celik, Cemile. 2009. "Perceptions of university students on academic honesty as related to gender, university type and major in Turkey." *Journal of American Academy of Business* 14 (2):271-278.

China Daily. 2012. "Ghostwriting business booms in China." *China Daily*, May 15.

Cohen, Louis, Lawrence Manion, and Keith Morrison. 2007. *Research methods in education*. 6 ed. New York: Routledge.

- Creswell, John W. 2003. *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. London: Sage publications.
- Creswell, John W. 2009. *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. 3 ed: SAGE Publications, Incorporated.
- Diehl, Michael, and Wolfgang Stroebe. 1991. "Productivity loss in idea-generating groups: Tracking down the blocking effect." *Journal of personality and social psychology* 61 (3):392.
- Ellahi, Abida, Rabia Mushtaq, and Mohammed Bashir Khan. 2013. "Multi campus investigation of academic dishonesty in higher education of Pakistan." *International Journal of Educational Management* 27 (6): 647-666.
- European Science Foundation. 2011. *The European code of conduct for research integrity*. Amsterdam: European Science Foundation.
- Evering, Lea Calvert, and Gary Moorman. 2012. "Rethinking plagiarism in the digital age." *Journal of Adolescent & Adult Literacy* 56 (1): 35-44.
- Fang, Ferric C, Joan W Bennett, and Arturo Casadevall. 2013. "Males are overrepresented among life science researchers committing scientific misconduct." *MBio* 4 (1):e00640-12.
- Garfield, Eugene. 1985. "Ghostwriting-The spectrum from ghostwriter to reviewer to editor to coauthor." *Current Contents* (48):3-11.
- Gasaway, Laura N. 2010. "Copyright Basics: From Earliest Times to the Digital Age." *Wake Forest Intell. Prop. LJ* 10:241.
- Guardian staff. 2015. "Ibrahimovic ghostwriter admits inventing quotes in 'I Am Zlatan'." *The Guardian*, May 27.
- Hammer, George. 1976. "How to exorcise academic ghostwriting." *Phi Delta Kappan*:328-330.
- Haviland, Carol Petersen, and Joan A Mullin. 2009. *Who owns this text?: plagiarism, authorship, and disciplinary cultures*. Logan, Utah: Utah State Univerisy Press.
- Hitt, Jack. 1997. "The writer is dead." *New York Times Magazine*, May 25, 38-41.
- Hu, Ze-wen, and Yi-shan Wu. 2013. "An empirical analysis on number and monetary value of ghostwritten papers in China." *Current Science* 105 (9):1230-1234.
- Inside Higher Ed. 2015. *Term Paper Ghostwriting Common in Russia*. Inside Higher Ed 2013 [accessed May 01 2015]. Available from <https://www.insidehighered.com/quicktakes/2013/01/21/term-paper-ghostwriting-common-russia>.
- Jinran, Zheng, and Luo Wangshu. 2012. "Ghostwriters doing homework." *China Daily*, August 17.
- Jupp, Victor. 2006. *The Sage dictionary of social research methods*: Sage.
- Khisamiev, Nail, and Claire Bigg. 2013. "Academic 'Ghostwriting' Still Going Strong In Russia." *Radio Free Europe/Radio Liberty*, January 15.
- Kirkpatrick, David D. 2001. "Media Talk; Mrs. Clinton Seeks Ghostwriter for Memoirs." *New York Times*, January 8.
- Lacasse, Jeffrey R, and Jonathan Leo. 2010. "Ghostwriting at elite academic medical centers in the United States." *PLoS Med* 7 (2):1-4.
- Lambert, Eric G, and Nancy Lynne Hogan. 2004. "Academic dishonesty among criminal justice majors: A research note." *American Journal of Criminal Justice* 29 (1):1-20.
- Leo, Jonathan, Jeffrey R Lacasse, and Andrea N Cimino. 2011. "Why does academic medicine allow ghostwriting? A prescription for reform." *Society* 48 (5):371-375.
- Lerman, Lisa G. 2001. "Misattribution in Legal Scholarship: Plagiarism, Ghostwriting, and Authorship." *South Texas Law Review* 42:467-492.
- Lewellyn, Patsy G, and Linda C Rodriguez. 2014. *Academic Dishonesty Meets Fraud Theory: A Marriage of Convenience*. Paper read at Proceedings of the International Association for Business and Society.
- Lindsay, David. 2011. *Scientific Writing = Thinking in Words*. Oxford: Csiro publishing.

- Mathews, Anna Wilde. 2005. "Ghost story: at medical journals, writers paid by industry play big role." *Wall Street journal (Eastern ed.)*:A1, A8.
- May, Ernest R. 1953. "Ghost Writing and History." *The American Scholar*:459-465.
- McCabe, Donald L, and Linda Klebe Trevino. 1997. "Individual and contextual influences on academic dishonesty: A multicampus investigation." *Research in higher education* 38 (3):379-396.
- McCutcheon, Angela M. 2010. *Impact of publishers' policy on Electronic Thesis and Dissertation (ETD) distribution options within the United States*, College of Education, Ohio University.
- Miles, Matthew B, A Michael Huberman, and Johnny Saldaña. 2014. *Qualitative data analysis: A methods sourcebook*. 3 ed: SAGE Publications, Incorporated.
- Moxley, Joseph M, Dee Masiello, and Edward Alan Fox. 2002. *ETD guide: the guide for electronic theses and dissertations*: The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO).
- Murray, Will, and Gill Rowell. 2009. A national strategy for ensuring authenticity in student work. In *8th European Conference on e-Learning*, edited by Dan Remenyi. Italy: University of Bary.
- Neuman, William Lawrence. 2003. *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Boston: Allyn and Bacon.
- Newburn, Tim. 2007. "Criminology." *Willan Publishing* 23:7796.
- Office of Research Integrity. 2014. *About ORI: Historical Background*. Office of Research Integrity,, 2011-03-07 2011 [accessed December 09 2014]. Available from <https://ori.hhs.gov/historical-background>.
- Ojaghi, Rezvan, Mahmood Keyvanara, Mozafar Cheshmeh Sohrabi, and Ahmad Papi. 2012. "Pathology Analysis of Plagiarism: A Qualitative Research." *Iranian Journal of Medical Education* 11 (9):1063-1073.
- Pickard, Alison J. 2007. *Research methods in information*. UK: Facet publishing.
- Project LEGAL's. 2015. *What is a social problem?* Maxwell School, Syracuse University 2015 [accessed 21 September 2015]. Available from <http://www2.maxwell.syr.edu/plegal/tips/sp.html>.
- Raloff, Janet. 2009. Ghost authors remain a chronic problem. *Science News*, September 11.
- Ross, Joseph S, Kevin P Hill, David S Egilman, and Harlan M Krumholz. 2008. "Guest authorship and ghostwriting in publications related to rofecoxib: a case study of industry documents from rofecoxib litigation." *Jama* 299 (15):1800-1812.
- Ryan, Kenneth J. 1995. "Integrity and Misconduct in Research." *Report of the Commission on Research Integrity*. Washington, DC: US Department of Health and Human Services.
- Scanlon, Patrick M., and David R. Neumann. "Internet plagiarism among college students." *Journal of College Student Development* 43, 3 (2002): 374-385.
- Schembri, Patrick J. 2007. The different types of scientific literature. University of Malta.
- Scott, Maggie. 2000. Academic Misconduct Policy: A Model for the FE Sector. Association of Colleges.
- Sellers, Christine S., and Thomas Winfree. 2010. Akers, Ronald L.: Social Learning Theory. In *Encyclopedia of criminological theory*, edited by Francis T Cullen and Pamela Wilcox: SAGE Publications, Inc.
- Standler, Ronald B. 2011. Ghostwriting and plagiarism by attorneys and judges in the USA. Dr. Ronald B. Standler Web Page.
- Steneck, Nicholas H. 2006. "Fostering integrity in research: Definitions, current knowledge, and future directions." *Science and engineering ethics* 12 (1):53-74.
- Stern, Simon, and Trudo Lemmens. 2011. "Legal remedies for medical ghostwriting: imposing fraud liability on guest authors of ghostwritten articles." *PLoS medicine* 8 (8):10285.

- Tierney, John. 2006. *Criminology: Theory and context*. Second edition ed. England: Pearson Education
- Tracy, Sarah J. 2012. *Qualitative research methods: Collecting evidence, crafting analysis, communicating impact*: John Wiley & Sons.
- University of Wyoming. 2010. Procedures and Authorized University Actions in Cases of Academic Dishonesty. In 6-802, edited by University of Wyoming: University of Wyoming.
- Walker, Nicholas, and Kristy Holtfreter. 2015. "Applying criminological theory to academic fraud." *Journal of Financial Crime* 22 (1):48-62.
- WantChinaTimes. 2015. *Ghostwriting a billion yuan industry in China*. WantChinaTimes.com 2013 [accessed April 21 2015]. Available from <http://www.wantchinatimes.com/news-subclass-cnt.aspx?id=20130926000012&cid=1504>.
- Whitley, Bernard E. 1998. "Factors associated with cheating among college students: A review." *Research in Higher Education* 39 (3):235-274.
- Wikipedia contributors. 2015. Ghostwriter. In *Wikipedia, the Free Encyclopedia*.
- Wislar, Joseph S, Annette Flanagan, Phil B Fontanarosa, and Catherine D DeAngelis. 2011. "Honorary and ghost authorship in high impact biomedical journals: a cross sectional survey." *British Medical Journal* 343.
- Wiwanitkit, Viroj. 2012. "Ghostwriting: an existing problem." *The American journal of medicine* 125 (10):e17.
- World Association of Medical Editors Editorial Policy Committee. 2005. "Ghost writing initiated by commercial companies." *Policy statements*.
- Writer's Digest University. 2015. *Ghostwriting 101*. Writer's Digest University 2015 [accessed April 02 2015]. Available from <https://www.writersonlineworkshops.com/courses/ghostwriting-101>.
- Xinhua. 2014. "Ghostwriting haunts China's expat students." *China Daily*, Hot Issues.



Iranian Research Institute for Information and Technology
(IrandoC)

Research Project

Investigating Factors Affecting Ghostwriting Business in Iranian Higher Education's Theses and Dissertations

By:

**Behrooz Rasuli, Hamidreza Mokhtari Aski, Majid Nabavi, Morteza
Nabi-Meybodi, Maryam Nazari, Sirous Alidousti**

Autumn 2015